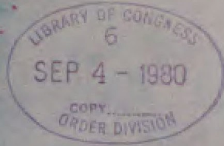
ژوندون



LIBRARY OF CONGRESS
6
SEP 4 - 1980
COPY
ORDER DIVISION



د سيف الدين لودين کتابتون
کتاب پر ليسي شمېره



ببرك كارمل منشی عمومی كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموكراتیك افغانستان بعدازادای نماز عید سعید فطر سلام گارد راقبول می نمایند . درعكس وزیردفاع ملی وعده‌ای از افسران اردوی قهرمان افغانستان نیز دیده میشوند .

اختصار وقایع مهم

هموطنان مسلمان و متدین مادر سراسر كشور روز ۲۱ اسد حلول عید سعید فطر را با سرور و شادمانی استقبال نموده و نماز عید سعید فطر را در عیدگاه ها و مساجد جامع مركز وولایات كشور درفضای نهایت آرام اخوت اسلامی ادا كردند واز بارگاه خالق بی نیاز ترقی و تعالی افغانستان عزیز را تحت رهبری حزب دموكراتیك خلق افغانستان آرزو برده دشمنان وطن وانقلاب را سر نگون و شرم سار خواستند .

ببرك كارمل منشی عمومی كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموكراتیك افغانستان ساعت ۹ قبل از ظهر روز ۲۱ اسد نماز عید سعید فطررابه امامت قاری محمد عمر در مسجد مقر شورای انقلابی ادا نمودند و برای تعالی و ترقی مردم زحمت‌كش و مسلمان افغانستان دعا كردند .

در ادای نماز عید با ببرك كارمل عدهٔ از اعضای بوروی سیاسی و بعضی از اعضای كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان اعضای هیات رئیسه و شورای انقلابی ، برخی ازاعضای كمیته مركزی شورای وزیران عدهٔ از جنرالها ، افسران ارشد قوای مسلح، كارمندان عالیرتبه دولتی، معاون ستره محكمه ، رئیس عالی تمیز ، رئیس و اعضای جمعیت العلما و بعضی از اعضای ستره محكمه اشتراك داشتند .

ببرك كارمل پس از ادای نماز عید سعید فطر به قصر گلخانه تشریف برده ودر آنجا كسانی راكه درنماز با ایشان اشتراك داشتند پذیرفتند و هر یك آنها مراتب تبریكات وتمنیات صمیمانه شانرا به مناسبت ایام متبرك عید سعید فطر به ببرك كارمل ابراز داشتند .

خبر نگار باختر اطلاع میدهد كه خان عبدالغفار خان زعیم بزرگ پشتو نها نماز عید سعید فطر را در مسجد جامع شیر پور ادا نمودند .

* * *

به مناسبت عید سعیدفطر تلگرام تبریكیه عنوانی ببرك كارمل منشی عمومی كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموكراتیك افغانستان از طرف جلالتماب علی ناصر محمد منشی عمومی كمیته‌مركزی حزب سوسیالیست وصدرهیات رئیسه شورای عالی مردم یمن مواصلت كرده است .

* * *

به مناسبت عید سعید فطر عنوانی ببرك كارمل منشی عمومی كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموكراتیك افغانستان تلگرام تبریكیه از طرف‌جلالتماب كلونل سی‌نی كونچی رئیس شورای عالی نظامی و رئیس دولت نایجر مواصلت كرده است ، درین تلگرام جلالتماب موصوف تمنیات نیك شانرا برای صحت ببرك كارمل و سعادت و ترقی افغانستان ابراز داشته است .

* * *

شصت ویكمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان آزاد ومستقل دیروز در سراسر میهن عزیز تجلیل گردید .

داكتر صالح محمد زیری ونور احمد نور اعضای بوروی سیاسی و منشی های كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان واعضای هیات رئیسه‌شورای انقلابی، سلطان‌علی كشتمند عضو بوروی سیاسی كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان، معاون شورای انقلابی‌معاون صدر اعظم ووزیر پلان اعضای بوروی سیاسی كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان و هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموكراتیك افغانستان ، عبد الرشید آرین عضو كمیته مركزی حزب ، عضو شورای انقلابی معاون صدر اعظم و وزیر عدلیه و لوی څارنوال ، اعضای كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان ، اعضای شورای انقلابی جمهوری دموكراتیك افغانستان ، اعضای حكومت و كارمندان عالیرتبه دولتی تارتبه دوم و كسانیكه در كرسی های رتبه دوم ایفای وظیفه مینمایند و همچنان جنرال ها و افسران قوای مسلح جمهوری دموكراتیك افغانستان و كسانیكه در كرسی های جنرالی اشتغال و ظیفه دارند از ساعت هشت صبح الی ۱۱ قبل از ظهر بالترتیب به‌قصر صدارت عظمی رفته مراتب تبریكات شانرا نسبت به این روز پرافتخر تاریخی ملت با شهامت افغان در كتاب مخصوصی كه بدین مناسبت باز شده بود درج و امضاء كردند .

* * *

ببرك كارمل منشی عمومی كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموكراتیك افغانستان عصر ۲۸ اسد واسیل پونگان نمایندهٔ خاص نیكولای چایسسكو رئیس جمهور جمهوریت سوسیالیستی رومانیه و وزیر دولت آنكشور را برای ملاقات در مقر شورای انقلابی پذیرفتند .

* * *

به جواب پیامهای تبریكیه ببرك كارمل منشی عمومی كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموكراتیك افغانستان به مناسبت روز ملی جمهوری مردم پولند، پیامهای امتنانیه از طرف ادوارد گیریك منشی اول حزب متحده كارگری پولند ، هنری یابلونسكی رئیس شورای دولتی و ادوارد بابیوویچ رئیس شورای وزیران مواصلت كرده است .



اعلیحضرت امان‌الله خان غازی‌كه دردورهٔ زمامداری اش مردم دلیر افغانستان، استقلال كشور را بدست آوردند .



... کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک ...تان موقعیکه بیانیه شانرا به مناسبت شصت ویکمین سالگرد استرداد استقلال کشور عزیز ومحبوب ما افغانستان از طریق رادیو تلویزیون ایراد مینمایند .

شصت ویکمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان بامراسم خاصی تجلیل گردید

...تن بیانیه ببرك کارمل منشی عمومی کمیته ... حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس ... انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان ...سبت شصت ویکمین سالگرد استرداد استقلال ...ستان .

...وطنان آزاده کشور !
...دران ، خواهران !
...ز ۲۸ اسد مصادف ... یکی ازشورانگیز ترین ... تاریخ پر افتخار کشور ... ما افغانستان شصت و

يك سال قبل ، آزادی خواهان دلیر وطن با درفش سرخ آزادی باتن های خونین ، سر های بلند و سینه های پر از مهر وطن و عشق آتشین به آزادی واستقلال با نیروی اهر یمنی استعمار که جهانی از درد و رنج و تحقیر و توهین فقر و اسارت را بر مردم آزاده ما تحمیل نموده بود ، جنگ عادلانه آزادی بخش را اعلام داشتند .

بیایید به روان پاك شیر مردان و شیر زنان راه آزادی و استقلال وطن درود های آتشین مشحون از سپاس وقدر دانی رانثار کنیم !

قیام قهرمانانه خلق های افغانستان اعم ازپشتونها ، تاجکها ، هزاره ها ، بلوچها ازبکها ، ترکمنها ، نورستانی ها وغیره دریك جبهه و سیع ملی پدر وطن که دو جنگ قبلی عادلانه ضد استعماری را به مثابه پشتوانه الهامبخش مبارزه آزادی بخش خویش با خود داشتند به تاریخ ۲۸ اسد ۱۲۹۸ هجری شمسی به نقطه عطف سیاسی یعنی اعلام رسمی استقلال افغانستان رسید وبه این ترتیب به تسلط استعماری تجاوزکاران انگلیسی در سرزمین ما پایان داده‌شد .

بهتر است نگاهی بتاریخ معاصر کشور خویش بیاندازیم افغانستان که در مرکز یعنی قلب آسیا از لحاظ استراتژیکی اهمیت زیادی‌دارد پیوسته هدف تجاوز قدرت های استعماری وامپریالیستی بوده‌است . استعمار گران انگلیس از قرن نزدهم میلادی برای به انقیاددرآوردن دولت مستقل افغانستان تلاش میکردند .

درسال ۱۲۱۷ برابر به ۱۸۳۸ عیسوی اشغالگران انگلیسی به سرزمین‌افغانستان تجاوز کردند . ولی آنها در جنگ با آزادی‌خواهان دلیر وطن ما مفتضحانه شکست خوردند واز سر زمین مقدس ما رانده شدند . بریتانیا جنگ دومی را نیز بر مردم ما تحمیل کرد ولی با مقاومت شدید خلق آزاده ما مواجه شد و مجبور به عقب نشینی گردید . با وجود این، استعمار گران انگلیس با استفاده از ضعف داخلی رژیم و خیانت امیر عبدالرحمن توانستند رسماً عنوان تحت الحمایگی را بر دولت افغانستان تحمیل کنند .

انگلیس ها که در مورد آسیای مرکزی از اندیشه های تجاوز کارانه خود به هیچوجه دست بردار نبودند ،عهد شکنانه یکر شته از مناطقی را که قبایل افغانستان در ان

لطفاً ورق بزنید

ساکن بودند اشغال کردند .

در ابتدای قرن بیستم امیر حبیب الله با به سلطنت رسیدن خویش شرا یط تحمیلی استعمارگران انگلیسی رابه رسمیت شناخت و عملا افغانستان را به مستعمره انگلیس مبدل کرد . پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتو بر وبوجود آمدن جمهوری خود مختار شوروی تر کستان در آسیای میانه ،بریتانیا تدارك می دید و نقشه میکشید تا افغانستان را مطلقا به اسار ت کامل بکشاند و به کانونی برای فعالیت های خرابکارا نه علیه شوروی تبد یل کند .

ولی این نقشه های خاینانه عملی نشد مدا خله گران انگلیسی در جبهه ماوراء کسپین به دست اردوی سر خ قهرمان شوروی شکست خوردند و مقارن با آن‌استقلال افغانستان در تحت زما مدا ری غازی امان الله شاه و به‌اراده شکست ناپذیر وطن پر ستان افغان و شرکت فعال همه ملیت ها و اقوام غیو ر افغانستان حاصل گردید . با اعلام استقلال از جانب دو لت افغانستان به حکومت شوروی بر قراری منا سبات دو ستانه پیشنهاد شد ،حکو مت‌شوروی نخستین کشوری بود که استقلال و حاکمیت‌افغانستان را در ۲۷ مارچ سال ۱۹۱۹ به رهبری ولاد یمیر ایلیچ لنین به رسمیت شناخت وهمچنا ن افغانستان با اعلام جنگ‌رهایی بخش ملی علیه امپریا لیزم انگلیس و به رسمیت شناختن جمهوری جوان شوروی وظایف ملی و بین المللی خود را در برابر جمهوری جوان شوروی دلیرانه ایفاء کرد .

علاوه برآنکه پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر تاثیر بزرگ معنوی و عملی بر جنبش‌آزادی خواهانه مردم آزاده وطن ما وارد کرد و همچنان در هم شکسته شدن نیرو های انگلیسی در ماوراء کسپین توسط اردوی سرخ ، مبا رزه عادلانه مردم مارابرای آزادی و استقلال علیه استعمار گرا ن انگلیسی آسانتر سا خت جمهوری جوان شوروی با وجود اینکه خود به مشکلا ت بزرگی مواجه بود ضمن انجام وظایف انتر نا سیو نالیستی خویش از هیچگو نه کمك مادی و معنوی برادرا نه برای احراز استقلال افغانستان وبعداً برای تحکیم و استقرار آن دریغ نه ورزید . چنا نچه در اولین سال پس از حصو ل استقلال کشور ما ، جمهوری شوروی یك میلیون روبل طلا چند فروند طیاره ، پنجهزار قبضه تفنگ باذخیره لازم مهمات ونیز سا ختمان فابریکه باروت سازی مکتب هوا نوردی اعزام متخصصین فنی‌وغیره به صورت کمك بلا عوض در اختیار دولت افغانستا ن قرار دادو تمام مساعی لاز مرا به عمل آورد تا افغانستان بتواند از استقلال خویش در برابر مداخلات و تجاوزات ارتجاع خارجی و د اخلی دفاع نماید .

قیام بزرگ ملی مردم وطن ما نه یك امر تصادفی ، نه یك جریان صرفاً خود بخودی و نه یك عمل قهر مانانه فردی بود این قیام نتیجه منطقی‌مبارزات طولانی جانبازانه مرد م غیور ما علیه تسلط سیستم استعماری غارتگر و اشغا لگر ستمگر و استثمارگر انگلیس بر کشور مابود .

توده های وسیع مردم افغانستان علی الر غم عقب ماندگی عمومی کشور وکوشش های استعمار در جهت‌سرکوب هرنوع جنبشی ، با آگاهی از امر مقدس دفاع از شر ف ونا موس ، از منافع‌ملی وطن متحد و یك پارچه به پا خاسته لانه طاغوتی ستم پیشگا ن استعمار گر را در هم کوبید ، مردم افغانستان که در زیر یوغ جهل و عقب ماند گی وظلم ناشی ازتسلط دو گا نه استعمار و فیودالیزم ، قبیله‌یی به سر میبردند باقیام عمو می همه زنجیر های سیاه استعمار کهن را در هم شکست و به مثابه او لین کشور مسلما ن آزاد آسیا از میان ظلمت های استعمار زده به پاخاست .

ولی امپریالیزم غدارانگلیس که‌از سیاست خارجی مستقل غازی امان الله که بر اساس اراده مردم افغانستان استوار بود خصومت می ورزید ، به توطئه علیه حکومت قا نو نی افغانستان مشغول شد . حیله‌ها و نیرنگها ، وسیله‌ها وراه های آزما یش شدهٔ سنتی استعماری به کار گر فته شد. استعمار گران انگلیس با استفاده از حربه خاینا نه ایجاد تفر قه و خانه جنگی در بین‌مردم ، تطمیع مر تجعین وخائنین به وطن و تبلیغات دروغین ، مزورا نه یی تحت، نام دین مقدس اسلام توانست قسمتی از مردم ما را برعلیه غازی امان الله ووطن پرستان افغان و اقدامات آزادی‌خواهانه وترقی خواهانه آنان بشوراند.

نو کران زر خرید استعمار با استفاده ناجایزاز دین‌مقدس اسلام در بین مردم دست به تبلیغات دروغین و جعلیا ت وافترا آت زدند و آنان را به گمراهی کشیدند. تمام کوشش استعمار معطوف به این نکته بود که استقلال افغانستا ن صرفاً به صورت نام نهاد در عرصه سیاسی باقی بماند و چنانچه دیدیم همینطور هم‌شد طوریکه سلسله نادر وا بسته به امپریالیزم که قدرت را غصب کرد طی پنجاه سا ل حاکمیت بلا منازع خویش مانع آن شد که مردم افغانستا ن از نتایج استقلال بهر مند شو ند استعمار با سقوط دادن‌غازی ـ امان الله و ایجاد وقفه طولانی در پروسه رشد و تکا مل اقتصادی ، اجتماعی وطن ما توانست در طول سال های زیاد به وسیله رژیم‌های‌متکی بر سیاست واداره استعمار ی وفیودالیزم عشیره وی مردم‌ما را چاپیده واز سهمگیری فعال آنها در امر تسریع جنبش‌ضد امپریا لیستی و ضد فیودا لی جلو گیری نماید .

در سال های قبل از جنگ جهانی دوم ودر جریان این جنگ ، افغانستان در معر ض مداخلات سیاسی و اقتصاد ی آلمان فاشیست و متحد ینش قرار گرفت . آنها میکوشیدند افغانستان را از سیا ست بیطرفی دور کنند ، به اردوگاه خود بکشانند واز سرزمین ما به عنوان یك میدان کار زار مناسب برای تجاوزا ت خود علیه اتحاد شوروی و کشور های منطقه استفاده کنند .ولی آلمان فا شیست به این امر موفق نشد .

با در هم کو بیده شدن‌نیرو های فاشیزم هیتلری به وسیله اتحاد شوروی خطر اسیر شدن ملت افغانستا ن از طرف آلمان فا شیستی‌بر طرف گردید .

بیا یید به رو ان پاک شیرمردان وشیرزنان راه آزادی واستقلال وطن درود های آتشین مشحون از سپاس وقدردانی رانثار کنیم .

درود به روان پاک شهدای قهرمان راه آزادی واستقلال !

پس از جنگ جهانی دوم تسلط کامل بریتانیا برآسیا خاتمه پیدا کرد .

جای امپریالیست در جهٔیك در شرق رایعنی جای امپریالیزم حیله گر انگلیس را ، امپریالیزم جهانخوار امریکا گرفت . ایالات متحده امریکا درستراتیژی سیاسی خارجی تجاوزکارانه خود در ارتباط با آسیا جای مهمی برای افغانستان قایل بود. امپریالیزم امریکا تلاش میکرد تا افغانستان را از سیاست بیطرفی جدا کند ، آنرا به‌طرف بلوکهای نظامی ، سیاسی غرب بکشاند و سرانجام افغانستان را به میدان عمل سوق الجیشی خود به منظور سرکوب نهضت آزادی بخش خلق افغانستان و تجاوز علیه اتحاد شوروی تبدیل کند .

امپریالیزم امریکا بااستفاده از فشار های اقتصادی به نام به اصطلاح «کمك» فعالیت های توطئه گرانه جاسوسی وتحریك اختلاف بین‌افغانستان وپاکستان وایران و با ایجاد مشکلات تجارت و ترانزیت افغانستان از طریق پاکستان ودر واقع به محاصره اقتصادی افغانستان به عنوان عوامل فشار تلاش می ورزیدتامقاومت مردم آزاده ما را در برابر توطئه ، کشاندن‌افغانستان به بلوکهای نظامی سیاسی با امپریا لیست ها ، در هم شکند ،ولی مردم افغانستان یکبار دیگر دوست صادق و دیرین خود اتحاد شوروی را در کنار خود یافت . اتحاد شوروی باکمك های بزرگ وبی شایبه خود در عرصه های مختلف اقتصادی ، تخنیکی، فرهنگی ، دفاعی و معنوی واز جمله باز کردن راه ترانزیت برای افغانستان از طریق خاك اتحاد شوروی به‌طور آزاد و بدون پرداخت عوارض گمرکی خود را بار دیگر به مثابه دوست صدیق و تکیه گاه مطمئن مردم ما در روز های دشوار ثابت ساخت .

چنین است نکاتی از تاریخ سیاست تجاوز کارانه غرب امپریالیزم حیله گر انگلیس ، امپریالیزم درنده فاشیزم هیتلری وامپریالیزم‌جهانخوار، توطئه گر و تجاوز کار امریکا در مناسبات‌با افغانستان در جریان بیش از صد سال و همچنان حقایق‌کمك های‌بزرگ مادی و معنوی همه جانبه، بی‌شایبه و فداکارانه اتحاد شوروی همسایه بزرگ‌شمالی ماکه در هر مرحله به یاری‌مردم ما شتافته است .

مداخلات ، تحریکات و تجاوزات نیرو های امپریا ـ لیستی و ارتجاعی به تاسی از منافع طمع کارانه آنها در افغانستان خاتمه نیافت .

با پیروزی انقلاب ثور که‌راه رهایی از بهره کشی اجتماعی ووابستگی به امپریالیزم را برای همیشه در برابر خلق افغانستان گشود، افغانستان بار دیگر با دشمنی آشکارنیرو های ارتجاع خارجی مواجه شد .

امپریالیزم امریکاباهمدستی توسعه طلبان چینی و با پشتیبانی فعال رژیم نظامیگر ارتجاعی پاکستان و رژیم سادات خود فروخته و دیگر رژیم ها و نیرو های ارتجاعی عربی وابسته به امپریالیزم بقایای ساواکی ایران و صهیونیزم بلا فاصله پس از انقلاب دسایس خود را علیه جمهوری دموکراتیك‌افغانستان آغاز کردند . هدف این دسایس روشن بود : ازبین بردن نظام پیشرو و مترقی جدید در افغانستان ، بر قرار کردن مجدد نظام فیودالی و محروم کردن مردم افغانستان از استقلال و آزادی حفیظ الله امین جاسوس امپریالیزم و دار ودسته اش با فعالیت های جنایتکارانه خود به نقشه های شوم نابودی افغانستان به دست ارتجاع و امپریالیزم و نقشه تبدیل افغانستان‌به‌پایگاه تجاوز علیه جنبش های آزادی بخش منطقه ما و علیه اتحاد شوروی یاری میرساند . ولی این نقشه خاینانه امپریا لیستی باز هم به هنگام خنثی گردید و مرحله دوم و نوین تکاملی انقلاب ثور پیروز مندانه آغاز یافت .

در حالیکه استقلال ملی کشور مارا خطر جدی ناشی از تجاوزات امپریالیستی‌تهدید میکرد، یکباردیگردوست‌بزرگ وآزمودهٔ مردم‌افغانستان ،اتحاد شوروی درکنار ما قرارگرفت. دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان بمنظور دفع تجاوز امپریالیزم از خارج، از اتحاد شوروی خواستار کمك بی درنگ معنوی ،سیاسی و اقتصادی شد.دولت شوروی براساس وفاداری خدشه ناپذیر به‌انترناسیونالیزم و سیاست اصولی خارجی‌خویش وکمك به جنبش های آزادی بخش خلقها ئیکه مورد تجاوز استعمار گران وامپریالیزم‌قرار میگیرند ،ضمن دادن پاسخ مثبت به تقاضا های مکرر و پی در پی‌دولت جمهوری‌دموکراتیك افغانستان ،تعداد محدودی ازقطعات نظامی خودرا به افغانستان فرستاد.دربرابر این قطعات تنها یك مسأله‌قرار داشت وقرار دارد : کمك‌بمردم افغانستان درمبارزه علیه‌تجاوز کاران ودفع مداخله دشمنان آزادی واستقلال افغانستان .

این یاری اتحاد شوروی به مردم افغانستان به هیچوجه علیه منافع کشورسومی‌نیست واز هر لحاظ باروح قرار داد دوستی ،حسن همجواری و همکاری‌یی که‌درثوس۱۳۵۷ از طرف دودولت امضا شده است وباحقوق‌بین‌المللی (ماده ۵۱) منشور ملل‌متحد مطابقت‌دارد استوار است .

اینکه اتحاد شوروی صلح خواه ،گویا از طریق افغا ـ نستان چشم به آبهای گرم و خلیج فارس وغیره دارد جزجعلیات تحریك آمیزرذیلانه ودروغ شرم آور خاینانه از جانب ارتجاع امپریالستی در رأس امپریالیزم امریکا ،تجاوز کاران چینی وارتجاع منطقه چیز دیگری بوده نمیتواند . افغانستان انقلابی بصورت قطع مدافع صلح وامنیت،صلح و دوستی ملل آزاد ، آزادی ووحدت خلقها ،استقلال ملل وتمامیت کشور های جهان و آرزومند حل صلح آمیز و مسالمت آمیز سوء تفاهمات ومسایل میان ملل ودول‌منطقه وجهان بوده ومیباشد

هیچگاه از سر زمین افغا ـ نستان کوچکترین خطری برای هیچ کشور همجوار ، از جمله ملل همجوار وبرادر ایران وپا ـ کستان بوجود نخواهد آمد .ما رسماوباتمام‌صداقت صلحخوا ـ هانه به کشور های منطقه ودر سطح جهانی پیشنهاد نموده‌ایم که در صورت تضمین مطمئن آنها مبنی بر قطع تحریکات ، مداخلات وتجاوزات بر سرزمین ما وبرعلیه منافع ملی حیاتی مردم ما، قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی به‌کشور صلحدوست وبزرگ خود برخواهند گشت .ما صرفا بخاطر حفظ استقلال ملی خود دفاع از حاکمیت ملی وتمامیت‌ارضی کشور خویش ، از دوستان و برادران شوروی خود ،در خوا ـ ست کمك کرده ایم.

بقیه درصفحه۵۳

بیائید به روان پاك شیر مردان وشیر زنان راه آزادی واستقلال وطن درود های آتشین مشحون از سپاس وقدر دانی رانثار کنیم .

(ببرك کارمل)

شنبه اول سنبله ۱۳۵۹ ـ ۲۳ اگست ۱۹۸۰

برافراشته باد درفش استقلال افغانستان آزاد وانقلابی

مردم قهرمان و آزادی دوست افغانستان شصت و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور را در شرایطی تجلیل می‌نمایند وبیاد قهرمانان کار زار قیام ملی علیه تجاوز انگلیس را گرا می میدارند که در پرتو مرحله نوین و تکامل انقلاب ثور ، پایه های مادی و معنوی استقلال سیاسی کشور استحکام می یابد .

حافظه فنا نا پذیر زمان بیاد دارد که ارتجاع و امپریالیزم شکست خورده انگلیس که مردم افغانستان در قلب آسیا برای اولین بار زنجیر های اسارت و اشغالگری آنرا در هم شکست با تمام نیرو و قدرت تلاش ورزید تا استقلال سیاسی افغانستان را نیم بند ودر ظواهر حفظ نمایند ، ازینرو باتوطئه ودسیسه سلطنت مشروطه امان الله خان راسرنگون نمود وبه عوض آن نوکران گوش بفرمان خودش خاندان نادر ، داود را به اریکه قدرت رساند .

ارتجاع وامپریالیزم طبقه روحیه استعماری بعد از استقلال به وسیله خاندان سفاك نادری تمام نعم مادی و معنوی کشور را که درطول تاریخ بدست آمده بود به چپاول برده و وحشیانه در عقب نگهداری افغانستان با هم همکاری نمودند و تا توانستند جلو پیشرفت و ترقی را در بخش های اجتماعی و اقتصادی که ضامن اصلی استقلال سیاسی می باشد گرفته و افغانستان را در طول زمامداری خاندان جلاد پیشه نادر از کاروان ترقی دور نگهداشتند .

استقلال وآزادی افغانستان که با برسمیت شناختن دولت کارگری روسیه ، اعتبار عظیم بین المللی کمایی نمود در روابط همسایگی دو کشور همسایه تاثیر همه جانبه ای را بجا گذاشت .

دولت کارگری روسیه یا اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از آغاز استقلال تا کنون بهترین روابط همسایگی را با مردم افغانستان داشته و این روابط علی الرغم دسایس، توطئه ها وکارشکنی های اجیران و کماشتگان استعمار و امپریالیزم از خم و پیچ های زمانه سر بدر کرد و تا انقلاب شکوهمند ثور و مرحله نوین تکامل آن سر فراز از ازمایش زمان گذشت .

در داخل کشور بعد از سقوط دولت امانی وسرکوب خونین و طنین ستان و آزادی خواهان ، هرگز یاد شهدای معرکه استقلال از محافل روشنفکری و آزادی خواهی واز میان خانواده ها و مردم افغانستان دور نرفت تاریخ بیاد داردکه قصه های واقعی پیکار قهرمانانه علیه انگلیس اشغالگر و تجاوز پیشه با افتخار یاد آوری می شد و روحیه رزمندگی پیکار گران جنگ عادلانه علیه انگلیس در روح و روان‌فرزندان وطن آشیانه داشت .

مبارزان وطن باروشن نگهداشتن مشعل تابان آزادی و استقلال مبارزه علیه خاندان جبار نادر داود و باداران امپریالیستی‌شانرا به پیش بردند ودر روشنی روابط دوستانه افغان ـ شوروی و درپرتوپیروزی های عمیق و همه جانبه جنبش های انقلابی و آزادی بخش جهان به اشکال مختلف نبرد دست بردند تا دشمنان استقلال و آزادی کشور را که حتی روز اصلی آزادی و استقلال را به فراموشی سپرده بودند (خاندان نادر داود) ازمیان بردارند و استقلال واقعی کشور را دو باره تامین‌نمایند

به همین آرزوها و امید ها جنبش نوین انقلابی با تاسیس حزب دموکراتیك خلق افغانستان گام های متین در جهت استحکام استقلال افغانستان و سر نگونی سلطنت جباران تاریخ و جلادان خون آشام برداشت تا اینکه انقلاب شکوهمند ثور برج وباروی سلطنت و جمهوری قلابی داود شاهی رابلرزه در آورد و ارکان ستمگری آنرا فرو ریخت.

با پیروزی انقلاب ثور یکبار دیگر یاد اسلاف قهرمان‌و جنگجوی افغان‌زنده گردید و فرزندان خلف شان سرنوشت کشور را دو باره از حیطه اهریمنان خارج نموده وبا اعلام خط مشی دولت ، **بعداز سال ۱۹۱۹ع** یعنی بعد از استرداد استقلال افغانستان قلب آسیا را دو باره به تپش‌درآورد و استقلال افغانستان استحکام یافت

باز هم بعد از انقلاب ثور ارتجاع وامپریالیزم بر هبری امپریالیزم امریکا توسط کودتایی در حزب و دولت قدرت را بدست امین وباند تبهکارش سپرد و با خشم حیوانی به قصد نابودی مردم چون حیوان درنده و وحشی هر طرفی‌دهن باز کرد و حلقوم آزادی خواهان را فشرد تا اینکه گردن خودش با دست وحدت و هماهنگی فرزندان مردم به شمشیر آزادی و عدالت اجتماعی از تن نا پاکش قطع گردید تا کنون باند بست ها وارتجاع امپریالیستی‌در سوگ آن‌نشسته واز توطئه و دسیسه دست نمیکشند

درین مسیر قیام تاریخی و شجاعانه ششم جدی ۱۳۵۸ انقلاب ثور را وارد مرحله‌نوین آن ساخت که در واقع انقلاب ، مردم ،وطن و استقلال وطن از تباهی پلان شده توسط عمال و دستگاه های جهنمی امپریالیزم امریکا و دیگر یاران و چاکران کاسه‌لیسش نجات یافت واستقلال افغانستان آزاد و مستقل در قلب آسیا برای همیش استحکام یافت .

ازینرو شصت و یکمین سالگرد استقلال افغانستان آزاد و انقلابی جشن واقعی استقلال بحساب آمده و مردم افغانستان حق دارند به حزب دموکراتیك خلق افغانستان فخر کنند و ببالند که با درك درست واصولی مبارزه نجات انقلاب و استقلال افغانستان را رهبری نموده و به سوی قلل تکامل رهنمون می شود .

برافراشته باد درفش آزادی واستقلال .

نیرومند باد جمهوری دموکراتیك افغانستان

زنده باد پاسداران راستین استقلال کشور

مرگ بر ارتجاع و امپریالیزم

درین شماره

شرح روی جلد :
رحیم مهر یار آواز خوان محبوب تلویزیون

شرح پشتی چهارم : تابلوی نقا کهزاد .

تبصره

آزادی جزلاینفک حیات مردم ماست

آوانیکه پای استعمار به هند رسید (اوایل رن هجده) این پای گـذاری استعماربه نیم ره زنگ خطری بود برای همه کشور ها ی منطقه ، زیرا استعمار بخصو ص استعمار حیل انگریزی چون دانه سرطان به‌هرطرف یشه می دواند و هیچ منطقه ایرا مصئون نه ی گذارد و حیات آزاد شانرا تهدید و سلب ی کند .

اروپائی ها از زمانه های باستان با محصو- لات هندوستان که خیلی مرغـوب و نایاب ود آشنائی داشتند و این محصو لات را از طرق راه ها ی تجارتی آسیا بدست میاوردند ولی بعد از آنکه نسبت جنگ های صلیبی راه های خشکه یا مسدود گردید و یا غیر مئون شد دریا نوردان اروپائی یکی بعد دیگر از راه آب عازم هند وستان شدند حتی کشف امریکا نیز مـحصول شوق وذوق ستیابی اروپائی ها به هند وستان است . رست سال ۱۷۰۰ بود که کمپنی های تجارتی با لك مختلف اروپائی در هند تاسیس شد که بالاخـره به‌تصرف وغصب هـند وستان ست انگلیس ها (انگلیس ها توانستند بـا حیله و نیرنگ‌و زور وزر دیگر حریفا ن را میدان براند) منجر شد .

اژدهای انگلیس آوانیکه بدور گنج هند- ستان حلقه زده‌ر طرف آنرا خوب پائید تـا زدستش ربوده نشود . انگلیس بحیث بزر- ترین قدرت استعماری قوی ترین و مجهز ن بحریه را نیز بدست داشت لذا راههای ی را می توانست با اتکا به این قو ت بود سازد و چون هندو ستان تنها ازطرف ال به خشکه سر حد دارد و هکذا شما ل ب هندو ستان توسط کو هها سر بفلك شده همالیا سد شده است لذا یگـانه را- بکه هندو ستان را از طریق خشکه باخارج بط می داد واز آن راه خطری متو جه هند- ستان بود همانا راه افغا نستان بودوانگلیس نیز در صدد سد سا ختن این راه بـر یامد .

آوانیکه عضو یت ضعیف شود هر نوع وب میتواند بر آن غلبه نماید و آنرا از ر آورد ، استعمار نیز همین خا صیت دارد استعمار اولا کشور های مورد نظر ش را ضعیف و متفرق می سازد بعد از بر آن حمله می کند و مضمحلش می

آوانیکه انگلیس متوجه افغا نستان شد جا امپرا طوری احمد شاه درانی که از مشهد در غرب تا دهلی در جنوب امتداد داشت نسبت نفاق و خانه جنگی بین برادران سدو- زائی (پسران تیمورشاه) و نفاق افگنی ها و کینه توزی های پاینده محمدخان و پسرانش دستخوش تشتت و پراگندگی ودر نتیجه خیلی ضعیف شدم بود و یکی از پسـران تیمو رشاه (شجاع الدوله) نزد انگلیس ها فرار نموده و سبب یورش انگلیس ها به کشور ماشد

انگلیس ها تنها از افغا نستان هـراس نداشتند آنها بهانهٔ دیگری هم پیش مـی کشیدند و آن عبارت از خطر یورش روسیه به‌هند بود چنانچه به‌گور نر جنـرال آنو قت انگلیس در هنددرسال ۱۸۳٦ از طرف جاسو- سان انگلیس گفته شد که : در افغا نستان برای جلو گیری از پیشر فت روسیه بهر نو عیکه شود باید مدا خله صورت گیرد . آری سال ۱۸۳۹ شروع تعرض انگلیس بر خاك افغا نستان بود . ببر ك کارمل منشی عمومی کمیته مر کزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دمو کراتیك افغانستان در بیانیهٔ شان بمناسبت شصت و یکمین سال استرداد استقلال کشور درین مورد چنین می فرمایند : «بهتر است نگاهی بتاریخ معاصر کشور خویش بیندازیم . افغـانستـان کـه در مرکز یعنی قلب آسیا از لحـاظ استرا- تیژیکی اهمیت زیادی دارد پیوسته‌هدف‌تجاوز قدرت های استعماری و امپر یا لیستی بوده است . استعمار گران انگلیس از قرن ۱۹ میلادی برای انقیاد در آوردن دولت مستقل افغا نستان تلاش میکردند . در سال ۱۲۱۷ برابر به ۱۸۳۸ ع اشغال گران انگلیس به‌سر زمین افغا نستان تجاوز کردند ولی آنها در جنگ باآزاد ی خواهان دلیروطن مامفتضحا نه شکست خوردندو از سر زمین مقدس مارانده شدند . بریتانیا جنگ دومی را نیز بر مردم ما تحمیل کرد ولی با مقاومت شدید خلق آزاده مامواجه شد و مجبور به عقـب نشینی گردید . باوجود این استعمار گران انگلیس با استفاده از ضعف داخلی رژیم و خیانت امیر عبدالرحمن توانستند رسماً عنوان تحت الحمایگی‌رابردولت افغانستان تحمیل کنند...»

در طی حملهٔ اول خود انگلیس قطعاً نتوا- نست بر مردم افغا نستان تسلط خود را تامین نماید ولی این شا هان و امرای خائن ودست نشانده بودند که همه امیال انگلیس ها را عملی می‌نمودند چنانچه طبق معاهدات نـــام نهادیکه باشاه شجاع‌بعمل آوردند «معاهدات لاهور و قندهار (۱۸۳۹-۱۸۳۸) »ولایات‌شرقی کشور مـارا ازآن مـجزا ساختند . اگـــر تاریخ واقعی دو قرن اخیر افغا نستان راورق بزنیم بخو بی درخواهیم‌یافت‌که‌مردم زحمت- کش و وطن پرست افغا نستان همیشه بـــه صورت آشتی نا پذیر با تجـاوز کـاران و استعمار گران رزمیده اند و هر گز طو ق اسار ت آنهارابرگردن نه نهاده اند ولی در مقابل اکثر شاهان و حکمرانان خائن و جاه طلب برای دوام سلطنت و حکمروائی خود حتی بفر و ختن خاك ووطن تن در داده اند .

مردم افغانستان باوجود آنـــکه انگلیس با پیش کشیدن شاه خائن به کشور شان آمده بود آوانیکه تو سط وطن پر ستان و مجا هدین وطن آگاه سا خته شدند کـــه انگریز پردهٔ ریا را برخ کشیده است علیه آن شوریدند زیرا در یکی دو سال او ل انگلیس ها با تزویر و ریا مـی خواستند سلطه خود را از انظار پنهان سازند و ملت افغا نستان از درك ما هیت اصلی مو ضو ع عاجز بودند . د و سال بعد (۱۸٤۱_۱۸٤۲) انقلاب ضد استعماری مردم افغا نستان شعله ور گردید . انگلیس ها که‌در حدود پنجا ه هزار عسکر خود را در شهر هـــای مختلف افغانستا نجابجا کرده بودند نسبت دا شتن اسلحه های مدرن و قوی هما نو قت استیلای خود را جاودانی فکر می کردند ولی بی خبر از آن بودند که اگر مردم افغا نستان اسلحه مدرن ندارند بقوت ایمان ووطن پرستی خود آنها را چنان زبون خواهند سا خت که عبرت خویش و دیگران گردد .

در او اسط سا ل ۱۸٤۱ همه مرد م اعماز زن و مرد و پیر و جوان بعد از بسیج شدن بر اردو گاه های دشمن یورش بردند که‌در اخیر همان قصه های مشهود مکناتن و جنرال پالك و داکتر برایدن و غیره بو قوع پیوست و دشمن زبون و آماده ترك افغا نستان گردید. روز دوم نوامبر ۱۸٤۱ در تاریخ افغا نستا ن یکروز پر افتخار است . این آن روز یست که مردم شرافتمند و سلحشور افغا نستان به جها نیان ثابت سا ختند که با اراده و ایمان وطن پر ستانه و آزاد یخوا هانه بزر- گترین قدرت استعماری وقت یعنی انگریز متجاو ز و استعمار گر را از پادر آورند .

خلق با شهامت افغا نستان در بدل جا ن ومال و خون خود دشمنان را زبون و شکست داد ولی همان طوریکه می دانیم این سلاطین و امرای خائن و جاه‌طلب بودند که حا صل این همه جا نبازی ها را برای نفع خود و نسبت بزدلی خود به معا مله می گذاشتند ، این بار نیز چنین شد امیر دوست محمد خان که خود را قبلا به انگلیس تسلیم نمـو ده بود با پذیر فتن خوا هشات استعمار گرانه انگلیس یکبار دیگر بر تخت سلطنت تکیه زد او مردم افغا نستان را بمقابل دشمن خلع سلاح نمود و دشمن مغلوب و زبون راحیثیت غالب داد . انگلیس توانست که با تحمیل شرایط خود بر امیر شکست ننگین خود را پرده‌پوشی وجبیره نماید وانگـلیس عهـــد شکن نیز یکبار دیگر برای گر فتن انتقام خونین از مردم افغا نستان مو قع یافت و چندین شهر از جمله محلات تاریخی کابل را به آتش کشید .

ولی انگلیس ها از شکست مر گبار خود درطی تجاوز اول خویش عبرت نگـــرفتند و یکبار دیگر پس از ۳۵ سال (۱۸۷۸) یکبار دیگر بـــه کشور ماتجاوز کردند در حقیقت ما هیت استعماری و پلان های توسعه طلبانه انگلیس ها تغییر نیا فتند زیرا دولت انگلیس برای حفظ گنج هندو ستان و پیش برد سیا- ست فارورد خویش از هیچ واقعه ای عبرت نمی گرفتند . دولت استعماری انگریز این بار مجهز تر و با قشون منظم تر و بی‌شرمی بر کشور ما حمله ورشدند . سیا ست مدا- ران انگلیس بزعم خودشان برای‌اینآمده بودند تاافغانستان را ازروی نقشه جهان مـــعد وم سازند!؟ با وجود آنکه بین تجاوز اول ودوم انگلیس تقریباً سی‌و پنج سال فا صلهٔ زمانی مو جود بود دولت های ارتجاعی افغا نستا ن هرگز نتوانستند ونخوا ستند تا برای د فـع تجاوز بیگانه درین مدت تیاری بگیر ند . همان بود که دولت استعمار گرا نگلیس از شش محاذ بر کشور ما حمله ور شدند و مردم افغا نستان یکبار دیگر در برابر یك آزمون بزرگ تاریخی قرار گرفتند . ولـــی همان طوریکه این مردم وطن پرست در طول تاریخ عملا ثابت ساخته اند که هر کـــز زنجیر اسارت اجنبی را بر گردن خود نمی پذیرند این بار نیز مردا نه شوریدند تقریباً دو ماه از داخل شدن قشون شصت و پنج هزار نفری انگلیس مجهز با توپ ها و وسایط قوی حربی نگذشته بود که مردمان همه‌نقاط کشور با هم یکدست برای دفع تجاوز دشمن میان همت بستند و همان آتش را بر فر ق اردوی انگلیس شعله ور ساختند که سی و هشت سال قبل بر اردوی مکناتن و الفنستن انگلیسی سا خته بودند . مردم کشور رااز دهان اژدهای استعمار بیرون کشیدند ولی امیر محمد یعقوب خائن معاهدهٔ نام نهاد و ننگین گندمك را امضاء کرده بود .

دست آوردهای دومین نبردو دومین پیروزی افغانها بر انگلیس باز هم فدای سازش و جبن یك امیر خاین دیگر (امیر عبدالرحمن) گردید . این امیر مزور و مستبد در حالیکه دشمن بضرب شمشیر مردم زبون گردیده بود بادشمن سر سازش وتسلیم پیش نمود و دشمن محیل نیز با استفاده از روش خائنا- نه ووطن فروشانهٔ امیر معا هده ننگین ونام نهاد دیورند را با انگلیس امضاء نمود ایـن معاهدهٔ اسارت آور در پهلوی آنکه تا اَبد معا هدات ننگین قبلی بود یك مقدار دیگر از سر زمین اصلی افغا نستان را از داما ن مادر وطن خلاف همه اصول دور سا خت ، بعد از امیر عبد الر حمن پسرش امیر حبیب الله نه تنها در صد د شکستن زنجیر تحت الحمایگی انگریز نبرآمد بلکه با امضای معاهده سال ۱۹۰۵ بر تعهدات خا ئنانه پدر خود صحـه گذاشت وافغا نستان را در بدل عیاشی ودوام حکمروا یی ننگین‌خود دربند استعمار انگلیس و استبداد سلطنتی غرق نمود .

اماطوریکه می دانیم باز هم این مـــردم افغا نستان است که سر نوشت خود وکشور خودرا تعیین می‌کنند، درسال ۱۹۱۹ بعد از کشته شدن امیر حبیب الله و شروع زمامد- اری شاه امان الله غازی بنا بر ارادهٔ‌بالفعل وبا لقوهٔ مردم افغا نستان و بنا بر خصلت و فطرت آزادیخوا هانه و ضد امپر یا لیستی شان نعرهٔ آزادی خواهی را بلند نموده ودولت افغا نستان طی نامهٔ ایکه بتاریخ سوم مارچ به نائب السلطنه انگلیس در هند وستان فرستاد این خواست بر حق مردم را در آن

بقیه در صفحه ۵۳

سلسله گفت وشنودها ونشست های اختصاصی ژوندون درمیزگرد

مسایل سیاسی واجتماعی ، فرهنگ هنر، نوجوانان ، جوانان وخانواده ها

در زیر ذره بین نقدو انتقاد

زیر نظر گروه مشورتی ژوندون

یك بررسی همه جانبه از:

علل کمبود ادویه در بازارو مروری

بردشواری مردم درزمینه های بیماری وبیمارداری

این جدل با شرکت :

۱ـ دکتور سیدالف شاه غضنفررئیس امورفارمسی وزارت صحت عامه
۲ـ دکتور محمد آصف غروال رئیس طب معالجوی وزارت صحت عامه
۳ـ دکتور غلام رسول غیاثی رئیس بررسی و قوانین صحی وزارت صحت عامه
٤ـ پوهاند دکتور احمد شاه رشاد روشن استاد پوهنتون کابل
۵ـ دکتورسبحان هاتفی سرپرست تعلیمات صحی ونشرات وزارت صحت عامه
٦ـ محمدزمان نیکرای معاون مجله ژوندون
۷ـ عزیزالله مرموز عضوگروه مشورتی ژوندون
۸ـ حنیظ رهجو سکرترمسوول روزنامه انیس
۹ـ ماری سعادت منگل مدیر خبرنگاران روزنامه هیواد
۱۰ـ لیلما حسینی نماینده رادیوتلویزیون
۱۱ـ عطامراد ایماق نماینده روزنامه نیوکابل تایمز
۱۲ـ آمنه امان نماینده مجله قندهار
دایر شده بود .

ایستگاه خانواده ها

دختران ، پسران ، مادران، پدران دست نگهدارید ـ ورق نزنید ! ژوندون یکبار دیگر غوغا برانگیزترین مسایل رابه جدل میآ ورد .

شما عروس ها
شما خشو ها
و شما جوانان و سا لمندان
بما بگو یید :

انگیزه این همه نا ساز گاری خانوادگی چیست ؟

آیا عروس ها در محیط خانواده قدرت نمایی می کنند ؟

و یا خشو ها نا ساز گار میباشند ؟

آیا جوانان در روابط خانوادگی واجتماعی خود بدون در نظر داشت شرایط و امکانات راه افراط در پیش دارند ؟

و یا اینکه :

سا لمندان نمی خواهند خود را با شرایط زمان وفق دهند و خواست جوانان را احترام گذارند .

طرح و بر رسی این مسایل مو ضوع جدل آینده ما در دور سخن ژوندون است

ما از همین اکنون از همه شما خانواده ها می خوا هیم گفتنی های خود را در این زمینه به تیلفون ۲٦۸٤۹ ژوندون با ما در میان گذارید و اگر خوا ستید خود را برای شرکت

در این جدل آمو زنده هم کاندید کنید تیلفون ۲٦۸٤۹ همه روزه از ساعت ۸ صبح تا ۵ عصر در خدمت خانواده ها ژوندون تریبون خانوادگی خود را در اختیار همه کسانی قرار مید هد که برای بهبود روابط اعضای خانواده با هم سخنی برای گفتن دارند

* چرا برخی از اقلام دوای تولیدشده در هو خست افغانستان ...ب است وچرااین شرکت مسوولیتی دربرابر وزارت صحت عامه ...رد ؟

* * *

*ـ ریاست امور فارمسی میکوشدعمده فروشی های ادویه راتشویق‌به ...رید ادویه جنریك كند .

* * *

* يك راه‌حل‌اساسی مشکل‌کمبوددوا وجلوگیری از ثقلت در آن این ...ت که‌عموم کمپنی های‌مؤلد ادویه‌که دوای شان در کشور ماتورید ...گردد وادار ساخته شوند تا قیمت‌دوارا در روی هر بوتل دوابنویسند

* * *

* باید نرخ دوا خانه های رسمی‌وشخصی ازهم تفاوتی‌نداشته باشد.

* * *

* چرا امور فارمسی بعضی ازاقلام‌دوای خودرا اجبارا به دواخانه ها ...بفروشد ؟

...رووف راصع :

...به اجازه شما چند مورد دیگر را هم در ...این زمینه یاد آوری میکنم :

* سیروپ ویتامین ب کامپلکس ساخت ...لند توريد يك عمده فروشی شانزده افغانی ...ت داشت واکنون دیپو همین دوا را سی ...ه افغانی به فروش میرساند که بیش از ...کصد برابر گران است .

* سیروپ ویتامین ب کامپلکس ساخت ...ك دویش امریکا توريد حبيب لمتد که ...است امور فارمسی شرکت وارد کننده را ...دار ساخت تادوای خود را زیرنام جنريك ...بوتل پانزده افغانی به فروش رساند ، اما ...ون این ریاست «دفین هید رامین» ساخت ...ور هند را سی و سه افغانی به فروش ...رساند که باز هم اگر کیفیت تاثیر را هم ...موش کنیم بیش از یکصد برابر این ...ت گران است .

* ... طالبی لیمتد «یورو رو نال» یکصد و ...د گرامه را شصتو دو افغانی عرضه ...کرد وریاست امور فارمسی بوتل یکصد ...ه همین دوا را یکصد وبیست افغانی ...روش میرساند ونظایر آن .

دکتور غضنفر :

...رست است من رد نمیکنم . اما عمده ...سی ها حاضر به توريد نمیباشند و مادر ...ل اگر توريد ادويه را انحصار کردیم در ... این تعهد را هم داده ایم که دوا را ...و ... مردم میرسانیم .

...یوهاند رشاد روشن :

... درمورد تفاوت فاحش قیمت ادویه های ...زمی... شده به وسیله ریاست امور فارمسی ...عمده فروشی ها نظر محترم راصع را تائید ...کنم و با این نظر محترم دکتور غضنفر نمی ... توافق داشته باشم که عمده فروشی ...حاضر به توريد ادويه جنريك نمیباشند. ...ون که آنها هم در تلاش عاید ونفع اقتصادی ...هستند ووقتی توريد ادويه پتنت قانوناً ...روابط ساخته شده است منافع شان در توريد ...جنريك تامین میگردد .

مانباید از یاد ببریم که هدف عمده دولت از تطبیق پروژه جنريك صرفاً پائین بودن سطح اقتصاد خانواده ها و مردم بوده واگر جلو توريد ادويه پتنت گرفته شد این دلیل را داشت که مردم نیاز مند ودر سطح پائین اقتصادی بتوانند ادویه مورد ضرورت خود را به قیمت کم بدست بیاورند و بیماری ها با مصرف اندك تداوی شود . این پروژه به خاطر مفید یتی که داشت مورد استقبال گرم همه‌ی اقشار و طبقات مردم قرار گرفت و عمده فروشی ها هم آنرا ارج گذاشتند . چنانچه یکی از این عمده فروشی ها به نام توفیق لیمتد سیروپ ترا سیکلین را توريد کرد و آنرا فی بوتل هفده افغانی عرضه داشت اما در روز دوم توزیع فروش این ترا سیکلین ها وکلورم فنیکل ها به وسیله ریاست امور فارمسی گرفته شد چرا که این ریاست دریافت که در صورت توزیع این ادویه، ادویه فروشی هاحاضر به خریدترا- سیکلین ها و کلورم فنیکل های دیپو که گرانتر عرضه میگردید نخواهند شدو به این ترتیب می بینیم که ریاست امور فارمسی در بسا مورد به مسایل انتفاعی خود بیش از منافع مردم اهمیت قایل شده است .

دکتور غضنفر :

برای ثبوت این ادعا که عمده فروشی های ادویه حاضر به توريد ادويه جنريك نمی باشند بهترین گواه مکتوبی است که‌در سال ۱۳۵٤ رسماً به آنها نگاشته شده و طی آن از سی عمده فروشی خواهش گردیده که پنج پنج قلم از مجموع یکصدو پنجاه قلم ادويه جنريك را توريد کنند ، اما فقط هشت عمده فروشی دراین زمینه داخل اقدام شده و بیست ودو عمده فروشی دیگر اصلا آنرا جواب ندادند .

راحله راسخ خرمی :

چون هدف عمده و اساسی از این گرد هم آیی و دیگر گرد هم آیی های ژوندون کاوش راه های حل اساسی معضله ها و دشواری های همگانی مردم است ، خواهش میکنم صحبت ها شکل اعتراض مانند را نداشته باشد چه در این صورت عقده گشایی ها جای گره گشایی را خواهد گرفت ونتیجه گیری از صحبت مشکل خواهد شد ، خواهشی است صمیمانه و دوستانه که امیدوارم مورد توجه هر گوینده قرار گیرد .

عزیز الله مرموز :

صحبت تا این لحظه در این جدل بیشتر متوجه مسایل جزئی بوده و تا کنون مجال پرداخت به‌پالیسی های انقلابی دولت انقلابی در زمینه مورد گفت و گوی به وجود نیامده است‌ما که اینك مشکلات مربوط به دوا را به بحث کشیده ایم نباید از یاد ببریم که چگونه تجارت ادویه در پیش‌از پیروزی انقلاب وقانون جنريك عده یی را تاسرحد میلیاردر شدن ثرو تمند ساخت نباید فرا موش کنیم که چگونه برخی از این تاجران دوا که نماینده های انحصاری کمپنی های تولید کننده دوا در کشور های سر مایه داری‌بودند به نام قاچا قبران منطقوی شهرت یافته بودند واز برکت زدوبند های شان حتی مدد کننده های شان هم در وزارت صحت عامه ملبونر شدند وحتی تاهنوز هم تجار دوادر کشور های مصرف کننده با کشور های تولید کننده امپر یا لیستی مر تبط میباشند و بقایای عنا صری که زیر تاثیر این اجنت های‌سر- مایه دار قرار دارند هنوز هم در وزارت صحت عا مه مو جو د می با شند وسیر اقدامات این وزارت را به بیراهه می کشانند و برای اصلاح این وضع باید اقدا- ماتی سریع و انقلا بی صورت گیرد واین اقدامات به وسیله انسان های واقعاً انقلابی به طرح و تطبیق آید در مورد اینکه برخی از عمده فروشی ها دوای خود را ارزان تر از نرخ دیپو عرضه میدارند ، ممکن است که يك کمپنی تولید کننده ویا رابطه آن خیلی اضرار دیگر را هم از این قبیل قبول دار شود تا جنريك شدن ادويه را مانع گردد چنانکه شرایط را طوری عیار کردند که خوب ترین دکتوران ما مجبور به ترك وطن گشتند از نظر من در شرایط کنونی یکی ازعلل عمده بروز مشکلا ت در کار دوا این است که ما تبلیغات وسیع در این زمینه نداریم و مخصو صاً به زبان مردم تبلیغات نداریم من میگویم برای پیروزی قا نون جنر يك باید تمام وسایل ارتباط جمعی واز همه بیشتر رادیو نشراتی گسترده داشته باشد تا مردم ارزش دوای جنريك را بهتر بفهمند و کمپنی های تولید کننده و یا نماینده های آنها در کشور نتوانند هر روز مشکلی تازه را ایجاد کنند .

دکتور هاتفی :

نظر محترم مرموز را تائید میکنم که نه تنها در کار دوا بلکه در تمام امور مربوط به صحت و خاصتاً دربخش های وقایوی باید تبلیغاتی گسترده داشته باشیم . چرا که تبلیغات صحی در واقع سر لوحه ایست برای مبارزه علیه امراض و بیماری ها در مورد کمبود ادويه باید اعتراف کنیم که این مشکل وجود دارد ، ما نمیتوانیم تمام کسانی راکه هرروز ازاین رهگذر شکایات خودرا به طرح میاورند اجنت فلان کمپنی خارجی بانگاریم

محترم رئیس امور فارمسی احصائیه یی را ارائه داشتند که گویا به اساس آن درسال ۱۹۸۰ سه دفعه بیشتر از سال ۱۹۷٤ دوا وارد کشور شده واین موضوع را مستند ساختند که پرابلم کمبود دوا واقعیت ندارد این درست است که احصائیه ها دربیشتر موارد برای روشن شدن يك موضوع كمك می‌کنند، اماما احصائیه دقیق نداریم واگـر میداشتیم و می فهمیدیم که از فلان قلم‌دوا به فلان دلیل و یا دلایل به فلان مقدار نیاز داریم واین نیاز مندی در فلان جای کشور در این‌سطح ودر آن جای دیگر در فلان‌سطح وحجم‌است، امروز مشکلات مادر مورد دوا حل شده محسوب میگردید از سوی دیگر به فرض که تمام دیپو های ما از دوا انباشته باشند اگر آگاهی دکتوران ما دراین مورد کم باشد واگر توزیع درست و حساب شده نداشته باشیم فایده دوا چه میباشد و کجای مشکل را حل میکند ؟ پس ماباید از یکسو احصائیه های دقیق تهیه داریم ، از سوی دیگر برای شناخت ادویه جنريك هم به مردم و هم به دوکتوران تبلیغات گسترده درسطح فهم ودانش شان داشته باشیم ، وگرنه در شرایطی که ما هم دوا به حد کا فی نداشته باشیم هم فاقد تبلیغات کافی باشیم وهم انواع سبوتاژ ها در این زمینه وجود داشته باشد طبیعی است که بار مشکلات ما روز افزون میگردد .

عطا مراد ایماق :

به ارتباط گفته های دکتور ها نفی یاد آور میگردم که برخی از دکتوران دوا پتنت را در نسخه های خود می نویسند وچون این دواها نایاب است مردم برای یافتن‌آن زیاد سر گردان میشوند ، آیا ریاست امور فارمسی در این مواردبا دکتو ران تماس‌دایمی دارد و آنها را متو جه این مو ضو عات می گرداند ، یا خیر ؟

دکتور غضنفر :

متاسفانه ،نه من اعتراف‌میکنم که ما تبلیغا تی بسیار ضعیف داریم و علت هم آن است که بیشتر دراصل کار ها غرق میباشیم و مجالی برای تبلیغ نداریم .

نماینده روزنامه هیواد :

در پهلوی قلت‌ادویه خارجی‌ما گاه وبیگاه شاهد قلت برخی از اقلام ساخت هوخست افغانستان هم در بازار میباشیم ، میتوانید بگویید چرا چنین است و وزارت صحت عامه برای حل این مشکل چه کرده است ؟

دکتور غضنفر :

متاسفانه هوخست افغانستان از نظرمسایل مربوط به خود با وزارت پلان در تماس است و ما هیچ خبر نداریم که مواد خام شان از کجا وبچه قیمت وارد میشود ویامقدار توزیع دوا دراین شرکت چگونه است ، اما آنها خود شان وقتی قلت برخی از دوا ها یشان را یاد آور گشته‌اند نرسیدن مواد خام را سبب آن معرفی کرده اند .

نماینده ژوندون :

وقتی چنین ارتباطی میان ارگان های وزارت صحت‌عامه واین شرکت تولیدی دوا وجود ندارد آیا شما میتوانید فعالیت آن را به نفع مردم تلقی کنید ؟

لطفاً ورق بزنید

دکتور غضنفر :

نخیر ودر مورد هوخست بهر صورت اما در کشور های دیگر همیشه یك مقدار بزرگ اسعار به وسیله همین تولید کنند گان به خارج کشور فرار میکند .

عزیز الله مرموز :

این واضح است که هوخست و شرکت های مانند آن به خاطر خصلت سر مایه اندوزی خود هر گز نه نفع مردم را در نظر دارند و نه هم انکشاف صنعت دوا سازی را در کشور و به همین دلیل اجرا آت شان روشن نمیباشد در حالیکه دوایر وزارت صحت عامه باید در جریان هر عمل آنها از ورید داریم که به مرور و به صورت مر حلوی وارد کشور میگردد مشکل مادر تهـیه دوا نمیباشد بلکه در کار توزیع است که ما با دشواری هایی مواجه هستیم .

راحله راسخ خرمی :

با توجه به اینکه وزارت دفاع ملی همواره حاضر بوده است در موارد ضروری عده یی از خبر نگاران را به ولایات کشور انتقال دهد، آیا این امکان وجود ندارد که برای رفع مشکلات موجود توزیع ریاست امور فارمسی از وسایل ترانسپورتی این وزارت درارسال ادویه به ولایات کشور استفاده کند ، من فکر میکنم زمینه چنین همکاریی در صورت میگردد ؟

دکتور غضنفر :

بلی ـ اما ماده ۲۱ قانون ادویه جنریک به صراحت تاکید میکند که در صورت که معادل یك دوای پتنت در جنریك نبا شد دوای پتنت آن تورید شده میتواند که ریاست امور فارمسی هم در تورید ادویه همیشه این اصل را در نظر داشته است .

پوهاند رشاد روشن :

به اجازه رئیس محترم امور فارمسی پرسشی دارم در این زمینه که آیا در آینده هم این ریاست در نظر دارد تورید ادویه را در انحصار خود داشته باشد و یا اینکه عمده دوا واداار ساخته شوند که قیمت ادویـه را برای مصرف کننده در روی هر قطی و بوتل و یا تیوپ آن بنویسند و مهر کنند، به این ترتیب مشکل گرا نفروشی و تقلب حل میگردد و دلیلی هم باقی نمیماند که ـ قاچاق ادویه دوام یابد چه تشخیص دوای اصلی و قانونی از قاچاقی کا ملا میسر است و مو ضوع دوم در چگو نگی توزیع ادویـه است که باید ریاست امور فار مسی به آن توجه کند به این معنی که ضرورت ها تعیین گردد ، دوا در تمام دوا خانه های رسمی و شخصی یك نرخ داشته باشد و به اساس احصا ئیه ها روشن گردد که فلان



اشتراك کنندگان درمیز گرد ژوندون پیرامون قلت ادویه درشهر صحبت می کنند

مواد خام تا عرضه دوا قرار داشته باشند ، و نکته دیگر هم در مورد این شرکت چنین است که در شا یعه گفته میشود که هوخست دوای خود را برای فروش به کشور پاکستان میفرستند.

واینك سوالی هم دارم به این شرح که آیا برای اطمینان از کیفیت ومو ثـریت دوا امور فارمسی تورید دوا را از کشور ها ی سو سیا لیستی به عمل میاورد و یا خیر ؟

دکتور غضنفر :

مو فقیت ما در همین است که قرار داد های ما با کشور های سو سیا لیستی است و مجمو عاً ما هشت میلیون دالر قرار داد خرید دوا از کشور های مختلف سوسیالیستی خواهش شما همیشه مساعد است .

دکتور غروال :

درست است وتا کنون هم در موارد ضروری این گونه کمك ها صورت گرفته است که در این شمار است ارسال به مو قع ادویه سهمیه شفا خانه های ولایات و بعضاً هم مراکز صحی اساسی کشور و به همین دلیل ریاست امور فارمسی میتواند درمواقع ضرورت از این گونه کمك های ترانسپور تی استفاده کند .

نماینده روزنامه انیس :

آیا در ادویه پتنت دوایی مو جود است که معادل آن در جنریك وجود نداشته باشد در این صورت مشکل مریض چگونه حل یابد ؟ فروشی های دوا هم اجازه تورید را خواهند داشت ؟

با توجه به اینکه مادر واقع مشکلات را بررسی می کنیم تاراه حل آنرا بیا بیم این نکته گفتنی است که در صورت تورید آزاد دوا ما باز هم با انواع تقلب های پیش بینی نشده به وسیله فرو شند گان دوا رو برو خواهیم شد ودر صورت انحصار توریـد باز هم مشکل تو زیع دوا در برابر ما قرار دارد که موجب قلت و کمیابی دوا در بازار میگردد برای حل این دشواری به نظر من ساده ترین راه تطبیقی آناست که تو ریـد ادویه خواه در انحصار امور فارمسی باشد و یابه شکل آزاد صورت پذیرد کمپنی هـای محل به فلان اندازه به فلان دوا احتیاج د... و به همان پیمانه در ادویه فروشی ها ی ه... محل دواتوزیع گردد.

باردیگر میگویم ماوقتی میتوانیم ادعا کنیـ... به مشکل کمبود ادویه فایق آمده ایم کـ... دوای هر نسخه در هر دوا خانه یافت شو...

دکتور غضنفر :

در مورد انحصار دوا باید بگویم توری... تمام اقلام دوا درانحصار امور فارمسی نمـ... باشد بلکه ما صرف تورید سه گروپ دو... دوای مخدره ، الکل طبیعی و آنتـ... بیوتیك ها را در انحصار خود داریم .

برای تشویق عمده فروشان ادویه به تور... ۲۸۰ قلم ادویه وسامان لابراتواری و جرا ...

همین اکنون اقداماتی در دست اجرا می باشد .

در مورد قیمت دوا هم ما کوشش داریم نرخ هارا ثابت نگه‌داریم ویکی از عللی که برخی از اقلام دوای ما گرانتر از تورید های شخصی است هم همین مو ضوع می باشد که ما آینده را در نظر داریم و تاچند سال قیمت های خود را ثابت نگه میداریم، چنانکه مثلا سیروپ امپسلین از سه سال به این طرف پنجاه افغانی قیمت دارد و تاتو سال دیگر هم ممکن است همین قیمت را داشته باشد .

به این اساس است که ما پنج تا ده فیصد از همان آغاز در قیمت های خود افزایش را در نظر می گیریم

اما در مقابل ما فقط با تغییر تورید فلم اکسریز از راه هوا به راه زمین قیمت آنرا از نود افغا نی به پنجاه افغانی پائین آوردیم.

عزیز الله مرموز :

پالیسی دولت انقلابی هر گز این نیست که تجارت در انحصار دولت قرار داشته باشد بلکه تلاش میشود تا تجار واقعی و ملی صحت عامه وایـــن شرـــکت تولیدی دوا تشویق شوند وتجارت ملی رشد پیدا کند. البته این امتیازات شامل عدهٔ از نما ینـــده های کمپنی های تولید کننده دوا در غرب نیگردد ، چرا که ما در گذشته شا هد بودیم که برخی از آنها حتی مقدار دوا را کمتر از اصل مقداری که در روی بو تل نوشته می شد فرمایش میدادند ، ویا قرار داد ها طوری بود که مواد موثره دوا در ترکیب دوا کم اندا خته شود تا مصرف آن زیاد شود و به این تر تیب با منافع مردم به نفع کمپنی های مولد بازی می شد که اکنون از همه‌ی این جریانات جلو گیری میگردد .

راصع :

به پاسخ محترم مرموز صاحب یاد آور میگردم که ما **باید زمینه های استفاده جو** را ازمیان برداریم وگرنه تاوقتی شرایط برای بازی و ابتکار و تقلب مهیا باشد ،دزد و محتکر ومتقلب از آن به‌نفـــع خود بهره‌کشی میکند و این خـاص کشور ماهم نمیباشد چنانکه در تقلب هایی که در مقدار دوا ویا چگونگی مو ثریت آن در گذشته صورت گرفته است از نظر من شعب بررسی ولابراتوری وزارت صحت عا مه در این مورد خاص مسوولیت بیشتر متوجه شان میگردد واکنون هم اگر چنین زمینه های برای تقلب وجود داشته باشد بازهم همین موسسات به دلیل آنکه مسوول صحت مردم دربخش های خاصی نمیباشند ایراد متو جه شان است .

واما به پاسخ محترم رئیس امور فار مسی که تفاوت قیمت دوا را در تورید های شخصی ریاست امور فارمسی از پنج تا ده فیصد آوری کردند باید بگویم باتا سف این تفاوت ها گاه به مرز یکصد فیصد و حتی بیشتر از آن میرسد ، به عنوان این مثال من نرخ چند قلم دوا را که شاید با توجه به این مورد که از طریق عمده فروشی ها و امور فارمسی وارد میشود به صورت غیر قانونی وارد کشور شده باشد با عین دوا های تورید شده به وسیله امور فارمسی در این جا یاد داشت میدهم تا میزان تفاوت ها بهتر آشکار گردد .

۱- کپسول امپسلین ۲۰۰ ملی گرام یك هزار عددی نرخ بازار آزاد دوهزار ودو صد افغانی نرخ دیپو از عین کمپنی سه هزار و سه صد و هفتاد افغا نی .

یعنی تقریباً پنجاه فیصد گران تر

۲ -کپسول ترا سکلین ۵۵۰ ملی گرام یکهزار عددی نرخ بازار آزاد ۴۰۰ افغانی

نرخ دیپو ۱۲۰۰ افغانی

سه صد فیصد گرانتر

۳- سیروپ ترا سیکلین

بازار آزاد ۱٦ افغانی

دیپو ۴۰ افغـــانی ۱۵۰ فیصـــد گـــرانتر

٤-سیروپ کلورم فنکول ساخت دیـــپو نرخ ٤۰ افغانی ساخت ایتالیا در بازار آزاد باوزن بیشتر پانزده افغانی .

۵- کپسول کلورم فنکول ۲۵۰ ملی گرام یکهزار عددی

نرخ بازار آزاد ۵۵۰ - افغانی نرخ دیپو ۱٦۵۰ - افغانی .

یعنی باز هم سیصد فیصد گرانتر البته این چند قـــلم صرفاً به منظور نشاندهی یا دآوری گردیده و گرنه مشت نمونه خروار از ین مانند فراوان است .

دکتور غضنفر :

سوال من از آقای راصع این است که شما که از همه این جریانات آگاهی دارید چرا عاملین آنرا به شعب مسوول معرفی نمی کنید ؟

راصع :

من عاملین را نمی شناسم و وظیفه من هم نیست که بشناسم فقط مثل همه مردم دوا را در بازار می بینم و متوجه تفاوت قیمت ها هم میباشم و اما در انعکاس آن باز هـــم مطبـوعات رسالت نشاندادن وآگاهـــی دادن را دارد و نه وظیفه شعب بر رسی و تفتیش را و آنچه هم در این جا روی آن صحبت میشود به خاطر این است که شعبه مسوول در زمینه تحقیق کند وبه حقایق برسند تانقایص کار رفع گردد .

دکتور غضنفر :

مسایلی که شما به آن اشاره می کنید در شمار و ظایف امور بررسی و قوانین است و نه امور فارمسی .

راصع :

هدف عمده بر رسی مسایل است ونه آنکه قصد داشته باشیم ریاست امور فارمسی را مسوول تمام نا هنجاری هایی بدانیم که در کار دوا وجود دارد ، حد اقل فایده این جدل ها و بحث ها همان چیزی است که وزارت صحت عامه آرزو دارد و ژوندون هم یعنی به شنا خت آمدن مشکلات ، بررسی آن و کاوش راه های حل عملی برای آن .

دکتور غیاثی :

پیش از آنکه به سوا لات ارائه شده پاسخ گویم یاد آور میگردم که طرح پا لیسی ادویه شامل سه بخش میگردد .

۱- تولید دوا

۲- تورید دوا

۳- توزیع دوا

به اساس شکا یات مر یضان ومریض داران که پیرامون کمبود دوا به مقام وزارت صحت عامه ارئه میگردید . کمیته یی تعیین شد تا پیرامون مسایل به طرح آمده مطالعه و تحقیق کا فی صورت گیرد وراه های حل مشکلات مردم به بررسی گرفته شود که بالاخر بعد از غور همه جانبه بـــه تاریخ ۱۰ر٤ر۵۹ مواد ده گانه یی درهمین زمینه به تصویب رسید که اینك من آنچه را که مربوط به بررسی و قوانین میگردد در این جا یاد داشت میدهم .

«نظر به ملا حظه لست اموال موجود گدام های دیپوی ادویه ویك تعداد اسنادی که از قـــرار دادوفرما یشات یك تعداد اقلام دوا به خارج نمایند گی و بحث مینماید لازم دیده میشود تاغرض رفـع مشکلات مـر یض ومریض داران اقلام راکه مسوو لین ریاست امور فارمسی «ریس صاحب و معاون صا حب لازم دانند در توزیع آن برعـلاوه شعبـا ت فروش دیپوی ادویه به عموم دوا خانه ها ی شخصی که مراجعه مینمایند نیز اقدام وعملا تحت اجرا قرار بدهند و غرض جلو گیری از احتکار این اقلام توسط دواخانه های ذکر شده ریاست امور فارمسی ریاست قوانیـــن وبررسی رادر جریان اجرا آت خـویش قرار بدهند تا رسید گی قا نونی به عمل آید »

در مورد اینکه دوا های قا چاقی در بازار مو جود است یا نیست هیات بررسی همه روزه در وقت رسمی و بعد از آن در تمام بازار مو ظف است و طبق هدایات داده شده و حکم قوانین عمل می کنند و البته درصورت کشف دوای قاچاقی با روحیه انقلابی بر خورد میگردد .

دکتور هاتفی :

برخی از ادویه فرو شان شکایت دارند که هر گاه برای خرید دوا های مورد ضرورت خود به یکی از شعب فروش دیپوی ادویه مراجعه می کنند این شعب آنها را وادارمی سازندکـــه‌علاوه از خریداقلام‌دوای مـــورد ضرورت خود چند قلم دوای دیگر فروش نشده دیپوی ادویه را هم اجباراً خریداری کنند که‌اگر چنین نکنند ایـن شعب اقـلام مورد ضرورت آنها را هم به فروش نمیرسانند سوال این است که آیا این تعامل واقعیت دارد یا نه‌اگر چنین باشد سبب آن چیست؟

دکتور غضنفر :

درست است این تعامل در مورد ادویه‌یی که تازه وارد شده است وجود دارد وسبب آن هم این است که دواخانه هاهم آن را داشته باشند .

ماری سعادت :

من باتوجه به‌آنچه که‌از آغـاز این جـدل تا کنون گفته آمد می خواهم بپرسم که‌آیا ریاست محترم امور فارمسی پیش از اینکه مجله ژوندون مو ضوع کمبود ادویه را به طرح آورد آیادر جریان مشکلات مـــردم از این ناحیه قرار داشتند و یا خیر ، جریان صحبت این نکته را آشکار میکند که‌شما کمتر به این مسایل آگاهی داشته اید سوال ایجاد میگردد چراچنین بوده است و مـو- ضوع سوال دوم من هم این است که در صورتیکه به ادعا و قول خود شما یکی از عللی کمبود دوا در بازار این است که دوا فروش ها چون نسخه های دکتوران راخوانده نمیتوانند جواب میدهند دوای آنرا نداریم در این زمینه ریاست امور فارمسی ویا شعب مسوول دیگر برای ملتفت سا ختن دکتوران چه اقدا ماتی کرده اند ؟

دکتور غضنفر :

در مورد مشکلات مردم همانطور کـــه بیشتر رئیس امور بر رسی و قوانین گفتند ما در جـــر یـــان بوده ایم و به‌همین دلیل هـــم به دستور مقام محترم وزارت یك کمیته روی آن کار کرد و تصا میمی در زمینه گر فته شد که به تطبیق میاید در مورد بد خطبودن نسخه ها هم این آرزوی ماست که دکتوران این‌مشکل همگانی را در نظر داشته باشند و نسخه های خود را خوانا بنویسند .

دکتور غروال :

تعامل چنین است که ریاست امور فارمسی لست دوا های جنریك را به ریاست های‌دیگر درمرکز وزارت صحت عامه میفـــرستند و این ریاست ها هم به نوبه خود آنرا بـه دکتوران علاوه از آشنا شدن با مشخصات جنریك به تفاوت قیمت آن با معادل های پتنت وتاثیرات دوایی اقلام جنریك هم دارد شوند .

البته برای رفع کا مل این مشکل ضرور است که رادیو به تکرار و تکرار در این مورد نشراتی متداوم داشته باشد .

دکتور هاتفی :

شما گا هی سری به کلنیك های رسمی هم زده اید یاخیر، دراین کلنیك ها یـك دکتور گاه مجبور است تا دو صد نفر مریض را در مدت دو تا سه ساعت معاینه کند و برایشان نسخه بدهد که همین فراوان بودن تعداد مر یضان و نا کافی بودن تعداد دکتوران در کلنیك ها یکی از عللی است کـه دکتور را به سرعت عمل وامیدارد ودر نتیجه گاه نسخه ها خوانا نمیباشند .

به عقیده من در پهلوی مسایل یاد شده‌یکی از طریقه های حل مشکل این است که به منظور جلو گیری از تراکم بیماران در یك کلنیك یا تعداد کلنیك ها را افزایش دهیم ویااینکه تعداد دکتوران را در هرکلیـــــنك

لطفاً دنباله این جدل جـــالب رادر شماره آیند مطا لعه کنید ، که وقف نتیجه گیری صحت در گرد هم آیی شده است .

ناتمام

ارزش های پلینوم سوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پیروزی انقلاب رهایی بخش ثور ، دشمنان دیرین افغا نستان را به تکا پو انداخت ،سرا- سیمه‌ی شان نمود • به‌تخریب ،توطئه و کار شکنی آغاز کردند• نه‌در محـــدوده داخلـــی بلکه درگستره‌ی جهانی • اما کـــار و ا ن انقلاب پیروز مند ثور که با رستا خیز شش جدی وارد مرحله ی نوین تکاملی خود گردید توقف نمی کند . این کار وان بر گشت پذیر نیست ودرسر انجام آنهایی که بامرامنا مـه

درخشان‌و سر نوشت ساز حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان دشمنی می نمایند . بـــه گورستان نیستی سپرده می شوند واین همه غوغا ، هیا هو و تکا پو به جایی نمی رسد .

امپر یا لیسم و استعمار کینه ای دیر ین با اندیشه های رهایی بخش دارند وقتی‌درسرزمین پهناور روسیه نخستین گل انقلاب مرد مـــی شگفت ، آن شگفتن و بر خاستن در سراسر جهان طنین گسترده یافت . گروهی ار عقب گرایان آنهایی که باهر گونه نوآوری وآگاهی به‌دشمنی وپر خاش برمی خیز ند رویـــداد شگفت اکتوبر کبیر راسر آغاز ی می‌پنداشتند برای تباهی خویشتن • انقلاب شـ کـوهمنـد ثور آن گونه که اندیشه پردازان جا معـه شناسی به‌آن باور دارند• حادثـــه‌ای مجـرد دگماتیستی وبی ارتباط به او ضاع و احوال مشخص کشور ما نیست . از روز گاری به این سو گردان انقلا بی دلاوران صف شکن وآزاد اند یشان وطن پرست ما برای پایان دادن به اوضاع نا هنجار اجتماعی نا گواری های محیطی و منا سبات فر توت و ظالمانه راه حل هایی

را جستجو کرده اند . کشور آزاده‌ی مـــا تاریخی افتخار آفرین و شکوهمند دارد وهمیشه مردان زنجیر شکن و قهرمانان قاطع ، تلاشگر وآبدیده رادر دامان خود پروریده • به یـــاد

بیاوریم پایمردی ها ، شهامت ها وشهـادت های نیاکان خودرا که همواره بر ضد بیـــداد نا روایی و خود سری مقاومت و ایستا دگی کرده اند . به پیشواز شهادت رفته اند اما اسارت و زبونی را پذیرا نگشته اند . اعمال خودسرانه بی داد گران رابی پاسخ‌نگذاشتـه اند .به‌یاد بیاوریم قیام مردانه‌ی کاوه‌ی آهنگر

را که به بیداد ضحاك ظالم پایان داد و راهی به سوی آیین داد و نیکی کشود . به یـــاد بیاوریم قهرمانی ها مردانگی های پهلوان‌اسا- طیری خود رستم را ، جانبازی های زنان قهرمان ملالی ها، زرغونه هـــا ،وسر انجام قیـــام رهایی بخش مردم را به ضد نیرو های غاصب استعمار انگلیس • تاریخ میهن ماسرشار از

موج و اوج مبارزات رهایی بخش ملی است که‌برشمردن همه‌ی آنـــها در این مـــقا لت مختصر نمی گنجد • هدف ازین اشاره هانشان دادن روحیهٔ آزادیخوا هانه وانقلابی مردم‌است. با وجود عکس العمل ها پر خاش ها و ضدیت هایی که‌توده ها با دستگاه های غـا صب و ارتجاعی نشان داده اند . باز هم غار تگران مجال زندگی یا فته اند . این علت را باید در شیو ه‌ی مبارزه مردم جستجو کرد . برای

مبارزه باید موازین ومعاییری را درنظرداشت مقدمات ، شیوه ها واصول را به خوبی دانست و با تحلیل شرایط و اوضاع واحوال مشخص عمل نمود بسیاری ازقیام ها، خیزش هـا و

عصیانگری های مردم ناکام مانده و یا موقتاً موا جهه به شکست شده است چون با اصول عمل نشده است مبارزه ای متشتت ونا منظم بوده است• حزب چراغ راه مبارزات اجتماعی است با اتکا به حزب می توان به مبارزه ادامه داد و سر انجام به پیروزی رسید . با درنظر داشت این مهم پانزده سال پیش از ین حز ب دمو کراتیك خلق افغا نستان (حزب پیشاهنگ طبقه‌ی کار گر و زحمت کشان) به همت ،یاری ایمان واز خود گذری فرزندان این سامان‌بنیاد گذاشته شد و به فعالیت و تلاش خستگی نا پذیر و پیگیر پرداخت در فر صتی اندك اعضای پر شور ، سر سپرده و انقلابی این حز ب‌در میان توده ها رخنه و نفوذ کردند . از مردم آمو ختند به آنها یاد دادند. تجارب‌و آگا هی های انقلابی و انسا نی خود را در عمل آوردند. بدون پشتیبانی توده ها واشتراك مستقیم آنها هیچ انقلابی کا مل نیست ودرزیر تعریف‌انقلاب نمی‌آید• گر چـــه درکارخـــانه های دنیـــای انحصارات و سر مایه آن گو نه که اسلحه تولید می نمایند واژه و اصطلاح و مقو لات سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی هم می سازند و معنای دقیق کلمات وواژه هارا تحریف ومسخ می نمایند . داد از حقوق بشر «دموکراسی» «انقلاب» می‌زنند، امااین ریاکاری و حـــقـــه بازی هانمی تواند پوششی باشد برما هیت رسوا و زشت و ضد انسانی آنها . دیگرهمه‌ی توطئه ها وحقه بازی های استعماروامپریالیسم شنا خته شده است و مردم سراسر جهان بیدار شده اند این حزب است که می تواند ضامن

پیروزی ها باشد . همه ی نیرو های انقلا بی و عنا صر وطن پرست را در یك صف وا حد بسیج نماید و به مشتی کو بنده و آهنین مبدل کند به گفته ی رهبر انتر نا سیو نال سوم اگر در جا معه ای شرایط ذهنی که همانـــا مو جودیت حزب طراز نوین است میسر نباشد نمی تواند انقلاب واقعاً ملی و دمو کراتیك ، بنیادی و عمیق به پیروزی برسد و با این ملا- حظه در افغا نستان شرایط یك انقلاب واقعاً

بنیادی از سال ها پیش آماده گردیده بود ، هم شرایط عینی وهم ذهنی • یعنی طبقه‌حاکم افغا نستان دیگر نمی توانست باآن شیوه ی شنا خته شده‌ی ظالمانه به‌حکم روایی بپردازند ونه دیگر توده ها می خواستند به آن شیوه کهن و استبدادی از کس فرمان برند .مارش ها، میتنگ ها وتظاهرات گسترده ی خیابانی واعتصاب های دوران حکو مت طرز استبـداد ظاهر شاه گواه این دلیل است . باری حزب دموکراتیك خلق افغانستان • از همان روزان نخستین به روشنگری پر دا خت ، تبلیغ گر و اشاعه دهنده اند یشه های رهایی بخش و انقلا بی گردید . در فر صتی اندك همه‌ی کار گران ، زحمت کشان و قشر روشنفکر جامعه به این حزب پیو ستند ودر فش افتخار آمیز

مبارزه رابر افراشتند • اعضای سر سپرده‌با ایمان و انقلابی این حزب در شرایطی دشوار به مبارزه ادامه دادند . به مبارزه ای رهایی بخش و عا دلانه . بدون هراس ، تشویش و لحظه ای تردید به پایان روشن راه امید وار

بودند . چون در راه عدالت اجتماعی و حقیقت مبارزه می کردند برای یك لحظه هم سنگر مبارزه را ترك نکردند . همه ی دشواری ها و نا همواری ها را با حو صله مندی و تقوای سیاسی پذیرفتند • آبدیدگی ، اتحادومبارزهٔ بی امان حزب انقلاب شکو همند ثور را بـه

پیروزی رسانید• انقلاب ثور دنباله‌ی منطـقی انقلاب های ملی و دمو کراتیك جهان است .

بازتاب دهنده ی آرمان بشریت ستمدیده‌است آن هایی که کار می کنند ، زحمت می کشند و همه‌ی شکو همندی های جهان حا صل شصت

و دماغ آنها ست .

امپریالیسم واستعمار با آرمان زحمت‌کشان

کینه ای دیر ینه دارد . با به پیروزی رسیدن نخستین انقلاب کارگری درسرزمین پهنـا ور

روس خط فا صلی میان دو طبقه در سطحی جهانی کشیده شد . طبقه‌ی استثمار گر ،طبقه‌ی استثمار زده طبقه‌ای باهدف های نامقـدس و ضد مردمی و تسلط جو یانه . طبقه ای باآرمان های انسانی، مردم گرایی و صلحجـو یانه•

طبقـــه ا ی کـــه د ر ا مـر تـو لیـد و سازند گی اجتما عی سهم نمی گیرد ، مفت خواره ، تنبل و بیکاره است . همه‌ی امتیازات

وامکانات را باتردستی وحیله گری درانحصا- را ت خود در آورده است . طبقه ای که کار

می کند ، نعمت پدید می آورد ، جو هر حیات و زندگی دارد . هر روزی که می گذرد قلمرو خود را گسترش می دهد و سنگر خود را مستحکم تر می کند . باری پیروزی انقلاب ثور ، غاصبان ، فتنه انگیزان و تاراج گرا ن را به وا همه انداخت . در پی طرح نقشه ها

توطئه های خاینا نه بر آمدند . استعمار و امپریالیسم به‌واقعیت تـن درنمی د هنـد• تاهنوز رویا هایی درسر دارند وخواب قدرت

می‌بینند می‌خواهند همیشه سیا دت و آقایـی جهان از آن آنها باشد ، تلاش ها و کوشش های دیوانه وار ، لگام گسیخته و مذ بوحانه

می‌نمایند• تاجوانه های جوان را، برندگـان پیام آور وانسان هـای ، فـــد ا یـــی و

وطن پرست رانابود نمایند • مـــردم همیشه در تاریکی فروگذ ا شته شود تازمینه‌ی غارت بیشتر آنان فراهم باشد کوشش ها، تلاش‌هاو تقلا هایی که امپر یا لیسم و استعمار پس

از پیروزی انقلاب رهایی بخش و شکو همند ثور در افغا نستان بیدار گشته و تازه از بند رسته به خرج می دهند بر هانی قاطع است برای ضد یت و کینه توزی کهنه پرستا ن با نو آوران . پیروزی انقلاب ثور مانند خنجری بود بر سینه ی دشمنان دیرین افغا نستا ن وآنهایی که‌از سالیانی به‌اینسو چشم برنعمت ها وثروت ها ودارایی های مادی و معنوی‌این سا مان دو خته بودند . نقشه ها و تو طئه‌های

شومی را در سر می پرورا ندند ، آرزو داشتند افغا نستان همیشه در حالت عقب ماندگی تاریکی و فقر فرو گذاشته شود . نه تحرك نه جنبش و نه اظهار مو جود یتی داشته باشد

ستم کاران جهان باارتباط بامر تجعین ومفت خواران دا خلی از اوضاع و احوال افغا نستا ن در تاریکی گذاشته شده سود می جستند شکم می‌آگندند وتن فربه می‌کردند بـــا کینه توزی های امپریالیسم‌جهانخوار واستعمار

لگام گسیخته بانو آوری ها وانقلاب ر هایی بخش داستان تازه ای نیست• چون‌زمان همیشه آگـاه ترین داور است وتاریخ باکسی نمـی واند سر خوش آمد گویی و تعارف داشته باشد . قیا فه های دروغین را همیشه رسوا می کند• آن هایی که در قول، داد ازمردم خواهی ی زنند ودر عمل بر ضد منافع مردم قرار می گیرند . عمر دروغ گویان و باطل پرستان و فریب کاران که می کوشند ما هیت رسوا وزشت خودرا کتمان نمایند همیشه کو تـاه است• چنانکه باهمه‌ی کو شش ها و تلا ش ای جنون آمیز سازمان جنایت کار جاسوسی مریکا حفیظ الله امین و باند غارت گر و جنایت پیشه‌ی او نتوانستند روز گار بیابند و به سیاه کاری ادامه دهند .خشم خلق وعصیان ردم به کام نیستی شان کشانده قیافه ای دیگر از دشمنان مردم که وطن فرو شا ن، او بـاشان ، رهزنان واشرار(درکسوت‌مجاهدان سلامی) باشند و همان دستورات و تعا لیم راکز جاسوسی امپریالیسم راتقلید ، تکـرار وپیروی می کنند واز تل ابیب وقاهــره و واشنگتن و اسلام آباد و کشور های ارتجاعی پوند ودالر الهام می‌گیرند ، نیزرسوامی‌شود•

توده‌ها سر نوشت خود را نمی توانند به‌دست جیره خواران و مر تجعین بینند . مردم به جربه در یا فته اند که سیطره جویان ،افزون طلبان ومستکبران باآنان در تضادی آشتی‌نا- دیر به سر می برندو تشنه به‌خون آنان اند. ری کوشش های امپر یا لیسم جها نخوار در این گوشه ای از جهان در سر زمین آزادگان و عقا بان بلند پرواز بی نتیجه ماند و قیام پیروز مند شش جدی بساط اهر یمنی او را ر چید و یگانه نماینده او را که آخریـن حلقه ای از زنجیر لعنتی استعمار بود بــه گورستان نیستی سپرد . با آغاز مر حله ی نوین تکا مل انقلاب ثور ، مردم مجال نفس کشیدن یا فتند و در کشورما آرامش واطمینان قرار گردید . اما با خیزش پیروز مند

شش جدی هـم وظیفه حزب، دولت، مــردم وانقلاب به پایان نرسیده است . استعمار و امپر یا لیسم هنوز هم تلاش هایی بیمار گونه جنون آمیز و هستریك به کار می بندد ، تا مگر آب رفته را دو باره به جوی بازآورد . اما

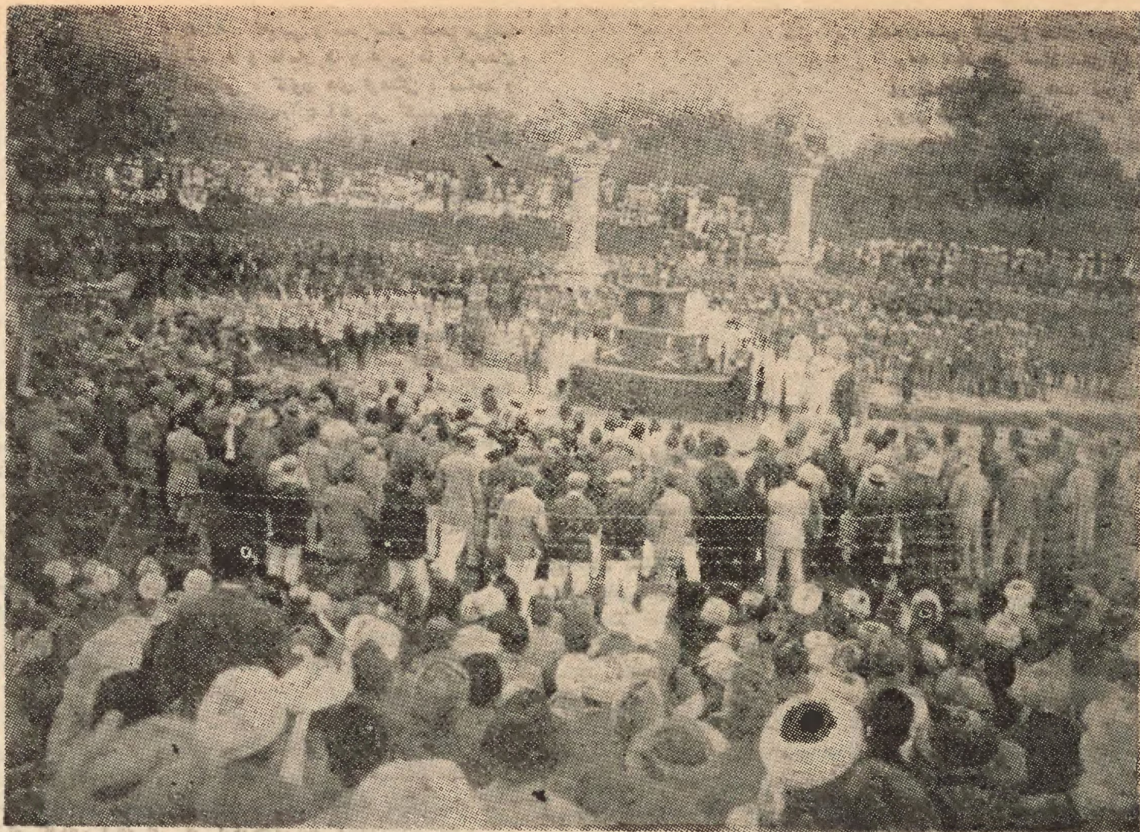
این فقط یك پنــدار ، تخیلی پوچ واحمقا نه است . تصوری با طل و غیر عملی . پس از قیام ظفر نمون شش جدی ، تخریب تو طئه ، کار شکنی ، غارت و تاراج نماینده گان گوش به فرمان مزدور امپر یا لیسم در خاك افغانستان درونی یا فته است مزدوران وارداتی تا می توانند درمیهن ما تشنج، ناامنــی و اضطراب و تشویش پدید می آورند . به اعمالی جنایت کارانه ، تخریبی و ضد انسانی دست می‌زنند خانه ها و خانمان ها و خرمن ها ، نهادهای آموزشی ، کانون های فرهنگی ، مساجد و عبادتگاه های را به آتش می کشند . برزنان، کو دکان و پیر مردان به گو نه بی شرمانه یورش می برند واین اعمال ضد انسانی و خود سرانه ریشه در کاخ سفید و پنتاگون دارد• حزب ودولت جمهوری دموکراتیك افغانستان همیشه باحوصله‌مندی عمل‌کرده است. ازسر گناه بسیاری از فتنه انگیزان که نـا آگاها نه برضد منافع مردم قرار گرفته‌انددرگذشته‌است این حوصله مندی ، نرمش و انعطاف پذیری هر گز به معنی ضعف و عقب نشینی دولت و حزب نیست حکومت های طراز استبدادی وبه ویژه امینی های جنایت پیشه و خود فرو خته زخم‌ها وجراحت های‌عمیقی برپیکر جامـعه ی ما وارد کرده اند که به این زودی ها التیام پذیر نیست . وازین روست که دولت و حز ب با ملا حظه ، نرمش و حو صله مندی عمل می کند• اما گذشت هم سرحدی دارد• دولت و حزب نمی تواند همه‌ی خودسری ها کارشکنی ها ، تخریب ، توطئه و اعمال ضد مردمی دشمنان را بی‌پاسخ گذارد و بیش‌از ین‌به آنان‌اجازه‌ی پیش تازی و غارتگري دهد . ضد انقــلاب با اعمال وحشیانه وتــروریستی خــو یش تامی توانند ناامنی وا ضطراب پدید مــی آورند . با الهام از دستگاه های جهنمی امپر- یــالیسم جــنا یـت کــار و حشت مـی آفرینند وبا این ارتباط در پلینوم سوم کمیته مر کزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستا ن بر ضرورت بسیج و تشکل همه‌ی نیرو های حزب ومردم درراه سرنگو نی و نابـودی‌عناصر ضد انقلاب تا کید می شود . مردم همیشه از حقیقت و آزادی با قا طعیت و مردا نگی دفاع کرده اند و اکنون درین مر حله ای از تاریخ کشور که او با شان و رهزنان به فعا لیت های تخریبی خود گستر دگی داده اند . مردم نیز در کنار حزب می ایستند واز مو قعیت خو یش با شهامت دفاع می‌نمایند «درپلینــوم سوم کمیته مر کزی حزب دمو کراتیك خلق افغا- نستان تصریح گردید که : «در مبارزه ضـد انقلاب که توسط دولت های امپر یا لیستی و بعضی رژیم های ارتجا عی منطقه مسلح وتجهیز می شوند . کار های زیادی با قیمانده است. باند های ضد انقلاب به خاطر استقرار دو باره حا کمیت فیودال ها و خفه سا ختن دست‌آورد های انقلاب ثور دست به ترور مردم ، چور و چپاول و ویرانگری می زنند . نیرو های ضد انقلابی بادست یازیدن به چنین اعـمال ضد انسانی می‌خواهند صلح وآرامش مردم ز حمت کش مارا بر هم زده تحقق پلان ها واهداف

اجتماعی و اقتصادی حزب را در جهت رفاه و سعادت مردم سد شوند• درچنین‌شرایط مبارزه پیروز مند مسلحانه بر علیه ضد انقلاب و شکست قطعی آنها ، برای حزب و تمام مردم ما بر جستگی خاص کسب می کند . »

آن گونه که اشاره شد این کوشش ها وتــلاش ها همه بـی حاصل و مذبوحانــه است . نیرو های ضد مردمی ، غار تگر غاصب وفیودال را مجال آن نمانده است کــه بــه حا کمیت برسد . دوران سیاه کاران به‌پایان آمده اکنون این مردم است که سر نوشت خود را به دست دارند و به سوی سا ختن جا معه ای آباد ، شکو فان و آزاد گام بر می دارند .

در این شرایط بر همه‌ی وطن پر ستا ن‌است که به دعوت حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان پاسخی صمیمانه دهند و تصا میم مطرح شده در پلینوم سوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. را ارج گذارند و وارد عمل شوند . دیگر توده ها نمی توانند در برابر اعمال بی بند وبارانه‌ی ضد انقلاب خا موش بمانند واز حقوق پامال گشته‌ی خود دفاع نکنند . تصا میم و فیصله های پلینوم سوم کمیته مر کزی حزب دمو- کراتیك خلق افغا نستان مشت محکم دیگری است که‌بردهان یاوه سرایان ،او بــاشان و به‌اصطلاح مجاهدین اسلامی (!) فرودمی‌آید. در ین پلینوم یك بار دیگر به نقش سربازان افسران و پا سداران انقلاب اشاره می شود که علیه ضد انقلاب بسیج شوند و دشمن را در هر مو قف و مو قعیتی که است نا بود نما- یند • حکومت هــای بی بند وبار و ضد انسانی گذشته تا می توانستند میان توده ها وارد و فا صله و تفر قه پدید می آوردند . حکومت های استبدادی از بیداری و آگا هــی افسران و سر بازان واهمه و تشویش داشتند. اما اکنون آن فا صله و آن دوری اردو ومردم از میان بر داشته شده است . در نظام ها ی پوسیده ، ارتجاعی وضد انسانی، اردوپاسدار منافــع اقلیتی مفت خوار وافزون طلب است ودرجهت خواسته ها وآزمندی های غــاصبان گام بر می دارد پاسداران بیداد و استبداد همیشه جنگ های غار تگرانه می افروزند ، خون های بی گنا هان را می ریزند . فضا ها راغبار آلوده وتاریك نـگــاه میدارند امــا در نظام هــای مترقی کـــه‌بربنیادی از عدا لت اجتماعی استوار است . آن گونه که همه‌ی نهاد های اجتماعی به سود انسان زحمت کش است• اردوهم در کنار توده هــا قرار دارد• پاسدار صلح ایمنی و عدالت اجتماعی است برضد بنیاد های انسان شکن مبارزه می کند• پیروزی انقلاب شکو همند ثور و مر حله ی نوین تکاملی آن که‌به روز گار نگبت بــــار چندین هزار ساله‌ی سیاه کاران در سر زمین ماخــاتمه داد• دشمنان رابــر انگیخته بـه پو یند گی و تکا پو وا داشت و با این ارتباط است که بر نقش برازنده اردو تا کید مکرر می شود . پلینوم سوم کمیته مر کزی حز ب دمو کراتیك خلق افغا نستان یك بار دیگر قوای مسلح را به وظایف عمده ای که درپیش رو دارد متوجه می سازد• در پلینوم‌سوم یاد آوری می‌شود که: «بهبو د تربیه و پـرورش افسران و شرکت فعال آنها در کار های تر- بیوی شرط مهم افزایش کیفیت کار سیاسی در قوای مسلح ، مقا مات امنیت دولتی ، ارگان های انتظام اجتماعی می باشد .» باری این خصلت جدا یی نا پذیر نظام های مردمی است که طرفدار آگا هی ، بیداری و دانش انقلابی در میان افسران و سر بازان است . در راه نضج فکری وگستردگـی اید یولوژیــك آن هاکوشش انجام می‌پذیرد• پس ازپیـــروزی و مرحله ی تکاملی انقلاب ثور که مردم ،اردو وانقلاب از چنگال بیداد خون آشام قرن آ ن جاسوس‌شناخته شده ووطن فروش (حفیظ الله خان امین) نجات یا فتند . حزب و دولت در راه بهبود شرایط زندگی توده ها ، ترقی ، عدالت اجتماعی ، صلح و دمو کراسی گا م هایی برمی دارد اما دشمنان تاب‌دیدن‌شگوفایی

وسربلندی افغــانستان راندارد به اعمـــال خود سرانه و ضد انسانی توسل می جویند . تامگر ارمغان ها، دست آورد هاوهدف هــای انقلاب را نا بود نمایند . اما به حکم تا ریخ و به ضرورت زمان کاروان ظفر نمون انقلاب رهایی بخش افغا نستان درنگ نمی کند . بی اعتنا به‌یاوه سرایی ها ، کارشکنی هاوتخریب او با شان و وطن فرو شان به راه پیمایی ادامه می دهد . ما در سطح جهانی تنها نیستیم . دست همه‌ی برادران ، آن هایی که در سنگر دفاع از صلح و ترقی اجتماعی و دمو کراسی ایستاده اند ، با ماست . دیگر اردوی افغا ـ نستان با قاطعیت و آگاهی عمل می کند . در خدمت توده ها قرار دارد . سر بازان ما با قطره قطره خون خود از ذره ذره این خا ك دفاع می نمایند و با این ارتباط در پلینوم سوم تذکر رفته است ..... افسران قوای مسلح باید پختگی سیاسی ، روحیه‌ی وفاداری به انقـلاب بیداری ، محبو بیت حزبی ، لیاقت ، علاقه به و ظیفه و صفات عالی سیاسی و محا ربوی و عشق به مسلك سر بازی را در خود دایماً پرورش دهند .»



از مراسم تجلیل استرداد استقلال وطن در پغمان که همه ساله بتاریخ ۲۸ ـ اسدبرگزار می شد .

م. عاقل بیرنگ کوهدامنی

طنین آزادی درادبیات جهان

وطن قربان نام با وقارت
فدای دشت و کوه و سبزه زارت
الهی خرم و شاداب باشی
که آزادیست دایم پاسدارت

تاریخ سر زمین ها ، تاریخ مبارزات طبقاتی است ، تاریخ عصیان است بر ضد نهاد ها، ضا بطه ها و را بطه‌های پو سیده و توان شکن و پو سیده انسان همیشه برای آزادی، برای شگوفایی و رهایی مبارزه کرده است و به سوی او جها تا خته ، و دنیای خود را زیبا و خواستنی تر ساخته است واین پیکار مقدس هنوز در جهان ادا مه دارد . انسان با آگاهی ، با دریافت منطقی از مسایل پیرامون خویش به این راه پیمایی و رفتن ادامه می دهد یعنی رسیدن به اوج آزادگی و قلهٔ بلوغ و تکا مل ، آزادی با آگاهی ارتباطی گسست نا پذیر دارد . آنکه نمیداند نمی‌تواند آزاد باشد . به گفته ای پر ند گان آزاد نیستند چون نمی دانند ، نمی توانند با عمل خلا قانه خویش کاری شا یسته انجام دهند . اما انسان در رابطه با آگاهی است که دست به کاری می زند . بر شکو همندی تمدن انسانی می افزاید و بد ینسان است

که هستی و مو جودیت او تو جیه می‌شود . آنکه نمی اند یشد نمی تواند بیا فر یند و هستی او خالی از شور و تپش و شکو همندی است . زند گانی مرداب دار دارد ، متو قف، ایستاد بی حر کت . اگر پو یند گی وآگاهی انسان با او همراه و همگام نباشد نمی تواند مو جودیت او تعبیر شود . آزادی مفهوم عمیق و انسانی دارد اماآن گونه که در کار خانه های غربی بسیاری از مفا هیم ، ارزش ها ومقولات و انگــــاره های نفی ، مســـخ و تحریف می نما یند . واژه‌ی مقد س آزادی را نیز مفهو می منجمد ، انتزاعی و سنگواره ای بخشیده اند ، آن را جدا ازنیاز انسان

مطا لعه می کند باری در غرب و کشور هایی که با نظام های غار تگر و شیوه های بیرهمی اداره می شوند آزادی مانند کالایی تزینی است اگر نخواستی می توانی آن را به دور اندازی . در حالی‌که انسان نمی تواند بدون آزادی واقعیت خویش را در یابد . انسان به آزادی ما نند گیاه به آفتاب و گل به باران نیاز دارد . انسان نمی تواند بـدون آزادی دم از هستی خود بزند وکاری خلاقانه انجام دهد . باری در کار خانه های لعنتی

د گران هیواد دخپلوا کی یوشپیتمه کالیزه مومبارک شه

غرب واژه ها، مقولات ، مفاهیم و انگاره ها هم تحریف می شوند ودر معا نی غیر دقیق خود به کار می روند . در سر زمین ها و قلمرو های سر مایه داری با آنکه بیشترین هیا هو ها را به راه می اندا زند وداد ازآزادی فردی ودموکراسی می زنند . اما عمداً در راه آزادی واقعی انسان گا می بر نمی دارند. اشاعه گران استبداد فردی اند وانسان را به گونه بی شرمانه‌ی آ ن استثمار می نمایند نظام سر مایه داری مر حله ای دیگری از نظام منحط بردگی است . بردگی پیش رفته و نهاد ها و قوانینی تازه . همهٔ دهان پارگی ها ،فریاد ها و داد خواهی های نظام های منحط سر مایه داری که از انسان برده ای

بی اراده می سازد . برای سیادت و آقا یی و حفظ دولت های کذایی خویشتن خویش است . در لفظ دم ازحقوق بشرمی زنند اما در عمل خون انسان ستم‌دیده را به گفته‌ی کارو ، قدح بشت قدح نوش می نمایند . فاجعهٔ ویتنام، حوادث تکان دهنده‌ی شیلی ، فلسطین و بسیاری از کشور های آزادی خواه

جها نخوا ران رو برو آمده است . اما حقیقت و آزادی نمی تواند برا ی همیشه در اسارت باشد . همهٔ کوشش ها ، لجن پراگنی ها و تقلا های جنگ افروزان ، آنها یی که در موا ضع ضد انسان سنگر گر فته است ، در سر انجام با شکست رو برو می آید و انسان زحمت کش به پیشوایی و سیادت‌جهان که مستحق آن است می رسد . استعمار را باید در لباس و کسوت و نقابی که چهره می نماید شنا خت به او مجال ظهور نداد . این غول در لحظه ای قیا فه عوض می کند ودر پو شش هایی تازه به فعالیت و عار ت می پردازد . آزادی ملت ها را می بلعد .

در سر هوایی به‌غیر از تاراجو خیا نت ندارد. نمی خواهد که قلمرو ها و سر زمین‌ها نفسی آسوده بکشند و به آگا هی برسند چون به سود شان نیست ، نمی توانند به زندگی نکبت بار ، وابسته و طفیلی وار خود ادامه د هند و آنگاه کلاه کج گذارند ونخر بفروشند ، یکی از سیا ست های خاینا نه ، عوام فر یبانه و مزورانه استعمار

پیشروی استعمار ذکر کرد هما نا بی سواد گذاشتن مردم و در تا ریکی نگا هداشتن آنها ست ، اما دیگه همه ی طرح ها وتوطئه های خاینانه ی تاراج گران شنا خته شده است و مردم سراسر جهان بیدار گشته می خواهند دیگر در راه آرمان انسان های در اسارت نگاه داشته شده پیکاری بی امان نمایند .

تاریخ میهن ماپراست از پیکار ها ، قهرمانی ها ، دلاوری ها و مردا نگی های مردم ما که هر گز در برابر ارزش های استعمار سر خم نکرده و در برابر بیداد ، تاراج ، غارت و خود کا مگی جها نخواران جا نا نه ایستادگی کرده اند ودرفش پیکار عادلانه و رهایی بخش را همچنان بر افراشته نگا هدا شته اند . به یاد بیاوریم روز گاران سیطره جویی ، افزون طلبی ، تاراج گری و یکه تازی های پاسداران استعمار راکه کشور آزاده‌ی خویش که‌می‌خواستند سیادت‌کذایی و آقایی احمقانه‌ی شان را بپذیریم استعمار انگلیس در میهن ما چشم طمع دو خته بود،



گوشه یی از وطنپرستانیکه شصت سال قبل جهت دفاع ازوطن محبوب شان آمادگی میگیرند

دیگر را پدید می آورند . آیا مفهوم بشر دوستی و دفاع از حقوق انسان همین است که نیمی از بشر یت روی زمین نا بود شود تا چرخهای انسان شکن کار خانه های لعنتی استعمار و امپر یا لیزم همچنان بگردد وهم چنان طعم بجوید ، قربانی بطلبد ، درنده خو یی ، تاراج ، غارت ووحشی ، خصلت جدایی نا پذیر نظام های طراز استبدادی و فاشیستی است ، امپر یا لیزم و استعمار وقتی دریافته است که ملتی می خواهد برای آزادی قیام نماید ، دست به تو طئه تخریب و تفتین زده است و نمونه های بسیاری از انقلاب هایی ملی ، دمو کراتیك و رهایی- بخش در جهان می توان نشان داد که باکار شکنی ، مدا خله و تجاوزات خا ینانه‌ی

در گذشته و اکنون این بوده و هست که اشاعه گر بی سوادی و نادانی باشد ، فضا هایی از نا ایمنی و تاریکی به وجود بیاورد تا بتواند مرا منامه‌ی ضد انسانی خود را به تحقق برساند. وقتی‌در گذشته آفتاب استعمار در بسیاری از سر زمین ها می توانست بتابد ، آن آفتاب نبود ، روشنایی نبود ،ظلمت با خود می آورد و تاریکی در آسیا ، افریقا و بسیاری از قلمرو های دیگر تاراج گران سر مایه های انسانی و قتی با سیاست کذایی در سر زمینی راه می یا فتند در نخستین گام می کوشید ند که را بطهٔ آن ملت را با گذشته‌وفرهنگ‌بومی قطع نمایندبی‌ریشه‌اش نمایند و فرهنگی بیمار ، متحجر پدید آورند. یکی از علت هایی که می توان در رابطه با

می خواست خانه های ماتاریك، آرزو های ما کور باشد در اسارت و بردگی به سر بریم، همه‌ی ثروت ها ، سر مایه های مادی ومعنوی ما را به غارت برد . گرو هی از نما یندگان بی‌اراده‌ی خویش را در لباس هایی گونه گون به سر زمین آزاده ی که هر گز حلقه‌ی بردگی را نپذیرفته بود فرستاد . آنها با توسل به مسایلی توانستند مردم مارا برای مدتی فریب دهند و بتوانند به آزمندی ها و آرزو های پلید خود برسند . اما جویبار انسا ن‌همیشه جاری واین جنگلی است سر بلند ، سر سبز و رو ینده است . نمی توان حرکت او را سد کرد و برای همیشه اش در اسارت نگا هداشت ، باری تاریخ میهن آزادی سر شاراز گام های‌انسان های عصیانی

و انقلابی های از جان گذشته و فدایی است واین خصلت را نمی توان کسب کرد ،آزادی خواهی ، مبارزه در راه آرمان توده ها از فر هنگ غنا مند و زندگی ما جدایی ناپذیر است . آزادی خواهی ، قیام ، مبارزه وعصیان را در سر شت ما به ودیعه گذاشته اند . این خصلت را نمی توان ازکتاب هاآموخت، نمی توان در مدرسه ها و مکتب ها جستجو کرد . آن ملتی ستایش را سزاوار است که می تواند سرنوشت خودرا تعیین‌کند . برای آزادی پیکار نماید در اسارت و بردگی و زبونی نماند . ما را اگر دولت های غا صب و ستم گر از کاروان تمدن بزرگ جهانی به دور داشتند وما نتوانسته ایم در زمینه‌ی تکنو لوژی به چکاد های غرور و افتخار برسیم ودر میان ملل پیشر فته سر بلندکنیم فرهنگ ما ، که سر شار از مسایل عمیق انسانی و اجتماعی در خور ستایش فراوان است واین تاج افتخاری است که از نیاکان و گذ شتگان برای ما به میراث رسیده‌است و باید این افتخار نامه‌ی راستین را پاس داشت . مردم آزاده‌ی ما با الهام از کارنامه های در خشان کاوه ها ، رستم ها ، بومسلم ها ، یعقوب لیث ها و هزاران شهید دیگر در طی سه پیکار وطن پرستانه به نیرو های اهریمنی و شیطا نی انگلیس شکست هایی جانانه دادند که در عالم معروف‌است و این واقعیت را دوستان ما چه بلکه آنهایی که در نقطهٔ متضاد با ما قرار دارند ودر جاده‌ی دیگر روانه اند . از جنگ ، غارت ، استبداد پاس می دارند به این واقعیت معترف اند . یعنی پا یمردی ها ، شهامت ها و شجاعت های ما را در برابر نیرو های اهریمنی آن دوران می ستا یند و آن کار نامه ها یعنی قیام بر ضد قوت های ارتجاعی انگلیس برای‌نسل ما آمو زنده و بر انگیز نده است .

باید در ین برهه ای از زمان ، در این هنگام که همه‌ی نیرو های غاصب و جهان خوار به سرکردگی امپریالیسم امریکا بر ضد افغا نستان فعا لیت هایی نا مقدس می نما یند ، از کار نا مه های گذ شتگان آموخت ، در صفی متحد ، فشرده وهم بسته بسیج گشت و به پیکاری دامنه دار پرداخت و افغانستان انقلابی را از شر سیاهکاران آنهایی که الهام واشنگتن ، پیگن، قاهره ، تل ابیب ، اسلام آبادو پای تخت های کشور های ارتجاعی پوند و دالر می گیرند ، نجات بخشید ، آزادی وا قعی انسان آن وقت فرا میرسد که‌همه‌ی مناسبات و روابط کهن وویرانگر اجتماعی از میا ن بر داشته شود و توده ها بتوانند با آگا هی عمل نمایند . باری با انقلاب شکو همند ثور و مر حله‌ی نوین تکا ملی آن گا می به سوی آزادی راستین انسان برداشتیم و باید این راه را با قا طعیت انقلابی پیمود . هر گز تردید نکرد و تو قف نه نمود . دشمنان خود فرو خته افغا نستان انقلابی که

بقیه‌درصفحه۴۲



اعلیحضرت امان الله درست شصت سال پیش ازامروز استرداد استقلال افغانستان رادرهمین اجتماع به‌کشور وجهان اعلام کرد

استقلال

بعد از جنگ دوم جهانی ، سیستم منحط استعماری در زیر ضربات پیهم جنبش ها و نهضت های آزادی خواهی ملل اسیر در روشنی ستاره تا بناك انقلاب اکتو بر وایجاد اردوگاه عظیم سوسیالیستی یکی پی دیگر فروریخت وگلیم استعمار کهن برچیده شد.

اما مردم افغا نستان آزاد و مستقل ، در کشور عقا بان بلند پرواز و میهن آزاده مردان و آزاده زنان ، چون اسلاف قهرمان خویش که در پهنای وسیع زمانه ها، چپا ـ و لگران و اشغا لگران را از ین خطه پا ك و مقد س بیرو ن کشیده بودند ، با روحیه آزاد منشی و با اتحاد و همبستگی ملی ووطنی دریك سنگرواحدعلیه بزرگترین امپراطوری استعماری آنزمان یعنی بریتانیا جنگیدند و در سال ۱۹۱۹ ع در قلب آسیا اولتر از ـ دیگران با شمشیر بران آزاد یخوا هی‌زنجیر های اسارت و بردگی انگلیس را قطع کرده ودر جهت شکستن زنجیر های استعمار گام اولین را از آسیا بر داشتند .

با بر افراشتن بیرق استقـــلال و آزادی فراز بام دنیا (پامیر) افغا نستان در پایا ن دهه دوم و آغاز دهه سوم قرن بیست وارد مر حله نوین زند گانی خویش گردید ودر آنز مان برای نخستین بار دولت کار گری روسیه ضمن بر سمیت شناختن مبارزه و پیکار آزاد یخو ا هانه مردم افغا نستان و استقلال این کشور با ستانی برای جها نیان اعلام داشت تا در امور داخلـی افغـانستان مدا خله صورت نگیرد .

افغا نستان بعد از استرداد استقلال به سویه ملی وبین المللی اهمیت عظیمی کسب نموذ و در داخل در جهت دگر گونی اجتماعی اصلاحاتی رویـدست گرفته شد که با ز هم اولین گام ها در راه تر قی بحساب می شد .

آ ید .

استعمار کهن انگلیس بعد از استقلال افغا نستان سیاست نو ین استعما ری راطرح و تعقیب نمود و بنا بر عدم ساز ما ن منظم پیکار بر ضد عقب ما ند گی و بر علیـه استعمار و سیا ست های استعمار ی، انگلیس با غیض و غضب از در خارج گردید و از کلکین دو باره وارد افغا نستان شد .

به این معنی که بعد از استقلال ، ارتجاع و نو کران استعماری بنا بدستور مستقیم انگلیس پـلا ن های سقوط دولت مشرو طه امانی را طرح نمود، ودر جهت تطبیق آ ن دسایس و تو طئه های را سر همبندی ودر صحنه عمل پیاده ساخت که باعث سقـوط حکو مت مشرو طه آنز مان گردید و به این اساس استقلال افغا نستان به بن بست مواجه شد و استعمار و ارتجاع به قصد فرو نشاندن غضب شان تا توانستند مشرو طه خوا هان و آزادی دوستان را به زندان هاافگنده وار تیغ کشید ند .

با آنهم ، فرو ریختن زنجیرهای استعمار کهن در افغا نستان در آسیا و دیگر نقاط جهان بی تاثیر نماند وجنبش ها ونـهضت های ضد استعماری در نیم قاره هند تحت تاثیر مبارزات آزاد یخواهانه و استقلا ل خواهانه مردم افغانستان اوج گـرفت و نا ـ آرامی های فراوانی برای حکـومت بریتانیا در هند ایجاد گردید ، مبارزان آزاد یخواه هند یا ندا های بلند (سواراج) یعنی‌آزادی به دژ استعمار کهن یورش برد ند و زمینه های وسیع و گسترده مبارزه علیه استعمار بو جود آمد .

بهر حال خاندان جفا پیشه و خاین نادر داود در ایام زما مداری شان جز ظلم وستم، غارت و چپاول ، نفاق افگنی و بدبینـــی ، تبعیض و بی عدا لتی کاری نکردند و تا تو انستند علیه تر قی و تحول ، روشنفکری و آزادی خوا هی تو طئه و دسیسه نمودند ، ووقتی که پایه های سلطنت شان محکـــم گردید یك ملیت رابجان ملیت دیگر اندا خته نفاق ملی را دامن زدند .

خاندان نادر ـ داود سر مایه های افغاـ نستان را به بانـك های کشور های امپریاـ لیستی انتقال دادند، آنها که‌از علم وفرهنگ بهره ای ندا شتند ، جز خو شگذرانی وبی تفاوتی کاری را از پیش نبر دند .

جلادان مشهور این خانواده ، چون نادر سفاك ، هاشم جلاد ، شاولی وشاه محمودـ مستبد ، ظاهر مکار وداود دیکتاتور خاین و دیگران ، به خاطر حفظ حرا ست منافع فا میلی شان صد ها وطنپر ست و آزادی خواه را سربریدند وپایه های کاخ جبـا ران راروی برشانه های مردم بنا نمودند.

با اینهم مشعل جنبش و تحول در میان اقشار روشنفکر و ترقی خواه هرگز خاموش نگردید و مبارزه علیه سلطنت جباران تاریخ متو قف نشد .

بعد از جنگ دوم جهانی افغـانستان تحت تاثیر پیروزی های عمیق و همه جا نبـه انقلا بی جها ن از مسیر تحو ل دور نماند و به ارتباط روابط نیك همسا یگی افغان ـ شوروی بعضی مرا کز صنعتی در افغا نستان به کمك بی شا ئبه اتحاد شوروی تا سیس گردید و طبقه دوران ساز کار گـر را به عر صه وجود گذاشت .

ترقی خواهان و مبارزان به اشکـا ل مختلف نبرد ، علیه سلطنت دست زدند ولی بار ها شکست خورده وبه مقصد نرسیدند تا اینکه بعد از تجارب فراوان تاریخی در آغاز دهه چهل وطنپر ستان و مشعل داران واقعی آزادی و استقـلال افغانستان وآرزوـ مندان سعادت و آرامش مردم در راه ایجاد ساز مان رزمنده ز حمتکشان گام های اولی را بر داشته و حزب دمو کراتیك خلـــق افغا نستان را تاسیس نمودند .

تا سیس حزب دمو کراتیك خلق افغا ـ نستان بعد از حصول استقلال کشور بزرگ ترین واقعه تاریخی این سر زمین درجهت تحکیم پایه های آزادی و استقلال افغانستان بحساب می آید .

با ایجاد اولین هسته های انقلا بی برهبری حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان لرزه بر اندام ارتجاع و امپر یا لیزم وارد گردید و نبرد طبقا تی در روشنی نظر یا ت و عقاید انقلابی راهش را در دل تـوده هـا باز نمود.

در هر گو شه و کنار وطن یکبار دیگـر مبارزه علیه ظلم و ستم ، تجاوز و غارت بعد شکل انقلابی و نوین آن راه یا فت .

بقیه درصفحه ۴۵

الف : م

پیرامون پلینوم سوم کمیتهٔ مرکزی ح، د، خ، ا:

همه چون مشت پولادین بدهان ضد انقلاب!

تاسیس حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان درماه جدی ۱۳۴۴ بدون شـك در تـاریخ معا صر افغا نستان بزر گترین نقطه عطف و مهم رویداد تاریخی است چه این حزب بمثابه گردان پیش آهنگ و انقلابی طبقه کار گر وکلیه زحمتکشان کشور ما توانست که در میان توده های مردم‌در کمترین‌فرصت نفوذ معنوی فراوانی حا صل کند و تاثیر ژرف مبارزات و پیکار هایش در تحو لا ت بنیادی جا معه خود نما یا نگر اهمیت‌تاریخی و ملی آنست . تاسیس حزب دموکـراتیك خلق افغا نستان نه تنها از جهت علل وچگو-نگی بمیان آمد نش بلکه از نظر استواری و دیر پائی اش در مدت نزدیك به شانزده سال دارای اهمیت فراوان است . مو ضع و مو قف مردمی و رهایی بخش حزب دمو کر-اتیك خلق افغا نستان را می توان از عکس-العمل های مذبوحانه ارتجاع در قبال تاسیس آنو هکذا از روی بیو گرافی اش‌که مشحون از مقاومت های دلیرانه در برابر یو رشها ، دار و مار شدن ها ، منشعب شدن ها ، به غل وزنجیر و به قتل رسیدن قهرما نا نش از طرف ارتجاع فئودالی و ارتجاع سلطنتی ، بخوبی دانست .

ولی علی‌الرغم این‌همه‌تلاش های مذبوحانه وخصمانهٔ ارتجاع داخلی و امپریالیزم جهانی (ارتجاع داخلی یعنی فئودالیزم و سلطنت فئودالی در وجود فئودالان بـزرگ و شاهان مستبد و حیله گر و امپر یا لیزم جهانی در وجود سلطنت و حفیظ الله امین و باندش) حزب دموکـراتیك خلق افغانستان توانست با بسیج نمودن و آگاهی بخشیدن به توده ها و کشیدن خط روشن و جدا کننده میان دو ستان و دشمنان مردم و بالاخره بانفوذ وسیع دربین منسوبین اردو (که خود جزئی از انبوه بیکران مردم می باشند) در کوتاه ترین مدت انقلاب ملی و دمو کراتیك ثور را به پایمردی اردوی دلیر و رهایی بخش و تائید بالفعل و با لقوهٔ توده های ملیو نی زحمتکش وملی‌کشور ، به پیروزی برساند .

از همان اولین لحظات به پیروزی رسیدن انقلاب ملی و دمو کراتیك ثور آتش بجان دشمنان تر قی و پیشرفت مردم ما یعنی همه مر تجعین اعم از داخلی و بین المللی افتاد و این مر تجعین بشکل هستریك و ماجرا جویانه دست بکار شدند و توطئه ، دسیسه وفتنه براه انداختند .

امپر یا لیزم جهانی و در صف اول امپر-یا لیزم انسان دشمن یا نکی (امریکا) در دو پرو گرام و در دو شا خه پلان های شوم و انسان دشمنا نه خود را در عمل پیاده نمود، شا خه وپرو گرام اول آن هما نا نا بگاه قرار دادن پا کستان بمثابه دژ تجاوز کارانه و مدا خله‌گرانه در امور داخلی کشور ما‌بود و است و ازین طریق علیه انقلاب ثور ومردم افغا نستان بشکل یك جنگ اعلان نشده و ظا لمانه بنای دسیسه و تجاوز را گذاشت . پرو گرام دوم ولی‌عمده‌وخطر نا کتر امپر-یا لیزم هما نا مور ساختن یك جاسوس تبهکار حلقه بگوش اش یعنی حفیظ الله خان امین بود که چون کرم مضر و تباه کن در داخل درخت انقلاب ووطن به تخریب گمارده شد . پلان دوم دشمنان ما یعنـی امپر یا لیزم خطر ناکتر از آنجهت بود که می خواست وطن و انقلاب و حزب را از داخل پوسیده و منهدم سازد و هکذا پلان دوم مکمل پلان اول بود به این معنی که امین خائن علاوه از جاسوسی و نمایندگی امپر-یا لیزم با اعمال جنا یتکارانه وسفا کانه خود وبا ظلم و بیدادگـری خـود یـك تعداد از همو طنان معصوم و بیگناه ما را از آغوش مادر وطن راند و آنها جبراً شکار آن عناصر و محا فلی شدند که طبق پلان اول یعنی براه انداختن دسیسه و توطئه و تجاوز درحاشیه های سر حد افغا نستان کمین کرده بودند .

ولی چنا نچه همه می دانند این خواب و خیال امپر یا لیزم ودر مر کز آن امپر یا-لیزم امریکا که می‌خواست‌توسط امین وطن ما را پارچه پارچه نماید و حزب را مضمحل سازد و تو پاره یکدوره تاریك و پراز درد و الم را بر مردم ما تحمیل نماید با خیزش ظفرمنـــد شش جـدی ۱۳۵۸ نش بر اب گردید و بااین عمل قهرمانانه که باز هم بر هبری زعامت ارجمند و فرزانهٔ حزب وبه پایمردی مردم دلیر افغا نستان و اردوی رهایی بخش افغا نستان عملی گردید عمده ترین بخش تو طئه و دسیسه امپر یا لیزم خنثی گردید وارتجاع و امپر یا لیزم بعد از این نا کامی همه قوت خود را در جهت تجاوز و آدم کشی و قطاع الطر یقی بکار انداختند مردم شرافتمند افغا نستان و در پیشا پیش آنها حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان با سر بلندی و افتخار وعلی الرغـم توطئه و دسیسه های دژ خیمان داخلی و خارجی بـه طرف جا معهٔ بهروز و خو شبخت به پیش می روند . ولی یگانه مانع و سد راه ایـــن پیشر فت هما نا مدا خلات امپر یا لیزم و ارتجاع جهانی در وجود باند های آدمکش و ویرانگر است که نمی گذارند مردم ما‌بنا به‌ارادهٔ آهنین شان وبنابخواست وحق مسلم شان آزادانه و به اختیار خود وطن خود را آبادان و شگوفان سازند و خود را بهروز نمایند درین جای شکی نیست که عا قبت امپر یا لیزم ما یوس و رو سیاه خواهد شد ومردم ما به هدف خواهند رسید ولی اعمال ضد انسانی امپر یا لیزم و باند های وابسته اش علاوه از آنکه سد راه پیشرفت جامعه، حزب و مردم ما ست ، آرامی طبیعی و امنیت حقیقی ما را با اعمال خرا بکارانه و غیـــر انسانی خود مختل می سازند لذا برای اینکه بساط این عمال سیا هی و غیر انسانی هر چه زود تر چیده شود و مردم ما هر چه زود تر از شر شان آرام شود حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان این گردان پیش آهنگ و خد متگذار صدیق طبقه کار گر و کلیه زحمتکشان کشور یکبار دیگر با بدست‌گر-فتن ابتکار اینك اقدام جدی و سا زنـدهٔ دیگری را بکار انداخت و آن عبارت از دایر نمودن پلینوم سوم کمیته مر کــزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان می‌باشد

قبل‌ازآنکه به بررسی فیصله‌هاورهنمودهای این پلینو م بپردازیـــم نخست لازم دیده می شود تا بدانیم که پلینوم در حیات یك حزب چه تأثیر دارد و پلینوم خود چه می باشد . پلینوم کمیته مر کزی یعنی آ ن اجلا سی که در ان اعضای اصلی کمیته مر کزی واعضای علی البدل کمیته مر کزی شر کت میکنند درجلسات پلینوم و ظا یف [illegible] و مسائل حیاتی ملی و حز بی در سطح زمانی معین و در روشنی تصمیمات کنگره و یا کنگره ها مورد بحث و [illegible] قرار می گیرد . البته بعضاً نظر به ضرورت در جلسات پلینوم [illegible] که این جلسات را پلینوم و سیع کمیته مر کزی می نامند . پلینوم در لغت به معنی مجمع عمومی ان ار کان یا کمیته است که خود نیز توسط یك سازمان انتخاب شده باشد .

اینك حالا که بر علیه کشور ، مردم و انقلاب ما از طرف امپر یا لیزم جها نخوار و در راس امپر یا لیزم امریکا یك جنگ اعلان نشده جاری می باشد و بسر کردگی امپر یا لیزم امریکا و امپر یا لیزم [illegible] و عظمت طلبان دیوانه صفت چین و [illegible] ارتجاع منطقه دسیسه های مبنی بر نفاق افگنی در کشور ما به شدت ادامه دارد و همه نیرو های اهریمنی در یك صف واحد و نا مقدس و با استفاده از تکتیك هـــای استعماری و نو استعماری می خواهند یکبار دیگر (بزعم خود شان) سلطه جهنمی طبقات حا کمه مر تجع و دست نشانده را در کشور [illegible] و برای [illegible] این خیال پوچ و واهی از استعمال هیچ‌وسیله وی بسیار رذیلانه هم دریغ نمی ورزند .

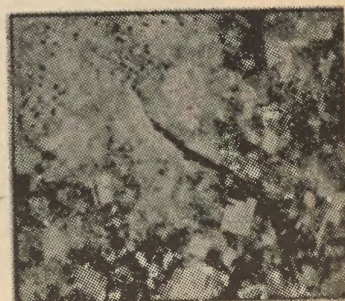
حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان بنا بر ما هیت انقلابی ووطن پر ستانه خود که‌همانا دفاع از وطن ، دفاع از انقلاب و دفاع از دست آورد های انقلاب [illegible] می باشد اینك یکبار دیگر ابتکار سر بازی [illegible] به تدویر پلینوم کمیته مر کزی و ظا یف همه [illegible] اعضای حزب را [illegible] دور مو لبندی شده و با [illegible] شرایط خاص جا معه ما و مو قف کشور ما، ارائه نمود که بر رسی فیصله های این پلینوم تشریح دروس بزرگ وطن پر ستی و مردم دوستی میباشد .

نکته آموزنده و قابل دقت درین پلینوم بیانیه مفصل علمی و تاریخی و انقلابی ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مر کزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دمو کراتیك افغا نستان می باشد که علاوه از آنکه یك بیانیه آمو زنده و انقلابی است از طر ف مشمو لین پلینوم و سایر بیانیه دهند گان بشکل عام و تام مورد تایید قرار گر فت . هکذا در پلینوم به مو فقیت ها ییکه درنتیجه انقلاب ظفر مند ثور و بخصوص مر حلهٔ نوین و تکاملی آن‌نصیب‌مردم افغا نستا نشده است عطف تو جه گردیدو تحکیم و گسترش دست آورد های این مر حله نیك ارزیابی گردید .

بقیه در صفحه ۵۳

دمحمد علم «علمی» ژباړه

دبهرنی فضا څخه تصویرو
لرغون پیژندونکو ته په
زره‌پوری زمینه برابره کړ



له بهرنی فضا څخه د(سارپا) دسیمی څخه اخستل شوی تصویر

دا یو څرګند حقیقت دی چې دبهرنی فضا تسخیر دساینس پوهانو پر مخ یوه په‌زړه پوری لار خلاصه کړیده . دبهرنی فضا څخه په‌استفاده سره ساینس پوهان په دی بریالی شوی دی چې دسمندر ونو ، جیو-لوژی درمل جوړ و لو او داسی نورو برخو کی ستر بر یا لیتو بوته تر لاسه کړی .

په دی تو لو علاوه د بهرنی فضا تسخیرول ار کیو لو ژی یعنی ځمکی پیژند نی اوځمکی کنبد نی ، برخه کی له اهمیته ډکه لا ره د لرغو ن پیژند لو د پاره خلا صه کړی ده. د هغه چا د پاره چې پر ځمکه ولاړوی د

سارپاسیمه یوه دښته چې‌په هغه‌کی‌ونی نه‌دی مو جودی همواره او له ښی اړخ څخه افقی ښکاری ۰ مګر که‌چیری دغه سیمه لـــه فضا څخه وکتل شی مخصو صا د لمر لوید یخ یادلمر ختیځ په وخت کی‌په دی سیمه کـی هرڅه دتغییر په‌حال‌کی کیږی او پـــه دغه سیمه کی په زر ګو نو سوری او کو چنی تپی لیدل کیږی چې ددایروی خـــطونـو او کرښو په‌واسطه احاطه شوی دی.

حتی د فضا نوردی په عصر کی د لمرختو په وخت کی دځمکی فضا ئی څیړنه‌دساینسی او ارکیو لوژیکی هدفو نو دپاره په کــار واچول شوه .

هغه تصویر و نه چې د فضا څخه اخستل شوی دی د لر غون پیژند و نکو د پاره د لرغونی کشفیاتو دپاره ستره منبع برابری کړی دی

چې دهمد غو له هوا څخه اخستل شوو تصویرونو په مرسته لر غون‌پیژ ندو نکـــی په‌دی بـــریالـــی شوی دی چې ایتر دسکان پایتخت چې تریوی تپی لانـــدی پټ شوی وه کشف کړی او یا هغه په زړه پوری د کرهنی سیستم چې دشوروی اتحاد پـــه مر-کزی آسیا کی دریګی تپو لاندی پټ شوی وه کشف کړی ، او کله چې د فضائی اکتشا

فا تو د عصر په دوران کی د مصنو عـــی سپو ږمی ګا نو څخه تصویر اخستل پیـل شول نو په دی کار سره لر غون پیژندونکو ته د نوی د مسلك په بر خه کی ستر بریالی توب ور په بر خه شو .

کله چې لر غون پیژندو نکو د هغوتصو-



دپارسا دلرغونی سیمی یوه برخه‌چې دلرغ دکرژوند سیمه کشف شـــویـــده

یرونه په بر خه کی څیړ نی پیل کړی مصنو عی سپو ږمیو په مر سته لاسته را وه نو نوی په حیرت کی پاتی شول او خپلو ستر ګو ئی باور کول نه شوز غ ځکه په دغو تصویر ونو کی هغه لر غو شیان چې په هغه باندی لس متره خاو او ښتی وی په ډا ګه ښکاره کیدل . د هم غو تصویر و نو په مر سته وه چې هغ کلی او داستو ګنځی ځایو نه چې د(واخت د سینه په غاړه تر خاورو لاندی وه او دې په عـصر پـــوری اړه لرله دلـــر غــ پیژندو نکو له خوا کشف شول .



لـه‌هوا څخه د (سارپا) دسیمه‌د لر غونـی‌مهمی بر خی تصویر .



دهملی تاریخی بر خی تصویر چې د ځمکی څخه اخستل شوی او ساینس پو هان او لرغون پیژندونکی دکیندلو په حال لیدل کیږی.



د (سارپا) د لرغونی سیمی یوه بر خه چې‌لرغون پیژندو نکو له خوا کشف شو یـــده

په دی برخه کی د شوروی اتحاد دکا- لمیك د جمهوریت د لرغون پیژندنی د ټیم امر (یو جینی تسو تسکی) د شوروی اتحاد د لومړ نیو پوهانو له ډلی څخه دی چی دفضا ئــی تصویر و نو په مرسته یی دلر غـــون پیژندنی هلی‌ځلی پیل کړی.

په دی بر خه کی په زړه پوری مثالونه مو جود دی . د شوروی اتحاد د کا لمیك د جمهوریت دلرغون پیژند و نکی ددی جمهو- ریت په اروپائی بر خه کی چی تربیاهه‌واره او ریگستانی ده ډیر تاریخی آثار مو ندلی دی . دغی دبښت مانند ی سیمی تــــه اوس

په زیاته پیمانه او به د سول شوی ، او د ځمکی ابا نو لو نه ئی زیا ته پا ملر نه‌شوی اوپه دی سیمه کی اوږده کا نالــو نه اوږد

او به‌کولو سیستمونه په‌کاراچول شوی دی . د دغو تولو فعا لیتو نوڅخه یوازنی هدف ددی چی ځمکه کیند ونکی اولرغون پیژ نـــد و- نکی د دی سیمی څخه چی ستری لر غون منابع لری لر غو نی مواد تر لاسه کړی .

هغه سیمه چی دولگا او د(دون) دسیند ونـو تر منځ پراته دی په زړه پوری تاریخی‌اهمیت لری ځکه دا هغه سیمه ده چی په هغه کی ډیری بخوانی لوئی لاری چی د اسیا او اروپا قفقاز او نورو شمالی هیواد و نو تر منځ د مدنیت دپینگو لو لــویــی لاری وی مــو جوده دی . په دی سیمه کی د (سایمر یا نو ، سکیتا نو سار ما تیانو ، ساورو ما تیانو ، الانی هونز اودنــی نورو وختو نو څخه چی

ځینی لر غونی مواد چی ددی سیمی څخه په لاس را غلی دی د قبل المیلاد په (۱۰۰۰۰)

کلن عصر پوری اړه لری نو ځکه مرزوبلای شو چی دغه سیمه د لرغو ن پیژندو نکو د پاره د جنت نوم لری . او د دغی سیمی صنعتی کول نه یوازی هیڅ گټه ونه لری او یوازی دا تاوان به ورسوی چه لر غو نی مواد به هغه کی تر خاورو لاندی شی نو ځکه د دی زراعتی کول پلان شوی دی .

د همدی مطلب د پاره دی چی د کا لمیك جمهوریت تصمیم نیو لی دی چی دغه د لر غونی ذخیرو سره منبع په ښه توگه به کار واچوی . ددی دپاره چی دغه لر غو نی آثار له منځه ولاړ نه شی د (سارپا) دسیمی په

برخه کی چی ډیره خا ځمکه نه سیمه ده مگر دغه سیمه ددی دپاره چی لر غونی مواد و نه نقصان ورو نه رسیږی تر او سه پوری

په هغی کی د کر هڼی دپاره هم استفاده نه ده شوی تر څو هغه د خاورو اپه چی دلته موجوده دلر غـون پیژ نــدونکو لـــه خـوا وڅیړل شی . تسو تسکین د خپلی یوی وینا په ترځ کی‌په دی بر خه کی وویل : « که

چیری مو ږ په پخوانی طر یقه او پخوانی سر عت سره د غه سیمه د لر غونی مواد و دپیدا کولو دباره و څیړونو داکسار بـــه ډیر زیات و خت ونیسی ځکه چه دغه سیمه کی تقریباً د(۷۵۰) په شاو خوا کی دخاورو خلی مو جود دی چی هر یو خلی ئی سنسر



دکیندنی په سیمه کی د لرغون پیژندنی د ټیم امر یو جینی تسو تسکین او دلر غون پیژندنی د یو همتون زده کړ نکی (دیمالود یا یوا .

....

تاریخی اهمیت لری چی دغه (۷۵۰) د خاورو خلی یوازی د (سارپا) دسیمی په بر خه کی مو جود دی او مو ږ په اوسنی طر یقه سره کولای شو چی یوازی (۲۰) دغه دخاور خلی په یوه مو سم کی وڅیړو نو ددی مطلب د جهت پر مخ تگ دپاره باید مو ږ نوی دریځ په کار واچوو او عمدا علت وه چــی د فضائی تصویر ونو په باره کی څیړ نی ـ وشوی ترڅو یی لر غون د پیژندونـــکـــو د پاره دغه په زړه پوری زمینه برابره کړه. د لومړی ځل دپاره د همدی فضائی تصویر ونو په مر سته مو ږ په دی بر یالی شو وچی دغه جمهوریت د لر غو نی مواد و سیمی تثبیت کړو . د همدی فضائی تصویرو نو په مر سته ز موږ ساینس پو هان او لر غون پیژندو نکی په دی بر یالی شوی چی بـــه ثبوت ورسوی چی په دغه سیمه کی دلرغون سرکونه داسنونگی ځایـــونه، دریا بـــونـــه او ذاوبو بندو نه مو جود وه که چیری د فضائی تصویر و نو څخه استفاده نه وای شوی نو موږ هیڅکله نه شوای کړ لا ی‌چی د دغو شیا نو په بر خه کی معلو مات تر لاسه کړو . دفضائی تصویرو نو څخه په کار اخستلو سره موږ په دی بریالی شوو چـــی خپل کارله سره ترتیب اوتنظیم کړو.

اوس زموږ لرغون پیژندو نکی لومړی په لابرا توار و نو کی خپلی څیړنی سر تـــه رسوی او کله چی فضائی تصویرو نه هلته په ښه تو گه وڅیړل شی نو بیا په علمی توگه

کولای شی هغه سیمی چی هلته وگړی په ډیره پخوا زمانه کی ژوند کړی وی پیدا کړی . په دی تر تیب سره وروسته تر دغو ټولو څیړ نو څخه زموږ لر غون پیژندونکی په اراضی کی په کیندنو پــیل کـوی».

دفضائی څیړنو او لرغون پیژندنی تر منځ اړیکی نه یوازی دا چی لر غون پیژندونکی ددغی رابطی په مر سته لر غونی ذخیری پیدا کړی بلکی دهمدی طریقی په‌مر سته ساینس پوهان په دی بریالی شوی دی چی د طبعی حالاتو او تغییراتو په برخه کی هم پوره‌څیړ- نی تر سره کړی چی دا کار به هم مو ږ ته ستر بریالی توب راپه بر خه کــړی . ځکــه دهمدی بهرنی فضا د تصو یرو نو په مرسته دی چی اوس د هاید رو جیو لو جی پو هانو

هم پوره بریا لیتو بونه د خپل کار په بر خه کی تر لاسه کړی دی .



هغه لر غونی شیان چــی دسارپــا په‌سیمه کی پیدا شوی

از

له جبهې نه ستړې ده‌شي

دانقلاب قهرمانه ! نه‌پوهیږم چی‌ستا کار نامی ، ستا سرښندنی ، ستا میړانه اوستا زړه ورتوب له‌کوم ځایه شروع کړم، ستا‌اشهامت‌اومیړانه په‌دی لنډی ادبی ټوټی کی‌نه شم ځایولی. ستاپه میړانه به ناولونه اودا ستانونه ولیکل شی . لیکوال ته چی مضمون نه‌وی نو څه به ولیکی، ته‌وی چی دریالستیکو لیکوالانو لپاره دی درښتینولیکنو دروازی‌نوری هم پرانیستی ستاسرښندنه اوقهرمانی چی‌لیکم‌نودنیکو لا ی اوستونزی می سترگو ته راځی اوهغه نا ول یاد راځی. دنیکولای استروفسکی‌دجبهی ټپونه او ستونځی می‌سترگوته راځی او دغه ناول می‌له ستر گو تیریږی .

هو ! تادنیکولای استروفسکی ناول لوستی وه او پوهیدی چی ډ زه‌ورځ به می‌گوند دخلکو د ر مانونو په لاره کی جبهی تــه ولیږی

خه‌ادوطن استروفسکیه!هغه‌ورځ نه‌هیریږی چی ورورته یی دی هم دجبهی په لور بلنه ورکړه . ورور دی هم ومنله، ښه می‌په‌یاددی ی زهیری ورودی ستاسو دیری هیله وکړه. پوښتو لی یی‌ښکل‌اوپه‌ښایی ودبولی‌اوورته‌یی وویل :

ځویه ! ما همدی ورځ ته لوی کړی وی. زه لاړشه او دخپلو خلکو او گوند دارمانونو په وړاندی ، دانقلاب او خاوری دساتنی‌پـــه له‌خاطره سربښندنه وښیه، خپلی‌مینډی، خو یندی دبانډو بزگر اودهغو وارڅه‌ماشومان دغلواولاری وهونکو له شر او عذاب څخه‌وژغوره،دهونکوله د هغـــو ستر گـــی د تـــا پـــه نورکړی دی . زه لاړشه بر ی دی غواړم ، پـــه شارانشی او بیایی ستا کشر وروته مخ واړوه اووبی ویل :

خوبه ! خـــپل ورورد‌ی‌یواځی‌مه پریږی‌ځه نه‌هم ورسره لاړ شه، دخـــپل ورور ، گونـد او انقلاب ملا وتړه ، ورووردی چی قربانیږی نه هم دخپلوخلکو له هیلواو ارمانو نوڅخه ځــان قر بان کــړه ، زه لاړشه، بری‌موغواړم واړاوه اوویی ویل:

ځامنو !تاسی چی دحق پلوی کوی ، زه‌یی ونیم، بری ستاسو په‌برخه دی .

دگوند او خلکو سر ښند ونکیه !

هو! آاماتینگڼ په اوږه دخــپلو ورونولپاره په ښوونځیواو مکتبونوکی‌درسی جریان پرمخ بیوه، همدی جبهه ساتله او هم دی دعلم ډیوی بلی ساتلی نو تاچی دعلم ډیوی بلی وساتلی . ستانوم او کارنامی به هـــم دگوند او خلکوتاریخ‌دتل‌لپاره روښانه وساتی تازیات شمیر بزگر ، واړه ماشومان سپین گیری خوانان ښځی او نارینه دغلو ،لاری وهونکو او داړه مارانوله شراوعــذاب‌څخه خلاص کړل. تادجبهی په سرو کړ لیو کی‌دچی او ورځی تیری کړی . موږ یی نشو هیروای. گونداو خلك یی نشی هیرولی !

خما د خوری ننگیالیه!رښتیا چی‌ناڅاپی گټی دگوند اوخلکو له گټو نه‌قربان کړی.خپل پوهنځی دی نیمگړی پریښوده او دجبهی په لور وخوځیدی کاشکی ماهم‌ستاپه شان دگوند اوخلکو په تاریخ‌کی نوم گټلی‌وای‌کاشکی‌ماهم د جبهـــو پـــه ســر و گـــو ـ لیوکی له تا سره یو ځای ماشینگــڼ‌په اوږه جوړی وای اوله تاسره می یـــو ځای‌دجـــبهی ستونزی ځغملی وای ـ کاشکی له تاسره می یو ځای ددښمن سنگرونه وران کړی وای او کاشکی ما هم دجبهی بوټ خوړلای وای.

هو! زه هم ستاملگری یم ، دتاپه شان می‌دگوند په توده غیږ کی شپی او ورځی سباکړیدی ـزه هم دجبهی په‌لور خم‌ ـ لـــه بیریږم ، خما او ستا ډیر ملگری دخلکواو گوند دار مانونو په لاره کی شهیدان شول کله چی دښمن له خوا دهـــغو خیری‌دسینوا دپردی په شان له مخی تیروم نودمبارزی‌توی بلی دنیا کی ته ننوزم او زړه می غواړی چی دتل لپاره په جبهه کی پاتی شم .

دامی هوډ دی اوداسی می پتیلی ده!

خما دسنگر انډیواله ! ماوبښه ځکه چی ستا قهر مانی ، میړانه اوزړه ورتوب‌دلته‌نشم ځایولی ماوبښه ـدا ادبی ټوټه ده ماوبښه! ستا سو پـــه سر ښندنوبه ناولونـــه‌او داستانونه ولیکل شی ـماوبښه ـماهم ستالاره ونیوله ـ لاړم .... به شامی وډبوه‌لاړم ...

بای

یک گفت و شنود اختصاصی اماکـــــوتاه‌و فشرده با :
آواز خوان :

اگر عشق باشد گناهی

آشنا شویم

بیشـــس از ۹سال است کـــه با صدای‌بـــم‌وشاد رحیم مهریار آشناییم وترانه هـــا و زمزمه ها یش را می شنو یم ، در همین مدت کم او توانسته جای خودرا درمیان آواز ـ خوانان جوان مورد علاقه مردم باز کند وبه‌سوی شهرت و محبو بیت روان گردد .

از رحیم مهریار که تا درجه بکلور یا تحصیلا ت خود را دوام داده است تا کنون بیش از شصت پارچه رادیویی و بیست پارچه‌تلو یز یو نی ثبت شده است که به قول خودش بیشتر آهنگهای را هم که خوانده‌است از ساخته های خـــودش میباشـــد او در استیل مو سیقی آزاد هند آواز می‌خواندودر نواختن آرگن ، هارمونیه ، طبله و بیس گیتار مهارت دارد هنوز از دواج نکرده وازکسانی که هر روز به نحوی او را بایکی نامزد معر فی می کنند ودر اطرا فش شا یعه می پراگنند دل پرخونی دارد .

* من چندك زدن به آهنگ های دیگران‌ویاکش رفتن بخشی از یك آهنگ را گناه نا بخشو دنی میدانم و کا پی خوانی را درحد اعتدال دوست دارم

* * *

* من از شاگرد بودن و آمو ختن ننگ ندارم .

* * *

* من بجای پیانو با نواختن آرگن آشنایی‌دارم ومیلودی هاهم‌درپیانووآرگن مشترك اند پس نمیتـــوان گفـــت آهنگ ساز نیســـم‌چرا که پیانیست نمیباشم

* * *

**در نخستین پرسش از مهریار ایـــــن مو ضوع را به طرح میاورم که در شرایط کنو نی کمتر آواز خوانی است که با چندك گر فتن از یك آهنگ خارجی و کش رفتن بخشی از یك آهنگ دیگر به قول خـــود کمپوزی را به وجود نیاورد و خودش را آهنگساز نخواند . با توجه به اینکه توهم حد اقل به ادعای خودت بخش بزرگ آهنگ هایی را که به اجرا آورده یی خودت سا خته یی آیا در کارت چنین پخته دزدی هایی‌داشته یی و یا خیر ؟

* نظر ترا تا ئید میکنم که چنین بیماریی درمیان برخی از آواز خوانان ما شایـــع‌مـــی باشد ، با آنکه من عقیده دارم هیچ آواز خوانی نیست که گا هی چنین نکرده با شد صاد قا نه میگو یم خودم آهنگها یم را از جایی نگرفته ام زیرا برای مـــن کمپوزیـــك آهنگ که خودم روی آن کار کنم و خوب یا خراب محصول اندیشه و تفکر خودم باشد به مرا تب آسا نتر از آن است که چند ین پارچه آهنگ را بشنوم و خودم را بـــرای چندك زدن به هر یك و کش رفتن مقداری از هر یك زحمت بد هم ..

* چرا از نظـــر توهر آواز خوان بـــاید چنین باشد و یا چنین است انگیزه چنین تمایلی در دزدی و گر فتن آثار دیگران و آنرا به نام خود جا زدن در چه مواردی‌خلاصه میگردد .

* والله غا لباً کمبود آهنگساز مطرح می باشد وجوانی ومیل به شهرت .

* از نظر توبه عنوان یـــك آواز خـــوان جوان و تحصیل یا فته این گناه نیست که به جای مطا لعه و زحمت کشیدن و بالا بردن سطح آگا هی خود ودر فکر ابداع کردن بنشینیم پارچه یك آدم شناختـــه شده و یـــا گمنا م را مسخ کنیم و بعد به روی ایـــن تر کیب نا هنر مند انه نام اثر هنری بگذ ـ اریم و آنرا از ساخته های خود بدانیم وبه آن افتخار کنیم ؟

* گناه است و گناه بزرگ و نابخشو ـ دنی مگر اینکه مرد مردانه کا پی کنیم ، در اثر ذوق خود را تا سر حد مسخ شد ن آهنگ دخیل نسازیم و صا حب اثر را نیز معر فی کنیم که چنین روش علاوه ازاینکه عیبی ندارد ستا یش بر انگیز هم میباشد .

* کاپی خوانی از چه نظـــر ستایش بر ـ انگیز است ؟

از این نظر ودر جا یی که بیشتـــر بـــه دزدی می اند یشند ، کا پی کردن یك‌پارچه بدون آنکه اصالـــت آ هنگ به خطر افتـــد و خا صتاً که قصد دزدی هم در میان نباشد نو عی صدا قت است و صداقت هم در هر کاری که باشد ستا یش بر انگیز است .

ا زاین گذشته آواز خوان آهنگی را با احساس و ذوق خود برابر می یا بد و می خواهد با خواندن آن احسا س خود را بیشتر و خو بتر تبارز دهد این که عیبی ندارد .

* من شنیده ام که در هنر خلق و ابداع و نو آوری است که واجد ارزش بیشتر است و بزر گان گفته اند آنکه برای اولین بار دهان معشوق را به گل تشبیه آورد هنرمند بود و هم کسانی که بعد از او این گفته را در نظم ونثر تکرار کردند مقلدانی بی هنر به این دلیل تقلید هنر نیست ویااگر باشد اندك است تا نظر تو در این باره چه باشد ؟

* با نظرت موافقـــم و زیاده روی درکاپی ـ گری را بی هنری میدا نم .

* اما برخی را عقیده است که تو خـــود از کاپی گران بزرگ استی و درین کـــار تجر به وافر داری ؟

* چوگفتی دلیلش بیار، من درشمارشصت آهنگی که خوانده ام فقط یکی آنرا کاپی کرده ام و بس .

** در مورد آهنگ سازی ات چه میگویی میگو یند آهنگساز باید پیا نیست با شد ودر نوا ختن ساز های دیگر هم آشنا و گر نه آهنگش چیزی از آب در می آید ما نند

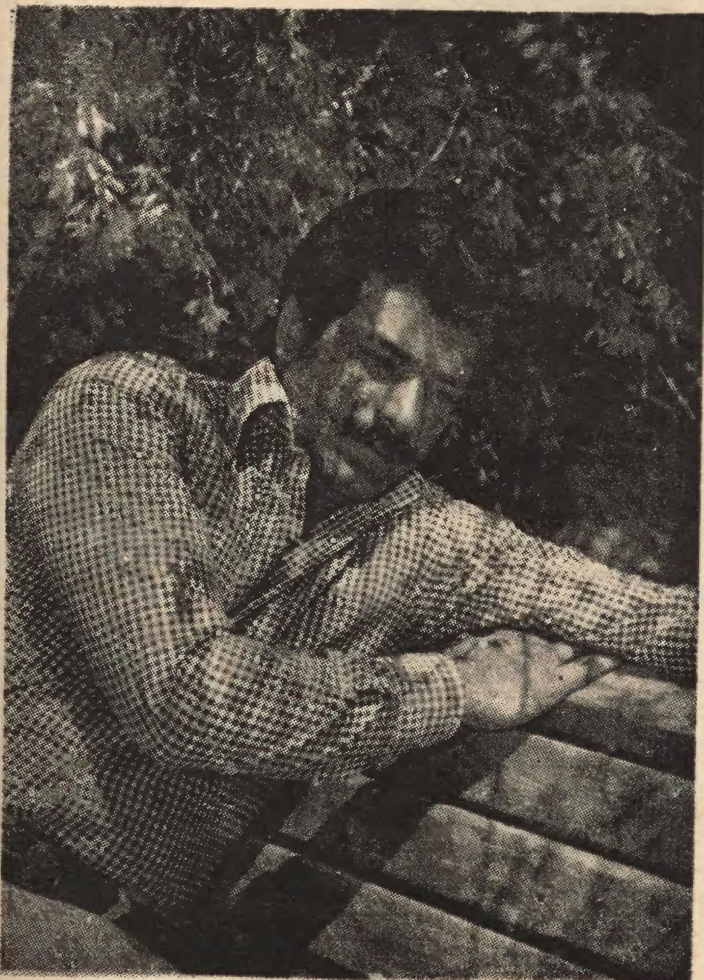
مصا حبه های هنری من، تو که‌پیا نو نواخته نمیتو انی چگونه آهنگ هایت را می سازی؟

* درست است که پیا نیست نمیبا شم اما آرگنیست استم و میلودی هاهم در پیانـــو و آرگن فر قی از هم ندارند .

* سوال دیگر این است که چرا اصـــرار داری به جای خواندن آهنگ هـــای اصـــل افغا نی در چو کات و شکل افغا نی پیر و موسیقی آزاد هند باشی و در واقع ازحنجره یك هندی آواز بخوانی ؟

* اولا که من‌از حنجره‌خودم آوازمی خوانم ونه از حنجره دیگری ، دوماً اینکه گلویم با این سبك بیشتر تطا بق دارد و سو ماً هم اینکه به آن عادت کرده ام و ترك عادت هم مو جب مر ض است .

** از نظر تو چرا در کشور ما به کار آهنگساز نسبت به آواز خوان و شاعر کمتر ارج گذاشته میشود وبیچاره آهنگساز دیگر ان را به شهرت می رساند و خود در گمنامی می میرد ؟



رحیم مهریار هنرمند محبوب وپرآوازه کشور .

* هنوز مردم به ارزش کار یك آهنگساز در یك پارچه موسیقی وارد نشده اند و این هم گناه پرودیوسر ها ست که آواز خوان را معر فی می کنند و آهنگساز را نه ، درحالیکه نباید چنین باشد و باید نام سازنده هـــر آهنگ در مو قع نشر آن اعلام گردد .

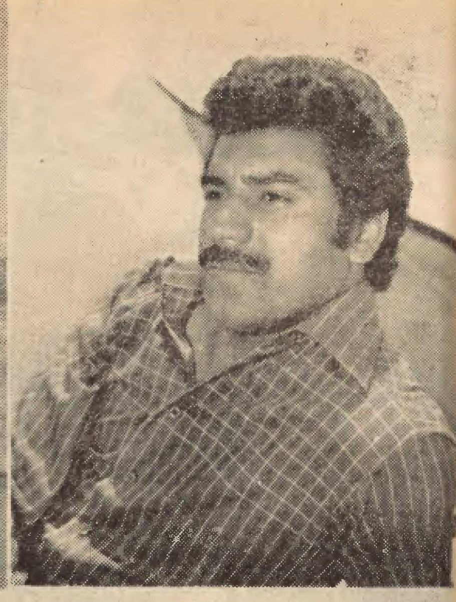
* از نظر تو آوازخوانی هنر است .

* بلی پس چیست ؟

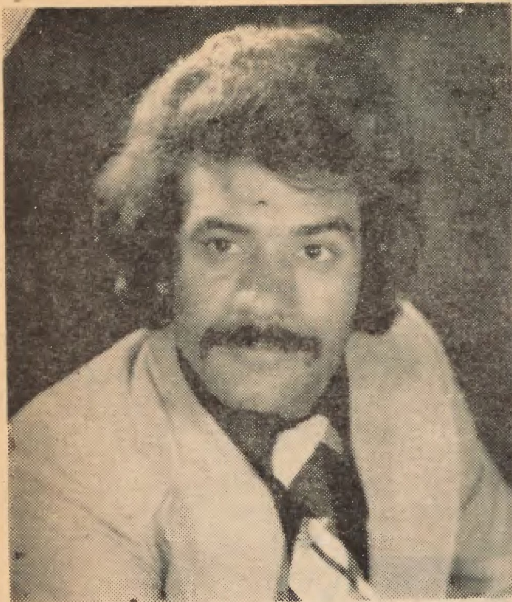
* بعضی میگویند فن است .

* نه خیر اگر فن می بود هر کس می توانست آنرا کسب کند در حا لیکه این طور نیست ودر پهلوی کسب خصو صیا ت موسیقی آواز خوان با ید صدای خـــوب ، استعداد سر شار ، ذوق هنری و آگا هی نسبی از مو سیقی هم داشته باشد .

* با کتاب و مطا لعه چطوری ، گا هی چیزی می خوانی ؟

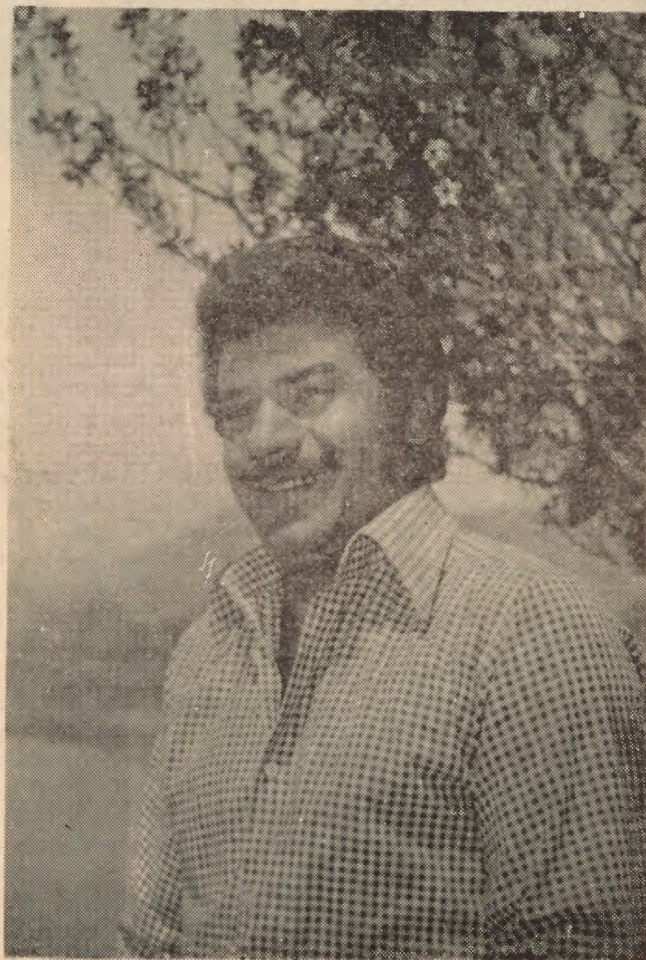






اگر فرصت داشته باشم کم کمک مطالعه‌می کنم نه آنقدر که رویش حساب کنم

* اگر فرصتی باشد کم کمک مطا لعه می گیرم و غزل ها یم را بیشتر از سروده
می کنم اما نه آنقدر که رویش حساب کنم. های امیر خسرو دهلوی انتخاب میکنم..
* بیشتر شعر کدام یک از شعرا را می * سخن به شعر کشید ، چرا تعداد
خوانی وبه آن علاقه داری ؟ فراوان آواز خوان های ما شعر را غلط می
* تصنیف ها یم را غالباً از نور فرخ‌خوانند ، آنرا می شکنند و به شکلی در می



عده یی به خاطر عدم سواد شعر راغلط می خوانند که ای کاش پیش از خواندن ونشر بپرسندکه پرسیدن عیب نیست وغلطخواندن شرم است .

آورند که اگر شاعر فقید سر از خاک بر دارد و آنرا بشنود خود را به خاطر شاعر بودن نفرین می فرستند و شاید هر گزهم نبخشد ؟

* والله ، در برخی او قات کاری است که باید بشود ، چرا که ساختمان شعر طوری است که جز اینکه بسرای جا ی گرفتن در چوکات آهنگ بشکند چاره دیگر وجود ندارد ، ما نند :

این آهنگ خودم که :

اگر عشق با شد گنا هـــی

که در مصرع : « نشان ده ره کعبه عاشقان را» ناگزیر شدم به خاطر حفظ آهنگ کلمه «کعبه» را بشکنا نم و آنرا به شکل « کع» «به» بخو انم

عده‌یی هم به‌خاطرعدم سواد شعر راغلط می خانند که ای کاش پیش از خواندن ونشر بپرسند که پرسیدن عیب نیست و غلط خوا ندن شر م است

* بیشتر تصنیف هایی که در راد یو خوانده میشود در محتو ای خود جز از نالیدن ها از فراق و رسیدن ها به وصا ل و آن هم در ابتدایی ترین شکل خود چیزی ندارد نه تشبیه زیبا یی در آن به کار میرود نه‌استفاده استعاره یی و نه هم رمز و راز هنری وبیان عا طفی قا بل قبو لی چرا حد اقل جوانان تحصیل یافته آواز خوان ما نمیکو شند در انتخاب تصنیف ذوق بیشتری به خرج دهند؟

* باید هنر تصنیف سازی تکامل کند و نخست تصنیف سازان از آن مانند کــه میگو یی فراوان داشته با شیم و کار شان هم خریدار داشته باشد تصنیف بی قیمت که از این بهتر نمیشود .

* شنیده ام که در جا های دیگر غا لباً برای آهنگ تصنیف و شعر سا خته میشود، اما دراین جا مو ضوع عکس است و برای شعر آهنگ را می سازند آیا این روش از نظر تو درست است ؟

* در مورد غزل درست است ودر مورد تصنیف درست نمیباشد ، چرا کــه در اولی برای یک اثر زیبای هنری قالب هنـر ی سا خته میشود و نمیتوان آنرا به خا طر خود تغییر داد اما در تصنیف ها میشود نخست آهنگ را ساخته وباز درقالب آن تصنیفی را سرود .

** ازدواج کرده یی ؟

* خیر .

* چرا ؟

* تا کنون کسی را که دلخواهم باشد نیا فته ام .

* پس در جستجوی یا فتن استی ؟

* همین طور است .

* از نظر تو همسر آینده ات بایدواجد چه خصو صیا تی باشد ؟

* خصو صیا تی که مطا بق میل من باشد

* این شکل جواب دادن را نمی پسندم

* درست به مانند من که از این گو نــه سوال ها خوشم نمی آید.

** خیلی ها در باره تو قضاوت هایی‌دارند از این گو نه که زیاد نا مزد می شوی

* زیاد نا مزد می شوم ؟ یعنی چه ؟

** یعنی اینکه تا کنون شا یعات زیادی شنیده شده که با فلا نی نا مزد استی و چندی بعد کشف شده که درو غی بیش بوده چرا چنین است ؟

* این را دیگر از شا یعه سا زان بپرس که خودم هم دلم از آنها پر خون است . هر روز شا یعه پراگنی . هر روز تبصــره هر روز گپ نو ، باور کن به همین سبب رنج فراوان دارم

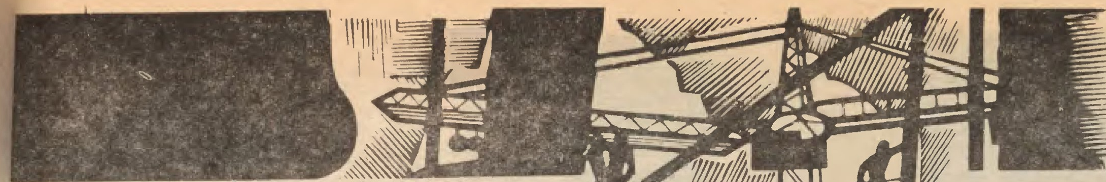
* از این حرف ها بگذریم ، تو خیلی زیاد در خواندن ها یت از نا شنا س تقلید می کنی سبب چه میباشد ؟

* سبب خاصی نـدارد و ضمنا تقلید هــم زیاد نمی کنم .

* میگو یند نا شنا س استاد توست و کسی که در واقع مو سیقی را بتو آمو خته است این نظر را قبول داری ؟

* از قبول آن شرم ندارم ، چرا که من همیشه شا گردی و آمو ختن را دوست دارم اما در مورد پرسش تو واقعیت این است که نا شناس با من همکاری و همرا هی کرده است و من به او و هنرش ارج فراوان می گذارم .

بقیه‌در صفحه ۵۷



نقد و معرفی کتاب

بشر دوستان ژنده پوش

پیوسته بگذشته



زندگی خود را به جهنم همانند می کند. شکوه ها دارند اما متحد نمی شوند مبارزه نمی کنند سکوت می نمایند وخاموش اند واین خاموشی گناه شان است . به نظر آون تا زیر بنای جامعه دگر گون نگردد. **تغییرات سطحی وروبنایی نمی‌تواند درد ژنده پوشان را دوانماید ۰ دولت های طرازاستبداد**ی برای بقای خویشتن گاهی در سطح **تغییراتی می‌آورند۰ وبه رفورم هایی دست‌می** زنند . اما نباید به این بازی ها و طرح های خاینانه و شیطانی دلخوش کرد ماهیت نظام های ارتجاعی این اجازه را ندارد که در جهت تحقق آرمان های طبقه‌ی کار گر گا می بر دارد اگر اقدامی می نماید ازروی ریاوازسر تظاهر است نه واقعیت . پس باید هشیاری **را ازدست نداد وفریب نخورد آون‌فرانك در** پاسخ کار گری ساده که زندگی خود را به **دوزخ همانند می‌کند می‌گوید:**

«۰۰ **اصولی که‌فعلا امور دنیا باآن اداره** می شود (سر مایه داری) به قدری بداست و نتیجه‌ی آن به قدری **وحشت‌آور** است که شما عقیده پیدا کرده اید جهنم همین دنیاست **وباوجود این خودتان را جز محافظ کار هامی دانید یعنی به عبارت دیگر افتخار** می کنید که جزو کسانی هستید که باتمام **قوای خودشان سعی می‌کنند این اصول** را نگاه دارند . یعنی به‌عبارت دیگر پشتیبان اصولی هستید که دنیا را مبدل به جهنم کرده است .»

باری قهرمان کتاب همیشه از موضع خود قاطعانه دفاع می کند واز پراگندگی و بی باوری همگنان خود در رنجی عظیم است . آون در زندگی هیچ چیز ندارد در خانه ای کرایی زندگی می کند . در آمد و عاید به مشکل می تواند چرخ زندگی او را به پیش براند . همیشه فرزند و زن او برهنه و گرسنه اند و لا شخوار بیکاری در هر لحظه وساعت اورا تهدید می کند . آون در حزبی انقلابی نام نوشته است . راهی را بر گزیده که به پایان آن ایمان دارد . برای **اوهم میسر وممکن است که دربهای فروش** مرام و عقیده ی خویش به آسایش های‌فردی دست یابد . اما نمی خواهد مانند عقابی ــ مغرور و بلند پرواز به پستی ها سر فرود **آورد۰ آزادی خودرا در آزادی دیگران** می جوید و خوشبختی فردی برای او هرگز **مطرح نیست همگنان آون آنگونه که‌بدان اشاره شد برای بدبختی ها وفقر خودعلت** هایی می تراشند که همه ضمنی وفرعی‌است نه اساسی واصولی . اما آون در بحث های سخن رانی های خود نتیجه می گیرد :

«فقر ونداری علل زیاد دارد ، ولی تمام این علل نتیجه‌ی اصول زندگی فعلی **وجزولاینفك این اصول هستند ، برای اینکه فقررا ازمیان برداریم ، باید عامل و علت** را ازمیان برداریم، **برای اینکه علت را از** میان برداریم باید این فصول رابرهم‌بزنیم۰ خوب آن علت ها کدام اند ؟

ــ یکی از آنها پول است ، يك علت دیگر مالکیت شخصی است ،مالکیت شخصی زمین، **ما لکیت شخصی راه آهن**، مترو کار خانجات و تمام وسایل تولیدی و رقابت در تجارت.» آون در ادامه این سخنان می افزاید :

« ۰۰۰ **مالکیت به‌شکل کنونی خود یکی از عوامل مو ثر فقر اکثریت مردم** است . عروسی کردن یا مجرد ماندن ، با ماشین کار کردن ، محصول زیاد به دست آوردن تفریح کردن و آسایش داشتن ، زیاد شدن جمعیت ، اینها هیچکدام موجد فقر و بیچارگی نیست فقر نتیجه و مولود انحصار ها ی **یکعده ی کم آنچه را که ممکن است** انحصار کرد برای خود شان انحصار کرده اند ، تمام اراضی مال آنها ، تمام معادن مال آنها ، تمام آب های زمین مال آنها **تمام کارخانجات مال آنها، اگر برای آنها** ممکن باشد که هوا را هم در شیشه بکنند و انحصار کنند می کردند و ما مجبور می شدیم برای نفس کشیدن هم جان بکنیم‌کار کنیم و هوا بخریم و در نتیجه هما نطور که امروز از بی قوتی وبی‌غذایی دسته‌دسته ازما می میرند ، دسته دسته هم از بی هوایی می مردند .»

آون در این کتاب مبارزه می کند که **زمینه فکری کارگران را تغییردهد، در دل** های شان امید بکارد به تفکر شان وا دارد و بیدار شان نماید . **آون** می کوشد ، به کار گران بفهماند که هیچ امری نمی تواند **تغییر ناپذیر ومطلق باشد۰ اربابان ازعاطفه** و رحم و دلسوزی نمی شناسند . اگر هم بشناسند . عاطفه و مهربانی ارباب نمی‌تواند از رنجهای بیکران مزدور بکاهد . آون با **قاطعیت وشور انقلابی می خواهد بر ضد اندیشه های مسلط و جاری دنیای سر مایه داری ستیزه نماید . پر خاش و مبارزه کند. آوان** می نمایاند که تنها آگاهی ، تشکل **ووحدت کارگران ضامن پیروزی و** آسایش آنان است نه عاطفه و مهر بانی کار فرمایان و صاحبان وسایل تولید و آزمندان که کیسه های کلان دوخته اند و توده ها را غارت می نمایند . همین بی اتفاقی وپراگندگی کار گران است. همین رقابت های شان است که موجب فقر و بیکاری آنان می گردد اگر اتحادیه ای بسازند، **همبسته ومتشکل شوند آنهمه بلا** و بد بختی به سر شان نمی آید . و برخورد های غیر انسانی با آنان صورت نمی تواند بگیرد . از پراگند گی و نادانی کار گران است که عاقبت لیندن به دارالمساکین کشید۰ **پس از يك‌عمر کار، زحمت ، عرق** ریزی و صداقت نه آفرینی نه ستایشی و نه پشتوانه ای رفتن به دارالمساکین و ــ این بس بسیار غم انگیز ، کار گران اگر متحد باشند کار به این جاها نمی کشد کار-گر این همه شکنجه نمی بیند و تحقیر نمی شود . سوداگران در پی اعاده‌ی حقوق افراد



جا معه نیستند . همه‌ی تلاش های شان در جهت برآورده شدن خواست های خود شان است و بس . آون بر طرد ما لکیت شخصی ورقابت در کار همیشه تاکید دارد واین شورا عامل بدبختی توده ها می‌داند ومی گو یـــد «...فر ضاما بتوانیم او ضاع را تغیر دهیم تا نتوانیم اصول ما لکیت و رقابت در کار

که دو علت مو جد فقر هستند ، ولی اینها فقط یك‌قسمت ازعللی‌هستندکه تجمل‌ونازو نعمت و تر بیت و مکتب و تمام وسا یل ترقی را نصیب یك اقلیت کو چك می کند و اکثریت را محکوم به گرسنگی و بیماری وبی غذایی وانحطاط روحی واخلاقی می سازد و شما که جزو ایـــن اکثریت رنـجبر وبدبخت هستید با تمام قوا از همین اصول ، همین او ضاع طـرفداری می‌کنید . اغنیا وطبقه‌ی ممتاز بـه دست شما و به کمك شما قادر به حفظ این اصول هستند . هرروز شما رابه نو عی فریب می‌دهند وبه عنوان از هم جدا می کنند به بند گی می گیرند .»

چنین است ایـــن شانه های رنجبران است که تخت قدرت ار بابان را حمل مـــی نماید و این بازوان زحمت کشان است چرخ دولت ها را به پیش می راند . اگر اینان نخواهند ارباب قدرت نمی توانند به زندگی وابسته ی خویش ادا مه دهند . زندگی کار فرمایان وبستگی مستقیم به کار فرمان بران

دارد . و هم این گروه است که اگر عصیان کند و خشم فرو خورده ی خو درا تبارزدهد دنیای سرمایه داری رابه گورستان می‌نشا ند. درد آون در سراسر کتاب همین است. تشتت

بی اتفاقی ، پراگندگی وناآگاهی کارگران جام کار فرمایان از خون کار گران ارغوانی می شود و عرق کار گر است که مروارید

گوش همسر آقای کار فرما می گردد . باید دیگر برای این گروه مستبد و خود سر

مجال زندگی و یکه تازی نداد . دست اورا

از نعمت های مادی ووسایل تو لید کوتاه کرد . و این راه نجات و راه رهایی است پیام قهرمان کتاب آون فرانك همین است» اگر چـــه صدای اورا گرو هی از سرنادانی

همراهی نمی نمایند . آون نجات کار گران را در فرو ریختن نظام بهره کشانه می داند باید این مناسبات در هم ریزد و طرحی دیگر

انداخته شود دنیایی نو ین جا معه ای والا ،

زیبا و برین . آون فرانك در این کتاب سیمایی درخشان و قهر مانی آگاه ودلیـر است. عمل اوسنجیده شده‌گفته‌های‌او منطقـی و مستدل است . از شهرت طلبی و بر تر جو یی سخت بیزار و متنفر است . اوضاع

واحوال رابه درستی تحلیل وتفسیر می‌نماید. مبلغ محض و خطیب بی عمل نیست به آنچه می گوید صا دقانه باور دارد ، رزمنده ای سخت کوش و خستگی نا پذیر است . برای

آنکه صداقت خود را نشان دهد . درمظاهره

ای که از طرف حزب به راه انداخته شده

بود. نقشی برجسته ودرخشانی رابه‌عهده‌داشت توده ها را به مبارزه دعوت کرد . به سخن رانی های پرشور و بر انگیز نده پر داخت. گر چه رفقای او درین پر خاش خیابانـــی دستگیر و کشته شدند اما آون نشان داد

که می توان ارزش های جاری را نفی کرد

ودر برابر بیداد ایستاد . آون درین شکست

مایوس نگردید ایمان به راهی که درپیش داشت بیشتر شد. آبــدیده ومقــاوم گشت قیام یاران آون عقیم ما ند به ثمـر نرسـید. چون دولت مستبد کار خود را کرده بـود پیش ازوقوع علاج واقعه راکرده بود گروهی

ا زخود فروشان و بی ما یگان را خریده‌بود که آن قیام را سر کوب نمایند وبا استفاده از مقدمات و اعتقادات مردم انقلابی ها را تار و مار نمایند . اما راهرو اگر ازمیان برود برود راه همچنان باقی است رهروان دیگر به‌دنبال هستند ومی آیند وازدشواری ها نمی هراسند به سوی سر زمین های گرم‌وآفتابی می رانند و سر انجام می رسند . آون در پاسخ آن کار گران زود باور بی دانش و

ساده لوح که علت های اصلی ر انمی‌دانند می گوید :

«... پول علت واقعی فقر است ، چون آلتی است که به وسیله آن کسانی کـــه حاضر برای کار کردن نیستند محصول کار کارگر و استحصال کنندگـان را از آنها می دزدند .»

ص ۱۲۸ _ ۱۳۴

وبدرادامه این طرز تفکر می افزاید :«...

مادامی که این اصول (سرمایه داری) وایـــن تشکیلات بر قرار است ممکن نیست نو ع بشر از چنگال فقر و بد بختی خلاص شود. زیرا و قتی ثروت در یکجا جمع شد یعنی از جاهای دیگر کم شده است . ازین رو تاوقتی

که اصول پولی در دنیا بر قرار می باشد ،

فقر و احتیاج و تمام بد بختی ها و فلاکت هایی که زاییده ی فقر و احتیاج است وجود

داردوفقر عبارت ازدسترسی نداشتن به‌آنقسمت از ضروریات زندگی که به وسیله‌ی کـار

کار گر و توسط ماشین آلات از مواد خام ساخته می شود ، علت دسترسی نداشتن

نود در صد از مردم دنیا به ضروریات اولیه زندگـی همان سیستم پولـی (سرمایه داری) است که در دنیای ما رواج دارد .» نظریات آون فرانك قهرمان کتاب بشر دوستان ژنده پوش در باره ی کار و جا معه‌ی بدون طبقات را می توان چنین خلاصه کرد .

«... کار درآن هنگامی معنی دارد کـــه تو لید را بد نبال داشته باشد . کار معقول ومنطقی‌فقط آن است که درتکثیر تولید موثر

باشد . هرکاری که درازدیاد تولید اثـــر نداشته باشد کاری احمقانه است . مسخره

آمیز و جنایت بار و فقط تلف کردن وقت است . راه حل اساسی و قطع ماده ی فساد

عبارت است ازالغای مالکیت شخصی کـا رخانجات واراضی و ملی کردن تشکیـلا ت

صنعتی و نظارت در استحصال و تو زیـــع

محصول به طوریکه نه برای حفظ منا فع فقط یك‌عده‌ی معدود باشد بلکه نتیجه‌ی نهای آن حفظ منافع عمومی مردم باشد .»

ص ۲۰٦

با همه‌ی خو بی ها و محاسن که ایـن کتاب دارد نا گزیر از اشاره هستم . یکی همان دچار تر دید شدن‌قهرمان کتاب یعنی

آون گر چه علت آنرا هم خود تو ضیح داده. یعنی تصمیم گر فتن او برای نا بودی خود و یگانه فرزند او فرانك کو چك و زنش ،

برای آنهایی که راه مبارزه در پیش گرفته اند برای یك لحظه هم رخصت تردید و بر گشت نیست باید پیش رفت زیرا به گفته‌ی

ارنست همینگوی «انسان ممکن است نابود

شود اما هر گز شکست نمی خورد .»

۲۳ر۲ر۵۹ کابل

برنامه‌هاواهداف زحمتکشان وموازین اصلی شرکت آنان دراداره‌ٔ دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان

آرامش

بر نامه ها واهداف ساز ما نهای زحمتکشان نسبت به شرایط و ماهیت حا کمیت سیاسی دولتی در جامعه تفاوت های ماهوی و اساسی دارد . در جوامع سر مایه داری غرب وکشور های که نظام های فیودالی و کمپرا دوری وا بسته با امپر یا لیزم مستقر است ، سازمانهای زحمتکشان اعم از اتحادیه های کار گران ، تعاونی های دهقانی . اتحادیه های جوانان، زنان، روشنفکران ، کسبه کاران و غیره بیشتر بمبارزات اقتصادی در جهت بهبود شرایط کار واستخدام ، فزونی مزد و معاش . کسب آزادیهای دموکراتیک فر عی مانند آزادیهای اکادمیك و تحصیلی آزادی فکر و بیان ، تظا هرات و اعتصا بات بهبود سیستم انتخابات و غیره می پردازند . غالباً هدف و نتیجه این سازماندهی هــا و مبارزات مر بوط به آن وا داشتن طبقات حاکم و دولت های مربوط به گذشته ها واجرای برخی رفورم هاست که به هیچو جه حاکمیت استثمار گران و ستمگران را از بنیاد تغییر نمیدهد و به استقرار حاکمیت سیاسی و دولتی زحمتکشان منجر نمیشود .

در جمله و درراس ساز ما نهای متذکره زحمتکشان . فقط احزاب طراز نوین کارگری است که هدف تصرف قدرت دولتی توسط زحمتکشان را و بر انداختن قطعی و کامل حا کمیت بورژوازی و فیودالی و بعبارهٔ دیگر انجام انقلاب واقعی اجتماعی را در سر لوحه برنامه مبارزات خویش قرار میدهند و مستقیماً در اینجهت پیکار میکنند .

علماً واصولا باید تمام سازمانهای دیگر زحمتکشان تحت رهبری احزاب طراز نوین کارگری قرار گیرند البته نه تنهادرلحظه انقلاب ، بلکه در سراسر دوران مبارزه و آوانیکه هنوز برای تصرف قدرت سیاسی و انجام انقلاب اجتماعی زمینه ها و شرایط عینی و ذهنی فرا هم نگردیده است .

کاملاًمسلم است که تنها در صورت بر انداختن سلطه غارتگرانه استثمارگران ، زحمتکشان بر سر نوشت خویش حا کـم میگردند و زندگی با سعادت و سرشار از نعمات مادی ومعنوی را برای خویش می - توانند بو جود آورند .

اما زحمتکشان نمیتوانند و نباید تمام مصائب و فجایع را فقط در انتظار انقلاب تحمل نمایند . استثمار و حشیانه بدی طاقت فرسای شرایط کار ، ظلم واجحاف، اختناق و استبداد و کار فر مایان و ملا کین وغیره مظالم که همه روزه جسم و روح زحمتکشان را خرد میکنند . آنا نرا بمبارزه وا میدارد و ضرورت همین مبارزه تشکل کار گران و زحمتکشان را درسازمانهای صنفی، اقتصادی ومسلکی موجب میگردد .

احزاب طبقه کار گر نیز به هیچو جه فقط درانتظار لحظهٔ معین نمی نشینند بلکه درست بخاطر نزدیك کردن و فراهم سا ختن شرایط این لحظه در مبارزات روزانه زحمتکشـــان مجدانه و همه جا نبه شر کت میکنند و آنرا ازلحاظ سیاسی رهبری مــی نمایند . بدون این مبارزات روزانه که ظا هراً کوچك می نماید اصلا تحقق امر بزرگ و خطیر انقلاب نامیده است .

ازینجهت و ازآنجاییکه احزاب طبقه کار- گر ساز ما نهای سیاسی کا ملاآگاه ، متشکل ، منضبط وخبره طبقه کارگر اند و تنها این احزاب میتوانند که هــر مبارزه اقتصادی صنفی و مسلکی را در جهت آرمان اساسی زحمتکشان یعنی رهایی قطعی ازاستثمار وستم استثمار گران ، عیار و هدایت کنند و از سقوط آن در منجلاب ما جرا جویی ها و تلفات بی حا صل و نا بهنگام جلو گیری نمایند ، رجوی احزاب طبقه کار گر د ر سا زما نها و جنبش های صنفی و سند یکایی زحمتکشان امریست طبیعی و حیاتی اما دولت ها ، سازمانها و نظام های سرمسایه داری و استبداد فیودالی که اصلا در راه تشکل سازمانهای توده یی زحمتکشان سدمیگردند و بشیوه های ظـر یفه یا مهیب در صـــدد جلو گیری از تشکل ، تخریب تشکیلات توده یی و سر کوبی احزاب طبقه کار گر یك لحظه هم «غفلت» نمیکنند ، (در حا لیکه باز هم سا زما نهای توده یی و احزاب طبقه کار گر بو جود میا یندو رشد میکنند) عمده ترین دسایس و توطئه های خود را متوجه آن می سازند که از طریق گما شتن «دایه های از مادر مهربانتر» در نهضت سندیکایی سند یکا ها و ساز مانهای زحمتکشان را ، از زیر رهبری سازنده و حیاتی احزاب طبقه کار گر ، برون کشند و با بزار بی‌خاصیت و بی محتوی مبدل نمایند .

البته واضح است که بچنگ آوردن پیر- وزی های آتی هم در مبارزات روزانه و هــم در انقلاب ، به غلبه کا ملی زحمتکشان بر این دسایس و تو طئه های استثمار گران فتنه گر بستگی دارد .

ولی پس از پیروزی انقلاب بر هبری حزب طبقه کار گر که سلطه سیاسی استثمار گران بر می افتد و کار گران و زحمتکشان به طبقات و اقشار حا کم تبدیل میگردند ، برنامه ها ، اهداف و موقعیت سازمــانهای توده یی زحمتکشان نیز بصــورت اساسـی و بنیادی دگر گون میشود . زیرا دیگر طرحهایی ازین قبیل که با مبارزات سند - یکایی و اعتصابی کار فرمایان و استثمار گران را به عقب نشینی وا دار کرد و پاره- یی از خواست های روزانه وعاجل زحمت - کشان را بر آورده ساخت ، وجود ندارد .

پس از انقلاب . وظیفه عاجل و عمدهٔ حزب طبقهٔ کار گر و همچنان تمام ساز ما نهای توده یی کارگران ، دهقانان، کسبه کاران روشنفکر ان و غیره ووظیفه عمده و عا جل فرد، فرد زحمتکشان اینست که مقاومت ضد انقلاب یعنی مقاومت استثمار گران را که پس از سر نگونی معمولا قدرت عمل شان ده برابر میشود با هشیاری و اتحاد کامل فلج کنند، سلطه اقتصادی یا تسلط آنا نرا بر وسایل عمده تو لید از میان بر دارند ودر نتیجه نه تنها رهبری سیاسی جا معه بلکه رهبری اقتصادورهبری تولید(وایضاًتوزیع) راز طریق دولت و سازمسانهای دولتی وتوده یی دردست خویش متمرکز سازند ورشد عمومی تولیدات را طبق پلانهای علمی دولتی چنان تنظیم و سر عت بخشند که منظماً سطح زندگی و خیر و رفاه زحمتکشان را بالا ببرد.

بدین تر تیب هم در پرو گرام عمو می سیاسی و هم در پلا نهای رشد اجتماعی ، اقتصادی نقش و موقعیت ، وظایف و حقوق تمام زحمتکشان وعمدتاً سازمانهای توده یی تعیین و متبلور می گردد و همه چون ار- گا نیزم واحد تحت رهبری حزب طبقه کار گر در راه سا ختمان زندگی نوین زحمتکشان بسیج میگردند .

کا ملا مبرهن است که زحمتکشان افغا- نستان تحت رهبری حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان با پیروزی انقلاب نجات بخش ثور، اکنون در مو قعیت اخیر الذکر قرار دارند.

جای تاسف این حقیقت باقی است کــه استبداد خشن فیودالی و شرایط اختناق قرون وسطایی قبل از انقلاب ثو راین امکان را به طبقات و اقشار مختلف زحمتکشان افغانستان نداد که در ساز مانهای گسترده توده یی خو یش بسیج و متحد گردند و رویهمرفته قبل از انقلاب ، به غیر از منطقه های غیر علنی ساز مان های توده یی در جنب حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان آنهم طی چند سال اخیر ، تشکل توده یی زحمتکشا ن تحقق پیدا نکرد .

خصو صیت و ماهیت اصلی دمو کراتیك انقلاب ثور و دستاورد بزرگ آن جمهوری دموکراتیك افغانستان در گام اول این بود که عر صهٔ گسترده ایجاد و انکشاف سازما- نهای توده یی زحمتکشان افغا نستان بسویه سر تا سری کشور را گشود ودر نتیجه تقریباً کلیه اشکال ساز ما نهای توده یی زحمتکشان در افغا نستان پدید آمد کـــه پیروز مندانه سیر تکامل و انکشاف همــه جا نبه خویش را می پیماید .

امروز وظیفه عا جل ولی تعیین کننده و سر نوشت ساز حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان ، کلیه ساز ما نهای توده یی و همه نیرو های دمو کراتیك و طنپرست کشور وکـذا فرد فرد زحمتکشان ووطنپر - ستان افغا نستان (چون هنوز تمام افراد زحمتکش و وطنپرست را ساز ما نهای مربوط در بر نمیگیرد) اینست که از انقلاب ثـور از دستاورد هـــای آینده ساز سازمـانهای آن و بخصوص از دست آورد بزرگ تاریخی آن جمهوری دمو کراتیك افغا نستان دولت مستقل و دمو کراتیك زحمتکشان مسلما ن افغا نستان . با بسیج همه نیرو های مادی و معنوی دفاع کنند .

زحمتکشان ووطنپر ستان افغا نستان باید قهرمانی در جبهه گرم را با قهر مانی درجبهۀ کار توام سازند ، توام سا خته اند و بیش از پیش توام خواهند سا خت .

اما وظیفه اصلی ، مستمر و علـی الـدوام که ضا من سا ختمان افغا نستان سرا پا نوین سر شار از وا لاترین نعمات مادی و معنوی است ، عبارتست از تشکل زحمتکشان افغانستان در سازمانها ی‌توده یی تا سر - حدی که از لحاظ کمیت حتی یك فرد زحمت کش بیرون از ین ساز ما نها باقی نما ند واز لحاظ کیفیت سواد و آگا هی لازم سیـسی و انقلابی تمام اعضای این ساز ما نها دایماً تا مین گردد .

بدین ترتیب زحمتکشان ووطنپر ستان افغانستان از طریق سازمانهـــای دموکرا تیك توده یی خو یش که در جبهه وسیع ملی پدر وطن تحت رهبری حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان این پیشا هنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور و مدافع منافع و آرمـانهای کـلیه زحمتکشان مسلمان افغا- نستان بهم می پیو ندند ، با بر خور داری از عا لیترین آزادیهای دمو کراتیك ، در تعیین و اجرای سیاست داخلی و خارجی ، طرح و تطبیق پلانهای همه جا نبه رشداجتماعی اقتصادی فنی و فر هنگی و سا زندگی وطن نوین ، وطن شگو فان زحمتکشان با لفعل سهم میگیرند ، دولت طراز نوین خود را تکا مل واقتدار فولادین می بخشند و با لو- سیله خود بر سر زمین زیبا و محبوب ،این گرامی ترین خونبهای اجداد و نیاکان قهر- مان ، خویش حکو مت میکنند و حاکم می باشند .

راهی غیرازین راه، ضدانقلاب وراه اعادهٔ بردگی ومحکومیت زحمتکشان و ره منجلاب جهل و عقب ماندگی و فقر و مرض ومصیبت است که در افغا نستان قهرمان و انقلا بی دیگر هر گز وجود ندارد .

پیوسته بگذشته

نگاهی به بخشی از آثار هنری هده

که در قرن اول الی سوم میلادی صحنه ها از نظر فلسفه اجتماعی و میتو لو جی بودائی آنقدر که در قرون بعدی بطرف ابتذال میروند در آندوره چنین مشخصاتی وجود نداشت و هنر مندان با هدایت رهبان معبد حالات طبیعی حیات بودا و اطرا فیان آنرا ما نند بازریلیف ها و صحنه های بر جسته ایکو نو گرا فی بودائی گندا هارا ، تکسیلا ، شهر بهلول ، ماما دری و غیره تمثیل میکردندو همیشه این نوع صحنه ها به تناسب سر انسان ها ی بوده و در حالت تعلیم یا (در ما چگرا پراوا-رتناموترا) به اساس قرائن مو جودهٔ صحنهٔ مذکور میباشد . در هر صورت در مجسمه های گلی هده از قرن سوم الی قرن چهارم و بخصوص قر ن پنجم هـده تحو لا ت عمیق هنری یونانی به ملا حظه میرسد . و تکنیك هنر دیکو راتیف در مجموع صحنه ها علاوه میشود و صحنه ها ویا شا لوده کار هنر مند هر چه بیشتر به زیبائی می گراید و صحنه ها از نظر (پیر سپکتیف) خیلی



مجسمهٔ ستوپی راهب برهمن درحالت بوزامکشوفه هده .

علوی و نور مال بو جود میاید . هیچگاه مجسمه های بودا و بوداستوا از همه بزرگتر نبوده با یك تناسب معین ممثل گذشته ها و فلسفه بودائی در قالب هنر های زیبا بودند و هیچگاه حالات تعلیم و اندیشه مذ هبی رهنمو نی برای مردم و وعظ و نصیحت مذهبی بارز نه نموده در حا لیکه با نظر داشت دوره های هنری در قرن سوم و چهارم با شیوه و طرز تعاملی اجتماعی ، فلسفی و بوجود آمدن مذاهب دیگر در تمثیل مجسمه های بودائی و بو جود آوردن اساطیر بودائی در قالب هنر گنداهاری بیشتر جناح تعلیم تبلیغ وترویج مذهبی و ریانت ها عـلا مـــا ت فرقهٔ مذهبی توسط حرکات و (پلاستیزتی) در مجسمه های گنداهارا بخصوص در هده بوجود میاید ، چنانچه میتوان مجسمه های عظیم الجثه اوراق نمبر ۱ × مقابل ستوپـه نمبر (۲۱) را مشاهده کرد که از همه بزرگتر دقیق و سنجیده با نظر داشت مفهوم مو ضوع بوجود میاید چنانچه که میتوان رواق ماهی هـا رابه شمول صحنه های ایکونو گـرافی رواق (۷۱) معبد عمومی تپهٔ شتر هده نام برد به نظر یه دانشمندان دورهٔ سوم وقرن چهارم مجسمه سازی هده ، مخصو صاً در تپهٔ شتر ارتباط با طریقه (سرواستی واذین داشته بر خلاف قرن دوم و سوم بـه طریقه (مهیایا نا) یا راه بزرگ ، امور معبد ومراسم مذهبی پیش میرفت. درین صحنه ها معمولا بودا ها نسبتاً بزرگتر بوده و خدا یان

دیگری مانند اندرا، بر هما ، یا بعضاء(اولا-توکشیرا وا) به‌حیث معاونین وناظر صحنـــه قرار می گیرند و حتی به اساس تیپ قیافه و نوعیت البسه این مجسمه ها که‌در قید هنری گریکو ـ بودیك در آورده شده اند یکی هم سر مجسمه گلی شاید اندرا ؟ است که با تاجی مقبول (لوری‌ئی) مزین شده ارتباط مستقیم به صحنه های مختلف حیات بو دا داشته و شاید هم درین رواق مجسمه دیگری که دارای حمیل ای با ترکیب از مجسمه های حیوانات مهیل نه بلکه عجیب لخلقه و تز ینات زیوری است و به حیث رب النوع هندی و یا واجراپانی باشد (؟) آلهٔ مذکور یا و اجرا را با دست راست گرفته و د ر پهلوی چپ بودای مرکزی در بین انبوهی از راهبین قرار دارد و هم یکی از ین مجسمه ها که بطرف راست صحنه در رواق مذ کور جایگزین گردیده (بوپالی) باشد ، تبارز نموده است . دانشمندان بور ژوازی ایـــن چنین صحنه های با اختلاط مذهب بودایی و هنـــر یـو نـا نـی ر ا و سیلهٔ نز د یکی عناصر اروپا یی (منظور از یونان کلا سیك و روم قدیم و مرز های مدیترانه شمال) و تهذیب آسیایی را (بنام هنر (آور آسیین) میدانند .

دانشمندان جوان کشور مان با پیرو ی از اصل تاریـخ تحلیلی وانتقادی قدیم کشور مطا لعا تی فراوانی در این زمینه سا لهای تمام انجام داده اند و متکی بر حفاری ها ی چندین دوره در هده بخصوص تپه شتر و سروی های متعدد نقـاط مختلفی کشور بـه این نتیجه خواهند رسید که یو نا نیان قبل از آمدن سکندر در کشور یا بخصو ص در باختر زمین به اساس تبادله های مر بوط به سیستم قدیم داد و ستد اشیاء و عنا صر مورد ضرورت قاره آسیای مر کزی و دنیای او کسیدنت یا مما لك مر بوط به حوزهٔ مد یترانه یی از طریق فارس قدیم وراه کار وانی ، یا مهاجرت نموده بودند و یا توسط



صحنه نیرانیف مجسمه های بودا وراهبهٔ مکشوفهٔ سه اشتر هده دریکی از رواق های ستوپه های نمبر ۲۰ و ۷۱ .

تجار به‌حیث بردگان درین خـطه هاقبـــل از ورود شاهان یونانی معاوضه میشدند بهر صورت تاثیر پذیری آرت یونانی در مذهب بودائی و یا سایر ادیان جنوب هندو کش وشمال هنـــدوکش نیز قبل ازورود کلتـــور یونانی در عهـد یونانیـــان رول عمـــده را داشت ولی با نظر داشت اینکه یو نا نیان وآرتیست های یونانی در واقـع وقتی باخمیر پختهٔ هنری شرق بخصوص هند و گنداهاری سر وکار پیدا نمودند که در پذیرش پدیده های گریك یا یونانی مکاتب هنری موجوده این مرزها تسهیلاتی به بارآورد اوج وتکامل مکتب هنری گندا هارا بخصو ص هده این موضوع رول خیلی عمده را ایفـــاء نمـوده است .



مجسمه نشسته رواق ماهی های مکشوفـهٔ تپهٔ اشتر هده شاید رب النوع گـلها .

تحقیقات جدید یکه در این اواخر در هده و نواحی آن صورت گرفت از یکسو ازسوی دیگر آثار مکشو فهٔ سا حات شمال و جنوب شرق کابل مر بوط به سا حهٔ غزنی و قند قستان کرونولوجی جدیدی را بوجود آورده که برای تفاوت های الده های هنری این سا حه یعنی تپهٔ شتر هده در قرن چها رم ـ ششم با روش و یا شیوه هنری ساحات دیگر از نظر پروبلم کـرونولوجـــی ودوره های زمامداری سلالهٔ مر بوطه چنین مشخصات هنری و مذ هبی در صور تبندی اجتماعی آنو-قت صحبتی بعمل آورده خواهد شد . که فعلا درین بحث از آن مساله میگزریم .

درین جاه از صحنـــه خیلی باارزش یـاد آور شد که میتوان هنر مندبر جسته وتجربه کار یو نانی را که بادرك کلیه قوانین‌مجسمه سازی یکی از مکاتب یونانی آشنائی داشت معرفی کنیم .

مجسمه نشسته رواق ماهی های تپهٔ شتر هده در زاویه جنوب غربی رواق مذکور که شاید مربوط به‌یکی ازمعتقدین متنفذ یونانی ویا یکی از خدایانی هندی رب النوع طراوت و شادابی یا رب النوع گلها که بعضاء با مقا یسه شیوه هنری (ژنی) هده با هم نزد-یکی دارند و در میان دودست‌گلهای فراوانی دارد تا باورود بودا در میان صحنه و ملاقات با ارواح اهریمن بخصوص (ناگاراجا) درقدوم اش بی افشاند ، ظاهراء با تیپ بکلی یونانی

بقیه در صفحه ٥٦



پیوسته بگذشته

از تاریخ باید آموخت

جوانان آگاه ووطن پرست افغانستان !

هرگاه خواسته باشیم در طی این بحث مختصر تاریخ کشور وبخصوص رشد و سیر فیودالیزم را در افغانستان از ازمنهٔ قدیم تا امروز بصورت مبسوط وهمه جانبه بررسی وتحلیل نماییم در بحر بزرگی بحث وارزیابی غوطه ور خواهیم شد که این صفحهٔ محدود قطعا اجازهٔ آنرا بما نمی دهد . لذا ما برای اینکه با بررسی موجز و مختصر اما علمی تاریخ را بصورت کل وبا استفاده از آن تاریخ کشور رابه صورت اخص تحلیل کنیم مدعا ومقصد ماکه عبارت از آموزش دما لم ومترقی جوانان میهن در اطراف تاریخ است تااندازه ای برآورده خواهد شد ، لذا درقدم اول باید دانست که در طول موجودیت بشر وبخصوص بعد از بمیان آمدن خط وکتابت تاریخ چگونه تحریر وتحلیل امروز در دسترس ما گذاشته شده است در تمام دوره های تاریخ از عهد باستان تا آخرین مرحلهٔ نظام بورژوایی (زیرا در سوسیالیزم دیگر تاریخ از شکل یك فن وتاریخ نویسی ازیك حدود یك مشغله برآمده وشکل یك علم وسیع وتحلیلی را بخود گرفته و مورخ یك شاغل عادی نه بلکه یك عالم است) مورخانی بوده اند که می کوشیدند اصل جوهر تاریخ وفلسفه آنرا درك نمایند البته باید دانست که این مورخین از تعداد انگشتان زیادتر نبودند و سایر به اصطلاح تاریخ نویسان مورخ نه بلکه واقعه نگار و تشریح کننده هیروئیسم دربار وطبقات حاکمه بودند وهنوز هم در جوامع طبقاتی هستند تعداد بیشماری از به اصطلاح مورخین که طبق امیال صاحبان سرمایه وقدرت تاریخ را بشکل قلب وغلط در خور مردم می دهند . مورخینی که می خواستند جوهر و فلسفه تاریخ را درك کنند همچنان در صدد آن بودند تا آنرا درست ارزیابی نموده وبمردم تقدیم دارند ولی باید دانست که درین امر هم شرایط زمانی ومکانی خیلی موثر بود . اغلب این مورخین درمقطع های تحول تاریخی جهان بمیان آمدند وبدیگر سخن آنان زادهٔ دگرگونی های بزرگ اقتصادی و اجتماعی زادهٔ نقطه های عطف تاریخ بودند . در زمرهٔ این اشخاص که در صدد کشف جوهر وفلسفه تاریخ بودند می توان از عبدالرحمن ابن خلدون مورخ وجامعه شناس عرب که اصلا از تونس بود وبین سالهای ۱۳۳۲ الی ۱۴۰۵ میلادی می زیست، نام برد. هکذا سوماتسین مورخ وفیلسوف چینایی که بین سالهای ۱۴۵ الی ۸۵ ق.م می زیست ووی دریك مقطع تاریخی خاص یعنی زمانی می زیست که امپراطوری «هان» در چین در اوج قدرت خود بود ومی توان آنرا مرحلهٔ نهایی وپختگی نظام برده داری شمرد . هکذا «پولی بیوس» مورخ روم قدیم که بین سالهای ۲۰۳ الی ۱۲۰ق.م حیات بسر برده واین هم درست زمانی بود که «هلنی» ها بعنوان مقتدرترین دولت منطقه مدیترانه در شرایط نظام برده داری اروپایی قدرت می راندند واین زمان باوجود آنکه عین سالهای حیات سوما تسین بود ولی درغرب این زمان نیز مرحلهٔ اوج قدرت برده گی وپختگی آن بود همچنان درجملهٔ این اشخاص می توان ازیك فیلسوف ومورخ هندی بنام ناگار جونا نام برد وی که بین قرنهای دوم وسوم میلادی در هند می زیست و این درست زمانی بود که آئین بودا در هند به سرعت روبه رشد بود واین آئین که دربطن جامعهٔ بردگی تشکل یافته بود اینك درزمانی که فئودالیزم بحیث یك نظام جوان درهند درحال مسلط شدن بود نیز مردم را بخود می کشانید همچنان تا قبل از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر از فلاسفه و مورخین ارجمندی چون ولتر ۱۷۷۸ـ۱۶۹۴ نویسنده فرانسوی، مونتسکیو فیلسوف و نویسند فرانسوی ۱۷۵۵ـ ۱۶۸۹، سن سیمون نویسنده فرانسوی ، ۱۷۵۵ـ۱۶۷۵، دیدروعالم وفیلسوف فرانسوی ۱۷۸۴ـ۱۷۱۳،ژ،ب ویکو فیلسوف ومورخ ایطالوی ۱۷۴۴ـ۱۶۶۸ وغیره از قرون هجده ونزده نام برد وهکذا میتوان ازعلمای تقریبا معاصر چون آرنولدتوین لی،

بقیه در صفحه ۵۶

قیام مسلحانه مردم کشور برای حصول آزادی، کاخهای امپریالیزم انگیس را به لرزه انداخت

خلق غیور افغانستان که سالیان متمادی بافرهنگی غنی در قلب آسیا، آزاد زیسته هرگز زیرتاثیر اجنبی نرفته ودر هر عصر و زمان، از عهد آریایی های باستان تا امروز **از استقلال ، آزادی حاکمیت ملی وناموس** وطن دفاع نموده و چون سدی استوار و شکست ناپذیر در برابر استعمارگران ایستادگی کرده وبرای مردمان منطقه وجهان درس آزادی وآزادمنشی را داده اند .

در قرن ۱۹ و۲۰ که کشور های امپریالیستی برای گرداندن چرخهای صنعتی شان به نیروی کار ومواد خام احتیاج پیدا نمودند ، **دست تطاول وتجاوز را به کشور های عقب** افتاده دراز نمودند وکشور های مختلف جهان رادر آسیا، افریقا، امریکای لاتین و جزایر **خوردوبزرگ ابحاررا که اهمیت ستراتیژیکی** برای امپریالیزم جهانخوار داشتند یکی پی **دیگر به تصرف خود در آوردند و ملیونها انسان بی بهره از علم ودانش رابزنجیر** کشیدند واز شیره جان و بازوی توانای آنها در اعمار کاخهای اهریمنی امپریالیزم کار گرفتند، در حالیکه خود این کارمندان محروم از ثروتهای طبیعی خویش، در عالمی فقر، ناتوانی، مرض وهزاران بدبختی دیگر بسر می برند.

امپریالیزم انگلیس که در اوج استعمارگری قرارداشت تا آنجا مردمان وکشور های دارای ثروتهای مادی ومعنوی رابه حیطه تصرف خویش درآورد که درقلمرومستعمراتش **آفتاب غروب نمی کرد ثروتهای طبیعی چنین** دنیای بزرگ فقط خوان رنگین کاخ نشینان لندن وهواداران شانرا رنگینتر میساخت و پنجه های بران امپریالیزم انگریز را تیزتر وخونخوارتر می کرد .

امپریالیزم انگریز بعداز آنکه باحیل و نیرنگ رقبای استعمارگرش را از صحنه **برون راند به نیم قاره هند تسلط کامل پیدا** کرد واز آنجا برسرزمین ما تجاوزش راآغاز نمود وطی دو جنگ اول ودوم افغان وانگلیس **مردم قهرمان افغانستان بادادن قربانیهای** بی شمار برپیکر بظاهر فولادین امپریالیزم **انگریز جهان ضربات کوبنده وارد کردندکه** هربار چهره کثیف وناپاك استعمار رابرمردمان منطقه وجهان افشاء ورسوا نمودند .

امیر عبدالرحمن معاهدات شرم آوری را باانگلیس امضاء کرد وکشور آزادگان رابه دشمن سپرد وبدین ترتیب استقلال کشور از بین رفت و هزاران نفر از آزادی خواهان محلی بدست استعمارگران انگریز و دست نشاندگان خونریز شان جام شهادت نوشیدند **که جور وستم استعمار در آن وقت بر مردم** ما، دردی است فراموش ناشدنی ویاد چنین صحنه های رقتبار برای وطنپرستان جانکاه وتحمل ناپذیر است .

مبارزات آزادی خواهی اوج می گیرد و امیرامان الله شاه استعمار شکن جای یك دولت دست نشانده را می گیرد. وطنپرستان دورهم جمع می شوند وعلیه انگلیس اعلام جهاد میدهند که درنتیجه مردان و زنان رزمنده آرین زمین بیرق آزادی رادر قلب آسیا بلند میکنند و کاخهای اهریمنی امپریالیزم انگریز را در تمام قلمرومتصرفاتش بلرزه درمی آورند که نتایج مفید جنگ سوم افغان وانگلیس باعث شورش های آزادی خواهی در هند گردید و این نبرد پیروزمندانه خلق قهرمان افغان زنجیر استعمار ناشکن انگریز را چون تار خاشی گسست وراه را برای شکن زنجیرهادرسرتا سرجهان بازوهموار کرد .

بعداز آنکه در سال ۱۲۹۸ استعمارگران انگریزی بدادن بدون قیدو شرط آزادی به ملت افغان تن دادند ، در عقب پرده از وطن ما دست نکشیدند وتوطئه هاودسایس چیدند و زمینه یك اغتشاش عیار را برضد شاه ضد امپریالیزم واستعمار مساعد گردانیدند وچنین حیله ها کردن ودسیسه بکار بردن، رسم کهن امپریالیزم انگلیس بوده واست .

در جهان اتحاد شوروی این دوست دیرین ملت افغان ومردمان مستضعف سراسرجهان اولین کشوری بود که استقلال افغانستان را برسمیت شناخت و دوستی دو کشور از همین زمان آغاز گردید وعلی الرغم توطئه ها و دسایس امپریالیزم این پیوند دوستی روز تا روز قوی تر شده رفت وچهره افغانستان با کمك های بدون قید وشرط اتحاد شوروی تغییر کرد . طوریکه گفتیم انگریز ها بعد ازشکست فاحش وچشیدن زهر تلخ رسوایی دست به حیله زدند وبامرتجعین داخلی همدست شده قدرت سیاسی را تحویل دست نشاندگان خود نمودند وبمرور زمان دو باره دست تجاوز امپریالیزم بر ثروتهای مادی و معنوی مادراز شد ولی وطنپرستان این بار بیشتر بیدار شده بودند که با جمع شدن بدور حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، انقلاب شکوهمند ثور را به پیروزی رسانیدند وسلطه امپریالیزم را برای همیشه ازین میهن آزاد مردان قطع کردند .

باید گفت که بعداز پیروزی انقلاب ثور نیز امپریالیزم آخرین نیرنگش را بکار برد، ولی آزادی خواهان بابه پیروزی رسانیدن مرحله نوین تکامل انقلاب ثور ، دست تجاوز امپریالیزم رابرای همیشه کوتاه نمودند و قهرمانان به پیروی از نیاکان زنجیر شکن خویش دولت ملی ومردمی ای را تشکیل نمودند .

بقیه در صفحه ۵۶

بقیه درصفحه ٥٦

رسالت جوانان در پروسه تکامل انقلاب

اگر بجامعهٔ دیروزی خویش یعنی دورانیکه تاهنوز آفتاب پر درخشش انقلاب شکوهمند ودور انساز ثور از قله های شامخ‌وسر بفلك کشیدهٔ کشور ما سر بدر نکرده بود واستبداد خشن آل یحیی بیرحمانه وجبارانه بر شهر وده، مردوزن پیر وجوان جامعه ما انـواع مظالم را روا می داشت با نظر ژرف وواقـع بینانه بنگریم بوضاحت کامل در خـواهیم یافت که حکمروایان خو نخوار و جبار وابسته برامپریالیزم جهانخوار امریکا که همه داشته های مادی ومعنوی کشور را در قبضهٔ جبر و ستم خویش گرفته بودند سعی می کـردند نیروی پرتوان جوانان کشور را نیز درخدمت خود وبدینترتیب در خدمت جهان استعما رو ستثمار قرار دهند .

جوانان دورانساز ما در آنزمان در هـر طرف خویش محدودیت هایـی را احساس میکردند محدودیت بخاطر انجام کار مثبت وفعالانه برای ایجاد یك جامعه فاقد رنج‌والم ومحدودیت بخاطر خاتمه بخشیدن بر سلطه مستبدین، جباران وستمگران .

ولی پیروزی انقلاب ملی و دموکـراتیك ثور که براراده انسان زحمتکش جامعه مـا تحقق پذیرفت این همه صحنه های المناك و تراژیدی استبداد جباران ومستکبران را از میان برداشت و یك دگرگونی عمیق بنیادی رابه نفع زحمتکشان کشور وبزیان غارتگران وستمگران ببار آورده در کلیه شئون حیاتی مردم ما اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی فرهنگی وکلتوری تغییرات وتحولات شگرفی رونما گردید و جای آن همه سکـوت و ایستایی مرگزا را تحرك وتکاپوفرا گرفت، تحرك برای ایجاد یك جامعه مطلوب‌انسانی.

جوانان این قشر نیرومند، آگاه وپرتوان جامعه که تا دیروز یعنی ناقبل از پیروزی انقلاب دورانساز ثور وبخصوص مرحلهٔ نوین تکاملی آن که با خیزش ظفرمند شش جدی نصیب جامعه ومردم ماگردیده است با آنکه ازنیروی عظیم فزیکی ودماغی برخورداربودند نمیتوانستند آنرا در راه شگوفانی کشور و ارتقای سطح حیات خود ودیگران بکاربرند وبدین جهت درعالمی از تاثر وتاسف بسر می بردند تاثر بحال مردم رنجدیده وبلاکشیده خود وبخاطر عدم ارتقا وپسمانی های اجتماعی واقتصادی میهن مقدس خویش .

آری ! بهمین جوانان بادرد وبا احساس جامعهٔ ما بودندکه رنجهای بیکران ونیازمندی های مبرم وحیاتی مردم خویش را در مغز واستخوان خود احساس نموده در پهلـوی

اندیشه‌های جوانان



غلام قادر «یحیی»

• انقلاب شکوهمند ثور که به عزم خلـق افغانستان در بر انداختن وسر نگونی کاخ ستمگاران ونوکران امپریالیزم موفقانه‌صورت گرفت وتاج وتخت خود خواهان و دشمنان آزادی وطن عزیز را بخاك یکسان نمـود یک افتخار بـزرگ در تاریخ‌این‌کشور آزاد گان بود که به افتخارات خلـق‌غیورو ستمدیده وفداکار ما افزود .

واقدام غیورانه جوانان وطنپرست که در برج جدی ۱۳۵۸ در مقابل خود سری ها و کشتار های بی رحمانه وبر افروختن آتـش بیداد وستم وزندانی نمودن هزار ها مـردم بیگناه اعم ازروحانیون ، وطنپرستان، پیران وجوانان از طرف امین خون آشام وامینی های همدست آن جلادآدمکش که د رتاریخ وطن مابی سابقه بود ودر اثر عزم دلیرانه مرام اردوی مسلح وطن بکار افتاد وموفقانه یکعده خائینان وجاسوسان ضد انقلاب مارا محو و نابود ساخت که نیز مورد مباهات وافتخارات خلق ما میباشد .

عبدالقدیر«فایق» محصل صنف اول پوهنځی‌علوم اجتماعی رشته ژورنالیزم !

جوانان فعالترین اعضای جامعه اند وآینده کشور مربوط و منوط به کار ایشان واندیشه وتدبیر ایشانست اگر جوامع بشری مد یون زحمت کشی وعرق ریـزی جوانان می‌باشدو بسیاری از اجتماعات بشری به تفکر سالم ومثبت جوانان بوده وتفکر مثبت وسالم آنها را برای اعمار بنیاد اقتصادی واجتماعی خود بکار می برند .

مابحیث جوانان روشن فکر افغان وظیفه داریم تا درپرتو درك مسوولیت ملی خویش مصدر خدمتی گردیم وبکوشیم تا فردای‌وطن عزیز خویش را که بدست ماست از امـروز بهتر نماییم

عصریکه ما آن را عصـــر سیانس و تکنالوژی مینامیم ، عصریست که انسانها توانسته اند بوسیله بنوغ واستعداد فـکری خویش اسرار طبیعت را بر ملاسازند وعامـل که این هارابه معراج ترقی رسانیده عبارت از زحمت ومساعی بی پایان شان است، که موانع ودشواریها را سهل دانسته و بر آنها غالب آمده اند درچنین عصر تمدن وظیفه هر فرد وطن پرست مخصوصا جوانان است که از دل وجان در پیشبرد اجتماع ووطـن خویش جدیت بخرج دهند وخدمت به وطـن را وظیفه ایمانـی ووجدانی خـود بدانند.

همچنان د ر جامعه امـروزی افغانستان قراریکه مشاهده میکنیم بعضی خرافـات و افکار کهنه ای موجود میباشد پس وظیفـه جوانان می‌باشد که برانـداختـن وازبـین بردن این خرافات وهمه عوامل که سبب فقر وبدبختی جامعه گردد مبـارزه کنند وبتوانند بابجانمودن مسوولیت هـای‌خویش‌بیکـ زندگی مرفه ومترقی نایل آیند .



عبدالقدیر فایق

د تنکي ځوانانو او ځوانانو منحرف کیدل

په ډیرو مواردو کی داسی پیښیږی چی اکثرا ځوانان نشی کولای چی دخپل محیط ودهغه شاوخوا سره په مثبت او معقول ډول توافق او سازش وکړی ځکه نودخپلوفکرونو (هغه ډول چی ټولنه تری غواړی نـه‌کـوی) څخه به صحیح توگه کارنه اخلی له ټولنی او دهغه دفعالیتونو څخه ډډه کوی چی پدﮮسی حال کی ددوی دغه سلوك او رفتار دټولنی دلید څخه ناروا گڼل کیږی .

دپورتنی ویلو سره سم دهغو ځوانانو او تنکی ځوانانو دغه نه خوښونکی رفتار اوکردار که په موقتی توگه اویا دډیری مودی د پاره ادامه پیدا کړی دمنحرفینو په چوکات کی داخل اوپه پای کی په جلا او بیلا بیلـو سرنوشتو باندی اختــه کیږی، دغـسی منحرفینوته همیشه اوپه هر وخت کی دټولنی دنورو سالمو غړیو له خوا باید توصیه او د ټولنی دمسوولیتونو په بر خــه کـی لازم هدایتونو ورکړ شی ځکه چی دغه خـلا ف رفتاری دټولنی دفرهنگ دقدرت اوتوان څخه خارج نه دی او دټولنی دژوند دبی بندوباریو او اړیکو محصول دی ځکه چی دځوان نسل شخصیت دټولنی داجتماعـی ، اقتصادی او فر هنگی پر بنسټ‌بناده • اوهغــه تنـگی ځوانان چـی په فـقـر ، بیکـاری اود ناکامی سره مخامخ دی اوخپل ژوند سر تـه رسوی ژرترژره دروحی بحرانونو په ارتکاب اوجرم اوبالاخره جنایت سره لاس په‌گریوان کیږی مگرټولنه‌ځوانان اوتنکی‌ځوانان‌داجتما عی تطابق اورسوم‌ترفشار لاندی‌نیسی او دټولنـی دارزښت په پیروی یی ځانته رابولی اوکه د اختلاف په‌صورت دځوانانو اودټولنی تر مینځ‌که داډول وضع شدت پیداکړی نوځوانان‌دټو لنی دټولو کړو وړو څخه‌بی بهره شوی او په‌آخره کی دغلو شراب خواره اونورو کو چنی‌جنـا یتکارانو به ډله کی شامل اولا هم په نورو کارنو کی لاس پوری کوی چی پداسی حال کی بیا هم ټولنه ددغه ډول ځوانانو په‌مقا بل کی پوره مسوولیت لری ځکــه چی ټولنه‌نسبت و نورو مو مسو ته د جر مو نو او جنایا تو په برخه کی پوره او قاطع ډول سره برخه لری پوره بادبو ځوانانو هرکله چی‌دټولنـی دخرابو کـړو وړو سره مخامـخ شی‌ژرییی‌د هغو خرابو او مضرو کار و نو او عملو نو چی په دغه ټولنه کی یی ځای نیولی دی فکر اوړی اودهغو دمینځه وړ و لو دپاره هـڅه کوی تر څو چی یی نا بود کاندی او که بیا هم د ټو لنی سره په رنگ‌یو شانته کیږی نو هرو مرو دوی هم د هغو په شکل سره اوړی چی پدی تو گه د مور او پلار ټول هڅه کو ښښو نه چی دخپل اولاد په بر خه کی

پاتی په ٥٦ مخ کی

زن و جامعه

زن رکن مهم جا معه بشر ی را میسازد. در طول تاریخ‌در دهلیزهای پر پیچ و خم تمد ن نقش ز ن بحیث عنصر خلاق ومدنیت سـاز روشن و با ارزشی بوده و هست . او همچنا نکه گرما بخش زند گی در خانواده هاست و نسل فردا ی جا معه را در آغو ش پر عطو فت‌ خود پرور ش مید هد . در مزار ع و کار گاه ها دوشا دوش مرد کا ر میکند تا سطح تولید اجتمـاع افزایش یابد خوشبختی و سعاد ت عام گردد و همه در راحت و اسایش بسر برند .

جنبش جها نی زن که بر مبنای خواستها و نیاز های امرو ز ی‌جامعه بشر ی هر روز گستر ش بیشتر مییابد ارزشمند بود ن مسا عی مشترک زن را درعملیه انکشا ف و پیشر فتها ی اقتصاد ی و اجتما عی را اشکار ومتبارز میسازد .در دوران ما که تحو لات عمیق درتما می شئون زندگی جا معه با سر عت رخ مید هد باید عمو م افراد از زن‌و مرد دوشا بدوش هم رسالت عظیم و تاریخی خود را انجا م دهند و چر خ بزرگ تمدن جامعه انسانی را بااستواری و سر عت به پیشی برانند زن امروز نقش حساس خودرا در جهـد و تلاشها ی همگا نی به منظو راعما ر تمد نی پر شکو هتر به شایستگی میدا ند و از همینجا ست کـه کوشش میورزد تاتوا نا یی وقدرت آنرا حاصل کند که درین دورا ن و در عصر انبو ه برنا مه هـا ی عمرا نی و انکشا فی سهم عمده ای بدوش گیرد تا جا معه خود را به سطح بالاتر ی از تر قی و انکشا ف برساند .

نظر ی به تاریخ تمد ن جا معه انسا نی نشا ن مید هد که زن در هریک از دور ه های تاریخی از نظر مو قعیت اجتما عی و امتیاز ها ی ادار ی و فر هنگی در درجه ها ی مختلفی قرار داشته است . امـا آنچه که روشن است آنست که در اکثر دور ه ها زن تحت ادار ه وتسلط مرد بود و این وضع سبب شده ه است که زن نتوانست استعدادهای خود را کا ملا متبارز و شگو فـا سازد وانطوریکه خواست خـو دش بوده در فعالیت های سیاســی اجتما عی و اقتصاد ی سهم فعا ل بگیرد . د رحالیکه درسپید ه دم‌تاریخ تمد ن زن پیشا هنگ بود و اوبو د که راز زند گی اجتما عی‌و مدنی را به مرد آموخت .

نکته جالب آنست که باوجو د همه دشوار ی هاو موانعی که در برابر زن قرار داشت او شخصیت اجتما عی خود را رشد میداد ونقش اساسی‌و عمد ه خود را در عملیه‌تولید و انکشا ف اقتصاد فا میلی بـه درستی وشایستگی ایفا میکرد .

حالا که جوا مع و میلتهـا ی گوناگو ن تصمیم استوار دارند که باید بر پسما نیها و مشکلا ت اقتصاد ی و اجتما عی پیرو زگردند تا خلا بیکه میا ن کشور های درحال رشد و ملل پیشرفته وجود دارد کا هش یابد زن خود را باوظا یف و مسوو لیتهای مختلف و خطیر ی روبرو می بیند او از یکطر ف علیه رسوم و عنعنه های ناپسند ی که در طول قرنها ی متماد ی مانع اشترا ک مو ثر و فعال زن در مسا یل‌اجتماعی سیاسی و اقتصاد ی میگردیدپیکار میکند تا حقوق ثابت وطبیعی خـود رابکر سی بشاند واز آنها استفـاده سالم و مطلو ب کند از طرفی دیگر همدوش با مرد در نبرد عظیم علیه عقب مانیهای اقتصادی و اجتما عی می رزمد و در صف مقدم آن قرار دارد .

وظایف دوگا نه زن یعنی مبارز ه در راه حقو ق برابر آن با مرد و مبارزه در راه حل معضلات سیاسی اقتصاد ی و پیشر فت اجتما عی و تسـر یـع آهنگ ر شـد نشانه روشنی از ارزشمند بود ن نقش زن در جا معه امـرو ز ی محسو ب میگردد .

در کشور ما با استقرار نظـا م جمهور ی سهم زن در ترقی و اعتلای جا معه عمد ه و حسا ستر گردید . از آنجا بیکه تعمیم عدا لت اجتماعی از هد ف هـای بـز ر گ حزب و د و لــت انقـلا بــی ما میباشد لذا با جرئت میتوا ن اظهار داشت که ازین به بعد هیچیک از همو طنا ن ما منجملــه زنا ن در محرو میت و یاس قرار نخواهند داشت بلکه تمام امکانات وتسهلاتی که برای تامین معیشت رفا ه مور د نیاز است در استفاد ه همه زنا ن و مردا ن کشور ما قرار میگیرد . دورا ن انزوا و کنار ه بودن ز ن از فعالیتها ی اجتما عی حالا به پایا ن رسیده است گر چه در گذشته نیز زن سهم مساوی در مساعی و تلاش های همگا نی جهت تکا مل و اعتلای جا معه بدش داشت اما با رویـداد بزرگ تاریخی هفت ثـور ایـن جنبش او ج گرفت و اکنـو ن در همه زمینه ها امکانها ی مساو ی برای زنان بوجود آمده است .

زن افغا ن میدا ند که کشور ش در دورا ن مهم تاریخ خود قرا ردارد. را هی به گذشته هاو دور ه ها یکه زن تحت انقیاد قرار داشت و از حقوق و آزاد یها ی مد نی چندا ن بر خوردار نبود سپر ی شد ه است استعداد های ذاتی در اثر فشار هاو محرو میتها انکشا ف نمییا فت و در عملیه انکشا ف میهنی خود سهـم عمده نمیتوانست بدوش بگیر د . حالا در برابر زنا ن جا معه مارا هی روشن و پر از ارزو وامید دیده می شود . او آیند ه درخشا ن کشو ر خود را از همین حالا تابناک می بیند و برای تحقق خواستها و ارمانهای بزرگ ملی یک سلسله و جایـب خطیـر و عمده را مشا هـده می کندکه جهت بر آورده شد ن آنها با عزم استوار و خلـل نا پذیر و عشق به مرد م و جا معه جهـد و تلا شهای زیاد بخر ج مید هد .

زن امروز در جامعه پویا ومتحول زندگی دارد . شرایط حیا ت رو ز



یک زن در پهلوی ما در بودن یک‌طبیب مهربان نیز است .

بروز تغییر پیدا میکند وی با ید با این تحو لات همرا ه باشد و همگا م باآنها به پیش حرکت کند.در کشور مازن همسا ن با مرد درروشنا یی ارزشهای مترقی نظام انقلابی ایـــن رسالت بزرگ تاریخی خود را می داند . جنبشی که درزنا ن جا معه ماپدید آمده هرروز او ج میگیر د و مستحکمتر و نیرو مند تر میشو د. هد ف عمده این جنبش انست تازن

نقشی سازند ه خود را در اعمـــار جا معه نوین و مترقی به درستی و شایستگی انجا م دهد یقین داریم زنان جا معه ما به خو بی ونیکو یی از عهده انجا م این رسالت بدر می آیندودراثر کاروزحمات شباروزی و متداو م آنها قسمت بیشتر مشکلات اقتصاد ی اجتماعی و فرهنگی ما حل میشود .



ترجمۀ نورمحمد «همتا»

قهرمان اتحادشوروی لیف چینکا ایرینا نیکولا یفنا «۱۹۲۴،۱۹۷۳»

لیف چینکه ایرنیا نیکو لایفنا در شهـــر کادییفک ایالت لوگان بدنیا آمد در جولای سال ۱۹۶۱ کمسمول لیف چنیکا ا.ن. بحیث سرباز وپرستار داوطلبانه عازم جبهۀ جنگ گردید و۱۶۸ سرباز مجروح را از محاصره دشمن نجات داد .

لیف چینکه ا.ن. بحیث مربی وپرستـــار گروپ تانگستان در جبهۀ جنگ ایفاء وظیفه می کرد وبیست تانکست را از مرگ نجات داد تا بالاخره سمت افسری تانك را کمایی کرد

لیف چنیکه ا.ن. بدریافت پانزده جایزه دولتی نایل شد . درماه می ۱۹۶۵ لقب‌قهرمان اتحاد شوروی را کسب کرد بخاطر نجـــات سربازان مجروح از میدان جنگ و نشـان دادن شجاعت ودلاوری در این عمل از طرف کمیته بین المللـــی صلیب سر خ مــــدال «فلورنیس نایتین گیل» حـــاصـــل نمود . لیف چنیکه ا.ن. بعد از سپری نمودن روزهای دشوار جنگ میهنی‌کبیربحیث یك نویسنده تبارز کرده در تالیفات درباره شخصیت های اتحاد شوروی که باعشق سرشار بوطن بــه دفاع میهن کبیر خود بر خـــواسته بودنـد رساله های ارزشمندی نگاشته است.

لیف چنیکه ا.ن. د ر ۱۸ جنـــوری سال ۱۹۷۳ بعد ازیك مریضی طولانی چشم ا ز جهان بست .

خطاب بدختر اَفغان

ای شاخه گل شکسته تا چند ؟   ای سرو روان نر سته تـــا چند
ای مـــرغ بهشـــت خسته تـــا چند   در کنـــج قفس نشسته تـــا چند
بشکـــن قفس و چمـــن بیـــارای
بی روح تو زندگـــی نیکـــو نیســـت   در باغ امید ر نـــگ و بو نیست
هر دل که هـــوای تو در او نیست   جا یست کـــه شمـــع آرزو نیست
در قلـــب سیه دلان مکـــن جـــای
معیار تو کـــار و بـــار تو بس   اخلاق نیکـــو حصـــار تـــو بس
شـــرع نبـــو ی شعـــار تو بس   ایـــن شمـــع بر هگـــذار تو بس
در پرتـــو نور حـــق بـــرون آ ی
تو خفته و کـــاروان روان اســـت   مـــرغ سحـــری سرود خوان است
صبح است تو نیز بر شو از جای
بیرون و درون خـــانه از تست   ایـــن عـــرصه بیکـــرانـــه از تست
در کنـــج خمـــو ل تـــن نفر سای
از ساحـــل سند تـــا زر افشان   یك عا یلـــه یـــك ســـرای میدان
ای ما د ر د و د مـــا ن افـــغان   از اهـــل ســـرا مبـــا ش پنهـــان
در خـــا نۀ خویش چهره بگشای
تـــا چـــند گـــر ه ، گشا شو   با ساز ز مـــا نـــه همنـــوا شو
راز دل ر و ز گـــا ر بنمـــا ی
ایـــن کودك شیر خوار معـــصوم   کمـــر و ز بد ست تو چون موم
فردا چـــو شود نتیجه معلـــوم   باشی تو به نزد قـــوم محکـــوم
گـــر طفـــل تـــو کج همی نهد پای
طفل توچو برگ گل لطیف‌است   این عنصر پاك بس شریف است
منسوب به ملـــت حنیف اســـت   چشـــم و دل ودست اوعفیف است
بـــر طفـــل عـــزیز خود ببخشای
تـــا ر هـــر و راه بیـــن نباشی   با اهل و طـــن قـــریـــن نباشی
با جـــا معـــه همنشین نبا شی   آگـــاه از آ ن و این نبا شـــی
طفـــل از پی تو چسان نهد پای
علم تو یگـــانه ز یو ر تست   ا فکـــا ر تو گـــنج و گـــوهر تست
عقل تو چو تا ج بر سر تست   نـــور رخ تـــو ز جـــوهر تست
ایـــن نور بـــر نگ ها میالایی
دانی که حیا ت نیست جز کـــار   بیکـــا ر بقـــا ی تست دشوار
دستیکـــه چو نخـــل میدهد بار   حیـــف ا ســـت بلوش دیگری بار
از ز حمـــت دیگـــران میاسـای
ای نخـــل ا مید تا جهـــان بـــاد   گـــلهـای تو دور از خـــزان بـــاد
افکـــار تـــو تـــازه و جوان بـــاد   محکـــوم فضـــا ی آ ســـما ن بـــاد
هر پنجـــه که نفشـــرد ترا پـــای

به پیشگاه مادر

ای اختر فروزان آسمان نیك بختی ام :

تابش برق آسای تو از نظرم ناپدید شد تو موجود عجیبی بودی هر طر ف میدویدم

ولی از مدار محبت تو بیرون نمی جستم .

مادر توبودی که‌چون خورشیدی‌صفحه مکدر زندگی ام را روشنی می بخشیدی .

شب زنده داری تو بود کـــه خواب نـــاز گهواره ام را پر می کرد .

صدای خوش وپرعطر فتت را نثار موجود بیچارۀ میکردی .

ستارۀ این نازها ونعمت ها افول‌کردومـــرا به‌دست نا امیدی ها سپردی.

دست نازنین توبود کـــه شر شك غـــم ویاس رابا دستمال عطوفت مادری از رخسارم پاك می کرد .

ای خورشید فروزان هستی ام :

ای روزنه امیدها وآرزوی هایم . هنو ز موجود ضعیف وناتوان بیش نبودم و در جهان هستی پانگذاشته بودم وهنوز ازبحربی‌کران عشق ومحبت ولطف‌وصمیمیت توقطرۀ ننوشیده بودم ودر دریای بی‌کران مهرتو غوطه و ر نشده بودم که تویکباره ازجهان چشم بستی وبا این چشم پوشیدن از جهان مراآتنهای، تنها درگرداب یـــاس ونااّمیدی گـــذاشتی و بی پناهم نمودی .

اکنون که در چنگـــال غم ها اسیرم و پناهگاهی وجود ندارد تا مرا پناه دهدوعشق ومحبتش را نثـــارم کند لهذا به بزرگتر پناهندۀ جهان رجوع می کنم واز بارگـــاه ایزدی برایت عظمت والوهیت التجاء نموده و طلب مغفرت می کنم .

فرزندت

خدایت آزاد آفرید، آزاد باش !

آزادگی

تا قدرت جنبشی بود تن را
کج ، نزد کسی مساز گردن را
با گرد دریا و ننگ دریوزه
آلوده مساز پاکدامن را
یا قابل زیستن بجو مسکن
یا در دل خاک ساز مسکن را



دخپلواکی سندره

زړی دتورو خاورو ته دلمر رڼا او تودوالی
پسی سر هسك کړ .
دبوټی دګورو پاڼو او تیرواغــزوله منځه غوټی جګه شوه او وموسیدله .
دتورو وریځو له تورتمه یوځاځکی دګـلپرمخ وځخید .
دبلبل بچوړی د هګـــی سپین اوباخـــهدیوالونه مات کړل .
دلومـړی ځل دپاره د ګـلوپه ځانګــهکښیناستله دخپلواکی سندره یی وغږوله :
ددی سندری یوه کړی داوه :
دخواری له خاوری سر هسك کړه !
دخپلواکی له لمرنه رڼا واخله !
دژوند له تیرو اغزونه ځان وباسه !
خوله بیرته کړه او وخانده !
هومره وخانده چه دهسك نه دربانـــدیسپینی مرغلری توبی شی اودمینی استاځــی
ستاپه غولی کښی دخپلواکی سندره ووایی..

ننګرهار ـ د۱۳۳۷ سنبله . ع ـ بختانی

نام ترا می نویسم
ای آزادی!

به روی کتابچه های مکتبم
به روی میز تحریرم وبه روی درخت ها
به روی ریگ وبه روی برف
نام ترا می نویسم .

به روی تمام صفحاتی که خوانده ام
به روی تمام صفحات سفید
به روی سنگ و خون و کاغذ وخاکستر
نام ترا می نویسم .

به روی تصویر های زر فام
به روی سلاح جنگاوران
به روی تاج سروران
نام ترا می نویسم .

به رو ی جنگل هاو صحرای لم یزرع
به‌روی لانه‌هاوبه‌روی گل‌های طا و وسی
به روی انعکاس آواز کود کم
نام ترا می نویسم .

به روی چراغی که روشن می شود
به روی چراغی که خاموش می شوذ
به روی دسته جمع خانه هایم
نام ترا می نویسم .

به روی میوه یی که از میان بریده اند
به روی آیینه ی اطاقم
به روی بسترم که پوستی خالی بیش نیست
نام ترا می نویسم

به روی شیشه ی راز گاه
به روی لب های بادقت
خیلی بالا تر از خا موشی
نام ترا می نویسم .

به‌روی پنا هگاههای ویران شده ام
به‌روی بر جهای نور افگن سرنگون‌شده‌ام
به روی دیوار های کسانم
نام ترا می نویسم .

به روی غیاب عاری از خواهش و تمنا
به روی انفراد عریان
به روی پله های مر گ
نام ترا می نویسم .

روی طرفه های عوالم شبانگاهی
روی نان سفید روز ها
روی فصول نا مزد شده
نام ترا می نویسم .

روی تمام کهنه پاره های لاجوردی خودم
روی مرداب که آفتابی است پوسیده
روی دریا چه که‌ماهی است زنده
نام ترا می نویسم .

روی مزر عه ها و روی افق
روی بال و پر پرند گان
روی آسیاب سایه ها
نام ترا می نویسم .

روی هردم و وزش شفق
روی دریا و روی کشتی ها
روی کوه دیوانه
نام ترا می نویسم .

روی خزه ی ابر ها
روی عرق تو فان
روی باران تند و بی مزه
نام ترا می نویسم .

روی اشکال فروزنده
روی صخره های الوان
روی حقیقت جسمانی
نام ترا می نویسم .
روی راههای کشاده
روی میدان های پر ازدحام
نام ترا می نویسم .

روی تندرستی باز یافته
روی مخا طرات از میان رفته
روی امید بی خاطرات
نام ترا می نویسم .

وبا نیرو و قدرت یك کلمه
زندگانی را از سر می گیرم
من برای شناختن تو به دنیا آمده ام
برای نامیدن تو
ای آزادی !
ای آزادی !
ای آ، ز، ا، د، ی !

پل الوار

کاروان حله ... کاروان حله ... کاروان حله

چند نکته یی نغز در باب آزادی

* درخت آزادی فقط با خون شهدایش آبیاری میشود
* کسی که آزادی شما را گرفت نان شما را هم می گیرد و بر عکس ...
* آزادی تلاش خرد مندانهٔ آدمـــی درجستجوی علت حادثه هاست
*آزاد ی هیچ نیست مگر جنبشی که آد می به مدد آن همواره بندی از بند های خود را می گسلد ورهایی می یابد
* چراغ آزادی ، چراغی است کزین خانه بدان خانه برند
* آزادی !

ای مو هبت گرانبها وای گنجینهٔ آسمانی

ای نعمتی که همایون‌تر و خجسته‌تر از توو جود ندارد

* گر بی بر گی به مرگ ما لد گوشم
آزادی را به بند گی نفروشم
* درد« بردگی» است ودر مان «آزادی» .واگر نمیتوا ن آزاد زیست پس مرگ ...
* غالب به هیچکس رحم نمیکند ، چه اگررحمی بود غالب نبود ، مغلوب نیز اگر خوا ستار آزادیست نا گزیر ازخشونت وبیرحمی است
* به من یا آزادی بدهید یا مرگ
* بشری که حق اظهار عقیده و بیان فکرخود رانداشته باشد ،مو جودی زنده محسوب نمی شود
* بندهٔ بیگا نگان بودن ز مردن بدتر است
* فقر در آزادی به از غنا در بندگی
* ای روح آزادی ، بر تو درود باد ، برتو درود جاودان باد!

دخپلواکی ورځ

داخوښی دا خوشحالی چی نن هر گوټ کی لیدل کیږی
دا ځوانان او دغه پیغلی چی خندیږی خــوشحالیږی

دا ټول لوی واړه چی خوښ ئ ی دغه‌ورځ‌دخپلواکی ده
زړونه خوښ فکرونه سم دی خــوشحـالی نه هوسیږی

دغه ورځ راته گټلی پــه سرونـومـو پلــرو ده
ددوی قبر باندی‌خلکـه نــن رحمـــت دخدای وریږی

دوی په موټی موټی خاوره خپل سرونه دی ورکـړی
ځکه نن واوری‌ملگرو احتـرام سر ه یــادیـږی

دوی گټلی په سروده نن یی مـــوږ ته ده سپارلـی
ملتفـت شــی‌عـزیـزانـو په همت به آبــادیـږی

موږ اولاد دهغه چایو چی دښمن یــی‌در پـه درکـړ
نن راغلــی زموږوار دی سترگــی مـوږ لره غـړیږی

داپه غــرونو هم نه سمه یادگــارونه چی لید ی شی
کارنا می مودپلــرودی تر ا بـد ه نه هیریـږی

دوی په توره او میرانه دا وطن راته‌آ ز ا د کــړ
نن نو وار دعلم‌اوفن دی چــی وطـن پری ودانیږی

ای پښتو نه ای تاجکــه ای ازبکـه‌سره یو شــی
اتحـاد ســره ملگر و سخت کــارونه انجامیږی

هزاره که پشه یی وی که هندو دی دا دی واوری
ټول زامن ددی ملت دی ځوك چــی دغلته اوسیږی

شاعرغره دپاسه ناست دی‌د و طـن کـوی سیلـونه
گــوری ځوك به داسی‌کس‌وی چی وطن نه قربانیږی

«زمریالی»

سرود آریایی

(آخرین سوار)

ابر آشفتهٔ ارغند سیاه
گشت از قله شمشاد بلند
شام هم پردهٔ تاریك مخوف
به سرا پای سپین غر افگند
باد با طرهٔ آشفتهٔ مو ج
مست می آمد وبازی می کرد
گاه با گیسوی سرو آزاد
بی جهت دست درازی می کرد
دور تر ، رود خروشندهٔ مست
تند ومواج و خروشان و کبود
چون سپاهی همه تن جوشن پوش
پیش می آمد ومی خواند سرود
ظلمت آهسته در آغوش کشید
برج و باروی جلال الدین را (۱)
«سیل» فرمود که تا قفل نهند (۲)
در آن قلعهٔ پولادین را
نا گهان در پی آن شام سیاه
ناله یی از دل صحرا برخاست
«سیل» زان نالهٔ جانکاه حزین
چون سپندی شدو از جابر خاست
دید کز دور سواری پیدا ست
لرز لرزا ن چویکی سایه بر آب
گاه می افتد و گه می خیزد
دست رفته زعنان پا زرکاب
برسر اسب (برایډن) بود
خسته وزار و نحیف و رنجور
شبح بی روح وی اندر ظلما ت
چون یکی مرده برون جسته ز گور
ظا هر از رگ رگ او لرزهٔ مر گ
چون تذروی که گریزد ز عقاب
دوخته چشم ز خجلت به زمین
«همچو عا صی که کشندش به عذاب»
خواست تا شرح کند قصهٔ خویش
خشك شد لفظ و فرو ماند زراه
(سیل) را دیدن آن منظر شوم
کرد احوال به یکباره تباه
گفت ای وای چه افتاد بگو ؟
در تو آثار جنون می بینم
جامه واسب ترا سر تا پا
سرخ گردید ه بخون می بینم
چشم بگشود (برایډن) و کرد
منفعل وار براطراف نگاه
گفت کشتند و به خون آغشتند
افسر ورایت و سردارو سپاه
جنگجو یان دلیر افغا ن
شیر مردی و شهـا مت کردند
بر سر چشم کبودان فرنگ
چه بگو یم ، چه قیامت کردند
چه سپا هی ، چو یکی ابر سیاه
مست و شوریده و تند و سر کش
مرگ می ریخت از آن چون باران
غیظ می جست از آن چون آتش
چشم ، کا نون فروزان از خشم
سینه ، دریای خرو شان از کین
نعره ، چون رعد غریو نده به چرخ
حمله ، چون برق شتا بان به زمین
آب این مرز بود آتش زا
خاك این قوم بود غیرت خیز
کوه با شند گران ، وقت ثبات
باد باشند سبك ، روز ستیز
(سیل) فرمود که شیپور زنند
گرد گردند به یکجا لشکر
بر سر قلعه فرو زند آتش
که شود گمشد گان را رهبر
صبحگاهان چو از این کاخ کبود
افسر مهر نمایان گردید
باز در طارم مینایی چرخ
تخت جمشید زر افشان گردید
(سیل) بر کنگره قلعه نشست
خیره بر دامن صحرا نگریست
دید چو ن نیست ز لشکر اثری
زار بر خویش چو دریا بگریست
چشم خونبار به بالا افکند
دید چیزی ز هوا می آید
مست و مغرور عقابی از دور
به فضا بال گشا می اید
هست در چنگل آن پارچه یی
که از آن پارچه خون می ریزد
گفت این خون دل لشکر ماست
که چنین زارو زبون می ریزد
(سیل) ماتمزده از جا بر خاست
مرغ آزاد ، به کهسار نشست
پرچم حق به فضا گشت بلند
علم ظلم ، نگو نسار شکست

---

(۱) مراد از بارو ی جلال الدین ، قلعه نظا می جلال آباد است که نیرو های انگلیسی در آن مستقر بودند .

(۲) سیل ، نام فرمانده نیرو های انگلیس بود در جنگ اول افغان و انگلیس .





اطفال امروز

چرا اطفال به رژیم محتاج اند؟

به متصد رشد و نموی سالم اطفال محیط و شرایط محلی که او در آن زیست دارد و تربیه میشود دارای ارزش و اهمیت بسزایی است .

والدین باید سعی نمایند تا بهترین شرایط صحی را در خانه ایجاد کنند و تقسیم اوقات فعالیت طفل مکتبی راتنظیم نمایند باید باین سخن عقیده راسخ پیدا نمود که اگر شرایط زندگی را در مکتب و لو به بهترین وجهی (نمونه‌یی) هم مهیا گردانیم ودر عین حال در خانواده شرایط ساده ترین حفظ الصحه تامین شده نتواند مفهومی بدست نیامده و حاصله ای از مکتب بکف نمیرسد .

تمام سیستم های ارگانیزم انسان تحت تاثیر جهاز عصبی بصورت هماهنگ ودر عین زمان منظم فعالیت مینماید . مجموع فعالیت های آن وحدت حیاتی ارگانیزم را با محیط خارجی تامین کرده و حوادث طبیعی هماهنگی ومنظم بودن آن تاثیر قابل ملاحظه ای با لای جریان پروسه های ارگانیزم انسان وارد می آورد . بدین ترتیب خواب و بیداری در روز و شب تنظیم شده است هضم غذا، تنفس ،فعالیت قلب، حرکت وغیره همچنان بالنوبه وهماهنگ صورت پذیر میشود . بد نیست خاطر نشان گردد که تغییر دادن اوضاع مختلفه با سرعت معیین ممکن میگردد که از نقطه نظر خواص خویش بستگی بسن و سال معینی دارد .

همچنین طول مدت خواب درسنین مختلف همانند و یکسان نیست واز هم متفاوت است . اگر طفل نوزادی برای تجدید قوا و درست فعالیت نمودن ارگانیزم خویش در یك شبانه روز ۲۳ ساعت میخوابد و برای خوردن غذایش ۶ـ۷ مرتبه بیدار میشود جوان نو بالغ پس از آنکه ۱۵ـ۱۶ ساعت بیدار میماند ۸ـ۹ ساعت بخواب میرود هم چنان هم آهنگ و منظم بودن صرف غذای شان که در وقته های معین صورت میگیرد.

ریتم یا آهنگ شدیدی را پیاده گردی حایز است که‌در آن بصورت گاه یکی و زمانی هم گروپی ازعضله های دیگر فعالیت مینمایند .

تنفس و فعالیت های دوران خون نیز تحت آهنگ معینی ،نفس فرو بردن و نفس کشیدن انجام میشود بدین ترتیب تمام‌پروسه های فزیولوژیکی در ارگانیزم ، نظم ثابتی‌دارنداین خاصیت‌چه‌بصورت علیحده‌علیحده و چه بصورت مجموعی توام با محیط خارجی یکسان است. لذا رژیم روز انعکاس معین رژیم پروسه های فزیولوژیکی است که در ارگانیزم انسان جریان دارد.

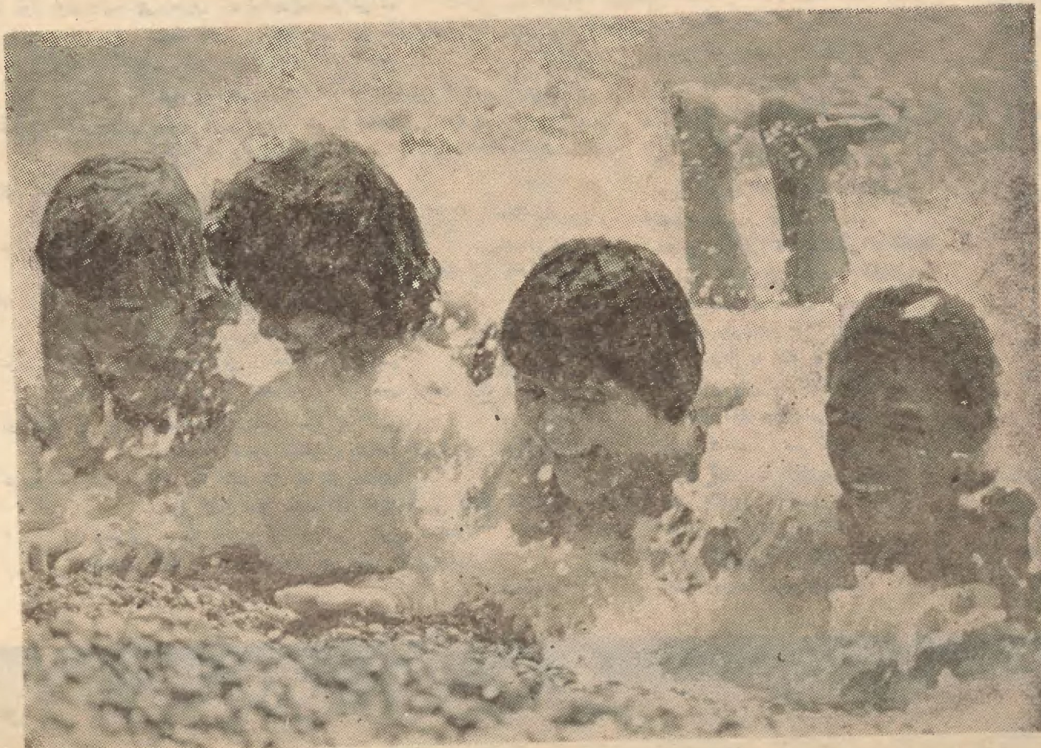
تقسیم اوقات روز مره ارگانیزم پروسه های حیات را که در هر روز تکرار میشود پیش بینی میکند که در قشر مغز طفل فعالیت های متبدل قالبی ومشخص راتکرار مینماید تقویه (فعالیت های دینامیکی قالبی) کم ترین قسمت فعالیت های عصبی را میسازد بدین ترتیب گذار جریان ها و پروسه های عصبی در قشر مغز انسان سهولیت‌پیدا میکند .

فعالیت ها و کار های تعلیمی ودرسی اطفال و نوبالغان اساساء عبارت از فعالیت های دماغی است که توسط حجرات بزرگ مغز انسان انجام میشود . در نتیجه انجام دادن کار های زیاد در طول یك زمان واحد و معین خستگی رو نما میگردد یعنی قابلیت فعالیت حجرات وسلول هاوبالنتیجه تمام ارگانیزم تقلیل پیدا مینماید وبالاخره خستگی حجرات قشر مغز انسان را بار می آورد .

بنا بر آن باید بخاطر داشت که هر نوع قابلیت کار و فعالیت اطفال در اثر هرگونه عکس العمل سوء سقوط مینماید و این امر مقایسه بزرگسالان خیلی ها حساس تر است . درجهٔ خستگی آنها نظر به فعالیت های روز مره به بزرگان تناسب معکوس دارد . هر قدر که طفل خوردتر باشد به همان پیمانه درجهٔ خستگی و ذلگی او بیشتر است و بر عکس .

فشار زیاد از حد ، عدم موجودیت نوبت در کار های دماغی و استراحت طفل . کار های فزیکی و هوا خوری آنها کمبود زمان خواب .. فقط و فقط خستگی بیشتر و بیشتر را به طفل مکتبی بار می آورد . اطفال ازسو بار آمده زود رنج میشوند گریه رو و نازدانه شده بدرس خواندن علاقه نمیگیرند خستگی های از حدزیاد دماغی که‌بصورت سیستماتیك بالای طفل وارد میشود شاید به‌ضعف کلی ارگانیزم منجر شود و بسی از امراض روحی را بار آورد .

و بدین ترتیب تنظیم بخشیدن دقیق رژیم طفل مکتبی از همان روز های نخست زندگی مکتب رفتنش یکی از شرایط عمده ، بحساب میرود که این موضوع نه تنها در امور خوب درس خواندن او کمك میکند بلکه رشد فزیکی وجسمی او را نیز طور دلخواه



آببازی ازسر گرمی های دلچسپ اطفال‌است ووالدین محترم تلاش می ورزند تا این‌مصروفیت رابرای آنها تامین نمایند .

میسر میگرداند . باید زمان بیداری و خواب طفل به صورت د قیق تعیین شود زمان ناشتا و نان چاشت و شب ، وقت حاضر سا ختن کار های خانگی وهمچنان زمان گشت وگذار طفل در هوای آزاد باید درست تنظیم شود.

خا صتا نکته قابل اهمیت درین جاست که تمام عنا صر رژیم در یك زمان واحد عملی گردد این عمل ایجاد بعضی از شرایط انعکا- سات عصبی را سهو لت میبخشد . چو نکه هر مر حله ریتم و یا آهنگ روز مــره محصول علایم اشاراتیست که قبلا ایجاد شده است . از ین لحاظ است که اطفال مکتبی دراثنای رعایت رژیم روز سریعتر به کــار علاقمند میشوند به مو فقیت کار های خا نگی را اجرا میکنند زود بخواب میروند و خود را شاد مان و بیدار حس مینما یند .

تطبیق کلیه هدا یت رژیم که به‌صورت درست عملی شود ایجاد خستگی را پیش بینی نموده و جلو آنرا میگیرد .

اثر گذاشتن سیستماتیك بالای ارگا نیزم طفل که تحت نظم و ترتیب معینی در امور کار ، استراحت ، تغذیه ژیمنا ستیك آبدیده کردن آنها و قرار دادن شان به اندازه‌کافی در هوای آزاد صورت گیرد . قدر ت کار و زحمت کشی مقاومت وجود اطفال را در برابر انواع مختلف امراض ، بیشتر سا خته شرایط نموی بهتر ار گا نیزم آنها را آماده میسازد.

پرو فیسور ستودی نیکین عضو اکادمــی علوم شوروی میگوید:

«رعایت رژیم روز باید برای طفل یك امر طبیعی و عادی گردد که بعد ها این امر از عادت به احتیاج تعدیل شود » .



سواد در آگاهی از روش های مراقبت‌های‌صحی برای افراد ارزش فراوان دارد

طفل شامل صنف اول میشود

طفل شما هفت سال زندگی اش را پشت سر گذاشت . اکنون وقت آن رسیده که شا مل صنف اول شود . این حادثه چــه شاد مانی ، هیجان و در عین زمان احسا س مسو ولیت را برای فر د فرد خانواده نا خود همراه دارد . شا مل شدن بــه صنف اول نخستــین وبزرگتریــن فشار یست که‌بر طفل حمل میشود وبرای برداشتن این کـــار باید طفل آمادگی داشته باشد .



اطفال نه‌تنها به رشد جسمی احتیاج دارندبلکه به‌انکشاف ذهنی نیز محتاجند

برای طفل اکنون تمام شرایط زندگــی عوض شده است : محیط ، مطا لبات ،رفتار ورژیم هر کدام شکل دیگری به خودمیگیرد.از همین لحــظه یــك طــفل خــورد و بیچاره به یك طفل مکتبی تغییر می یابد که از خود مسوو لیت هایی دارد . و ظایفی در برابرش قرار میگیرد و هیجا ناتــی او را احا طه می نماید . آمادگی درست و پیش بینی شده ، سیستما تیك و خوب طفل را در دا خل شدن به این مر حلهٔ جدید ، مر حله زندگی نو مکتبی کمك می کندتا بر مشکلات فایق آید . البته این مشکلات در روز های اول زندگی جدید حتماً رو نما شد نیست .

صحتمند بودن طفل خیلــی دارای ار زش است . طبیعی است که تمام اطفال قبل از آنکه شا مل مکتب شو ند بصو رت حتمی معا ینات صحی همه جا نبه را می گذرانند چك میشوند . معمولا معا ینات صحی یــك سال قبل از داخل شدن طفل به مکتب آغاز می یابد زیرا در ین مدت طفل که شا مل مکتب می شود باید از نقطهٔ نظر طبی وصحی آماده گردد .

در اطفا لی که سن و سال شان از هفت کمتر است بعضی از امراض مزمن مشاهده میشود و همچنان از نگاه رشد جسمی و یا نقصان کلام که ممکن است والدین به آن متو جه نشده باشند در اطفال بنظر میرسد . این تغییرات در صحت وسلامت طـفل‌مستلزم تداوی مستدام است برای آنکه تدابیر لازمهٔ صحی دارای مو ثر یت قابل ملا حظه باشد باید خانواده نظر دقت خود را بدان معطوف گرداند .

قبل از آنکه طفل شامل مکتب شود بهتر است که ایام تابستان ، زمستان رابخوبــی راحت باشد . معا ینات در ست طبی ارگان ها و جهاز های مختلف، و جود طفل سبب می شود که جلو بعضی از امراض در طفل‌گرفته شود. دقت زیادی درمعاینــهٔ چشم طفــل مبذول میگردد . در صورت لزوم عینك توصیه میشود . باید استفاده از عینك توسط طــفل بصو رت حتمی زیر نظر گر فته شود . در مورد تغییرات سمعی طفل تــان باید دکــتور مکتب را مطلع سازید و یا درین مورد با معلم مر بوط داخل تماس شوید که محل مناسبی رادر صنف برای طفل‌تان تثبیت‌کند. سالم بودن گوش و گلو و بینی طفل هم دارای اهمیــت است . وقتی به طبیب‌طفل‌تان را نشان دادید باید غده ها (لوزتین) را که یکی از علل آنجین بوده و نفس کشیدن را مشکل سا خته سر دردی آورده و ... هر چه زود تر دور سازید . این امراض سلامت طفل را اخلال می کند و سبب میشود که اکثراء درس را ترك گو یند که این امر حداکثر در مو فقیــت های درسی او اثر می گذارد.

عفونت دندانها :

دندا نهای بد بو منبع دایمی عفونت هســت . شستن دهن و دندا نها و موا ظبت کلی از دهان یعنی ، تداوی ویا کشیدن دندا نهای نا سالم بصورت عمومی مقام ارزنده ای را درامور اخذ تدابیر صحی طفل که بــه مکتب جدیداء شا مل میشود ، حا یز می باشد . هیچ جای شك و تردید نیست که به تداوی دندا نها عطف تو جه هر چه بیشتر مبذول گردد. فراموش نباید کردکه تــدا وی دندا نها به وقت و زمان آن نقصی ندارد .

در پهلوی این فعا لیت ها دکتور ، متخصص یك سلسله معا ینات د یگر جهاز عصبی صورت میگیرد تقویهٔ درست کلام در طـــفل معا ینه و کنترول میشود هر گو نه نادرست تلفظ کردن کلمات ، الکن بودن ، و غیره معاشرت طفل رابامعلمین وهمسالان طفل‌مختل ومشکل میسازد. او از حرف زدنش میشر مد کمتر جرات به حرف زدن میکند ودر نتیجه در دروس خود کمتر علاقمند میشود . تمام این ها سبب میگردد تا بالای جهاز عصبی او تاثیرات منفی نفوذ کند واز نا حیه روان شناسی کمتر رشد یا فته به مر یضی های گو نا گون مبتلا گردد .

وقیکه گفتار طفل دقیق و فصیح نباشد ، اگر زبانش بند بیفتد ویا کدام نقص دیگری در او هویدا گردد در شعبهٔ مخصوص (لو- گوپیدی) مرا جعه میشود و هر گو نه نواقص که از ین نا حیه وجود داشته باشد مرفوع می گردد.

نظر به هدایت دکتور معالج طفل را قبل از آنکه شا مل مکتب شود از نگاه داشتن کرم معده باید تحت تداوی قرار داد .موجوث- یت اقسام مختلف کرم ها شاید طفل را به مر یضی های شکم دردی ، تهوع و بد حالی، بی اشتهائی ، سر چر خی و غیره مبتلاسازد و وجود همچو امراض دلیل داشتن کرم‌باشد. اکثراء بملا حظه رسیده که کرم های معده سبب کم خونی وبعضی امراض دیگر شده است .

لطفاً ورق بزنید
صفحه۳۳

نواقصی که در ابتدا ظهور مینماید ، کجی یا خمی پشت ، انحنا ئیت ستون فقرات و غیره ممکن است در شعب مختلفهٔ طبابت قبل از شا مل شدن طفل به مکتب تداوی شود .

دکتور های شعبات مذکور تمــر ینات مخصوص ورزشی را به طفل تو صیه می کنند که طفل باید بصورت سیستما تیك آنرا در منزل انجام دهد .

درین حالت ضرور است که بصورت مستدام طفل به آن تمرینات که در رشد جسمی او حایز ارزش است بپردازد .

برای آنکه طفل را از بعضی امراض مکر- وبی در امان نگهداری نما ییم لازم می افتد تا بار دیگر واکسین های ضد دیفتری ، توبر کلوز ، کولرا ، سیاه سرفه و غیره را دراو ترزیق کنیم زیرا این امراض بــرای اطفال خیلی ها مهلك شمرده میشود .

تمام اطلا عات در مــــورد صحت طفل، مریضی ها ونتایج معاینات در کارت مخصوص باید رسانیده شود تا طبیب مکتب با اخذ کارت مذکور در مورد طفل جدید الشمول به مکتب اطلا عات کافی بدست داشته باشد .

بر والدین است هدا یات و تو صیه های دکتور مکتب را جدی تلقی نمایند وآنچه در مورد صحت طفل شان میگو ید با جدیت برمنصه اجرا قرار دهند هیات مدرسه سعــی و جدیت بیشتری را از طفل مطا لبه می کند.

والدین در امور مستقل شدن طفل نقش عمده ای ایفا میکنند آنها قادر اند به طفل خود بیا موزند که چگو نه و ظایف و کار های خانگی مکتب را خود ش بدون کمك او آماده گردانند وعلاقمندی اوراجلب کنند که آنها هر کاری را به شوق خود و با دست های خود انجام دهند و اشتبا هات خود را خود شان پیدا کرده در رفع آن اقدام کنند ●والدین توا- نائی آنرا دارند که مشوره های نیکی به طفل شان بد هند .

قبل از همه لازم است تا والدین «رژیم روز» درستی برای اطفال شان تر تیب دهند و به شدت رعایت آنرا کنترول کنند . اگر در خانواده نظم درستی حکمفــر ماست که خــواهی نخواهی اجرا می شود در آنحال طفل هم به آن عادت میکند، انضباط ودسپلین معــقول، حس مسوو لیت و با سر شته بودن در او تقویت می یابد .

بد نیست که ۱ـ۲ ماه قبل از شروع درس به طفل تان بیدار شدن از خواب را ساعت (۷) صبح عادت دهید . این عمل او را در روز های بعدی که باید بطرف مکتب روان شود عادت میدهد . درین حالت باید فراموش نکنید که در رژیم روز او از طرف صبــح ژیمنا ستیك را که به صحت وسلا مت او مفید باشد بگنجانــید● تمرینات ورزشی را بهتر است باگرفتــن دوش (غسل) ختــم نما ئید .

پس از غسل باقدیــفه وجود طفل خشك شود و قدری مساژ داده شود .

باید طفل را قبل از آنکه به سن و سال مکتب برسد بصورت سیستما تیك غسل کردن صبح و عصر را یاد بدهید و شستن گردن و گو شها را به او بیا مو زید و عادت بدهید شستن دستها رابا صابون قبل از بخــواب رفتن و بعد از آنکه از خواب بیدار شد . بعد از آنکه از مکتب آمد و حینیکه از هوا خوری و تفریح باز میگردند پس از رفتن به مستراح ، بعد از هر نوع بازی و قبل از صرف غذا طفل باید دست هــایش را بـــا صا بون بشو ید واین عمل را باید عادت کند

موا ظبت از ناخن ها خیلی با اهمیت است و باید در هر هفته لا اقل یکبار گرفته شود.

زیرا در زیر ناخنها کثافات زیادی جمع شده می تواند طفل باید روی پاك مخصوص بخودش داشته باشد ، دستپاك او علیحده بوده وبرای پاك کردن پای قدیفه مخصوص خودش داشته برس دندان و شانه سر او مورداستفاده هیچ کس دیگر قرار نگیرد با قیچی و یا نا خن گیری که ناخن های او گر فته می شود فقط باید به او متعلق باشد زیرا از طریق آنها بسی امراض انتقال می نماید .

طفل باید بداند که دندا نها یش را به چه نحوی درست پاك کند : برس را بصورت عمودی از بالا به پائین حرکت بدهد واز چپ به راست چه قسمت پیشروی دنــدا نهــا و چه قسمت عقبی آنها باید برس شود .

فراموش نباید کرد که دندا نهای آسیاب والاشگی طفــل خــوب شسته شود وبعداز آن چند بار آبکش شده و بقا یای غذا در بین آنها قطعاً باقی نباید بماند● تــو صیه میشود که دندا نها توسط آب جوش همه و قته پس از صرف غذا آبکش شود . شستن دندا نها توسط پودر و یا کریم دندان در یکروز چندین مر تبه کار درستی نیست . این عمل شاید سبب از بین رفتن مینای دندان وخرابی بیره های دندان شود● ایــن کا ررا بهتر است در شبانه روز یکبار ، صبح و یا باعصر ، انجام داد ●

اطفال در زمستان هفتهٔ یکمر تبه باید غسل کنند ودر تا بستان هفته ای چند بار از همین اکنون به طفل تان عادت بدهید که قبل از خواب پاهایش رابشو یــد این کــا ر را مخصوصاً در ایام گرم سال انــجـام دهــد بیش از همه جلو عرق کردن گر فته شود. برای آنکه از عرق جلو گیری بعمل آید درست نیست که جراب های دبل را بپا نمود● آنها را باید زود زود تبدیل نما ئید پوشیدن پای پوش های رابری هم مجاز نیست .

موا ظبت ازمو های اطفال دقت زیادی می خواهد مو ها ئیکه چر بی آن بیشتر است باید در هر هفته یکبار شسته شود درین حالت باید از صابون های اطفــال ا ستفاده بعمل آید . بعضی او قات شستن موی آنها با صا بون های لوکس معمو لی نیز مجاز است . مو های خشك که چربی نداشتــه باشند معمو لا در هر ۱۰ـ۱۴ روز یك مر تبه

بقیه درصفحه ۵۲



سپورت ضامن صحت وسلامت اطفال است

دمترقي قوتونو پیوستون اویووالی به د تل لپاره زمونږ له انقلاب سره ملګري وي

نن په سیمې او نړۍ کې دامپریالیستي او ارتجاعي قوتونواودهغو دجیره خورو ، اجنټانو او نورو تالي ځټو کوم چې دخپلو بادارانو د ګټو دلاس ته راوړو په لاره کې هلې ځلې کوي دماتې او ځنکدن وروستي شیبې دي .

که دنړۍ پیښواو حالاتو ته نظرواچوو دابه راته په ډاګه شي چې دامریکې خونړۍ امپریالیزم سپینه ماڼۍ د برتانیې استعمارچیان او د چین پراختیا غوښتونکي چې یووخت یې خلکوته دخدمت ژبه په سینه وهله دمترقي قوتونو ، ځوانو انقلابونو او دکارګري طبقې دمخکښي ګوند ونو پرضد په یوناسقدس اتحاد کې سره راټول شوي دي او دځوانو انقلابونو اومترقي کتلو پر ضد یې سره اونه اعلام شوي جګړه شروع کړیده . امپریالیستي واکدارانو دخپلو ارتجاعي ورځپانو ، مجلو اونورو نشریو مخونه او پاڼې په دروغو ډکې کړي او دپر وپاګندوسخت بازاریې تود کړیدی دبي‌بي‌سي درواغجنه راډیو ، دآلمان اوامریکې غږراډیوګانې ددرواغواوپروپاګندونه پرته بل پروګرام نه لري

دامپریالیستي شبکو دغه راډیو ګانې زیار باسي ترڅو په ځوانو انقلابونو تور و لګوي اوسره جګړه لاپسې ګړندۍ کړي . راځي چې دنړۍ له حالاتو ځان خبر کړواو وګوروچې امپریالیستان او دچین شئونیستان زمونږ او ستاسو په آرامه سیاره کې څه کړکېچونه اولانجې پیښوي او څرنګه د تسلیحاتي مسابقو چټکې پروسې ته پکې وهي، که منځنی ختیځ ته سفر وکړو او که لیرې ختیځ ته ، که نږدې ختیځ ته لاړشو اوکه داسیا جنوب شرقي‌سیمې ته ، که دفارس خلیج ته لاړشو اوکه دهند سمندرته،که دجنوبي افریقې له پیښونه ځان خبر کړو اوکه دعربي نړۍ له‌پیښونه،که‌دویتنام اوکمبوډیا حالاتو‌ته نظرواچوواوکه دنیکاراګوا نویواځې اویواځې به دامریکې دخو نړي امپریالیزم ،برتانوي استعمار چیانو ، دچین دپراختیا غوښتونکو او نورو ارتجاعي ډلوډران کاري ، وژنې او دبیګناه غیر پوځي خلکو دوینو لښتي او رودونه به‌یوبل پسې زمونږ مخې ته راشي ـ نن مونږ وینوچې دامریکایي او چینایي جیره خوروبه لاس دنړۍ په‌ګوټ‌ګوټ کې هره ورځ په زرهاو تنه وژل‌کیږي ،دپوهې او مدنیت ځایونه ددې وران کارو ډلوپه لاس‌په کنډ ورلو بدلیږي او په سلهاو رنګه نور غیر انساني اعمال ددوی په لاس تر سره کیږي

دامریکې امپریالیزم لاپخوا داپلان درلوده چې دچین دپراختیا غوښتونکوسره یو ځای په‌سیمه کې ناآرامي ، ګډوډي وژنې ، ټکوني اونور غیر انساني اعمال تر سره کړي مګر دثور انقلاب نوي پړاو اودایران وروستي‌پیښې دهغو لپاره یوه بهانه شوه او نن په همدې پلمه زمونږ دانقلابي دولت ، حکومت او خلکو پر ضد یې سره او نه اعلام شوي جګړه شروع کړیده ـ دوران کارو ، غلو ، لارې وهونکو اوسرې‌وژ ونکو په غاړوکې ماشین‌ګڼ‌ځوړند کړي،جیبونه یې ورته له ډالرو او کالدار و ډک کړي اوددوی په لاس زمونږ دبانډو ، کلیو، ښارونو اوقریو بیګناه خلك ، واړه ماشومان ، میندې ، پیغلې اوځوانان وژني، کارګروته ګواښ کوي چې کارته مه‌ځئ، بزګروته ګواښ‌کوي چې‌ځمکې مه‌کري اوددولت مامورینو ته ګواښ کوي چې دولتي اداروته مه ځئ ، لارې ورانوي ، پلونه‌په‌امریکایي اوچینایي بمونو الوزوي، د موټر و کارو انونه دوسلو په زور دروي اود سپرلي والاوو جیبونه په اصطلاح‌تالاشي‌کوي. پیسې یې تري اخلي او په لس هاورنګه نور ربړونه اوزجرونه هم ورکوي.

اوس زمونږ خلکو دغه‌وران کاري ډلي ښې وپیژندې اوپوه شول چې دوی داسلام پلویان نه‌دي، داسلام اوزمو نږ دخلکوسخت دښمنان دي. دثور دانقلاب دنوي پـړاو په لومړي وختونوکې دامریکې امپریالیزم ددغو وران کارو ډلـو پواسطه زمونږ دانقلابي حکومت، ګو ند اودولت پرضد دکفر تهمتو نه‌لګول مګر د غه وسله هم دهغو په درد دوا نشوه ځکه زمونږ خلکو دخپل انقلابي‌ګوند اودولت ګړني اواعمال دانقلاب په هنداره‌کې ولیدل او پوه شول چې دامریکې امپریالیزم اودچین پراختیا غوښتونکي داسلام پلویان نه‌دي بلکې دافغانستان‌دخاورې دتمامیت ، انقلاب اوخلکو دښمنان دي. دثور انقلاب نوي پړاو لکه‌چې دانقلاب‌مسیر یې دهغه په‌اصلي تګ لورې‌برابرکړي او زمونږ خلك‌یې دجلاد امین او امیني باندو له منګولو نه‌وژغورل نوهمداسې به‌دانقلاب ارمانونه دبرې وروستي پولې ته ورسوي . زمونږ واحد مخکښ ګوند، انقلابي دولت ، حکومت او خلك دثور دانقلاب دنوي پړاو په‌انقلابي ګامونواو پروسوکې‌یواځې نه‌دي . دستر ومترقي قوتونو، دآسیا، افریقا، لاتیني امریکا دآزادۍ بخښونکو نهضتونو،مترقي ګوند ونو اوساز مانونو پیوستون او یووالی ورسره دی او وي به .

حق راځي او باطل له منځه وړي ، حقیقت هر څیرې‌برې ترلاسه کوي،باطل‌دحق په‌وړاندې ځان نه‌لري ،دثور انقلاب نوي پړاو لکه دلمر په‌شان دحقایقو او واقعیتونو خزانه ده اودغه حقایق دانقلاب په هنداره کې یوپربل پسې وبرېښیدل او نور به هم پسې وبرېښیږي .

دنړۍ ټول‌مترقي‌اوکارګري‌انقلابونه دارتجاعي ډلوله توطئو اودسیسوسره‌مخامخ‌شوي‌دي .

اومونږ په‌نړۍ کې دداسې انقلاب مثال نه شوراوړی چې دامپریالیزم او استعمار او دوران کارو ډلو له وران کاریو سره مخامخ شوی نه وي .

دامریکې امپریالیزم‌اودچین‌پراختیا غوښتونکي په‌ګډه‌سره یواځې زمونږ دانقلاب پر ضدنه بلکې دنړۍ دټولو مترقي انقلابونوپر ضدیې همداسې توطئې رامنځ ته کړیدي .

په‌تایلند کې تروریستان دسي. آی. اې په مرسته روزل کیږي اونیکاراګوادځوان انقلابي دولت دخپه کولو په‌غرض هـلته لیږدول کیږي. دویتنام‌دسوسیالیستي‌جمهوریت سرحدي سیمو اوایالتونو کې هم‌همداسې پروسې‌رواني دي. دکیوبا ساحلي سیمې هم‌دجنګي بیړ یـو په‌مرسته تر‌تهدیدلاندې نیول کیږي، دکمبوډیا دانقلاب پرضد همداسې تو طـئې او دوران کارو ډلو وژنې رواني دي ـ دکوریا پر ضدهم پوځي لمسونې دوام‌لري،په زیمبابې ، سلوادور اودجنوبي افریقې په‌زیاترو هیواد و نو کـې دسپینې ماڼۍ دناوړه سیاست‌چلول‌اوددې‌هیواد ونوپه کورنیوچاروکې لاس وهنې دوام لري . دفارس خلیج او دهند سمندر دسیمې دتهدید اوګواښ په‌غرض له‌امریکایي او چینا یـي وسلو ځخه ډك شو ـ دهند په شمالي سیموکې هم دتجزیه غوښتونکو ملاتړ کوي، له‌اسرائیلیانو اودمصر له واکدار انو ځخه هم دعربي نړۍ دتهدید په غرض کار اخلي .

اوهمدا حقایق اوټکې دي چې دسپینې ماڼۍ پیکنګ برتانیوي استعمار چیانو دسا دات او اسرائیلو په‌ملاتړ نړۍ واله سوله او امنیت دخطر سره مخامخ کړیدی .

زمونږ دانقلاب ترشا داسې یوستر مترقي اوبشر دوسته قدرت ولاړ دی چې له کارنامو یې تاریخونه ډك دي ، هغه مترقي قدرت چې زمونږ دوړې سیارې دآرامي ، سولې او امنیت لپاره قرباني ورکوي،هغه‌ستر سوله خوښوونکي قدرت چې خپل شل میلونه وګړي یې دسولې او اجتماعي پرمختګ په لاره کې قربان کړل، هغه سوله خو ښوونکي قدرت‌چې‌دنړۍ په‌تاریخ کې‌یې خو ځله امپریالیستانو ، استعمار چیانو اوجګړه بازانوته ماته ورکړیده اونن به هم دغه‌جګړه ماران دپخوا پـه‌شان بیاناکام شي او ناکام دي . اوس‌زمونږ دانقلاب او خاورې دتمامیت ضد ډلې دشوروي اتحاد دپوځي قطعاتو شته والي پلمه نیسي اوغواړي چې په‌دې‌بهانه اوبه خړې کړي اوددوی پکښې‌خپل کبان ونیسي دشوروي اتحاد پوځي قطعې زمونږ دخاورې د تمامیت ساتو نکې دي او نن زمونږ خلك دخپل سرپه سترګو ویني چې‌شوروي اوه لس‌کلن او شپاړس کلن ځلمیان له هغو سره یوځای دانقلاب او خاورې‌دتمامیت‌ددفاع په سنګرونوکې ولاړ دي‌او دوران کارو ډلو،غلو، لارې‌وهونکو اوسرې وژونکو اعمالو ته‌غابښ ماتوونکی ځواب ورکوي . دشوروي اتحاد دغه پوځي مرسته به‌دتل لپاره زمونږ له‌انقلاب سره ملګري وي وران کاري ډلي به دخپلو ناوړو هلو ځلو نیکارشي ـ دنړۍ والو احتجاجونه به نورهم دسپینې ماڼۍ دواکدارانو پرضد راوپارېږي تاریخ به دهغوپه‌کړنونورهم قضاوت وکړي ، زمونږ انقلاب به دخپل برې وروستي جامونه په سرو اړوي او زمونږ دهیواد انقلابي بیرغ‌به دتل لپاره دمترقي اوسوله خو ښوونکوهیوادونو دبیر غونو په کتارکې رپانده وي .

از شگفتی های رنگارنگ جهان

آیا انسان می تواند دندان های جدید بکشد؟

دندان های خوب واقعا نشان وعلامهٔ زندگی بهتر است با وجودیکه بعضی ها نسبت احساس ناگوار ماشین برمه واحتمالا (بعدا) تعویض دندانهای اصلی شان به دندان های مصنوعی سرباز می زنند .

آیا ممکن است که درجای دندان های افتاده دندانهای جدید را رویاند ؟

محققین در داغستان قفقاز در زمینه کار های موفقانه یی را انجام داده‌اند ضمنا آنها یك طریقه پیوند را باز کرده اند که بحیث مادهٔ دندانی (یك نسج استخوان که بیك حباب مملو از مواد دلمه مانند که مثل یك دندان معمولی نارمل انکشاف میکند ، شباهت دارد) شناخته شده است .

پروفیسر مقصود وف آمر شعبه تحقیق ضمن تشریح طریقهٔ مذکور اظهار میدارد که این روش یك پدیدهٔ جدیدنبوده بلکه سابقه تجارب پیوند دندان تاقرن ۱۹ میرسد . این حقیقت است که در مورد پیوند دندان‌آنوقت عیوب ونواقص متعدد وجود داشته است مگر پیشرفت علوم طبی - بیالوجیکی موفقیت‌های بیشتری را ر زمینه نوید میدهد .

این رشتهٔ تحقیقات در داغستان ده سال قبل شروع گردید . زمانیکه ما تجارب‌پیوند دندان را (بارعایت درست اصول آن) شروع کردیم به چنان مشکلاتی مواجه شدیم که درزمینه پیوند، قلب وگرده وجود دارد . بهر صورت دندانها با اعصاب وشرائین مربوطهٔ شان زنده بوده وعناصر مستقل‌جسم آدمی محسوب می شوند . این یك امرطبیعی است که جسم بصورت منظم جهت پذیرش دندانهای پیوندی آماده نیست ما این تجارب را بالای سگها انجام دادیم البته مایهٔ‌دندانی راازتوله سگ گرفته ودرین تجربه بکار بردیم نخستین تجربه نشان داد که عملیهٔ پیوند آینده مواد اساسی دندانی را منحل ساخت .

اینجا سوالی ایجاد میگردد که : پس چه راهی برای از میان برداشتن این ناسازگاری وجود دارد ؟

ما طرق مختلفی را جستجو کردیم که نتایج بهتر بدست آمد طور مثال طریقهٔ منجمد کردن مایه دندانی در عمق توسط نایتروجن مایع نتیجه قناعت بخش بدست داد .

بسیاری تحقیقات نشان داده است که‌پیوند مایه دندانی (نسج‌نموکننده) نسبت به‌کشیدن یك دندان ناسالم آسان تروساده ترمیباشد. اساسا چنین پیوند ها به اشخاص مریض (درهر سن وسالی که باشند) می تواندکمك خوبی باشد بهر صورت، اولین مریضان ما اشخاص نسبتا خورد سال بودند . این پیونددرقالب های حاوی سه یاچهار دانه مواد مخصوص دندان انجام داده شد .

آزمایشات که توسط اشعه ایکس سه‌ماه بعداز عملیات انجام داده شد نشان داد که جوانه هابرشد خود شروع نموده بودند طرف چهار یا پنج ماه عملیه جابجا شدن دندان به پایان رسید ودر یکسال دندان ها دارای ریشه شدند .



چطورعملیه پیوند دندان صورت میگیرد؟

نخست باید تذکر داده شود که دندانهای شیری (هرشخص دارای بیست دندان شیری می باشد) ظرف مدت دو سال می برآید بعدا آنها می افتند وبتدریج جای خودرا به دندان های اصلی یا دایمی خالی می کنند این عملیه درسن هژده سالگی خاتمه‌مییابد

اکنون عملیه نسبتا جدید وساده یی ایجاد گردیده است که درطی دو سال حتی برای اشخاص مسن می توان دندانهای دایمی و طبیعی (توسط عملیه پیوند طبیعی دندان) را نمو وانکشاف داد .

ماپیوند دندان رابرای دوازده مریضی که آنها حتی از زمان تولد شان هم هیچ دندان نداشتند ویا کسانی بودند که دندانهای خود را در اثر مریضی های شدید از دست داده بودندانجام‌دادیم‌این موضوع‌خیلی‌دارای اهمیت است که در عملیات جراحی مذکور هیچ خطری متوجه مریضان نگردید .

اگر جسم مریض این دندانهای خارجی (پیوندی) را رد میکرد (حساسیت میداشت) مایه دندانی یا خمیرهٔ دندان تجزیه می شد ونتیجه مطلوب ازآن بدست آمده نمی - توانست . در صورتیکه ایجاب کند عملیه جراحی می تواند تکرار انجام یابد ضمنا هیچیك از مریضان ما مقابل این عملیه پیوند ناسازگاری نشان نداند .

نتایج چنین عملیه ها امیدوارکننده ومیباشند.

در آخر باید گفته شود که این میتود پیوند دندان مقصودوف بحیث یك اختراع در کمیته دولتی اختراعات واکتشافات شورای وزیران اتحاد شوروی ثبت گردیده ست .

تلویزیون رنگه در تارموی انسان

ادوارد کزاریای مکرومیناتوریست سکنه یریوال مرکز ارمنستان از لاس انجلس پارسلی را به ضمیمه فوتو های البرت‌انشتین دریافت نمود ، مرسل آن داکتر او توستین **ساینتست امریکایی از وی خواهش نموده بود که مجسمه استادش را در سوراخ یك سوزن بسازد .**



مجسمهٔ چارلی چاپلین درسوراخ سوزن

اگرچه شاید باور نکنید مگر واقعیت‌دارد که چند سال قبل ادوارد کزاریان مجسمه چارلی چپلن را در یك دانه بوره فلز جاداده بود وآنرا در اضلاع متحده امریکا به نمایش گذاشته بود . این مکرومیناتوریست توجه داکتر ستین راکه رفیق چندین ساله اش بود بخود جلب نمود . وقتی ساینتست موصوف به کمك مکروسکوپ یك تلویزیون رنگه را در تارموی انسان مشاهده کرد از تعجب نزدیك بود شاخ بکشد . در پردهٔ این تلویزیون رقص امریکایی نشان داده شده بود . نخست کزاریان این کارنامه را با سایر پارچه هایش تماما ذریعه اشکال‌متحرك ذره بینی در تابستان سال ۱۹۷۵ درموزیم پولیتخنیك مسکو به نمایش گذارده بود ، ولی قناعتش رافراهم نکرد وبسوی مرموزیت سویه بلندتری قدم برداشت . این صنعتکار ماهر به منظور تزکیه نمودن آرت مکرو - تخنیکش در صدد ترتیب یك سلسله تصنیف هایی برآمد که هرکدام دارای چندین‌اشکال متحرك وحتی نمایشات دراماتیکی بود .

چندی قبل کزاریان مرابه محل اقامتش دعوت نمود، کاری راکه چند سال قبل آغاز کرده بود تکمیل نموده بود . چیزیکه‌دیدم واقعا فریبنده بود . اوقیانوسی بود که کشتی درآن لنگر انداخته وآفتاب قرمزی برفرازآن در حال غروب بود درعین زمان در ساحل آن

یك نبرد شدید بنظر می رسید چارلی‌چپلن که عصای معروفش را در اهتزاز داشت با دسته یی ازدزدان دریایی‌که همه مسلح بودند در جدال بود) یك تمساح، مار وچند بوزینه به کومك او شتافته بودند .

همچنان‌ذریعه یك‌ذره‌بین‌قوی‌حرکات یك‌رقاصه راکه گروه سه نفری نوازندگان محلی او را همراهی میکردند مشاهده نمودم . در جای دیگر چهرهٔ یك دختری را تماشا کردم که باندازهٔ یك هشتصدم حصه یك دانه بوره بود وبوضاحت دیده می شد .

ازوی پرسیدم که «آیاچگونه این اشکال ذره بینی را در چنین یك کانسرت مکمل تمثیل می کنید ؟

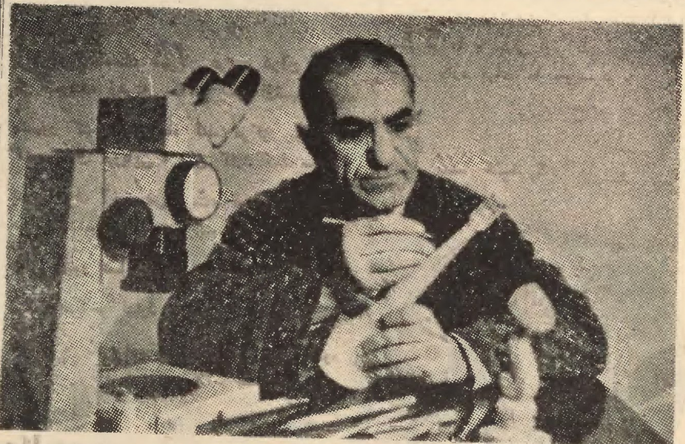
خنده کرد و گفت : «این یك رمز مخصوصی بخودش است» . بازهم اصرار ورزیدم تا بدانم درین طرح ریزی چه چیز دخیل است؟ تاجاییکه برایم مکشوف گردید ، حقیقت امر چنین بود که کزاریان بالای یك سطحیکه بفاصله بهست سانتی متری آن یك ذره بین قرار داشت یك موتور کوچك برقی را گذاشته بود ، وقتی موتور را سوچ میکرد یك ساحه مقناطیسی را بوجود می‌آورد که در اثرآن اشکال ذره بینی بحرکت می افتیدند .

کزاریان فطرتا یك استعداد فوق العاده دارد . وی یك ویلونست تعلیمیافته فنی است وشانزده ساله بود که نخستین وایلنش را ساخت واکنون این وایلن سازماهر در شهر یریوان ستراديواری شهرت بسزایی کسب کرده است .

در سال ۱۹۷۷ تصمیم گرفت که وایلن شش سیمه بزرگ نوع قدیمی ومتروك معروف به «ویولاپمپوسا» را که یکنفراستاد جرمنی بنام هافمن طراح آن بود دو باره بوجود آرد . اما نواختن این ویلن بزرگ خالی از اشکال نبود . بعدها این آله جزء محتویات موزیم قرار گرفت .

این استاد ماهر وقتی بجهان مکروتخنیك داخل می شود چهره‌اش را با نقاب گاز (ململ مخصوص) می پوشاند تا نگذاردنفس در کارش مداخله کند . این افسون گر چیز های بوجود آورده که بچشم دیده نمی شوند . در باره مجسمه انشتین نامبرده اظهار نمود: «میخواهم آنرا در سر یك تار موی انسان قرار دهم تادر سوراخ سوزن . این مجسمه قیافهٔ انشتین رادر حال تدریس نشان خواهد داد .»

(ترجمه صدیقی)



کزاریان هنگام کار هنری اش دیده می‌شود .

دنوربالی ویسا ژباړه

په‌تیاره کښې لیدنه

د پیړیو پیړیو را هیسې یو شمیر بوهان په دې هیله وه چه داسې یوه اله منځ ته راوړي چې په تیاره کښې تصویرو نه واخلي لکه چې یو الماني جنرال په دغه آرزو وه چې د یوه داسې ما شین خاوند شي څو په تیاره کښې ددښمن تصویرونه واخستلای شي او دهغه په اساس د جنګ نقشې جوړې کړي همدغه راز یو امریکائی ساینس پوه ددا سې یوه ما شین غو ښتنه کوی چه په تیا ره کښې تصو یرو نه واخستلای شي تر څو د هوائي او ځمکني اسرارو په کشف کښې کار ځيني واخلي .

دغه ډول مشابه هیلي او ارزو ګانې دبیلو بیلو علمي څانګو د پو هانو سره موجودي وې ساینس پو هانو پر ځینو تصویر اخستو نکی ماشینونو چې د کامرې په نامه یادیږي تحقیق او تجربې کړي دي . کامرې دجسامت له پلوه تو پیر لري ځینې لوی او ځینې ئې ډیري کو چنی وي ځینې داستعمال له نقطه نظره ډیر ساده مګر ځینې ئې نسبتاء پیچلي سا ختما نو نه لري ، خو هیڅ یوه کامره په تیاره کښې د تصویر اخیستلو قدرت نه لري دا ځکه چې کامرې په تیاره کښې د تصویر اخیستلو د پاره رو ښنائی ته اړتیا لري ، دغه ډول تصویر اخستل دفوټوګراف په نامه یاد یږي .

نهه سوه کاله پخوا دمخه یوعربي پوه الحازین دلومړي ځل له پاره دننني کامرې اساس تشریح کړ، پنځه سوه‌کاله دمخه یوه ایټالوی پوه‌ګیام‌باتیستاډیلاپورټولومړنی کامره پدې ډول اختراع کړه :

دای کوچنی سوری د بې د تړلي صندوق پریوه اړخ باندي د سي د تصویر سر چپه تصویر د صندوق په دننه کښې د ټې دتصویر په نامه جوړوي .

د نوموړي پوه تر اختراع وروسته د کامرې مختلف ډولونه جوړې شوی خو د هغه سره هیڅ یوه یې و نه شــوای کـړای چې په تاریکه کښې دی تصویر واخیستلای شي .

د اکس وړانګه یو ډول روښنائی ده چې په ستر ګونه لیدل کیږي مګر دانسان بدن ته دا خلیدای شي او هم د ډیرو نورو شیانو څخه تیر ید لای شي ، کله چې نو موړې وړانګه یوه ژوندی بدن ته دا خله شي هډو کی ذړه او د بدن نور غړي د هغوی دسیوری په شان ښکاره کوي . هغه وخت چې داکس وړانګه دکوم شي په لورچې غواړو تصویر ئې ترلاسه کړو واچول شي دنوموړي شي تصویر د سیوري په څیر پر هغه کاغذ چې مخ ته‌یې پروت دی لویږي اوبالاخره تصویر ئې جوړیږي . خو سره له هغه هم نوموړې تصویر روښانه نه‌وي اوځمکنی تعریف له مخې فوټوګراف تصـو یر و نه بـ ـ بلل کیږي . ساینس پو ها نو د تصویر ود جوړیدو په هکله د اکس پروړانګه خپل پرله پسې تجربو او تحقیقو ته دوام ورکړ سره له هغه هم بریالی نه شول تر څو په پوره تیاره کښې د نو موړې وړانګي په استعمال تصویر جوړ کړي داکس دوړانګي څخه د تصویر اخیستلو په لړ کې د ساینس پو هانو یو بل مشکل داو چې نوی باید په لیري او نژدې فا صلو کی تصویر و نه واخلي خود اکس وړانګه یوازې د نژدې شیانو تصویر و نه اخلي او په لیري فا صلو کښې د شیانو د تصویر اخیستلو قدرت نه لري . پدې برخه کښې دریډیشن په نامه انرژی د ساینس پوهانو د مخا مخ شوی مشکل د حل په لار کښې لازمه مر سته کوی .

ریډیشن هغه انرژی ده چې په سترګونه لیدل کیږي او د حرارت په شکل د شیانو څخه خارجیږي . نوموړې انرژی د ډیرپخوا وختو څخه تر مطا لعې لاندې و دا ثابته شوی ده چې دغه انرژی د فلزاتو ، ډبرو، یخې اوبې ، دانسان بدن او داسې نورو اجسامو څخه خارجیږي .

هغه کسانو چې غوښتل په تیاره کښې شیان ووینی پرذکرشوی‌انرژی باندی تحقیقات شروع کړل‌چې‌ا هغه‌جملې‌نه یودپوهنتون‌ساینس پوه ډوناللهاچ‌انهروزوو. نوموړې دنورو پوهانو په څیر پو هیدلی چې د ماشین په واسطه کولای شی هغه شیان چې په نسبتاء لیرې فاصله کښې واقع دی ووینی . دا ډول ماشینونه بر قی سا ختما نو نه لري که په‌تیاره کې استعمال شي هغه وړانګې چې د هغه مخ ته پروت جسم ته راځي ثبت اوساتي .

انهروز په خپل تجربوی لابراتوار کښې داسې ماشین چې ددغه ډول لیدنه‌ئې دبولو- میټر په نامه اختراع کړ . نو موړی ما شین په تیاره کی د شیانو څخه د خارج شوو- وړانګو په ذریعه د پنځو فټو څخه تر پنځلس میله واټن پورې د شیانو لیدل ممکن کړه . بولو میټر چې په‌تیاره کښې دلید لو لاسینس قدرت لري ټول شیان لکه موټر، اورګاډی، کور، خلك اونور په ډیر ساده ډول سره وینی . دبولومیټر انکشاف دهغو کسانودپاره چې په دې لټه کښې وه داسې کامرې کشف کړي څو وکولای شي په تورو اواوتیارو شپو کښې مطلوب شیان ووینی ډیر دامیدنه خالي نه وو خو دهغه سره سره بولومیټر هغه ډول کامره چې دوی یې په لټــه کښې وه نه وه .

دمځکنیو مطالعاتو دواقعیتونو په رڼا کښې دونو رو ساینس پوهانو دپاول اوربي اووالتړ- بیرډ په نامه په تیاره کښې ښدید په هکلـه دهغه‌څخه‌دانرژی دمنبع په‌حیث استفاده وکړه نوموړوخپل هدف ته ورسیدلو په غرض یولړ اوږدې پرله پسې تجربې اجرا کړې خو بالاخره بریالی شول چې د (۱۹۵۶) کا ل دفبرورې دمیاشتې په پنځلسمه نیټه ښاغلی بیرډ او دهغه مرستیال یوه نوی لاره غوره کړه چې دبرښنا او وړانګوپه نه موجودیت یعنی په یوه بشپړه تـاریکـه کښې انسان دنوه سوه یارډه اوکوردیوه میل په فاصله دفوتوګراف په شکل ووینی . دغه لاره دایوا- پوروګراف په‌نامه چې مخففیې (ای،وی،ای) دی یاده شوه .

(ای،وی،ای) داستعمال دنقطه‌نظره دکامرې سره زیات شباهت لري خو کوم څه چې دکامرې اوهغه ساختمان سره بیلوی په‌لاندې ډول دي :

۱ـ دکامرې څخه داستفادې په وخت کښې روښنایی ته اړتیا شته خو د (ای،وی،ای) داستعمال په وخت کښې د انفرارید ریډیشن انرژی څخه چې مخکښې تشریح شوه استفاده کیږي .

۲ـ (ای، وی، ای) په غوړه طبقه لرونکی سطحه تصویرونه تشکیلوی، خو د کامرې داستعمال په صورت کښې د غوړې طبقې د موجودیت ضرورت نه محسوسیږي لاندې شکل دایوپوروګراف یوه لمسونه ده .

نوموړې شکل ښیی چې (ای،وی،ای)څرنګه کولای شي یوموټر چې زیات سرعت لري بیاهم ځینې برخې یې کتونکی لیدلای شي. که شکل ته په غورو ګورو په لومړې درجه دموټر ټیرونه ، دماشین شاوخواوی اووروسته بیا ځینې نوری برخې معلومیږي د دې علت دادی چې دموټر ټیرونه دزیات سرعت په لرلو سره ډیر توديږي، ځکه نوپه شکل کی نظرونو روبرخوته روښان او ځلانده ښکاري .دموټر ټیرونه او نوری هغه برخې چې نسبتا روښانه ښکاري دسره نه پورته وړانګــې انفر ریډریز د (ای ، وی ، ای) په لور صادروی . بالاخره (ای، وی، ای) د نوموړووړانګو تر انعکاس وروسته مطلـوب تصویر جوړوی .

پورتنی شکل او مثال د (ای ، وی،ای) دکار اوتصویر داخیستلو په هکله به شاید تاسو ته څه معلومات حاصل شوی وی . اوس به د (ای،وی،ای) داصل ساختمان په باب هم څه ووغږیږو .

(ای،وی،ای) دیوه کوچنی صندوق په‌منځ کښې پروت دی پدی ډول کــه دصندوق اړخونه لیر ی کړو هغه به په واضح ډول ولیدلای‌شو. دسره نه‌پورته وړانګی‌انفر ریدریز دکوچنی ښیښی کړکی له لاری صندوق ته ننوزی، دځینو ظریفو اولطیفو ساختمانونو څخه تر تیریدلو وروسته دننه ته رسیږی او دهغه غوړې سطحې سره ټکر کوی کوم چې دنوموړې ساختمان په داخل کښې مو قعیت لري . ترتصادم نه وروسته که دوړانګوقوت اوسرعت زیات وی داخلی غوړه طبقه ډیرژر وچه اوتوډوی ، برعکس که دوړانګوقوت او سرعت لږوی دنوموړې غوړې طبقې دوچیدواو

پاتی په۵۷مخ کی



سرگرمی ها و مسابقات

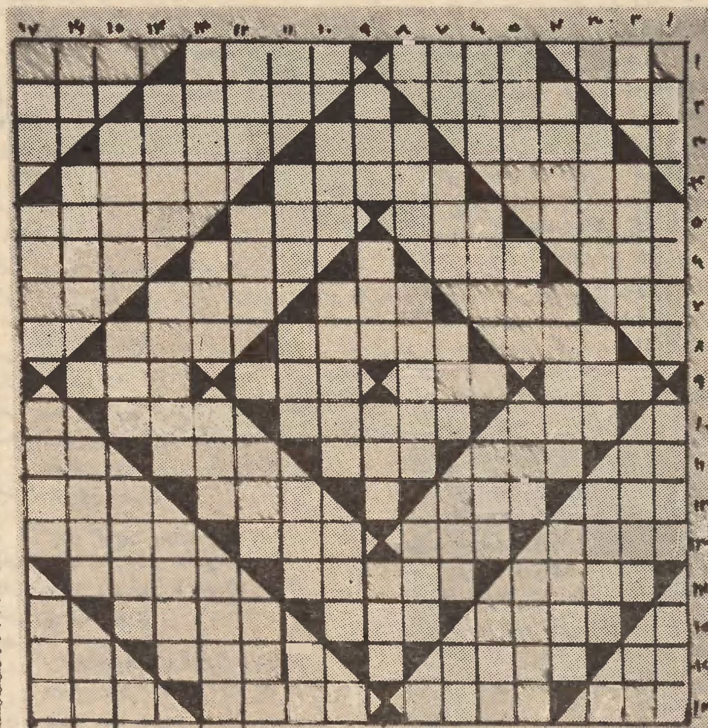
جدول کلمات متقاطع

افقی :

۱ـ پایتخت کشور عربی، زیبائی، آرامی، قرص ـ۲ـ خانوادهٔ عربی، نجات است، باآن ازدردنجات میابند ، سمبول کم وزنی ـ۳ـ نیشه نیست، ردیف ستد، ناچار ـ٤ـ یار و مددگـــار ، رهبر پرولتاریای جهان، تجارت می کند ـ٥ـ گنهکار، تکراریك حرف، اگر منظم شود روشنی پشتو است، بدر نیست ـ ٦ـ در کشتارگاه پادشاهان پیشین بجوئید، امروز دیگر رسوخ ندارد ، مــرغی است شوم، ازآن طرف گله میشود ـ۷ـ اورا سر چپه کنیدقبول دارم (پشتو)، نوعی ازحبوبات، قربان، چیز ـ۸ـ نوعی از نوشابه ها، عاجز کردن، جای پنهان ـ۹ـ نوعی از موزیك مدرن است، به تن مرده گویند، بیك نقطه قیل میشود، شتر پشتو ـ۱۰ـ محبس خارجـی، سرافگنده، به انسان میگویند ـ۱۱ـ از آن طرف کم است، هرکس دارد، تکرار یـك حرف، تکراریك حرف، تکـراریك حرف ـ ۱۲ـ ازآن طرف آسمان عربی، زنبور دارد، بداست، مرتکب آن مجرم است ـ۱۳ـ عالمی که در باره سیارات نظـریات خوبی دارد ، دراشعاربایروانه یکجا است، بلد، درستکار ـ ۱٤ـ سرگروپ خارجی، خود سینما، بـدون یك حرف نوعی فلزاست ـ۱٥ـ از شیرساخته میشود، دنیا را گویند ، سبزی پشتو ـ۱٦ـ ماده نیست، با اضافه کردن حرفی آخر هر کار است، بدون حرف اول یکی ازولسوالی های کشورما، کج بحثی کردن ـ۱۷ـ صاحب آن مریض است، آنجای پشتو، ازآن میشود هم سنیووهم سونی ساخت، صبح صادق عربی.

عمودی :

۱ـ دندان فیل، نصف نام یکی از مکاتب نسوان کابل، نام دو ستاره است، بت ـ۲ـ قلب است، تکراریك حرف ، نوعی ازپوشاکه ها، تکرار یك حرف ـ۳ـ آلهٔ حربی که در سابق معمول بـود، جای دکمه ، درست ـ ٤ـ سابق به پادشاه می گفتند، مکتبی بنام آن داریم ، ازآن طرف کمیاب است ـ٥ـ ازنزدیکی حاصل می شود ، ضد گرم، دامن پشتو، صف ـ٦ـ قربان پشتو، قدم، مرد ها دارند، تیل است ـ۷ـ خودم، باآفتابه‌می‌آید، نام، درعربی‌آفتاب‌راگویند. نوعی ازطیاره ها ـ ۸ـ درآن غذا می پزند، سرش را قطع سازید تامنسوب به عدن گردد، سال دو بار می آید ـ ۹ـ عضوی از اعضـــای بدن ، پادشاهـــان میداشتند، نوعی از جلای مو است، جـوی است ـ۱۰ـ قرض ، مذهبی است دراسلام، یکی از سه اسمی که فلم آن مشهوراست ـ ۱۱ـ قبول نکردن، صاف وپاك وخالص، بـم نیست، پت، درباسکتبال فول است ـ۱۲ـ از آنطرف لافاست، مهربان عربی، درآن لباس می شویند، زهردار ـ۱۳ـ یکی ازشهر های مشهور کشور عزیزما، ثنا، مرکز یکی از کشور های اروپایی ، مثل کارد است ـ۱٤ـ بدون حرف آخرمرض است، خودارادت است، صبر کننده ـ۱٥ـ دریایی است در عراق ، برای زنبور عسل درکار است ، راه کلان ـ ۱٦ـ آخرآخر ندارد ، یکی از خوانندگـان ایرانی ، یکی از کشورهای عربی، با علاوه کردن حرفی فلج میشودـ۱۷ـ سمت پراگنده ازآن طرف بیرل میشود ، عاشق عذرا، صبح صادق عربی .

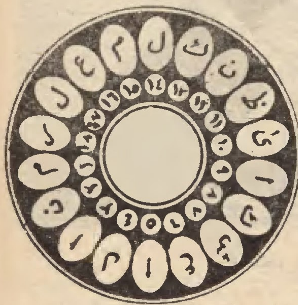


این شاعر کیست ؟



این پرتریت از بزرگترین شـــاعران دری زبان است که در تمام شرق شهرت دارد اگربااشعاراین شاعر بزرگ آشنائی دارید و یاز روی پورتریت اسم او را پیدا نما یید اسم او را با یکی از آثار او که شهـرت جهانی دارد برای ما بنویسید .

پیدا کنید ؟



درین کلیشه دوایر کوچك دارای اعداد وبیضوی ها دارای حروف الفبا میباشند حالا بترتیب عقربه ساعت طـوری حرکـت نمایید کـه بعد ازبیست وچهار ساعت یـك ضرب المثل دری را پیدا نمایید وهم‌فراموش نکنید که جمع اعداد را نیزبه آ ن ضمیمه سازید .

مربوط به کدام قرن ؟



برای اینکه از تاریخچه ریکشای اطفال بدانید مایك عکس ازین ریکشا های اولیه را چاپ نمودیم که بعد ازآن ریکشا ها روز بروز متکامل گردیده تا اینکه امروز بمدرن ترین طریقه ساخته میشود فقط برای مـــا بنویسید این ریکشا مربوط کـــدام قـر ن است ؟

این ستاره کیست ؟



این ستاره سینمای غرب یکی ازمشهورترین ستارگان میباشد پدرش هنری فوندا است اودر فلم قفس عشق باآلن دولن یکجا کار نموده است ما تنها اسم اورا ازشمامیخواهیم که بااسم خودویك قطعه فوتوی خویش ارسال دارید .

این خواننده کیست ؟

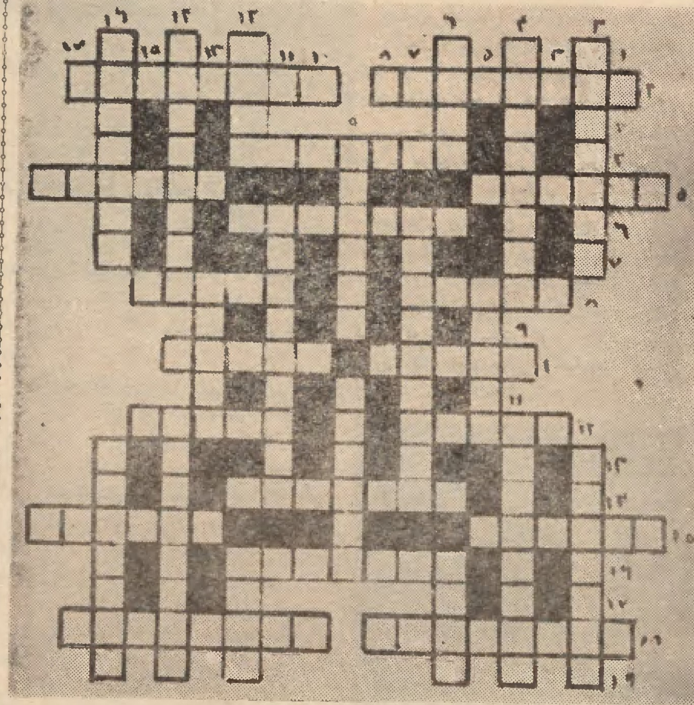


اویکی از خوانندگان پرآوازه ایست که شاید صدایش را از رادیو وتلویزیون کشور ماشنیده باشید . خوب اگر با چهره او آشنایی داشته باشید اولا اسم اورا ثانیا کشورش راوثالثا بنویسیدکه او برای اجرای کنسرت بکشور ما چه وقت آمــده بود . جواب را بایك قطعه فوتوی خویش بـرای ما ارسال دارید .

جدول کلمات متقاطع

افقی :

۱ـ۲ـ نام قدیمی تخار، پیلوتی راگویند،۳ـ۴ مبارزه ـ۵ـ اسم مؤنث، وکیل مشرانو جرگه رامی گفتند ـ۶ـ بایك حرف اضافی نام دریایی است در جنــو ب کشور ـ۷ـ۸ـ همچشمی. سخن چینی ـ۹ـ۱۰ـ «رفیق درد»در پښتو، بخش (انگلیسی) ـ۱۱ـ۱۲ـ ازکوه های مشهور کشور، رفیق ـ۱۳ـ۱۴ ازجواهرقیمت بها ـ۱۵ـ واحد انرژی، گــپ زدن ـ ۱۶ـ کتاب مشهور مارکس ـ۱۷ـ۱۸ـ منسوب به نورستان ، تبعیض نژادی .



مرتب جدول : محمد ادهم «شمس اوغلی»

عمودی :

۱ـ۲ـ۳ـ از سلسلهٔ شاهان ایران، یکی از فلاسفه یونان قدیم ـ۴ـ۵ـ مجله یی است که ازطرف وزارت اطلاعات وکلتور به نشرمی رسد ، یکــی از مکتب هــای سیاسی ـ۵ـ جمع هرم ـ۶ـ توقف درزبان بیگــانه،همنشین به از ... مخواه ـ۷ـ بهره گیراند ـ۸ـ۹ـ یکی از براعظم ها، یکی ازکشورهای امــریکــای لاتیــن ـ۱۰ـ۱۱ـ کتابیست از ماکسیم گورکی ـ۱۲ـ در کابل باغیست به نامش مشهور ، خاطر ـ۱۳ـ خوی و عادت ـ ۱۴ـ بشردوستی، ماشین خاك بـــالاکـــن ـ۱۵ـ۱۶ـ کشور های که درداخل آزاتو در خارج تابع، یك مرکزباشد، ازبازی هــای بیــن المللــی اســت کــه در مسکو دایــر گــردید

این خانم کیست ؟



شاید قبل از اینکه به عکس خوب متوجه شوید تعجب کنید کــه زشت‌ترین زنان جهان است اما اینطور نبوده بلکه از زیبا ترین ستارگان‌سینمای‌غرب بشمارمیرود . اگر توانستید این ستاره زیبای سینمای جهان را بشناسید اسم او را برای ما نیز ارسال دارید

این دخترك کیست ؟



این دخترك زیبا یکی از مشهور تریــن جمنا ستیك باز است او در بازی های المپیای ۱۹۸۰ برندهٔ مدال طلائی گردیده است برای ما بنویسید که اسم این دختر چیســت واز کدام کشور جهان میباشد .

آیا میشناسید ؟

به این چهره خوب دقت نمایید اوویارانش سبب کشت وخون وبی‌خانمان ساختن ملیون ها انسان گشته اند ولی تاریخ اسم شانرا به خط سیاه وبدگنجانیده است شما بـرای ما اسم اورا، کشورش را، واینکه ســبـب کدام جنگها گردیده بنویسید .



کدام فلم ؟

این فلم مدتها قبل تهیه شده است کسانی که از نیویورك دیدن نموده اند این هیولای بزرگ رابر در تعمیر (۱۱۰) طبقهٔ میدیدند که درسال ۱۹۷٦ تهیه شده است باشندگان این شهر فراموش نخواهند کرد که صحنه های مهیج این فلم بـالای طبقه هـای این آسمان خراش تهیه میشد، تنها برای اینکه اسم این فلم را زود فهمیده باشید، یکی از صحنه های آنرا نیز چاپ نمودیم شما تنها اسم این فلم را برای ما بنویسید .





تنظیم وترجمه از : حسام الدین برومند

سیاست صلح دوستانه ملل مترقی

بر مبنای سیاست صلحد وستانهٔ کشور های مترقی است که یك فضای دموکراتیك وصلح مداوم وپایدار برقرار شده است . در تحکیم صلح پایدار پرنسیپ های اساسی وعلمی (انترناسیونالیزم پرولتری واجتماعی) که توسط رهبر کارگران جهان بنیانگذاری شده، نقش فعالانه دارد چه با صلح است که آرمان های مطلوب بشریت مترقی تحقق می یابد .

پرنسیپ های متذکره چه در عرصهٔ سیاست بین المللی وچه در ساحهٔ مناسبات دوستی ، برادری وکار دستجمعی ملل ، توانست نقش بسزایی داشته باشد وبه تاسی از همین پرنسیپ ها بود که در تمامی ساحه ها مناسبات متقابلهٔ نیك وکاربرد های همه‌جانبه علمی میان ملل مترقی ایجاد گردید . پرنسیپ های انترناسیونالیزم پرولتری در تحقق بخشیدن مفکورهٔ همبستگی پرولتری مو ثریتش را بجا گذاشت و در واقع اتحاد شوروی را منحیث کشور معظم سوسیالیستی با سایر کشور هاییکه بخاطر آزادی اجتماعی وملی مبارزه میکنند، همین مفکورهٔ همبستگی پرولتری پیوند زد . معذالك سیاست خارجی اتحاد شوروی که بر اساس پرنسیپ های متذکره بنایافته، تحکیم بخشندهٔ صلح و تامین کننده حیات مردم اعم از ساحه های اجتماعی واقتصادی میباشد وبه اساس همین اصل عمده، سیاست خارجی اتحاد شوروی نیز بترتیبی است که کار دموکراتیك و دستجمعی را میان جوامع وکشور ها روز تا روز وسعت وگسترش میبخشد . نبایدفراموش کرد که فورمول بندی سیاست خارجی اتحاد شوروی روی اصل (زندگی کنار هم درفضای مالامال ازصلح) تنظیم یافته است پرنسیپ ها ومیتود های جدید در عرصهٔ سیاست بین المللی وبا وصف تضاد های حاد ایدیولوژیکی که میان نیرو های صلح‌دوست ونیرو های جنگ طلب در گوشه وکنار جهان وجود داشت ، ملل مترقی را چنان با هم در آمیزد که یکپارچه و متحد بر علیه امپریالیزم متجاوز وجهانخوار برزمند و ماهیت ضد انسانی شانرا روز تا روز فاش سازند . ازطرفی هم کشو ر های تحت استعمار که در شرایط نا مساعد واختناق‌آور کلونیالیزم دست وپا میزدند و از طرف‌دیگر دولت های مهاجم فاشیستی با حیل و نیرنگ های مزورانه در تلاش دامن زدن آتش جنگ بودند .

اتحاد شوروی منحیث اولین کشورپیشقدم درراه ایجاد چنان سیستم مطمئن گام گذاشت که بشریت در بند رادر برابر حوادث آبدیده ساخت . جنگ علیه فاشیزم وباند های نظامی کشور های کاپیتالیستی، جنگ علیه بلاك های مهاجم فاشیستی هر چند در وهله اول منجر بدان گردید تا اتحاد شوروی بیست میلیون تلفات بدهداماعلی‌الرغم تلفات توانست پیروز- از نبرد با فاشیزم بدر آید در اثر همین مساعی بشر دوستانهٔ اتحاد شوروی یکتعداد دیگر از کشور های اروپایی ، بعدتر آسیا وامریکای لاتین درراه ساختمان نوین اجتماعی گام زدند، تیپ جدید سیاست بین المللی راکه مسلما در آنجا دیگر شکست امپریالیزم وفاشیزم حتمی بود ، عیار ساختند . اتحاد- شوروی منحیث نیروی رهبری کننده جوامع سوسیالیستی ، مناسبات دوستی میان ملل ایجاد ودر اثر کمك های متقابله کشور های سوسیالیستی با همدیگر بودکه کاردستجمعی وسهم فعال در برنامه های اقتصادی روزبروز ازدیاد یافته و مناسبات زیاد دوستانه میان ملل مترقی قایم گردید .

قرارداد (وارسا) که در اساس کشورهای سوسیالیستی را وحدت و یگانگی بخشید ، کنون منحیث یك فکتور عمده برای تامین صلح در کانون بشریت محسوب میگردد و انترناسیونالیزم اجتماعی بمثابهٔ عامل بزرگی برای صلح وترقی اجتماعی توانست بشریت مترقی را در مسیر جدید که مسیر شگوفانی وترقی وپیشرفت اجتماعی است قرار بدهد و باتلاش های ثمر بخش اتحاد شوروی بود که بسیاری از کشور های مختلف آسیا، افریقا وامریکای لاتین دررهایی خویش از چنگال کلونیالیزم به موفقیت های چشمگیر نایل ودر نبرد با امپریالیزم از حمایت کشور مدافع صلح در جهان مستفید گردند . در سال های ۵۰ و۶۰ بود که الجزایر علیه کلونیالیزم به پا خاست و متعاقب آن اندونیزیا خواست از سلطهٔ کلونیالیست ها سرباز زنند ودر محو و نابودی بقایای کلونیالیزم، اتحادشوروی بدون شك تاآخرین لحظات کوشید . بهمین منوال پیروزی خلق قهرمان ویتنام در سال ۱۹۷۰، جنبش های آزادیبخش در انگولا، انقلابات در ایتوپی و در فغانستان همه وهمه از حمایت وپشتیبانی بیدریغانه شوروی برخوردار بوده و کمك های بشر دوستانه را از آنکشور دریافت داشته اند . مبرهن است که در نبرد برای استقلال وآزادی کامل شصت سال تمام اتحاد شوروی در کنار افغانستان قرارداشت واین دوستی به اساس مناسبات همسایگی نیك میان کشور های شوروی وافغانستان و حسن همجواری پیوسته مستحکم و استوار بوده است واین مفکوره رهبر کارگران جهان بود که آرزو کرده بود تا دست کمك اتحاد شوروی بسوی همه همسایگانش (پولیند، فندلند ، ایران، ترکیه وافغانستان) باید در مواقع لازم درازگردد. پس ازپیروزی انقلاب ۱۹۷۸ در افغانستان و سیاست صلحدوستانه و دوستی میان خلق های شوروی وافغانستان با قرار داد منعقدهٔ پنجم دسمبر۱۹۷۸ در مورد دوستی، همسایگی نیك وکاردستجمعی این روابط رنگ تازه یی بخود گرفت که بدین اساس کمك های همه جانبه بشمول کمك های نظامی درحمایت ازاستقلال وحاکمیت ملی افغانستان زیاد با ارزش تلقی گردید .

همچنانیکه اتحاد شوروی در دههٔ اخیر با خلق هند در اگست ۱۹۷۱، با عراق در اپریل ۱۹۷۲ با جمهوریت خلق انگولا در اکتوبر ۱۹۷۶ ، با جمهوریت خلق موزمبیق در مارچ ۱۹۷۷ ، با کشور سوسیا لیستی ایتوپی در نومبر ۱۹۷۸ در دسمبر ۱۹۷۸ با افغانستان با جمهوریت خلق یمن در اکتوبر ۱۹۷۹ قرار داد هایی درمورد صلح، دوستی و کار مشترك ودستجمعی امضاء نموده است که موید دوستی بی شائبه آنکشور با ملل مترقی است .

بعلاوه قرار داد منعقدهٔ ۱۹٦۸ در مورد منع تدارك اسلحه های هستوی گام دیگری بوده برای گسترش صلح واطمینان آسایش به جهانیان . منع پایگاه های اسلحه های ذروی که در کو نو نسیون ۱۱ فبروری (۱۹۷۱) در مورد منع توسعه واستحصال و انبار اسلحه ها ییکه آرامش بشر را بهم بزند ، نیات صلحدوستانهٔ اتحاد شوروی و سایر ملل مترقی را بر ملا میسازد . تصمیم (ناتو) در دسمبر سال قبل مبنی بر تولید اسلحه های راکت هستوی اعمار پایگاه های اروپایی در غرب اروپا که همه بمنزله آغاز یکدور جدید مسابقات تسلیحاتی میتوانست بشمار آید ، بوسیله نیرو های آگاه فاش و توسط بشریت مترقی همچو پلان ها سد گردید، بیقین راه بشریت مترقی ، راه صلح وترقی اجتماعی و سعادت کتلهٔ بشریت است . این راه راه روشن است وتلاش های آشوب گرانه ارتجاعیون و امپریالیست ها ابداً نمیتواند سدی در کار شگوفانی و عمران جوامع مترقی ایجاد کند . بر خلاف خود آنان خجل و سر افگنده میشوند و بس

نقش پرندگان درزیبایی هرچه بیشتر طبیعت



کودکی از دیدن تلفات پرندگان ناراحت‌شده است .

بموجب تازه ترین گزارش ها دو سوم حصهٔ تمام پرندگان خوش الحان در آلمان فدرال از میان رفته اند و یك حصهٔ باقیمانده نیز خود شانرا در جا های نسبتاً امن مخفی داشته اند . یکی از طیور شناسان متذکر گردید که از مرغ سار و سایر مرغ هاییکه در فصل بهار با سرود ونوا های خویش به شاخسار ها وباغ ها حالت خاص‌می‌بخشیدند دیگر از آن پرندگان اثری نیست .قرار یك راپور نزده نوع پرنده از جمله ۲۴۲ نوع بکلی در دههٔ اخیر درآلمان نابود گردیده اند وروزانه اطفالیکه به بازی می پردازند شاهد ده ها نوع پرنده بشمول مرغ سار ، فلنیك ، مرغ چکاوك یا کا کلی میباشندکه از هر سو به زمین می غلتند و میمیرند واین بخاطر آنست که آشیانهٔ پرندگان دو-

پاشی شده و همچنان در روی مزارع ونباتات دوا های محافظت نباتات پاشیده میشود بدون توجه به این نکته اگر از یکسو قسمانباتات را از شر پرندگان محفوظ میدارند ازجانبی باعث نابودی نسل انواع پرندگان گردیده وازمنتهای سنگدلی کار گرفته‌اند.

از طرفی خاکروبه های زهر آگین نیز در مدت کوتاهی پرندگا نرا ضعیف میسازد. در سا لیکه گذشت نو تراژیدی غم انگیز برای پرنـدگـان بود بترتیبی کـه یکی از طیور شناسان غرب درسال ۱۹۶۶ پیشگویی کرده بود که ترس از (بهار بدون سرود پرندگان) در آلمان دارد و اینك چیــزی نمانده که این مطلب واقعیت پیدا کند . از جملهٔ پر ند گان تلف شده که نسل آن ها قسماً در آلمان از بین رفته ، از پرندگـان خوش الحان چون انواع بیشمار : گـردن آبی ها، هایدل هریش، پرستو های ساحلی، آوزا خوانان باد بانی نامبرد . در انستیتوت طیور شناسی (ماکس پلانگ) در موردساخت فزیکی حیوانات کنون کار میشود تا مگر بتواند به اسرع وقت جلو تلفات را در سایر نقاط کشور های غرب بگیرنــد ، تنها در ایتـا لیـا در سال های اخیر (۲۵۰)میلیون پرنده از بین رفته متاسفانه مقدار تلفات پرند گان زیاد است چه به عنوان شکار ویا هم به عنوان محو پرند گان بخاطر زیبـا ئی ها یشان آشکارا و پنهان از بین میروند . بعضاً حوض های آب برای پرند گان که با کمر بند های نای احاطه شده وجود داشت که کنون بشکل خـاکـروبه و کثافات دانی و باطلاق درآمده اند. پس بعضاً در کشورهای غربی انسان باعث صدمهٔ طبیعت نیز میگردند

و طبیعت را صد مه میزنند . صرفنظر ازاینکه پرند گان طبیعت را زیبا میسازند در صنعت دارو سازی نیز از مواد متعدد وجود پرندگان در موارد بخصوص و لازم ، استفاده مینمایند

روی همین ملحوظ تنها تخم یك عقاب بحری (۵۰۰) مارك قیمت‌دارد. طـوریکه‌گفته آمدیم پرند گان به ذرایع مختلف چه از طر یــق دوا پاشی ویا هم ویران کردن آشیا نه ها و مخلوط کردن مواد سمی به خوراك آن ها. از میان میروند که نه تنها بحال این موجودات بلکه بحال زیبایی طبیعت نیز باید دلسوختاند چه هر گاه پرند گان را از میان می بریم مثل اینست که زیبایی طبیعت را گرفتــه باشیم .



چند نوع پرنده که نسل شان در آلمان با بیتفاوتی از میان رفته .

تازه ترین گزارشات در مورد انسان های عصر یخ

کاوش و بر رسی در شنا خت انسان های اعصار قدیمه مسئلهٔ ایست که همواره مورد نظر محققین و پژو هشگران بوده . روی‌همین انگیزه و همین کاوش ها بود که برای‌اولین بار کو هنوردان سلسلهٔ الپن در پایان سال (۱۹۵۰) در همالیا با پل های پانقش یا فته روی برف ها بر خوردند و با تحقیق دریافتند که مشابه پل ها وچاپ های پادزمیر ، یا ــ کو تین و سایر نقاط قله یی که رسیدن بدانقسمت ها، کاریست بس مشکل ، نیز روی برف ها نقش بسته است . بهمینسان بشر در همالیا ، در منگولیا دریاکـوتیـن در قسمت های شما لی سلسله جبا ل قفقاز در کا نادا و امریکا در نقا طی به اسمای‌بتی، الماس ، جو شو ف، کا پتر، زا گـو اخو بنگو ف پل‌های پا دیده‌شده ، پل های پا که نظر به تحقیقات گسترده به پل های‌پای انسان های عصر یخ شباهت درد که فقط در شرایط‌یخبندان‌توانا یی زیستن‌دارنداما جالب تر و تازه تر اینکه یکد کتور نظا می موسوم به (وی. کار پتیان) که‌سر طبیب‌خدمات دا رو یی است .

یکــی از چشم دید هایش راچنــین گزارش مینماید : به اساس ایجاب وظیفه در زمستان سال ۱۹۴۱ خودم را در دهکدهٔ داغستان (واقع درشمال قفقاز) یافتم، حینیکه میخواستم پس از انجـام مسا موریت بر ــ گردم با دو مو جودی بر خوردم که نظر به شواهد با انسان های نادندر تال شبا هت فراوان داشت . یك مو جود عجیب که طول قدش یك متر وهشتاد سانتی متر محاسبــه گردید.وجود بدون لباس‌وعورتش پوشیده از



(ایگور بورسیف) محقق شوروی پل پای حك شده روی گچ مر بوط انسان عصر یخ‌را با پای خود مقا یسه نموده ودر می یابد که چقدر بزر گست .

مو های تاریك رنگ انبوه بود، قیافه اش کوتاه بود از دور چنین بنظر میخورد که گویی پوست گو ساله یی را پو شیده باشد مو جود مذکور که دستان و پا هایی کا ملا مثل انسا ن ها داشت ،راست و درست ایستاده بود ورق رق اطرا فش را نظاره داشت . مذکور در گوشهٔ ایستاده و بهت زده اطراف رادرــ انداز میکرد . من با تعجب در یافتم که علی‌ــ الرغم برودت و سردی هوا و یخبندان آنجا، آن مو جود انسان گون معلوم بود که از فرط گرمی و جودش عرق از سر و صو رتش جاری بود .

بمحض تلاقی نگا هایمان مذکور بــــه اسرع وقت از نظر محو ودر میان انبوه‌درختان ناپدید گردید در هر حـال وضع ظـاهری آن حیوان همه را به تعجب وا داشت . عقا ید برینست که از نسل انسان های عصر یـخ هستند . بقایایی آن جسته و گر یخته به صورت انگشت شمار در روی زمین ، که‌البته تکامل و رشد نکرده و بحال اولی خود باقی مانده اند .ازنیرو اکادمی علوم اتحاد شوروی کمیسیونی بمنظور تحقیق در بارهٔ انسان های عصر یخ تعیین و گـروپ هایی در قلل مر تفع و کوه ها و نقاط پو شیده از یخ گسیل گردید تا تا باشد که در مورد معلو-مات های ارزشمند کسب گردد . به استناد و شواهد و مدارك مکشبه و نظربه مطالعاتی که روی هزاران اسکلیت که از طبقا ت‌زمین بدست آمده و هر یك ازین اسکلیت ها حتی ملیون ها سال کهنگی دارد یك قسمت اعظم معلومات های علمی برای شناخت انسان ما قبل التاریخ ، انسان ها ییکه در اعصار یخ، سنگ و فلز میزیسته اند ، برای بشر روشن شده . اما هر قدر کاوش بیشتــــر صورت بگیرد ، ابزار و سامان آلات تازه‌یی بدست بیاید مطمئنا امروز را در مـــو رد انسان های بدوی آگاهتر میسازد . اکنون کاو شگران در صدد آنند تا در مورد انسان هاییکه هنوز به آتش غلبه حا صل نکرده بودند و مسئلهٔ لباس برایشان بیگانه بود ،

چیز هایی بفهمند . گر چه از نگاه (انترو پو لوگ) ها عقاید متعددی در زمینه انسان های بدوی وجود دارد و حتی عدهٔ از موجـودیت انسان ها ییکه امروز از مو جو دیت آن ها نا مبرده میشود ، منکر اند . اما علم هموره به پیش گام میزند . به کمك علوم مشبه متخصص با ستا نشنا سی هر روز مدارك تازه، اسکلیت های تازه از زمین بدست می آورد. اینك فلمی را که در سال (۱۹۷۶) توسط دو تن از علمای امریکایی بنام (رو گرپاتر-سون) و(روبرت گیملین) تهیه دیده اند به وضا حت تصویری از زندگی و مردمان انسان های عصر یخ به انسان کنجکاوامروز میدهد و ذهنش را در مورد زندگی تاریك انسان های اعصار ابتدایی آگاه میسازد . این فلم بیقین باکمال مهارت تهیه وهیچ‌یــك از متخصصین فلم، اورتوپید ها، انجنیر هـا ، مجسمه ــ سازان ، بیو میخا نیك ها از هیچ جهت نقصان و نادرستی یی در کــار این فلم نتوانستند پیدا کند . بعلاوه این فلم معلو مات ها ی تازه در خود نهفته دارد که میشود بدان بك هزینهٔ گرانبها گفت . این فلم در مورد ساــ ختما ن فزیکی انسان های عصر یخ وتمامی مشخصات زندگی و شرایط زیست مرد مان عصر یخ معلومات هایی رادر خود دارد که بس جالب وارزنده‌است و علما ودانشمندان سر شناس چـــوف (آ.زاندرز)از اضـــلاع متحدهٔ امریکا ، (بی ایفل سانز) از فرانسه (از . او برو کشف) و (بی. پورشنیف) از اتحاد شوروی از کسانی اند که محتوا ی فلم را ستوده و کاوشگرانه در صدد اند تا مجمو اسکلیت ها و مجمو حیوانات را اگر بتوانند با چشم سر ببینند .

فعالیت اکادمی علوم در اتحاد شوروی‌بدون شك دونست نیز در زمینه مفید واقع گردد و مطا لب بکر وتازه بو سیله کما شتگان این اکادمی بدست انسان های عصــر یـخ و شنا خت کا مل آن ها از جملهٔ مطا لب داغیست که بوسیلهٔ این اکادمی کار تحقیق آن آغاز یا فته است . اکنون متخصصین مسلکی در صدد اند انسان های انگشت‌شماری

بقیه در صفحه ۵۷



آنانیکه میمون های عصر یــخ رابدیــن تازگی ها دیده اند چنین تصویری از آن در دست دارند .

بقیه صفحه ۱۵

طنین آزادی در ادبیات جهان

به اعمال تخریبی، جنون آمیز و هستریک دست می زنند و می خواهند با طرح خاینانه دولت های بر باد گشته غاصبان را اعاده نمایند و میهن ما را دو باره در اسارت های گونه گون بکشانند، نباید به خرابکاران دیگر این اجازه را داد که بیش ازین در نقاب هایی انقلابی، توده را فریب دهند و زندگی و مال و ناموس آنها را تهدید نمایند و با این اعمال غارتگرانه بار دیگر سیادت طبقه‌ی سیاه کاران را در میهن ما بر گردانند و همچنان بر ضد آزادی ما توطئه نمایند. باید از آزادی با آگاهی و شهامت انقلابی دفاع کرد. باری آزادی همیشه واژه ای مقدس بوده، در همه‌ی سرزمین ها و قلمرو ها و بسیاری از ملت ها درین راه پیکار های خونین کرده اند به پیشواز مرگ رفته اند. اسارت را هرگز نپذیرفته اند واژه‌ی آزادی در همه‌ی فرهنگ ها درخشندگی دارد. ارجمند و عزیز است. گروهی از جانبازان پیشگامان جامعه در این راه خون های خود را ریخته اند، جاده و کوه و جنگل را رنگین کرده اند. گرچه آن هایی که با بی مسوولیتی قلم می زنند و در خدمت سرمایه و انحصارات اند، سنگواره ای می اندیشند همیشه واقعیت را وارونه می نمایند. و تاراج گران را قهرمانان و کشور گشایان می نامند. اما قهرمانان راستین سپاهیان گمنام اند، توده ها اند که قهر شان بر حق است و افتخاری راستین را سزاوار اند. همیشه شکوهمند ترین حماسه را مردم می سرایند، اسطوره پدید می آورند و کارنامه می‌آفرینند به گفته‌ای از نویسنده ی بزرگ ماکسیم گورگی «فرد در طول تاریخ نتوانسته است چیزی بیافریند» نیروی «جمع» است که توانایی آفریدن و سازندگی دارد اما در فرهنگ ارتجاعی بورژوایی که بر بنیادی از [illegible] های فردی استوار و ایدیولوژی آلیسم نب [illegible] اشاعه میدهد بر توانایی فرد اصرار ورزیده می شود. کیش شخصیت پرستی و آیین فرد گرایی اشاعه می یابد و این عمل به گونه ای آگاهانه انجام می [illegible] خواهی می خواهند بزعوام. آنها هایی که کار می کنند، زحمت می کشند [illegible] حکم فرمایی کنند. از ین رو در تلاش اند که به دور خود هاله ای از تقدسی، بزرگی و استثناء بکشند چنین وانمود نمایند که آنها سرشتی دیگر دارند از ازل آقا، و سرور و سالار آفریده شده و حق حکم روایی در روی زمین دارند با این پندار تب آلوده. ارتجاعی و [illegible] می خواهند، همیشه از توده ها فاصله و فرق داشته باشند. خود آرایی و خود ستایی نمایند. لباس هایی متفاوت از توده ها بپوشند، در خانه های بزرگ و تزئین یافته زندگی نمایند. اطوار و رفتار خود را طوری تنظیم نمایند که با دیگران یعنی با زحمتکشان فرق فراوان داشته باشد بازبانی که دور از فهم عوام باشد گفت و گو نمایند.

اشراف و اعیان کاری تولیدی و سازنده ندارند، مصرف کنندگان اند و همیشه به اصالت های احمقانه خانوادگی اندیشیده اند و این خود نگری ها باعث شده است که ادبیات و هنر خواص نیز ادبیات و هنری ضد مردمی باشد، دارای ویژگی ها و خصوصیاتی که فقط به درد تن آسایان بخورد. فرهنگ خواص، فرهنگی متوقف، تز یینی و فردی است. ناامیدی و زبونی را اشاعه می‌دهد. جوهر همه‌ی حماسه های جهان را پرخاش ها. قیام ها و رستاخیز های انسان می سازد. بدون کار خلاقانه و پیکار شگفت انسان نمی توان مفهومی برای حماسه یافت. شاعران و نویسندگانی که درین سنگر ایستاده اند در دل و [illegible] [illegible] همیشه زنده بوده اند تاریخ نشان داده است که که ابن الوقت ها، آنهایی که نان را به نرخ روز خورده اند در خدمت دربار یان در آمده اند. همیشه از طرف مردم نفی‌شده اند. بلند ترین شعرها آن است و کتاب ها آن که در ستایش انسان سروده و نوشته شده باشند. همه چیز در انسان است. انسانی که پیکار می کند. کار می نماید واز آیین داد وراستی دفاع می نماید و همه چیز با انسان است. همه‌ی آثار و نوشته هایی که غیر ازین دیدگاه پدید آمده اند فاقد ارزش اند واز همان روزهایی پیدایی به نیستی و مرگ محکوم گشته اند. باری آواز ملت هارا نمی توان خفه کرد. وسرود آزادی خواهی وپرخاش را نادیده نگذاشت

در گذشته از طرف پاسداران تاریکی و ارتجاع کوشش های بی پایانی انجام یافته است که ملت ها هم در اسارت باشند، فریاد های شان زندانی باشد و قدرت‌پرواز نداشته باشند اما نمی توان معنویت آدم ها را در اسارت نگاهداشت. واژه های آواز، پرواز، وآزادی همیشه برای انسان عمیق بوده و دوست داشتنی انسان در هر گوشه ای از جهان که زیسته به آزادی و پروازهایی اندیشیده است با آغاز قرن بیستم حماسه ی دیگر انسان آغاز یافته است ملت ها آواز خود را رسا تر بلند کرده اند و بر ضد نهاد های ارتجاعی استعماری، امپریالیستی رزمیده اند. و عملاً نشان داده اند که انسان نمی تواند اسیر باشد و از قدرت های اهریمنی فرمان برد. بااین ارتباط مروری هر چند کوتاه، فشرده و سنابزده به سرودهای آزادی خواهانه، میهنی و انقلابی ملت هامی افکنیم که مدرس تریـن واژه هاست دیونوسیوس شاعر آزادی خواه، انقلابی و میهن پرست یونان روح آزادی را چنین می ستاید:

ترا می شناسم از آن شراره‌ی تند و تیز
که از دم تیغ کارزارت می درخشد
ترا می شناسم از آن چشمی که پر تو نگاهش
همچون خدایان فاتح بر فراخنای زمیـن حکم می راند
تویی که از طنین ندای قهرمانان که در آفاق پیچد جهیده ای
تما می دره های یونان را با روح کهنسالت که متزلزل شده است تقدیس کن
ای روح آزادی، بر تو دورود باد، برتو درود جاودان باد
هرگاه که دست های توباآن حال اندوهناك و تلخ
آهنگ نومیدی را می سراید.
ما همچنان امیدوار و چشم براهیم
که هر بامداد نوید آزادی را ازباد صبا بشنویم
ای آزادی! این تویی که ملکوتی و مرگ ناپذیر هستی
تو این قدرت بزرگ را داری که ارادهٔ ما یشاء خود را به کار بری
و من که بر پا ایستاده و نفس خود را در سینه بند کرده ام
ترا که آغشته به خون می خرامی و خاموشی، تماشا میکنم.
آری! ای آزادی کشور ما از شجاعت و قهرمانی تو نیك با خبر است.
چون تاکنون کسی ترا در خطه‌ی یونان مغلوب نکرده است
هیبت اقیانوس نمی تواند رنگ از چهره‌ی تو بزداید.
وپیوسته مواهب تازه ای بروجود پربهای تو می افزاید.

این فریاد شاعری است درد مند، آگاه و پیکار جو که سال ها پیش ازین در سرزمین کهن یونان طنین انداخته است. و خواسته های ملتی را باز تاب داده است.

جنگ افروزان، غاصبان و غارتگران که همیشه زندگی وابسته داشته اند بر ضد آزادی توطئه کرده اند. اما انسان، طبیعت آزادی مفاهیمی هم بسته از هم جدایی ناپذیر اند. اگر آزادی نباشد انسان نمی تواند به آن آرمان سترگی که می‌اندیشد برسد هر چند توطئه گران می خواهند این پرنده رنگین بال را از پرواز باز دارنـد مجروحش نمایند. اما این پرنده از پرواز باز نمی ماند. پاسداران و خواستاران زیاد در همه‌ی گوشه های جهان دارد. به گفته‌ی دیونوسیوس آزادی در هیچ جایی از دنیا نمی تواند مقهور باشد و مغلوب‌گردد تخریب و کار شکنی صورت گیرد. آزادی هرچند بر ضد آن توطئه انجام پذیرد. در خطه‌ی یونان چه که در هیچ جا و هیچگاه مغلوب نمی شود. همیشه پیروز و سر افراز است. گرچه نظام های طاغوتی ماهیت آن راتغییر میدهند وآن رادر مفهوم کذایی ودروغین آن به کار می برند، چنانکه در دنیای دیوانه، بی بندوبار ولگام گسیخته‌ی امروز غرب، که آزادی به گفته‌ی یکی از آزاد اندیشان «آزادی را فقط در مجسمه ی آن می توان یافت» باری در غرب آزادی به مجسمه مبدل گشته است. واقعیت برونی ندارند.

در نظام های استعماری و استبدادی مفاهیم بسیاری از نهاد ها و ارزش ها را دگرگونه و تحریف می نمایند ویکی ازین واژه ی بدبخت همین «آزادی» است. که دنیای انحصارات از همه بیشتر در حمایت از آن گریبان میدرد و یاوه سرایی می کند. آزادیی که دنیای سرمایه دم می زند، آزادی به مفهوم راستین آن نیست. معامله با انسان و پایین آوردن همه‌ی ارزش های او است. آزادی در دنیای لگام گسیخته و بیمار استعماری در سطح قرار دارد، عمیق نیست. آزادی یعنی همیشه مست و خراب بودن، در کنج میخانه ها و فساد خانه ها افتادن و روز ها و شب و ساعت ها را با بی حاصلی و بو الهوسی به پایان آوردن. لباس های مضحك پوشیدن ریشم وپشم وموی گذاشتن و در لحظات بی هوشی و سرخوشی و مستی کلماتی چند در ستایش و یا نکوهش دولت را ندن، از آسمان و ریسمان با فلسفه بی هدف و بیمار بودن، بلندپایگان فرهنگ ارتجاعی غرب ژاژخایی می کنند و روده درازی می نمایند صفحه ها در «فضایل» و مکارم «فرهنگی ارتجاعی و تمدنی دیوانه و استثماری سیاه می نمایند. یکطرفه به پیش قاضی می روند و از تمدنی مرده، محتضر و ارتجاعی دفاع می کند. لاف برتری و والایی می زنند. برای پوسیدگی ها و طاعون زدگی ها دفاعنامه می نویسند. وبا این اعمال خود سرانه از دنیای مرده ـ گان از شهر سنگستان پشتیبانی می نمایند وعملاً بر ضد اندیشه جاری جوان وبالنده [illegible] می گیرند. اما این شست و پا زدن ها همه بیمار گونه، باطل و احمقانه است.

سرباز زره پوش دوم آواز می خواند:
یاران سوار شوید، سوار شوید و به جلو بتازید
به سوی جنگ به پرواز آییم، جملگی در راه آزادی
میدان جنگ میدان خود نمایی نیست.
در روز جنگ تنها شهامت و شجاعت ارزش دارد

مبارک و پر میمنت باد، شصت و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور!

در آنجا هیچ یار و یاوری به کار نمی آید
در آنجا وای به حال کسی .
ـ که جز به بازوی خود بنازد ، در آنجا
مرگ و زندگی هر کس در دست خودش‌است
در آنجا یار و یاوری به کار نمی آید،
در آنجا وای به حال کسی .
که جز به بازوی خود بنازد ، در آنجا
مرگ و زندگی هر کس در دست خودش
است .

این صدای فرد ریك شیلر آلمانی است که مردم را به تکا پو ، پیکار و مبارزه فرا می خواند ، و او نیز با آگا هی وبدریافتی منطقی چنین نتیجه می گیرد که زندگـانی کار و پیکاری دامنه دار می خواهد . زندگی را باید نفس آدمی گرم بدارد وگرنه این کوره خاموش وبه گفته ی سیاوش کرایی « این خا موشی گناه ماست.» گناه من ، گناه تو وگناه او . باری گناه همه . انسان امروزین نمی تواند . تنها به قلمرو و سر زمین خو یش بیا لد یشد . به زمین به‌جهان

پیوند دارد . نمی تواند به‌گونه انفـرادی زندگی کند . دیگر انسان های روی زمین با هم یکی اند ، همه ی زحمت کشان یك
سرود را به آواز بلند می خوا نند سرود آزادی . شیلر یاران را صدا می زند کـه زمان نبرد فرا رسیده است باید پای در رکاب
گذاشت باید به سوی جنگ به پروازآمد. البته جنگی رهایی و آزاد کننده. نبردبرای آزادی نه برای غارت و تجاوز و تسلط جویی وکشور گشایی .
آزادی !
ای موهبت گرا نبهاوای گنجینه‌ی آسمانی
ای سرچشمه‌ی بزر گترین اعمال و سر چشمه‌ی روز ها و ماه ها
ای آزادی !
ای نعمتی که همایون تر و خجسته‌تر از تو وجود ندارد
بگذار که بنده‌ی پرستنده ای مسندای افتخار ترا بلند کند

قلب دلیر مرا از نیروی بیکران خود لبریز ساز
وبا دم حیات بخش خود به اوگرمی بخش
و شب تیره و تار زندگی ما را
باانوار قدسی خود منور ساز .

این قطعه‌ی «الکساندر رادی شو» تغزل آزادی نام دارد که شعر های بسیاری در زمینه‌ی وطن پرستی سروده ادبیات روسیه نام «رادی شو» راکـه ستاینده‌ی راستین آزادی است و این واژه را همیشه تکرارمی نماید وبه ذره ذره خاك میهن خویش عشق می ورزد ، برای همیشه به‌خاطردارد. رادی‌ـ شو در یك صدوهشتاد سال پیش از امروز چنین صمیمانه ندای آزادی خوا هی را بلند می کند و حماسه زمان خود را می رساند «تغزل» آزا دی کو تا ه شده یی ازیك‌شعر دراز است که با صدا قتی شا عرانه ودیدی وطن پرستانه سروده شده است .

آنکه آزاد نیست نمی تواند عملی انجام دهد که دنیای انسانیت به آن افتخارنماید .

انسان در اسارت نگا هداشته شده نمی‌تواند شگفتنی بیا فریند ودر امر شکو همندی‌اجتماعی سهمی شایسته داشته باشد . آزادی زمان را تفسیر می کند به روز ها و هفته ها وماه و سال ها وحتی قرن ها مفهوم می بخشد . زندگی را شیرین، بارور و دوست داشتنی می نماید . پس باید به راه و برای آزادی مبارزه کرد . در دنیا لذت ها و نعمت های بیشماری وجود دارد که انسان برای به دست آوردن آن کار می کند تکا پو می نماید . اما آزادی هما یون ترین و خجسته ترین نعمت هاست . باید برای به دست آوردن آن تا پای مرگ مبارزه کرد . شاعر میهن ما صوفی عبدالحق بیتاب با لحن ساده وصمیمی از آزادی چنین یاد می کند :

نعمتی بهتر ز استقلال نیست
حا جت بسیار قیل و قال نیست

در فرهنگ غرور آفرین و شکو همند ما نیز بخشی بزرگ به آزادی اختصاص یا فته است که متضمن دلت فـراوان و شایسته

است . بسیاری از شا عران فر هنگ غنامند دری از آزادی و آزادگی سخن ها گفته اند. بیتی از عارف و شاعر بزرگ سنایی غزنوی به یادم آمد

گر بی بر گی به مرگ مالد گوشم
آزادی را به بند گی نفر و شـــــم

باری به گفته‌ی «رادی شو» آزادی به هر سر زمینی که پای بگذارد رو شنایی وصلح با خود به ارمغان می آورد آزادی در تن شب شراب نور می پاشد . به اشباح مرده جانی دو باره می بخشد با اهر یمن اسارت و بندگی به پیکار بر می خیزد وبه گفته‌ی آن شا عر یو نان هر هیچ قلمرو و سا مان و سر زمینی پشت آزادی به خاك نمی نشیند و مقهور نمی گردد. آری‌آزادی همیشه‌پیروز و سر افراز و سر بلند است .

اقبال لاهوری نیز شا عری است درد مند و ستا ینده‌ی بلا فصل آزادی ، سروده های مشحون از حس وطن پرستی و مبارزه برای آزادی است .

از غلا می دل بمیرد در بـــدن
از غلا می روح گردد بار تــــن
مرگ ها انـدر فنـون بندگـی
من چه گو یم از فنون بند گــی
از نـــی او آشکـا را راز او
مرگ یك شهر است اندر ساز او
نا توان وزار می سازد تـــرا
از جهان بیزار می سازد تـــرا
زندگی بی قوت اعجـا ز نیست
هر کسی داننده‌ی این راز نیست
در غلا می عشق جز گفتار نیست
کار ما گفتار ما را یـــار نیست
دین و دانش را غلام ارزان دهد
تا بدن را زنده دارد جان دهـد
یك زمان با رفتگا ن صحبت گزین
صفت آزاد مر دان هم ببیـــن .

با به پیروزی رسیدن انقلاب کار گری در سرزمین بزرگ روس ، جهان وارد مرحله ای دیگر گردید . آن انقلاب رهایی بخش تا قوس بیداری بسیاری از ملت ها شد .

کشور ها یکی پی دیگر به پا بر خاستند ، قیام ها و عصیان هایی تازه شکل گر فت. دیگر غول هزار چهره‌ی استعمار در همه‌ی قلمرو ها وسر زمین ها شناخته شد . نسیم رهایی بخش انقلاب کبیر اکتوبر به همه‌ی گوشه های جهان رسید . توده هابر انگیخته شدند . ودر برابر ناروایی ها ، بیدادگری ها واستبداد استعمار «نه» گفتند . دیگر راه اطاعت کورکورانه را ادامه ندادند . باالهام از اندیشه های تابناك انقلاب کبیر اکتوبر است که شاعر در اسارت نگاه داشته‌ازقلمرو هندو ستان «اسماعیل میروتی» در «۱۹۱۷» همزمان با سال پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر چنین می سراید .

«... در محیط آزاد یك قطعه نان همیشه پیدا می شود .

چنین نانی هزار بار از طعام لذیذی‌که‌باید‌ـ با ترس‌و تحقیر واهانت خورد بهتر است.
در محیط آزاد یك خانه و پنا هگاه هر
قدر هم تنگ و حقیر باشد

هزار بار بر قلاع و کا خی که با مخاطرات پیچ اندرپیچ دووادور آنرا گرفته ترجیح‌داد.»

این طرز تفکر سراسر ادبیات وفر هنگ مشرق زمین را فرا گر فته است . بسیاری از سخن سرا یان و شا عران به عسرت ها سا خته اند . ودر تنگدستی مرده اند اما ننگ اسارت وداغ بندگی را نپذیرفته اند مغرور و سر بلند با قی مانده اند . ویکی از انگیزه هایی کـه مشرق زمین بر ضد تسلط جویی استعمار به پا بر خاست همین ادبیات و فرهنگ رهایی بخش ، مبارزومقاوم آن است . گرچه درکنار ادبیات متعهـد مشرق . هنر و ادبیات ار تجاعی هم حرکت کرده است . وعملا ستا یشگر در بار ها بوده است. اما سراسر فر هنگ شرق جو هر آزادی خواهی را در خود دارد .

یك صد وده سال پیش ازین «نـــود ـ ویك ،رو نه برگ» شاعر فنلند ی‌درستایش آزادی و وطن سروده :

وطن ما ، وطن ما وطن مادری ما .
وه که نا مش چه دلپذیر است
هیچ کوهی که سربه آسمان می‌ساید.
هیچ دره ای شاداب و هیچ ساحل ودریای جوشانی
به قدر میهن مقدس ما محبوب نیست .
این آب و خاکی که پدران ما آن را دوست می داشتند .

کشور ما فقیر است والبته در نظرکسانی‌که دربی زر و سیم هستند فقیر می نماید .
بیگا نگان به نگاه تحقیر در آن می‌نگرند ووقتی به آن نمی گذارند . ، اماخودما.
آن را با تخته سنگ هایش وبا قله های بلندش و با سواحل وکرانه هایش
دوست می داریم ، وطن طلایی ماست .
ما جوش و خروش نشاط انگیز ، رودخانه های مان را دوست می داریم .
امواج جهنده‌ی جو یبار ها .
جنگل های تیره و تار . با آنهم سرو صدا های میهم
شبهای پر ستاره و روشن تا بستانی
آنچه درین جا دیده میشود وبه گـوش می آید
همه ، قلب ما را روزی به لرزش آورده است .

بقیه در صفحه ۵۷



گوشه یی از اشتراك هموطنان ما درسالگرد جشن استقلال وطن که درپغمان برگـزار شده بود .

غفار عریف

نقش مرکزیت دموکراتیك در فعالیت احزاب پیشرو کارگری

دوران معاصر از لحاظ خصایل مشخص زندگی اجتماعی ، جهشگاه پر تلاطم رزمندگان پر توان راه آزادی ، دمو کراسی ، صلح ، ترقی اجتماعی و عدالت واقعی محسوب میگردد که اهمیت مساله را میتوان‌در تاثیر روزافزون احزاب پیشرو طراز نوین پرولتری‌در پروسه قانونمند تکامل کنونی جامعه‌بشری دریافت .

سیستم جهانی صلح و ترقی اجتماعی‌با کسب مو فقیت های چشمگیری ، در آینه حوادث کنونی جهان بمثابه تکیه گاه نیرو- مندوپشتیبان همیشه گـــی احزاب‌مترقی‌و کار گری ملل دیگراخذ موقع نموده که روز بروز مواضع عدالت پسندانه آن تحکیم و تثبیت میگردد.

در جهان سیستم سر مایه و الیگارشی‌مالی وملل‌تازه به استقلال رسیده وروبه انـــکشاف احزاب پیشرو کار گری و سا زمان های توده یی ، بنا بر فعالیت گسترده انقلابی و انجام مبارزات پیگیر بخاطر منافع بنیادی توده های وسیع مردم و سایر اقشار دمو کراتیك جامعه به‌نیروی سیاسی پـــرتوان و رهبری کننده خیزش های انقلابی رزمندگان راه اعتلا ی بشریت تبدیل گردیده اند.

احزاب انقلابی و پیشرو که دانش علمی طبقه‌کارگر رهنمای عمـل شان در مـــبارزات طبقاتی میباشد ، بمنظور دگرگونی هـــای عمیق و بنیادی در بخش های عمدۀ زندگی سیاسی‌اجتماعی‌مردم، درکشور های سر مایه داری و ملل کمرشد بخاطر تحقق راه واقعی پشرفت اجتماعی رشتۀ ابتکارات هد فمند را در دست دارند .

افزایش نفوذ احزاب پیشرو کار گری در جهان سیادت سرمایه، دیـــنامیسم ر شد و تکامل جا معه را بخاطر نجات خلق کارگر ازگزند انحصارات غـول پیکر ، ارتـــجاع و سیستم امپر یا لیستی و سعت بخشیده ویکی از پدیده های بر جسته زمان مارا تشکیل میدهد .

تحلیل اوضاع‌کنونی جنبش‌بین المللی خلقها میرساند که در برابر کلیه احزاب پیشرو طراز نـوین پرولـتری وسازمـــان هـــا ی اجتما عـی مربـو ط به احـــزاب متر قـــی ، در عرصه های تئور یـك و سازما ندهی عملی توده های مردم درپیکار زندگی ساز ونبرد عادلانه بخاطر آزادی ملـل، صلح دمو کراسی ، عدالت و تر قی اجتماعی و ظایف خطیر ، اساسی و حتی بغرنج قرار دارد .

با ذکر مطا لب بالا در پیشروی احزاب پرو لتری طراز نوین تکمیل سا ختمـــان تشکیلا تی و تکامل وحدت صفوف آن در عرصه های اید یا لوژیك ، سیاسی و ساز- مانی بحیث وظیفه اساسی در محراق توجه قارر میگیرد .

احزاب پرولتری بمثابۀپیشاهنگ جنبش‌نیرو مند توده های وسیع مردم در پروسه انقلابی جهان معا صر با درك اهمیت طرز انطباق اصل مر کزیت دمو کراتیك در شرایط مشخص و مقیاس های فزاینده سا ختمان تشکیلاتی حزب در اعمار جا معه رفاه اجتماعی ، همچنان بمنظور هما هنگی فعالیت نیرو های درون حز بی ، با لابردن سطح رهبری حزب در امر رشد اقتصاد و فر هنگ ، تربیت سیا سی افراد جامـعه ، بهبـود کار ساز ماندهی و سیاسی در میان توده ها ، نقش رهبری‌جهانی را بعهده دارند .

آنچه در شرایطی کنو نی جنبش جها نی کار گری برای احزاب پیشرو پرو لتری با اهمیت تلقی میگردد اینست که همه سازمان های حز بی با رعا یت و اجرا ی دقیق موازین زندگی درون حزبی و پیروی بی چـــون و چرا از اصول رهبری دسته جمعی واصل مر- کزیت دمو کراتیك بصورت یکدل ورفیقانه واحد و یکپرچه ، هد فمند و پایدار ، فعا ل وپیگیر جسور وبی بـاك در جـهـت تحقـق اهداف عا لی زحمتکشان کلیه نیر ها ی خلق را بسیج نمایند .

کرونو لـوژی احزاب طراز نوین پرولتری بصورت مستدل و قا نو نمند میرساند که در فعالیت انقلا بی و سا زندۀ نیرو های متشکل سیاسی که همه اعضای آن با اید یا لوژی دوران ساز وعلمی طبقه کارگر تجـــهیز و آماده شده اند ، رعایت جدی از اصل مر- کزیت دمو کراتیك در شرایط گونا گون و مرا حل مختلف مبارزه از بو ته آزمون زمان بدرستی و مو فقیت بیرون جهیده است .

در کار ساز ما ندهی و فعالیت سیاسی احزاب پر ولتری بصورت کا ملا روشن با ثـــبات رسیده است که پـــیروی و رعایت دقیق از اصل مر کزیت‌دمو کراتیك و مدنظر گرفتن تناسب منطقی میان مر کزیت ودمو- کراتیك هموار ه عا مل عمدۀ پیروز ی‌وظفر مندی نیرو های اصیل طبقه کار گر بـــوده است .

از لحاظ درك علمی مسا له رعایت جدی اصل مر کزیت دمو کراتیك و در نظـــر گرفتن موازین زندگی درون حزبی پایـــه محکمی استت بری تا سیس چنان حزب سیاسی که بتواند طبقه زحمتکش کار گر را بسیج و متشکل گرداند ، قشر های معین اجتماعی رابمبارزۀ انقلابی تجهیز کند وتوده هـــای وسیع مردم را دردگرسازی متر قی جامعـــه رهنما باشد و با حصول قدرت سیا سی پا- سخگوی نیاز مندی های واقعی زحمتکشا ن گردد .

طبقه کارگر ومتحـدین واقعی آن در جریان پیکار طبقا تی و هنگام مبارزات انقلا بی با بورژ وازی و ملا کان بو ضا حت در یا فتند که بدون تمرکز تشکیلات عا لی صفو ف حزب و بدون ایجاد و حدت یکپار چه اندیشه و عمل میان مقا مات حزبی از بالا تا پا ئین واز پائین تابالا ،بردشمن غدار پیـــروز شد.

احزاب طراز نوین پرو لتری بنا بر رسالت تاریخی خویش جنبش انقلابی طبقه کار گر و همه زحمتکشان را با تشکل‌واقعاً ارگانیك و در سمت هدف نهایی دقیقاً و مشخص رهنمائی میکند ووسایل عمدۀ مبارزه رادر امر تشکل توده ها بخاطر پیروزی نظام تکا مل یافته اجتماعی فا قد بهر ه کشی‌وستم جهت میدهند ،بنا وحدت عمل‌و اندیشه میان اعضای آن ومعتبر دانستن اصل مر کزیت دموکر- اتیك در جریان عملکرد ها رهنمود ها شرط پیروزی اینگونه احزاب شمرده میشود .

دانش انقلا بی میرساند که یك حـزب انقلابی پیشرو نمیتواند ما نند احزاب تیپ بورژوازی با یـك‌ارگانیسم بی‌شکل وبدو-ن مبارزۀ سازمانی وفاقد هرگونه هـــد فمندی عالی باشد ودرمیان افراد جامعه زند گـــی نماید .

-احزاب تیپ‌نوین پرولتری بادرنظـر داشت اصل مر کزیت دمو کراتیك ، واحد ویك پارچه وبر پایه تئوریك و فعالیت پراتیك قادر میشوند که : «دمو کراتیسم را درتدوین بر نامه و اتخاذ تصمیم را با تشکل متمرکز در اجرای این بر نامه و تصمیمات با هم تلفیق دهند .» .

تجربۀ جنبشی کار گری میرساند کـه : هنگام شکست در مبارزۀ سیا سی عدۀ از افراد مر بوط به حزب حاضر میشوند ، حتی به ارزشی عدول از بر نامه و تاکتیك ،مشی انحلال طلبی را در پیش گیرند . اما عدۀ اکثریت مشی مشخص اصو لی را اتخاذ می کنند .

یکی از رهبران جنبش بین المللی طبقه کار گر مینویسد : «تمام دوران قبل از انقلاب و نخستین دو سال و نیم انقلاب (۱۹۰۷ _ ۱۹۰۵) را بطور کلی در نظر بگیرید .طی این مدت حزب سو سیال دموکرات مارا از لحاظ وحدت، تشکل وپیگیری درهدف خـود با احزاب دیگر مقایسه کنید . شما نا چار خواهید بود اعتراف کنید که ازین لحاظ برتری حزب مانسبت به‌همه احزاب دیگرنسبت به کادتها ، اس- ارها و دیگر احزاب‌مسلم است .»

اصل مر کزیت دمو کراتیك ما نند‌اصل های سا زمانی و سیاسی در پراتیك احزاب پرو لتری هنگام مبارزه و بر خورد اصو لی با اپور تیسم «چپ» و راستو سایر جریانات نا پایدار در درون حزب پدید شد و تثبیت گردید .

احزاب پرو لتری به اتکای قوی بر بنیاد وحدت و تشکل و رعایت جدی از اصل سنتر- الیسم دمو کراتیك پا بر جا میماند ودرمبارزه پر توان میلون ها انسان را رهبری میکند و تا سر حد پیروزی و تثبیت مرز های مشخص تکامل جامعه انسانی توده های وسیـع مردم را بدنبال خود میکشد .

احزاب پرو لتری که بر بنیاد دانش انقلابی اساس یا فته اند در جریان مبارزات خویش پیوسته باپرابلم خواسته های اپور تونیستی و انحلال طلبی بی امان رزمیده اند .

در دوران احزاب پیشرو کـارگری مظاهر اپور تو نیستی تلاش میورزد تا پیش قراولان جنبش انقلابی را برای صرف نظر کردن از سا زمان جدی و انظباط و حتی عدول از اصل مرکزیت دمو کراتیك به گمراهی سو ق دهند و به جا نب خود بکشاند .

تجربه احزاب پیشرو پرولتری نما یانگر این‌واقعیت است که مرز بندی اپور تو نیستی هرگز مو فقیت حا صل نکرده که اعضای حزب را تا سرحد انصراف از اصل مرکزیت دموکراتیك بجانب خود کشانیده باشد.

سا ختمان جا معه متر قی ضرورت آنرا میرساند که تحت رهبری احزاب پیشا هنگ توده های مردم در جهت فعالیت خطیر ایجاد گرانه ساز ما ند هی یابند . پرو لتار یا برای کسب حاکمیت سیاسی در صحنۀ پیکـــار با محا فل و گروه های ضد انقلابی ، حد اکثر انضباط تشکل و قاطعیت را در میان اعضای حزب با اهمیت تلقی میکند .

اصل مر کزیت دموکراتیك برای احزاب پرولتری سنگپایۀ مطمئن درپراتیك اجتماعـی و تکا مل نهاد های درون حزبی بشمار میاید باید جداً در نظر گرفت که بر پایه رعایت موازین زندگی درون حزبی واصول علمـــی رهبری ، وحدت اید یا لوژیك و سا زمانی صفوف ، کادر ها و دستگاه رهبری حـــزب تا مین شده میتواند .

پروسۀ تکا مل احزاب پرو لتری میرساند که ارتباط سا ختمان تشکیلا تی با ایدیالو- ژی حزب شکل قا نو نمندی دارد . درین زمینه تئو ریسن بزرگ و بنیاد گذارنخستین دولت کار گر ی ودهقانی مینویسد :«تشکل حزب بدو ن ایدیا لوژی چیز پو چو بی‌معنا میباشد .»

پـرواضح است‌که‌درصورتیکه هرحزب‌سیاسی‌از لحاظ تئوریك وایدیا لوژیك غیر منسجم‌باشد هرگز قادر نخواهد بودکه ساختمان تشکیلا- تی آن بوجود آید .

اساس تحقق عملی اصل مرکزیت دمـو- کراتیك راتبعیت اقلیت از اکثریت تشکیـل میدهد که بر پایه و حدت ایدیا لوژیـك مناسبات آن بر قرار میگردد . در احزاب پیشرو کار گری که توده های وسیع مردم را در مبارزه بخا طر انجام تحولات بنیادی و استقرار عالی ترین صورت بندی اجتماعی رهبری مینماید ، تامین وحدت سازمانـــی و ایدیالوژیکی حائز اهمیت بیشتراست.

«اصل مر کزیت دمو کراتیك در احزاب پرو لتری جرو بحث وسیع را پیرامون مسایل مهم نظری وعملی تبادل نظر آزاد راکه بنوبهٔ خود به‌استحکام وحدت‌ایدیالوژیك حزب کمك میکند ، لازم میشمارد .»

احزاب پرو لتری تیپ نوین تلاش ها ی ایور تو نیستی را که در جهت ایجاد فرا کسیون ها وگروهبندی ها صورت میگیــرد بابر خورد قا طعانه و اصو لی در کادر اخلاق انقلابی و با در نظر داشت اصل مر کز یت دمو کراتیك خنثی میسازد .

احزاب پرو لتری که اعضای آنها برمبنای اتحاد داو طلبانه تابع اید یالوژی ، اصو ل وموازین حزب میگردند بادرنزر داشت تامین وحدت سا زمانی و اید یا لوژیك میان‌ارگان های حزب و با تحلیل و ارزیابی دقیق مسایل مهم تئوریك وایدیا لوژیك جنبش بین‌المللی خلقها ، همچنا ن با فرا گیری و آمو زش عمیق از دا نش پیشرو و انقلا بی طبقه کار-گر ، صفوف رزمندهٔخویش را استحکا م می بخشند .

احزاب پرو لتر ی که‌سا ختما ن تشکیلاتی منسجم و اعضا ی سذ ما ن یا فته مجرب دارند ، رعا یت از اصل مر کز یت دموکر-اتیك را فقط آن زمان امکا ن پذ یر میدانند که با در ك عمیق انضباط آگا هانه تو ا م باشد .

اعتقاد اید یا لو ژ یك پایه و اساس انضباط آگا هانه را میسازد و مهمترین سند برا ی اجرا ی دقیق اصل مر کز یت دمو کرا تیك میباشد ، همچنان اصل مر کزیت دمو کرا-تیك بر بنیاد آن بنا یا فته است .

درك عمیق انضباط آگا هانه و رعایت اصل مر کزیت دمو کراتیك به مفهوم پیروی دقیق‌و خدشه نا پذیر از موازین و اصول درون حزبی ، همچنان بمعنای تمایل بسوی دمو کراتیزه کردن زندگی حزبی ، بالابردن سطح فعا لیت و بسط حقوق هر فرد حز ب پرو لتری میبا شد ، همز ما ن با جلب اعضای حزب بمنزور اشتراك فعال‌در زندگی عمومی حزبی و اعتلای سطح آگا هی آنها نقش اصل مرکزیت دموکراتیك بطور شایان اهمیت کسب میکند .

احزاب پیشرو کار گری در جریان پراتیك انقلا بی که بمثابه یك ارگا نیسم سیاسی با تحرك زمینه های اید یا لوژیك و سا مانی رشد میبابد ، موا زین زند گی درون حزبی ناشی از رعایت قواعد مر کزیت دمو کراتیك نیز رشد و تکا مل پیدا میکند و اصل مر-کزیت دمو کراتیك بمثابه کـار بست و عملکرد درزندگی درون حزبی با شرا یـط مشخص فعا لیت حزب ارتباط تزدیك پیدا میکند .

بسط و تکامل موازین دمو کراتیك در فعا لیت احزب پیشرو کار گری پایه‌مستحکمی را میسازد که متکی به آن ، پرورش روح انضباط آگاهانه ، حس مسو و لیت و شیوه تفکر افراد حزبی بطور سالم تکمیل میگـردد

وبدین وسیله اشتراك فعال اعضای حز ب در سا ختمان جا معه شرط حتمی پندا شته میشود .

مرکزیتی که برپایه اصل‌های دمو کراتیك تامین میگردد ـوشیوه دمو کـراتیــك درك و تحقق پیدا میکند به همان مقیاس دمو-کراسی درون حزبی را وسعت می بخشد هم چنان رعایت دقیق اصل مر کزیت دموکراتیك و در نظر داشت تناسب منطقی میان آن ها، به شکل انضباط آگا هانه تو جه افرادحزب را به منفع کلی و همگانی زحمتکشان تحقق می بخشد .

بقیه صفحه ۱٦

استقلال

مبارزان دلیر دمو کراتیك خلق افغانستان از بدخشان تا پکتیا ، از ننگرهار تا هرات در تمام نقاط وطن در باره منا سبات غیـر عادلا نه حاکم آنروز و راه نجات مردم از زیر سلطه فیو دال ها واربابا ن زورو زربه تبلیغ وسیع و پیکار وطنپر ستانه دست‌زده و با امید به روز های پیروزی برای استحکام سنگر نبرد بصورت بی امـان در چـو کات اصول انقلابی‌نبرد انقلابی را آغاز کردند و در کشور کوه ها وعقابها غـریو نویـن را بر پا نمودند .

انقلا بیون افغا نستان بر هبری حـزب دمو کراتیك خلق افغا نستا ن برای مردم باور واعتماد خلق می کردند که سلطنت و دشمنا ن سو گند خورده مردم که چو ن خفا شان بر خانه و کا شانه توده هـای وسیع ز حمتکشان سایــه افگنده بودنـد، از میان میروند و سلطنت و دولت سلطنتی با تمام قوت و قدر تش به زباله دان تاریخ دفن می گردد و فر زندا ن اصیل و راستین وطن نظام نوین آزادی خوا هی و سعادت مردم را بنا نموده سنگر استقلال میهن‌را استحکام می بخشند .

به ارتباط فضایابی زنده تاریخ پیکار و نبرد استقلال خوا هان یعنی اسلاف قهر مان مشرو طه خوا هان ضد استعمار انگلیس و مبارزه فر زندا ن خلق وطن ، رهــروان دمو کراتیك خلق افغا نستان با هم پیوند نا گسستنی داشته ، ودر واقع مبارزه‌اعضای حزب دمو کراتیــك خلق افـغـانستان دوام منطقی مبارزه قهرمانا نه استقلال طلبان و مبارزات دوران استرداد استقلال افغا نستان بحساب می آید .

بر رسی مبارزه حزب دمو کراتیك خلـق افغا نستان از حو صله این یاد داشت بدور است ، اما آنچه روشن و غیر قابل انکـار وتد کارش ضروری می نماید اینست کــه حزب دمو کراتیل خلق افغا نستان علر غم تو طئه ، دسایس و خیا نت های عنا صر دودل و متردد و خاین به انقلاب به پیش رفت وانقلاب شکو همند ثور برج و بروی سلطنت و جمهوری داود شاه را سر نگون نمود ، پایه استقلال افغا نستان را استحکام بخشید

در پرتو انقـلاب شکو همند ثور که به رهبری حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان به پیروزی رسید برای اولین بار بعد از استقلا ل بصورت مشخص و روشن سیاست دا خلی و خارجی دولت مستقل افغا نستا ن شجا عانه اعلام و مو ضع طبقا تی و انقلابی افغا نستان روشن گردید .

افغا نستان برای اولین بار مبارزه علیه امپر یا لیزم وار تجاع را در روشنی آرمان های فنا ناپذیر طبقه کارگـر طـرح ومبارزه طبقا تی که با تاسیس حزب زحمتکشان افغا نستان به شکل انقلابی و نوین آغاز گردیده بود وارد مر حله تکا ملی خویش گردید .

انقلاب ثور افغا نستان ، جهان راوافعـا تکان داد و یکبار دیگر شجاعت و تد بیر مردم زحمتکش افغا نستان در روابط ملی و بین المللی بر جسته گردید و هویت افغا-نستان آزاد وانقلابی برای همگان معلوم شد.

با این پیروزی انگلیس شکست خورده و امپر یالیزم غدار امریکا کهٔبل پای بریتانیای کبیر را تعقیب می نماید وبحیث ژاندارم بین المللی به جنا یات ضد بشری دست می زند و وحشیانه ترین و رذیلا نه تر ین شکل به امور دا خلی افغا نستا ن به مداخله پر دا خته و طبق دسیسه پلان شده تو سط با ند یست های خاین به انقلاب انقلاب ثور را از مسیر اصو لی آن به بیراهه کشانده امین فا شیست را به اریکه قدرت رساند .

امین فا شیست طبق دستور و مشوره مستقیم سی ، آی ، ای اولین کاری که کـرد ، به زندان افگنـدن و سر بـریــدن انقلا بیو نی بود که در پیروزی انقلاب شکو-همند ثور نقش مستقیم و همه جا نبه ای داشتند .

افغا نستان انقلابی باز هم مورد تا خت و تاز ار تجاع منطقه و تمام نیرو های ارتجاعی امپر یا لیستی قرار گـر فت و استقــلال افغا نستان بار دیگر که در اثر انقلاب ثور استحکام پـذ یرفته بود به‌خطر تباهی مواجه گردید ، پلان های تبا هی حفیظ الله امین و باند جنا یتکار ش که همه و همه افشا ء گردید نه تنها مسئلهٔ استقلا ل افغا نستان را در نظر نداشت بلکه تجزیه این کشــور باستانی را نیز در پی داشت .

خوشبختانه قیام شش‌جدی بـــه‌سر و قت انقلاب ، مردم ، میهن واستقلال رسید و با اینکه مردم وطن در طول زما مداری امین و باند تبهکارش عذاب عظیم را متحمـــل گردیدند در چهره مر حله نوین انقلاب ثور نجات مردم ، انقلاب ، استقلال و میهن را به چشم سر مشا هده نموده واز تلاش های مذ بو حا نه دشمن فهمیدند که اکنون دیگر استقلال افغانستان برای‌همیش تضمین گردید و تو طئه ها و دسا یس هر گز کاری را از پیش برده نتوانسته و عمال ارتجاع جز سیاه رویی سرافگندگی ثمری راعاید نمی شوند .

به این حساب و به ار تباط گفته های‌که مختصر آمد، می‌توان باسر افراشته و بـــا اسمان به‌فردا‌های تابان وشگو فان و طــن یاد دهانی نمود که قیام پیروز مند ششـــم جدی ۱۳۵۸ در تحکیم پایه های مادی و معنو ی استقلال افغانستا ن نقش عظیم‌تاریخی را ایـــفا نموده وکس منکر آن شده نمـــی تواند . از همینرو تمام نیرو های اهریمنی و تجاوز پیشه در تبا نی با هم نقشه ها و پلان های را عملی نموده وهمچنان رویدست دارند که مقصدش سقوط دولت انقلابــی افغا نستان است که این آرمان خبیثانه‌جز خواب و خیال چیز دیگری نیست و تلاش های عناصر ارتجاعی رهزنان و اجیران ارتجـاع و امپر یا لیزم نیز آخرین تلاش های نیرو های عقب گرای بحساب می آید .

باید به افتخار شصت و یکمین ســالگرد استرداد استقلال افغا نستان بدشمنان آزادی و خو شبختی مردم ، به نما یند گان و نو-کران ار تجاع و امپر یا لیزم خاطر نشان سا خت که عصر امروز با پنجاه سال قبل ازهر نگاهی فرق داشته وامــروز دو لت انقلابی افغا نستان ، تو سط حزب رزمنده و انقلابی دمو کراتیك خلق افغا نستان و دولت جمهوری دمو کرا تیك افغـا نستان رهبری می شودکه توان‌و مقاومت ونبرد علیه درند گان امپریالیزم را داشته و تاآخــرین فرد اجیر و فرو خته شده را از خاك مقد س وطن بیرون نکشد به پیکار بی امان و نبرد قهرمانانه به پیش می رود وخس خاشاك را از سعد را هش جاروب می نماید زیرا امروز

بر علاوه استحکام استقلال تو سط نیرو ها ی انقلابی وطن ، به سو یه بین المللی نیز افغا نستان دوستان مطمئن بشر یت ودر راس همه اتحاد شوروی سو سیا لیستی را با خود دارد که قهر ما نه و فدا کا رانه به مردم افغا نستان یاری رسانده ودر بخش هـای مختلف بصورت بیشا ئبه کمك می نماید .

خلق افغا نستان اکنون اعتبار بین المللی داشته وایمان کامل دارد کــه با پیــروزی مر حله نوین انقلاب ثور ، تمام دست آورد های تا ریخی خلق افغا نستان و بخصوص استقلال کشور تضمین گردیده و دست های تجاوز گران ودهشت افگنان منطقه برهبری امپر یا لیزم امریکا و دیگر شر کای جهانی آن روز تا روز قطع گردیده و آرا مش و زندگی صلح آمیز دو باره احیا می گردد .

به افتخار استقلال و آزادی کشور وتعمیق همه جا نبه انقلاب ، پیکار ادامه داشته و اجیران و فرو خته شد گان اینجا و آنجا به شکست های مد هشی موا جه می شوند.

درین پیکار تاریخی‌فر زندان اصیل آزادی و استقلال کشور ، مبارزان دمو کراتیك‌خلق افغا نستان ، وطنپرستان اصیل و انقلابی ، نیرو های ملی ودموکراتیك کشور در یك سنگر وسیع جبهه ملی پدر وطن شرف ونا موس از و قار و عظمت افغانستا ن آزاد وسر بلند دفاع می نما یند و به شهدای راه آزادی ومعر که استقلال درود بی پایان می فر ستند .

بر افرا شته باد بیرق استقلال کشور
کو تـاه باد دست تجاوز گـرا ن
نیرو مند باد جمهوری دمو کـر اتیك افغا نستان

خدمت به‌اجتماع

با تلاش وسعی‌و زحمت‌ملك عمران‌میشود
جمله خاك این‌وطن رشگ گلستان میشود

/مردم مابعداز گذشت سالهاو قرون
در طریق اعتلا اینك شتا بان میشو د

هر طرفشو قاست‌وشادی وسرورهم‌خوشی
چونکه دور تیرگی‌بگذشت بهاران میشود

آنهمه استعداد هائیکه بود اندر خفا
هرطرف میباشد انوارچون نمایان میشود

درگذشته بود آنها درخمودوهم جمود
بعدازین با میمنت‌هریك شگو فان‌میشود

پیشرفت و انکشاف هرملت اندر جهان
همراه و همدست سایر خدمتگاران‌میشود

باتفش وسعی وافر بهر اعمار و طـن
حاصل اززحمتکشی‌وپشتکارونجیران میشود

جمله نعمت های‌مادی ویا هم معنو ی
عاید از کاروتلاش زحمتکشان میشود

ور بکار افتد همه نیروی جسمی ودماغ
میدرخشد هرطرف گویی چراغان میشود

هر جوان مملکت از بهر طردیو جهل
متحد و متفق با همر زمان میشـــود

چون شود تامین وحدت درمیان جا معه
باعث خیرو فلاح همو طنان میشـو د

هر که خدمت مینماید بهرخاك واجتماع
بیگمان محبوب نزد خلق ودوران میشود

دوطریق پیش برد چرخ پیشرفت وطن
همره وهمکار فعال، هم‌چو(جولان) میشود

عبدالجلیل جولان

و طنه

دستر گو تور د زړگی سر وطنـــه
ز ما لیـــلا زما د لبـــر و طنـــه
وطنـــه ستا دمو تـی خاور ی نه نحار
که و ی په سماه که په غرو طنـــه
د غلیم مخ کی زه دفا ع یمه ستـــا
هر ز لمی والی ای بصـــر و طنـــه
د فسادو کمهل به تو له کـړ م ز ه
ستا د لمنی نه خیگـــر و طنــــه
و طنه تا کبنی و اقعیت را و لــــم
خیـــردی که و بایلمـه سر و طنـــه
و طنه شاهی بـــه گلذار کړ م ستا
چـــی پـه حر یق جوه شـی اختر وطنه

عبدالقهار امان

حب وطن

قصهٔ درد مرا آخـرو آغـــازی نیست
به نوا های دلم همدم و همرازی نیست
نای خا موش نیستان غم خو یشتنـــم
ناله پیچیده به دل هیچ هم آوازی نیست
تا کسان خنجر بیداد به قلبم‌زده اند
تیر مژگان بتی ، عشوهٔ تنـــازی نیست
اینکه گه خیزم وگه افتم وگه‌ناله کشم
بسملم رقص مرا تال وسرد سازی‌نیست
چشم بکشوده سحر قا فله خوابست هنوز
ساربان مرده مگرکز جرس آوازی‌نیست
هر مقامی که امان دید زوالی بو د ش
بر تر از حب وطن شیوهٔ ممتازی نیست

دستگیر نایل

گواه عشق

این دلبر فسو نگر مژگان سیاه کیست؟
غارتگر متاع دل بـــی پناه کیست ؟

عمر بهار ورنـــگ خزانم نگاه کـــن
زین به اگربه عشق‌تو دارد گواه‌کیست؟

قد کمال و فخر جهان درفرو تنیست
از سرکشی کسیکه رسیده بجاه‌کیست؟

آیی اگر به کلبه من از ره و فـــا ،
غیر ازسر شك دیده‌به تعظیم‌راه‌کیست؟

آب حیات مـــی طلبم یارم آرزوست
خضر رهٔ مراد ، درین کارگاه کیست؟

ما را به جرم عشق ملامت چه میکنی ،
در زندگی هرآنکه نکرده گناه‌کیست؟

آنکس که‌داده عقل‌ودل ودین به‌عشق تو
جز نایل فلك زدهٔ بی پناه کیست

برگزیده‌هایی ازمیان فرستاده‌های شما

غزل

چه زیبا منظری دارد بهـــم پیوستـــه‌ابرویش
هلال سه‌شبه خواهی نظر کـن بر گـــل رویش
رخش چو ن گل صدا بلبل لبش چون مل‌بسر سنبل
ندارم‌گرکنم غلغـل گلو چون مستم از بـــو یش
زنخد انش گل نسر ین و رخسارش گل‌سیب است
بنرمی وسفیدی چو ن پر قمر ی دوبازو یشــ
چوگلنار ست بین نسترن لعل وزنخـدانش
که همچون سا قه ای بگر فته بر لب رشتهٔ مو یش
فدای قا مت د لجـــو ی و رعنا یـــت نگار من
که بستان‌را نباشد همچو سروی در لب جـــو یش
بدل حسر ت فتاده با غبان را از قـــد ســرو ت
که همچون سرو زیبا یی ندارد باغ ل کو یـــش
الا ای با غبان بنگر بباغ خود ر و ا ن ســـر وی
که‌چشمی رانـباشد سوی سروبـاغ جز سو یش
فدای گردش چشمت شوم ای نـــازنیـن دلبـر
که‌صبر ازدل رباید یك نگاه مست و جادو یش
دوچشمـــان سیا هت در پـی قتلم شده ازبس
دوصدتیرو کمـان آرد زمژ گـان بـلا جـو یش
زجور وخوی تنلش ایـن خبر آمـد مـرا کـامل
شهیـد عشق آ خر میشوی از تیـغ ابـر و یش

همان‌کامل

سوگند دی

په سرو شونډو دی بازار د شکرمات کړ
صورت گرو خپل پر کار اومسطرمات‌کړ
تورو زلفودی نا موس د عنبر مات کړ
چی نی ستا دخط اوقدننداره و کـړه
سحر گرو اوس دسحر دوکانو قبنت
دواړو ستر گودی دسحر هنر مات کړ
چه ارزو لـرم په زړه کی ستا دوریځو
دی آرزومی په ځیگر کی خنجرمات کـړ
تاویل نور به‌قول نکړم سوگند د ی
په سوگندسو گنددی لاځه بهترمات‌کړ
ماتوه دخو شحال زړه بیا به ووا نـــی
چه می څه لره دا همی گوهرمات کــړ

خوشحال ختك

انگلیسها و شکست آنها در افغانستان

تتبع ونگارش از: فرید

در سالهای نخستین قرن نوزدهم (الفنستن) نماینده انگلیس داخل افغانستان شد و نخستین معاهدهٔ افغان و انگلیس را امضاء کرد که مطابق آن افغانستان مجبور بود در صورت حمله فرانسه و ایران به هند طرفداری انگلیسها را نماید، اما انگلیسها در مقابل هیچ مکلفیتی را در برابر افغانها عهده دار نشدند. و حکمرانان دول همسایه از این فرصت استفاده کردند. «سکها قسمتی از وادی کشمیر و ملتان را اشغال کردند و شاهان فارس بخاطر هرات به جنگ دست زدند واز این تاریخ به بعد مساله هرات گره اساسی سیاست منطقه گردید که انگلیسها برای تحکیم موقف خود درین منطقه در داخل افغانستان بین قبیله سدوزائی که اقتدار را در دست داشت و قبیله بارکزائی جنگ در گرفت که دامنه این جنگ منجر به سقوط دولت درانی شد.»

هرات تا چند دهه به حکمرانی مستقلی تبدیل گردید و پشاور، قندهار، غزنی نیز مستقل شدند، زمامداران سک نیز از این وضع بحرانی استفاده کردند از (۱۸۱۸ – ۱۸۲٦) پشاور چندین بار دست بدست شد تا آنکه به تسلط سکها در آمد. در سال (۱۸۲٦) امیر دوست محمد خان به پادشاهی رسید و تلاش ورزید تا تمام افغانها را متحد کند اما تشکیل دولت مستقل نیرومند در سر حد پنجاب مخالف منافع کمپنی انگلیس بود. امیر دوست محمد خان باوصف مشکلات زیاد تا حدی موفق گردید مصئونیت تجارت را میسر سازد.

اردوی افغان را بشکل جدیدی سازمان‌دهد عواید دولتی را بیفزاید ودر کابل کارگاه سلاح سازی را بنا نهد. قدرت امیر دوست محمد خان نفوذ انگلیس را در هند به خطر مواجه می ساخت بنابرآن پلان حمله شاه شجاع را نخست به قندهار و بعد به کابل طرح کردند ودر عین حال رنجیت سنگ را تحریک کردند تا پشاور را اشغال کند. دراین وقت نخستین بار منافع انگلیس و روسیه تزاری آنوقت در مسالهٔ افغانستان بر خورد کرد.

درسال (۱۸۳٦) ویکتویچ نماینده دولت تزاری آنوقت وارد افغانستان شد تا زمینه اتحاد را بین کندل خان حکمران قندهار و دوست محمد خان امیر کابل مساعد سازد همچنان درسال (۱۸۳۷) روسیه‌تزاری بمنظور گسترش ساحه نفوذ خود حمله شاه ایران را به هرات پشتیبانی کرد سر انجام با تلاش ویکتویچ اتحادیه سه جانبه کابل، قندهار وایران تحت تضمین‌روسیه‌تزاری مقابل خطر حمله انگلیس بو جود آمد ودر همین سالها قرار توسعه تجارت میان افغانستان وروسیه تزاری امضاء گردید.

انگلیسها بالاخره جهت تحقق بخشیدن پلان حمله بر افغانستان اطلاعات مبالغه آمیزی در باره دشمن، امیر دوست محمد خان با هند بر تانوی به پارلمان دادند و دوست محمدخان را متهم ساختند که بر رنجیت سنگ متحد انگلیسها قصد حمله دارد، انگلیسها پشتیبانی خود را از شاه شجاع که ادعای سلطنت افغانستان را داشت اعلان کردند و اردوی سی هزار نفری برای حمله به افغانستان آماده ساختند. امیر – دوست محمد خان به جنگ موافق نبود. اردوی افغان از پانزده هزار نفر تجاوز نمی کرد که البته از نظر تجهیزات بقوای انگلیس نمیرسید.

بهار سال (۱۸۳۹) عساکر انگلیس به سند حمله کردند سپس فلات را گرفتند و داخل قندهار شدند. درینوقت شاه‌شجاع مجبور به امضای معاهده‌یی شد که بنا بران عساکر انگلیس همیشه میبایست در افغانستان بماند و بر تانیه نظارت تمام بر سیاست خارجی افغانستان داشته باشد قوای برتانوی موانع مبارزین افغانی را که بر پیکار علیه اشغال گران بر خاسته بودند در شاهراه قندهار کابل از راه برداشتند و در سال (۱۸۳۸) غزنی را تصرف شد ند در این وقت طلا و سلاح انگلیس باعث آن شد که دربین حلقه های خوانین انشعاب پدیدار گردد و امیر دوست محمد خان که از کابل مقابل متجاوزین براه افتاده بود مجبور به عقب نشینی شود.

انگلیسها و شاه شجاع کابل را اشغال کردند. شاه شجاع برتخت پادشاهی نشست درینوقت مکناتن نماینده انگلیس شاه شجاع را مجبور به «امضای موافقه جدیدی نمود که حاکی بود از آنکه مشاور انگلیس، در دربار امیر اقامت داشته باشد و نه تنها سیاست خارجی بلکه سیاست داخلی افغانستان نیز توسط بر تانیه نظارت گردد.»

در سال (۱۸٤۰) قوای انگلیس تمام شهر های مهم مانند کابل، قندهار، غزنی و جلال آباد را اشغال کرد درعین حال انگلیسها تلاش ورزیدند تا راه حمله به آسیای میانه را نیز هموار سازند و نقاطی را که بر اهای مهم تر کستان جنوبی مشرف بود به‌تصرف آوردند جنبشهای ملی‌علیه انگلیسها درگوشه و کنار مملکت آغاز یافت. اما امیر دوست محمدخان نتوانست که رهبری این جنبش ها را بدست گیرد. قیامهای ضد استعماری تا به آن حد شدت یافت که یکی از افسران انگلیس در آنزمان از قندهار نوشته بود:

«نمیتوانم بگویم که تا چه حد مردم از ما نفرت دارند ... نمیتوانیم ونباید اینجا باشیم ... باید بر گردیم هر چند به‌قیمت حیثیت ما تمام شود ...»

همان بود که درسال (۱۸٤۱) آزادیخواهان چاریکار را گرفتند، در شیخ آباد نزدیک غزنی قوای انگلیس تارومار شد، قبایل دره خیبر به قطعه عسکری انگلیس حمله کرد و روحانیون افغانستان علیه استعمار گران جهاد را اعلام داشتند، در سراسر افغانستان شعار پیکار بر ضد متجاوزین پخش شد در کابل سران وطنپرست، قبیله ها، پلان قیام مسلحانه را طرح کردند ودر دوم نومبر ۱۸٤۱ قیام آغاز یافت.

اقشار تهی دست شهری پیشه‌وران، دکانداران، ودهاقین اطراف شهر براقامتگاه برنس نماینده انگلیس حمله ور شدند و او را کشتند. قطعه عساکر انگلیس که در حومهٔ کابل قرار داشتند محاصره شدند در اینوقت اکبر خان پسر دوست محمدخان با شش هزار نفر مسلح وارد کابل گردید، در عین زمان آزادیخواهان سپاه انگلیس را در غزنی، قندهار و جلال آباد محاصره کردند. انگلیسها بزور تطمیع زمینه قتل عدهٔ از سران قیام را فراهم کردند اما ایــن تلاش شان آتش پیکار مردم را شعله ور ساخت تا سر انجام انگلیسها مجبور به تسلیم بلا شرط گردیدند وقوماندانی قوای وی امر کرد تا سپاه و سلاح خود را تسلیم کنند واز افغانستان خارج شوند. نفرت مردم علیه متجاوزین تا آن حد بود که در حدود پنجصد تا ششصد نفر به سختی بتوانند خود را تا سر حد برسانند که آن هم توسط آزادیخواهان به قتل رسید. افغانها جلال آباد، قندهار و غزنی را یکی پی دیگر آزاد کردند و شاه شجاع نیز کشته شد، دوست‌محمد خان که در آنوقت در هندزندگی می کرد به سلطنت افغانستان پیشنهاد و دو باره بر تخت نشست.

قیام ضد استعماری‌سال ۱۸٤۱ فصل نوینی در تاریخ سیاسی، فرهنگی و ادبی کشور ما باز کرد. پادشاهی بار دوم امیر دوست محمد خان همراه با جنگهای زیادی بود تا دولت مستحکم گردد و قندهار و هرات به تسلط در آید. سکها که از تهدید استیلای انگلیس هراس داشتند در بدل آن پشاور را به امیر دوست محمد خان وا گذاشت اما انگلیسها در دومین جنگ با سکها شکست قاطع خورد و پنجاب را جز قلمرو هند و انگلیس ساختند از ترس تصادم جدید با انگلیسها دوست محمدخان عساکر خود را از پشاور کشید انگلیسها برای آنکه توجه دوست محمد خان را از سرحدات هند بر گردانند ویرا به حمله سوی آسیای میانه تشویق کردند ودر اواسط سالهای پنجاه ترکستان افغانی چون ولایت جدیدی داخل افغانستان شد در سال (۱۸۵٤) امیر دوست محمد خان قرار دادی با انگلیسها امضاء کرد که مطابق آن از پشاور و بخشی زمینهای افغانها را که سکها اشغال کرده بودند صرف نظر نمود ودر عین حال تعهد گردید که در امور داخلی هند مداخله نکنند چنانچه در سالهای (۱۸۵۷–۱۸۵۹) همین قیام مردم هند با وصف تقاضای جدی مبین بر ستن افغان مبنی بر پشتیبانی‌از جنبش آزادیخواهی مردم هند، امیر بیطرفی کامل اختیار کرد انگلیسها موافقه نکردند امیر دوست محمد قندهار را اشغال کرد و همچنان بعد ازجنگ ده ماهه در جولای سال (۱۸٦۲) هرات نیز به تصرف امیر دوست محمد خان در آمد. تلاشهای امیر در راه تشکیل یك دولت‌متحد مر کزی با رشد انشعاب طلبی ملاکین‌محلی همراه بود امیر در سالی که هرات را فتح کرد درهمان شهر در سال ۱۲۷۸ ه.ق بدرود حیات گفت.

بعد از فوت امیر فرزندانش به هم در آویختند و از جمله امیرشیرعلی خان درسال (۱۲۷۸) به امارت رسید. امیر شیر علی خان در پی آن شد که خطر برادران را از میان بردارد اما در سال (۱۸٦۷) در جنگ داخلی خودش مغلوب شد ومحمد اعظم خان و عبد الر حمن پسر محمد افضل خان کابل را فتح کردند ومحمد افضل خان رااززندان غزنه آزاد کردند و بر تخت شاهی نشاندند

در سال (۱۸٦۹) امیر شیر علی خان به کمك محمد یعقوب خان دو باره پادشاهی را گرفت و محمد اعظم خان بسوی مشهد گریخت و بعدا در منطقه شاهرود چشم از جهان بست و عبد الر حمن خان خود را به بخارا کشید امیر شیرعلی در زمان پادشاهی خود به ریفور مهایی دست زد، ریفور مهایی امیر شیر علی خان دولت‌مرکزی فیودالی را استحکام بخشید اما بسا نتوانست آینده دور تری را تضمین کند و با حمله تجاوزی انگلیس از هم پاشید و در سالهای هفتاد انگلیسها پلان تقسیم افغانستان را که از مدتها طرح کرده بودند در صحنه عمل کشیدند و تلاشهای امیر شیر علی‌خان برای نجات از خطر حملهٔ احتمالی انگلیس باعث‌آن شدکه جنرال سویتوی روسی‌تزاری وارد افغانستان شود وبا امیر شیر علی خان به‌نمایندگی‌دولت‌روسیه‌تزاری پیمان اتحاد امضاء کند مخالفت امیر و ممانعت قوای سر حدی ازورود چمبرلین بر خاك افغانستان باعث آن شد که دولت انگلیس التیماتومی به افغانستان بدهد و متعاقب آن در نومبر سال (۱۸۵۸) قشون ۳۵ هزار نفری برتانیه به خاك افغانستان هجوم آورد امیر شیرعلی خان تاجار سلطنت را به پسرش محمدیعقوب خان گذاشت که وی با انگلیسها معاهده ننگین (گندمك) را امضاء کرد. معاهده – یی‌که ظاهرا باعث برقراری صلح موقت در افغانستان شده اما دهقانان وپیشه وران و گرو ههای مختلف زحمتکشان مملکت روز بروز علیه معاهده گندمك به قیامهادست زدند که از جمله مبارزات محمد جانخان وردك یوره قابل یادآوری است. وهمچنان ملادین محمد معروف به «مشك عالم» نقش فعالی در بسیج کردن مردم علیه انگلیسها بازی کرد. انگلیسها جنرال رو برتس را با قوای قهاری به افغانستان فرستادند که در هر منزل مردم با سر و سینه راه روبرتس را سد می کردند تا آنکه جنرال موصوف

بقیه درصفحه ۵٦

خوشحال ختک

سنگر

خوشحال ختك دشهباز خان زوی دیحیی خان لمسی او دملك اکوړی کړوسی دی چی په ۱۰۲۲ ه (۱٦۱۳م) کال دپیښور پهختیځه خوا اکوړه کی وزیږید چی په دی وخت کی دګورګانیانو لوی واکمن جهانګیر دټول هندوستان او افغانستان دختیځو سیمو واکمن و.

ددی لپاره چی خوشحال ، دخوشحال نړی لید، دشعر په څرنګوالی او دژوندانه په هکله ښه وپوهیږ ولازمه ده چی دهغه دژوندانه چاپیریال لکه څنګه چی وو څیړو اودرښتینو څیړنوپه رڼاکی خوشحال وپیژنو.

دتاریخ پهشاهدی خوشحال پهیوه فیوډاله کورنی کی زیږیدلی اودکورنی د فیو ډا لی کلتور لهاساساتوسره ترروزنی لاندینیولشوی او دژوندا نه لو مړنی پړاوونه یی دهمدی روزنی ترنیغی اغیزی لا ندی په مخ تللی دی .

هغه دژوندانه په هماغه لومړ یو شیبوکی داکوړی په کلی کی سترګی پرانیستلی او د خانخانی له چاپیریال سره پیژندوی شو .

داکوړی کلی دهغه دغور نیکه ملك اکوړی لخوا جوړ او ترپایه پوری دهماغه پهنومیاد شونو ځکه یی داکوړی کلی په نامه یاد اوه.

دهند لوی واکمن ګورګانی جلالالدیناکبر ددی لپاره چی دپښتنی قبایلو لهیرغلونواو بریدو نو څخه خپله ستروا کی خوندی وساتی دخوشحال غورنیکه ملك اکوړی تهیی داټك اونو ښار تر مینځ پرتی ځمکی دجاګیر په

پهګټهیی دګاونډی قبیلی (یوسفزیو) سره چی دګور ګانیاتو کلك دښمنان وپرله پسی جګړی وکړی .

دشهباز خان ترمړینی وروسته خوشحال خان دګور ګانی لوی واکمن شاه جهان لخوا دختکو دقبیلی مشرداودورکړ شوی جا ګیر دمیر په توګه ومنل شو چی د تاریخ مرصع له روایاتو سره سم یی دژوندانه پهدغهپړاوکی دګور ګانی ښکیلاك ګری او تالا نګری زور واکی په ګټه دګاونډیو قبیلو په ځپلو او ټکولو کیلویه ونډه واخیستله.

داټك او نوښار ترمنیځ دپراخیسیمی جاګیر داری چی دپلار تر مړینی ورو سته خوشحال ته ورسیده دافغانستان اوهندوستان دسوداګری لویه لار ورڅخه تیریدله اودا هغه لویه تجارتی لاروه چی دسمندری تجار تی لار ترپیدا کیدو پخوا د ختیځ اولویدیځ دسوداګری لویهاو مشهوره لاروه .

هغه تجارتی مالونه چی دختیځ اولویدیځ ترمنیځ دملك اکوړی دکورنی د جاګیر لهپولو څخه تیریدل دحق العبور، مالی او پر اټك باندی دتیریدو راتیریوو دټکس پهنامه پیسی اخیستل کیدلی چی داکوړی دکورنی حقګڼل کیده . سر بیره پـه دی خوشحال اودهغه کورنی ته هغه حقونه هم رسیدلکوم چیدیو فیوډالی نظام په دننهکیدواکمنا نو او امیرانو لاس ته ور ځی اوهغه داچی دسیمی دسوداګری دلاری ساتنه هم دهغوی په غاړه

جهان لخوا دهغه مشری او امیری ومنل شو» په ۱۰٦۷ لیږ دیز (۱٦۵۷)کا ل کی چی

شاه جهان پهناروغی اخته شو ژا منو یـــی دواکمنی دتر لاسه کولو په غرض پخپلوکی ونښتل اواخوږ داورنګزیب په ګټه پای ته مینځه یووړل . همدا شان یی دخپل پـلار شاه جهان اوپاتی ورو ڼو پهبندی کو لو سره خپل مخالفین وځپل اودهند دګورګانی امپر-

اطوری دقدرت په ترلاسه کولو واکمنی ته ورسید .

پهدغونښتو او شخړوکی چی داورنګزیب اودهغه دورو ڼوترمنځ وشوی خوشحال خاند اورنګزیب ملاتړ وکړ او په پښتنی قبایلوکی یی دهغی دورور دارا شکوه دنفوذمخهونیوله چیپهپای کی دارا شکوه ماته وخوړله اودخپل ورور پلاس ووژل شو .

کله چی اورنګزیبواکمن شو خوشحالخان یی‌له تالانګرو لښکرو سره تیراته واستا وه چیدهغه مخالفین وټکوی اودتیرا دمخالفینو ترڅبلو وروسته یی داورنګزیب په ګټه دیو- سفزو پرضدیی دجګړی ډګرته ودانګل او ډیری خونړی جګړی یی په مخ بوتلی .

په ۱٦٦٤ م کال کیدکابل والی دخوشحال له زیاتیدونکی نفوذ نه وډار شو اود ګورګانی لوی واکمن او رنګزیب پام یی دهغه پرضد

یاد اچی وایی :

رنتبور خوشحال په خوب لیدلی نهو . آخروشی هغـه چاری چـی تقد یر کـا

هغه یوسفزی چی خوشحال خان یـــی پرضد وجنګید او ډیر مړونه یی وروژل په بده ورځ کی ورتهپه کار شولاو دده دکورنی پت اونوم یی خوندی وساته او هغه خبره رښتیا شوه چی بد تربوډ په بدخای کـی پکار یږی .

پهدی ډول پیښو دژوندانه بهیر بل خـوا وګر ځاوه او خوشحال خان او دهغه دکورنی پنځه اتیا کلنه اندیوالی چی له ګورګانیانو سره یی ساتلی وه په دښمنی بدله شوه او خوشحال خان داورنګزیب دښمن شو.

هغه اورنګ چی خوشحال خان دده لپاره خپل عزیزان او نـږدی ګاونډیان ووژل دده دښمن شواو هغهیوسفزی چی دخوشحال خان دښمنان وو اودده دکورنی دپت او ناموس ساتند ویان شول .

له یوی خوا څخه زړه بو ګنوونکی زندان اولهبلی خو ا څخه دخپل اوپردی تو پیر دخوشحال خان پهژوندانه کی داسی اساسی بدلون منیځ ته راوست چی دژوندانه روښانه لاریی ورته وټاکله اودومره یی وپیښ کړ چی رښتیانی زده کړه یی ورنه وکړه چی پـه واقعیت دسبانی خوشحال دانقلابی شخصیت دښمنه والی لپاره یی لاره هواره کړله .

توګه ورکړی او هغهیی ددی سیمو دټـولـو پښتنو دمیر په توګه ومانه ددی ارتی سیمی ټول واك او اختیار په ملك اکوړیاودهغهپه کورنی پوری اړه درلودهچیزیار ایستونکوپرګنو زبیښاك تهیی دوام ورکاه اودهغویدزبیښلوله لاری یی خپل وړیا خور ژوند اوږداوه .

دملكاکوړی ترمړینی وروسته دهغهځوی یحیی خان چی دخوشحال خان نیکه ودهندد ګورګانی واکمن جهانګیر لخوا دملك اکـوړی دجاګیر دخاوند او دهمدی سیمی دټولو او سیدونکو د مشراو میرپه توګه ومنل شوچی دده دجاګیر داریپهوختکیهم دزیارایستونکو پرګنوبی کچه زبیښاك پایښت وموند .

دالړی همد اشان روانه وه اود یحییخان ترمړینی وروسته شهباز خان دخوشحالخان پلارد جاګیر واکمن شو چی دګور ګانیلوی واکمن شاه جهان لخوا دجاګیر دار او مشر په توګه ومنل شو چی دده په ټول ژوند کی دخلکو دزیار ایستونکوپرګنو زبیښاك جاری وساتل شو .

دده دجاګیرداری په وخت کیله دی سره سره چی دمیشتو پر ګنو استثمار جـاری ساتل شوی ودګور ګانیلوی واکمن شاهجهان

وه او همدالار دګورګانی امپراطوری دژوند شارګګڼل کیده.

داځکه چی لاتر دغه وخته پوری سمندری لاریپیدا شوی نه وی او ځمکنیو لارو خپـل ارزښت له لاسه ورکړی نهوی اوان داچی د ختیځ اولویدیځ ترمنیځسوداګری د ځمکنیواو وچو لارو پواسطه تر سره کیده .

دژوندانه پورتنی چاپیریال چی دخوشحال خان ټولنیز ژوند جوړاوه دهغه دټولنیـز شعور ټاکونکی واوله همدی کبله وچی د ژوندانه په دغه پړاوکی دخپل پلار او نورو سره یو ځای څوځله دګاونډ یو قبیلو پرضد وجنګید او دخپلو طبقاتی ګټو دساتلو لپارهیی کلکی هلی ځلی وکړی .

داچی هغهدخپل جاګیر او دهماغه وخـت دواکمن قدرت دګټو لپاره لهخپلو خلکو اوولس سره جنګیده دادهغه دنړی له اساساتو سره برابر کار وه لکه چی دخلانده اسناد وله مخی ویلای شو :

« د۱۹٤۱م کال دجنوری په میاشت کـی دخوشحال خان پلار شهباز خاندپښتنو لـه یوسف زی قبیلیپهجګړهچی له مالیی ورکولو نهیی سر غړولی وووژ لشو او خوشحالخان هم په دی جګړهکی برخه اخیستی او ټپیشوی وچی دپلار تروژلکیدووروسته دختکو دقبیلی مشر اوددغی سیمی امیر وټاکلشو او دشاه

وګر ځاوه او په ټګیو پیښو رته وغوښتل شوچی تر دوه میاشتو بند وروسته ډهلیته ولیږ دول شو .

هغه یی دځارونکو ترکلکی ځارنی لاندیپه درندو زنځیرو نوکی له پیښور څخه ډهلیته واستاوه او دختکو قبیلی څخه وکړه چـی لاره ونیسی.

او هغه په زور وژغوری مګر دخوشحالخان له مخالفت سره یی دا کار ونه کړ.

هغه یی دډهلی درنتبور ـچی پور پهکلاکی بندیوساته چی تر دوه نیم کالو بند وروسته په اګره کی ترکلکی ځارنی لاندی ونیول شو اودهغه دبندیتوب په وخت کییی ټوله کورنی دیر غمل په توګه ډهلی ته وغوښتل شوه خودیو سفزو دملاتړاو ننګی له کبلـه ګور ګانی ښکیلاك ګرو ونشوای کولای چی ډهلی تهیی بوزی .

خوشحال دزندان پهبوینانګړ کیداشعرو- وایه :

یك تنها په کټ کیپروت یم
بـندیوان دهنـد د کو ټ یـم
دامی حال دامی احـــوال دی
که وایه شی ډیـر مقـال دی
چی په مابا ندی دا حـــال دی
څه دپاسه یـو نیـــم کا دی

خوشحال خان تر دوه نیم کاله بنداوترهغه وروسته پهنظربندی کی وساتل شو چی د خپل ډیر شعرونه یی پههمدغه وختکی ویلی دی او دی زړه بوګنوونکی پیر (وضع) پی دو مره کلکه اغیزه وکړه چی په ده کی یید کسات سوزنده جذبه ژوندی کړه .

دبندیوان او زندان په بوین انګړکی پهدی وپوهیده شخصی واکمنی دشخصیتونودښمن دی او زور واك حکومتونه حتی دده غوندی شخصیتو نه چی کلونه یيورته چوپړ کـړی دی منلی اوز غملی نه شی .

خوشحال خان لکه نورو لویو شخصیتو نو له بند او جیل نه دژوندانه زده کړهوکړهاو همدغوکارکړونو او عواملو په ده کی ډیرلوی فکری بدلون منیځ ته راوست او دښکیلاکګرو اصلی څیره یی دتجربوپههیند اره کیولیدله

هغه په زندان کی نتیجی ته ورسید او او هماله یی دخپل راتلونکی په هکله فکر کاوه او دشپو ورځو په تیریدویی داسی پریکړه وکړه اودا شعریی ولیکه :

پس له بنده دی دا عـــزم
دخوشحال د خاطر جــــزم
یــــا نیولی مـــخ مکی تـــه
یــــا مغـو لو سره رزم.

دروښانیانو دانقلابی غور ځنګ ترټکولو

وروسته دلرغونی افغانستان اقتصادی او اجتماعی شرایط نورهم پخیږی‌او په‌دی وخت کی‌چی پښتنانه قبایل د لیږدیدو ، بریو او نوکر یوپه نتیجه کی لرووږیر دجاګیر دار انو او کر ګرانو په‌ږول دکرنی پرځمکو باندی لویږی اوبه تولیدی قوتونو کی یی دبدلون نښی نښانی خرګندیږی • دمالداری له‌ځنګه دکرګری ژوند چی دملك الطوایفی دمنځ ته راتللو لپاره لومړنی اساسی‌شرط دی ورووړو پیل کیږی چی تر شپاړ لسمی پیړی پوری پا یښت کوی پـــه د ی پـړ ا و کـی پښتو ادب دخپل وخت داقتصادی - اجتماعی اوبه غوره توګه دسیاسی شرایطو داوضاعو دغبرګښا او انعکاس په توګه خرګند یږی

له شپاړلسمی پیړی راپدیخوا دپښتنی‌قبایلو کرګری ژوند دپورتنیو عواملو له‌کبله بدلون مومی اودملك الطوایفی عنا صر مینځ تـه راځی اودملك الطوایفی لو مړنی‌پړاو شرو ع کیږی او داحمد شاه بابا تر واکمنی پـو ری رسیږی •

خوشحال خان‌دهمدغه وخت داقتصادی - ټولنیزو شرایطوزیږنده‌دی او همدغو شرایطو دخوشحـــال خان‌دشخصیت په‌جوړولو کـــی غــوخ نقش در لودلی دی • ددغه شرایطـــو لـه‌زور خیږ لواو پام کی نیولو پرته دهغه د شخصیــت رښتیانی پیژندنه یوناسم اوبرسیر کاردی ځکه چی دشخصیتونو او پیښو پـــه باره کی پرته له عینی قضاوت نه‌سمی نتیجی ته‌رسیدل ګران کـار دی اوبر سیر نه څیړنه هیڅ ارزښت نه لری •

دټولنی تاریخ دتصادفی ، ځانګړو اوبولـه جلا پیښو مجموعه نه‌ده بلکه دسره تړلـــو پیښو مجموعه ده اودیوی ټولنیزی پیښی‌سمه پیژندنه داږ ونده پیښو او چاپیریال دژور تحلیل په ر ڼاکی ترلاسه کیدلا ی شی •

دخوشحال خان دژوندانه په وخت کـــی افغانستان دګاونډیو ښکیلاك ګرو امپراطوریو یعنی دهند دګوړ ګانی امپراطوری -دایران دصفوی امپراطوری اودماوراء النهر یادبـخارا دخانانو دتیریواو لویی غوښتو نکو عملیاتو ډګر ګرځیدلی وچی دهغوی ترمنځ په دری برخو ویشل شوی و •

ختیځی سیمی دګورګانیانو-جنوب لویدیځی سیمی دصفویانو اوشمالی سیمی دبخـــا را دخانانو منګلو ته ورغلی وی خو هغوی هیڅکله په‌نیول شوو سیمو بسوالی و نه کړ بلکی دخپل واکمنتوب دچاپیریال دیراخو لـو لپاره یی خو خو ځله افغانستان په له‌سره ویش باندی یوله بل سره جنګیدلی دی • خوشحال خان په دغـو پور تنیو شرا یطـــو کی زیږنده دی •

کله چی هغه له زندانه‌ازاد او دګورګانیانو پرضد یی دهیواد ژغورنی ژغورنده جګړه‌پیل کړه او اورنګزیب دهغه دټکولو لپاره یولوی لښکر واستاوه چی خوشحال خان په همد غه وخت کی دابولله ولیکه :

چی په خوابه خاطر ،نه هسی عیان شی
خینی خه چاری پیدا په داجهان شی
په‌لاچی په چوتره و کـــر ز یـــد لــــم
اوس می‌کشت داپرید یو په میدان شی
لکه باز په یوه غره کرزی بل ګودی
بیازمانظر دسوات په کوهستان شی
دمغول منصب‌می‌بریښو د هسی خوښیږم
لکه خلاص دلوبه بنده بند بوان شی
که‌می چیری ننګیالی په لاسو کښیوزی
پـــــری به‌لیری دازمـا دزړه ارمان شی -
ومغــولـــو ته به‌هسی کـــار ښکاره کــــرم
چی راضی را خخه روح دفریدخان شی
په جهان دننګیالـــی دی دادوه کاره
یابه وخوری ککری یابه کا مران شی
دبازونو دکار کانو مصاف وینـــــــم
تردامینځ‌به‌یـــی دوینو رود روان شی
عاقبت به دخدای ظفر کاد بازا نــــو
تار په تار به آواره واړه کار ګان شی
دزمریو مرتوب پـــه لښکر نـــه‌وی
منځ یـــی هر کـــله یوازی پخپـل خان شی
آزادی تربـاد شا هیــه لا تیـــر ی کـا
چی دبل تر حکم لاندی شی زندان شی

دهمدغه هوډ او ژمنی په نتیجه که چی‌له زندان څخه آزاد شو او خپل ټاټوبی ته‌راستون شود ابا سین ددی غاړی داوسیدونکو پښتنو او افغانانو دبرباد شوی پت دګټلو لپاره یی ملاوتړله او یوملی غور ځنګ یی پیل کړ •

داهغه پړاودی چی پرونی خوشحال خان یی په ننی یا انقلابی خوشحال بدل کړی‌او که‌پرون دګور ګانیانو او خپل جاګیرد ګټو د خوندی کولو لپاره دخپلوخلکو په غمدجنګیده خونن له‌خپل اوولس سره‌یومونی، نه‌بیلیدونکی اواوز ه‌په اوږه دګورګانیانو ضد جګړی ته‌یی وردانګلی دی•

ننی خوشحال دیوه رښتین مشراو پتمـن لاربنود په‌توګه دخپل ولس ترځنګ دریدلی-دخلکو دژغورون جنده‌یی جګه کړی- دخلاصون دغورځنګ لوی لښکریی مینـــځ ته‌راوستی او دخپلو تکره ملګرو (ایمل خان او دریا خان) په مشرتابه یی هیواد باله جګره پیل کړه، ګورګانی لوی واکمن اورنګزیب هیله‌درلودله چی خوشحال خان به یوځل بیا پخپل لومه ښکیل کړی نو ځکه یی ورته دیوسفزودلویی سیمی حکمرانی ور وړاندی کړله مګر دغـــه حکمرانی یی ونه منله او دژوند ترپایه پوری دګور ګانیانو پرضد ودرید • کله‌چی ګورګانیان ور څخه ناامیده شول دهغه خوی بهرام خان یی دټکیوبه‌تلک‌کی ونیو اودپیسو په‌زوریی له پلارسره دښمن کړ چی خانځانی داوریه لګولو سره خوشحال خان کمزوری‌کړ اودهغه دبرید مخه‌یی‌رونیوله •

خوشحال خان دهغه تکل له مخی چـــی دګورګانیانو پر ضدیی دجګړی بر یکړه کړ یوه په ټولو محاذونو کی یی خونړی جګړه جاری وساتله چی داجګړی دمیشتو او ښکیل شوو قبایلو دملی غورځنګ ، ویښتیا اوپا خون لپاره دیو ضرورت حیثیت درلود •

په دغو ژغورنده جګړوکی خوشحال خان، دریاخان او ایمل لویه ونډه درلودله چـــی دغښتلو قوماندانانو په توګه یی دهشرتابه دنده سرته ورسوله خوداهم باید هیرنه کړو چی دریا خان او ایمل خان تر خوشحال خان غته ونډه‌درلودله • مګر داهم باید په‌یادولرو چی خوشحال خان لـــه دی سره سره چی دتوری خاوند ودلیکانی او شعر خاوند هـــم وچی دشعر په‌توره یی ددښمنانو خوله‌ماتولـه اودخپل ولس له‌ویښو لو او پا خــولو سره لویه مرسته کوله •

ده او دده کورنی دپښتو ادبیاتو بنسټ کښیښود او پښتو ژبه یی پخپلو ښکلو نظمونو او نثرونو ډیر بډای کړ اوپه‌دی‌لړکی یی یونوی ښوونځی شته کړچی دراتلونکو لیکوالو اوشاعرانو لپاره یی لاره هواره‌کړلـه او دهغوی داستعدادونوله پراختیا اوغوړیدو سره ډیره مرسته وکړه‌ددی دوری دشاعرانو او لیکوالو بډایوالیاوروپښتو ژبی‌پراتلونکو لیکوالواو شاعرانو باندی دومره اغیزه‌کړیده چی دهغوی په آثارو کی یی نښی نښانی په ډاګه لیدل‌کیږی •

دمخه موږویل چی ایمل خان اودریا د خوشحال خان دژغورنده جګړی دخونړی‌ډګر تکړه ملګری ووچی په دغه جګړه کی یـــی دخوشحال خان په‌پرتله غټه ونډه‌درلودله خو کله چی هغوی دهیواد دژغورون په لارکـــی خپل هوډجن سرونه وښیندل او خـــو شحال خان یوازی پاتی او ملابی ماته شوه • په دی وخت کی له‌یوی خوانه خـــو شحال خان دسپین ږیرتوب منګلوته ورغلی واوله بلی خوانه دخان پلورونکو دټټالونو سره‌مخامخ شومګر دټولوستونزو او دیرونو په وړانـــدی په کونډ ونه شو او په همدغه پیرکی یی‌خپل غږ دشعر په ژبه داسی جګوی :

زمانـــی له ښوبارانونه مهجور کــــرم
خه بلایی مبتلابه ډیر ضرور کړم
اوس په مادخوشحالیه نوم جوړ نه دی
چی داهسی زمانی له غمه پور کـــرم
اشرف خان په‌ناپوهی‌به‌غم کی‌ونیښت
زدده غمونو لایه زړه رنځور کــــرم
جدایی دصدر خان لکه سود اور و
که دواړو فرزندانو غم جور جور کرم
مرګه هومره مهلت راکړه په‌جهان کی
چی جمدرد مدعی په‌ونیو سور کــرم
که‌یی درست دمتو زور راته ښکاره کړ
بیا فلك سره‌کښتی‌پخپل دستور کرم
مست هاتیان خونی‌زمری په زنځیرکیږی
یوبه داچی خان فلك وته ترپور کرم
پخپل آه می باور شته اثر به وکا
رقیبان به اور لرونی دتنور کــــرم
چی می فکر داذل په توری و شــــــی
په داکار کی خپل پردی‌واړه مقدورکړم
هغه کلك باور در لود چی دانسان لویی په‌لوړ همت پوری تړلی ده ځکه‌یی بی‌همتی ته هیڅکله غاړه کښی نښودله او په ټول ژوندکی په همدی هوډ اوتکل پاتی شواو

داپی همیشنی شعار شو چی ویلی یی دی
که آسمان دی‌دزمری په‌خوله‌کی ورکړی
دزمری په خوله کی‌مه پریږده همـــت
یاداچی وایی :
په جهان دننګیالودی دا دوه کاره
یابه وخوری ککری یابه کا مران شی
یادا :
دمنت دارو که‌مرم‌به‌کار می نه دی
که علاج لره می راشی مسیحا هم

خوشحال خان دشلو کالو وچی په شعر ویلویی پیل وکړ چی دشعر ویلو موده یی ۵۸ کلونو ته رسیږی او په دغه موده کی‌یی چی خومره اشعار او ځنګه اشعار چی ده‌ویلی دی هم ډیرښت او هم دتنوع له مخی دبل پښتانه شاعر په برخه شوی نه‌دی •

دیوان یی په عشقی ، حماسی ، اخلاقی، فکاهی او حکایوی شعرونو ډك دی چی په بیلابیلو ډولو نو لکه غزل ، بوللی، رباعیات ټوټی ، مخمس ، مسدس ، مثنوی او نورو ویل شوی اوددوند انه پر هراړخ‌اوهرخواکی غریدلی دی‌او داشعاروډیره برخه‌یی دتاریخی پیښوپه باره‌کی ویل شوی او دخپل وخت دډیرو پیښو خرګندویه ده•

دخوشحال داخیره رښتیا ده چی پښتو شعر دده پوسیله ډیره پراختیا ومونده چی دکمیت او کیفیت له مخی په کی ډیر لوی بدلون راغی او دنورو لپاره یی ډیره لوبه‌لاره پرانیستله او په ده پسی دشاعر انو ډیر لوی کاروان را روان شو •

هغه ته دپښتوادب دلوی کاروان کاروانی ویـــلای شو او کـــه چیری دپښتو ا د ب تاریخ ته یوزور نظروکړو دابه راته څر ګنده شی چی له‌ده نه وروسته په‌ده پسی ګـــن شمیر شاعران را پیدا شوی اوآن داچـــی دهغه داشعار و ترنیغ‌تاثیر لاندی یی شعرونه ویلی دی نو ځکه یی دپښتوادب پـــلار ګڼـلای‌شو•

دیورتنی خبری دثبوت لپاره دپښتوادب دشاعرانو او بهرنیو پوهانو نظریات وړاندی کووچی دهغـــوی په‌رڼا کی‌دخوشحال خـــان دشخصیت په هکله سمی خرګندونی وکولای شو •

کاظم خان شیدا ویلی دی :
په‌دی فـــن کـــی خو اشخاص
ډیر زمونږ خـانـدان خـــــاص
یو میرزا ، دولت ، واصل هم
بنه کلام لری حاصل هـــــــم
دپښتو شــعر معلوم و
په معنی کـــی کـاالمعدوم و
چی قلم پـــلاس دخــان شو
مرتب یـــی لـــوی دیـــوان شو
تصانیف یـــی فـــراوان شو ل
مستند د درست افغـــان شول
هر شاعر چـــی دافغـــان دی
ریزه چین‌دخــــان دخوان دی
خــــان ممتاز د تمام روه دی
بـــل استاد ددی گـــر و ه دی

نوربیا

درمحکمهٔ فامیلی چه خبراست؟

ماجرای زن وشوهرهای جوان وشکایت تکسی رانی ازدست خشو

اینبار من وفوتو راپور تر مجله کمی ناوقت تر به‌محکمه فامیلی‌رسیدیم‌وموفـــق نشدیم از نزدیك جریان شکایات دو زوج جوان را که اندکی قبل از رسیدن ما دفتر را ترك نموده بودند بشنویم و عکسی از آنها تهیه نمایم مگر قضیه آنها را رئیس محکمه فامیلی اینطور حکایت نمود: دو فامیل از سالها دوستی ورفت و آمد بین خود داشتند ووقتیکه صاحب اولاد شدند دوستی بیشتر شد چون اولاد های هردو طرف باهم همبازی های‌خوبی شدند یك پسرو یك‌دختر فامیل اول، ویــك‌دختر ویك پسر فامیل دوم داشتند.

سالها گذشت دختران‌وپسران جوان شدند ودوستی وعلاقه وبالاخره عشق های جوانی‌بین آنها بوجود آمده وگپ به ازدواج هر چهار نفر انجامیده و آنها هر کدام صاحب کودکی هم شدند. مدتی زندگی خوش وبی سرو صدایی داشتند. مگر نظر به بولهوسی و خواهشات بیجای یکی از زنان جوان زندگی آنها را مختل ساختــه و بخدا معلو م کــه . . .

وی افزود: اینکه‌این برابلم‌را بوجود آورده وتاهمین نیم‌ساعت قبل‌همین جاآمده‌بود ظاهرا آدم‌خودخواه ونامعقول بنظر میامد واونظر بگفته شوهرش تقاضا های بیشمار وفـــراوان دارد مثلا از شوهر میخواهد که خانه مستقل بگیرد، لباسها وزیورات قیمتی برایش بخرد واورا به سفر خارج ببرد درحالیکه شوهرش مامور ساده دولت بوده ومعاش اوخواهشات زنش رابرآورده ساخته نمیتواند. مگر زن مدتی است اصرار دارد که یا خواهشاتش بر آورده شود یا طلاق بگیرد. که درینجا شوهرش برسر دوراهی‌قرار گرفته از یکطرف کودك دارد وسر نوشت اورا مدنظر می‌گیرد واز جانب دیگر به زنش هم که سالهاست زندگی مشترك دارند علاقه‌داشته و نمی‌خواهد اورا برسر موضو عات مـــادی از دست بدهد موضوع مهم دراینجا ست کـــه اختلافات آینده بالای‌زوج‌دیگر که اقارب نزدیك اند هم تاثیر انداخته و برسر اختلافات زوج اولی آنها باهم جنگ ودعوی می کنند مـثلا زن دومی میگوید: «خواهرت زندگی رابکام برادرم تلخ ساخته» وشوهرش میگوید: «حتما کدام کاسه زیر نیم کاسه است که خواهرم بهانه گیری میکند حتما برادرت گناهی‌دارد» ودرنتیجه گفتگوی اینجا هم بالا می‌گیرد وکار بمحکمه فامیلی می‌رسد.

دراینجا قاضی علاوه نموده گفت: این نوع رفتار بعداز ازدواج مخصوصا آنهائیکه اززندگی قبلی یکدیگر از نزدیك بخوبی اطلاع وآگاهی دارند، این درست نیست که بعداز ازدواج توقعات دو طرف که چندان معقول هم‌نباشد شروع گردیده وزندگی را بکام یکدیگر تلـخ بسازند وکار به طلاق دادن و طلاق گرفتن برسد. مخصوصا که در زندگی دو نفردیگر هم تاثیر زیاد داشته باشد.

من همین صبح بازنیکه اینهمه مـــا جرا هارا خلق‌کرده از نزدیك گفتگو نمودم درك کردم کـــه احساساتی وبولهوس میباشد او میگوید حاضر به طلاق نمی‌شوم در صورتیکه شوهرم خواسته های مرا بر آورده سازد.

درحالیکه ریشه اختلافات زوج دومی (که گفتم زندگی آرام وساده ی را می‌گذشتاندند) عمیقتر گردیده وآنها برای گرفتن طلاق بسیار جدی شده‌اند و فعلا محکمه موضوع آنها را بحکم محول ساخت که هر چه زودتر برای خود هردو طرف حکم انتخاب نمایند.

رئیس محکمه فامیلی بااظهارات مطالب فوق چنین ادامه داد: گرچه ایند وزوج بحساب امروزی ازدواج کرده اند یعنی آنها قبلا‌معاشرت وآشنایی داشتند به اصطلاح بدلکان در کار نبوده. مگر متاسفانه ازدواجها بشکل بدلی در اکثر دهات کشور دیده میشود که بعضی هادرین راه حتی مبالغه هم می‌کنند. قسمیکه یك مرد هفتاد ساله دختر خودرا برای خودبدل میکند طبعا دختر ی را که بزنی می‌گیرد سن دختر ش وحتی نواسه اش را میداشته باشد وهمینجاست که‌اختلافات دایمی شروع میشود

ودردهلیز محکمه خشو و دامادی کـــه شـما عکس آنها را مشاهده میکنید توجه ام را جلب میکنند، آنها سخت مشغول مشاجره بودند دودشنام وطعنه های عجیب وغریبی‌نثارهمدیگر می‌کردند.

اززنی که‌چادر نماز سیاه بانشانه های‌زردو سرخ دارد می‌پرسم برسرچه‌مو ضوع‌گفتگوی باین شدت دارید؟

میگوید: «دختر من صغیر بودکه‌پدرنادانش ناخود آگاه جبر کردو اورا باین غول بی‌شاخ ودم داد اینمرد شاگرد سماوار چی است همین حالا هم نان چاشت وشب خود راندارد مگر دماغش به اندازه ایست که هیچ کس را بنظر ندارد و میگوید من هستم .... و دختر مظلوم مارا روزی چندبار ببهانه های ناحــق لت‌و کوب مینماید و ناسزا می‌گوید تمام سخنان او دواست وپوچ گفتن، من که مادر هستم دلم دیگر طاقت نیاورد و میترسم که کدام بلایی بسر دختر کم نیاورد همین بود که عریضه‌دادم ودر خواست طلاق دادم ناگفته نماند که دخترم صغیر است ومن وصی اوشده ام. درخانــه شوهر پیرم ویك پسر گنگ ام بامن زندگی میکند. دو دختر بزرگتر را عروسی کرده‌ام که‌آنها خوش و آرام هستند.

مرد که از سخنان زن خیلی ناراحت شده بود ودندانهایش را می‌سائید میان حرفهای زن‌دویده گفت: «دروغ محض میگوید.حرفهای اورا نشنوید، فریب زبانش را نخورید اواز اینکه اینهمه دروغ را مقابل چشمان من که یکعمر همراهشان زندگی کردم میگوید و هیچ خجالت نمی‌کشد من زنی به بدی این زن تا امروز ندیده ام.»





مرد: وقتیکه پول داشتم عزتم می کردیدوامروز زنم رامیخواهید ازمن جداکنید
زن: ماپول ترا از اول ندیده ایم

زن گفت: «ازتوهم بدتر هستم ؟!بلا‌به‌قواره تو!

مرد ادامه داد: «آنوقت که‌اینها دخترشانرا بمن دادند پولدار بودم سر پولم(سرخ) شدند سماوار از خودم بود ودو پسرش که حالا نمی‌دانم کجا هستند شاگردان سماوار من‌بودند من از همان اول فهمیدم که غلط کردم مگر چاره نداشتم مسئله ننگ وناموس بود.

بقیه درصفحه ۵۲

دسرو یاقوتو ونی

تیرپسی

چی دکوم اولاد خاوند شی اوله مړینی وروسته بی‌په‌نړی کی‌یو جزپاتی شی... یعنی دهمیشنی ژوند یوډول خیال‌دی خلورم‌دپاك زړه غولول لکه چی ماسره یی وکړل . نو کوم دی عشق بی عرضه بی هیلی عشق ، له قربانی اوبی له امیده عشق، هغه عشق‌چی‌ویلی‌یی‌دی، «دەرك پەشان‌پیاوړی دی» کوم‌دی؟ پوهیږی هغه عشق چی دهغی لپاره ټولو قهرمانیوته لاس اچوی ځان قربانوی ، هری لانجی اوستو نزی تـه ځان ورکوی ، هیچ ډول رنځ او زحمت نشته

بلکی داټول یوازی خوښی او خوښحالـی‌ده، ورا صبر وکړه بیاهم غواړی له واسیلی څخه خبری و کړی ؟ په‌ربښتیامی هغه خو ښیـږی هغـه ښه خـوان د ی ، ښا یـی پـه راتلونکی کی وښئی چی‌دده عشق یومقدس‌اوپاك عشق‌دی، خـوو پوهیږه‌چـی زه دکوم عشق خبری کوم ، عشق باید غمناك وی او تراژیدی وی، دنړی ډیر ستر رازیکی پروت‌وی! هیڅ ډول دژوندارامی ، حساب او سازش باید دهغه مقدس جوړښت ته لاونه مومی.

ورا په وار پوښتنه وکړه :

گرانه پلاره تاسو داسی‌هیڅ‌عشق‌نه‌دی لیدلی زاړه‌سړی کلك ځواب ورکړ:

نه ، البته ماددی په شان دوی پیښی لید لی دی .

خویوه دحماقت اوبی عقلی او بله یی ... فکر کیده ، ډیره‌غمگینه‌وه. که غواړی چی وایی وری بیانولی‌یی شم لنډه نه‌ده.

-گرانه پلاره‌وواياست ،هیله کوم ووایاست.

-هو! زموږ دلښکر یوه‌قوماندان ښځه درلوده

ورا جان باید ووایم چی ددغی ښځی ښیره‌دچاپه زړه برابره نه ؤ، سره‌ویښتان ،لوړقد، کمروزی ستره خوله، غوسه‌ناکه اولوړتیا غو ښتونکی او فکـر کیـده هـر و خت به‌یی خلکو تـه ته دسپکوی په‌سترگه کتل او تریاك (اپیـن) یی‌ډیر استعمالول.

یوسړی چی‌دافسری له ښوونځی څخه نوی فارغ شوی‌ؤ له‌یوی میاشتی وروسته دغـی بی‌قواری ښځی پخـپله قبضه کی راوست . دناخاؤ په غونډوکی به تل ورسره ناځیده .

یوکال، نه ؤ تیرشوی چـی د غـه بـی قواری ښځه له دغه سړی څخه ستړی‌او په‌تنگه شوه اوبیاهم دپخوا په‌شان پخپل ځان مغروره

اود میړه پروایی نه‌لرله. خومیړه بی طاقت نه‌کیده اوتر شابه یی منډی پسی و هلی او دو مره رنځیده چی‌بیخی کمزوری‌شوی ؤ یوه ورځ‌می هغو ی می‌په‌میله کی‌وپیژندل.

یوه‌شپه هغوی‌داورگاډی دکرښی‌ترخنگ‌دکور په‌لور روان‌ؤ ناڅاپه یوباروړونکی اورگاډی‌راغی کله چی اورگاډی ورنږدی شو ، دغی ښځی‌ورته وویل : تاسو تل له ماسره دمینی خبری کوی که‌چیری زه امر وکړم :«تاسو خـا مخا ځـان تراورگاډی نه‌لاندی کوی »ستوان‌بی‌له‌دی چـی

ځواب ورکړی وتښتیداو ځان یی‌تر اورگـاډی لانـدی وغور ځاوه او دوه نیـمه کیـده خویوه احمق په‌سرو واهه‌چی ستوان وژغوری مگر زور یی پری ونه رسید او ستوان دواړه لاسونه داور گاډی په پښلیو پوری کلـك نښلولی وو او اور گادی دده دواړه لاسونه غوڅ او پری کړل .

ورا چیغه وکړه .

ستوان‌مجبور شوله پوځ څخه گوښه شی زړه یی نه غوښتل په ښارکی پاتی شی، ملنگ شو او په‌پټرز بورگ کی‌په‌یوه ځـای کی کنگل او مړ شو .

یوه بله پیښه هم بیخی غمگینه وه بیاهـم ددغی ښځی په شان یوه بله ښځه وه‌خوهغه ځوانه ، ښکل او ډیره بداخلاقه وه او دخپل میړه یی هیڅ پروانه کوله میړه یی په ټولو شیانو پوهیده ،خو په بی پروایی سره به‌یی ویل . (تو پیرنه کوی په ماپوری اړه نه‌لری پر یږدی چی زما لناجانه خو ښه وی .)

دی ښځی‌له یوه بل افسر سره‌چی دهغی‌له میړه سره په لښکر کی یو ځای وو ډیـره مینه درلوده اودری کسیز ژوندیی کاوه چی‌گنی ددوو میړو واده یوقانونی واده دی.

پدی وخت کی موږ جگړ ی ته تللو ښځی‌او خدای په‌امانی ته‌راغلی وی داهم راغلی وه‌خو یوځل یی میړه ته ونه‌کتل اودخپل یارپـه غاړه‌کی یی لاسونه اچولی ؤ کله‌چی راوان‌شوو ښی‌برشرمی‌ښځی‌خپل‌میړه‌ته‌وویل: هیردی نشی

دولود خارنه کوه که چـیری یـی و ښته تاوان ورسیږ ی نوله کوره ځم او بیا نه‌راځم اوزامن لـــه ځانه سره بـیایم ښا یـی داسی فکر وشی چی دغه سړی ویرید ونکی اوبزدله و اوزړورو سر تیری نه‌و مگـر ده د(زالیو ینه) په‌غرونوکی شپږ ځله دتر کانو په‌کلك سنگر برید وکړ اوله دوو سوو تـنو څخه یوازی خوارلس تنه ژوندی پـا تـی شول سره ددی چی دوه ځایه ژوبل شوی و دی حاضر نه‌شو چی پټی‌پری ولگوی اوپه‌ټولو افسرانو گران و.

خو ښځی یی ورته آمرکړی و ، ده هـم ددایی او مور په شان دټنبل او ویریدونکی ویشنیاکوف پرستاری کوله او دده په ځای به کلکو سنگر ونو ته‌تللو ، استحکامات‌به‌یی جوړول اوهغه ټنبل به قمار واهه .

ورا جان فکر وکړه‌دغه‌کار په داسی‌شرایطو کی‌وچی دترك سرتیرو زموږ عسکروژل‌اوسرونه یی‌تری پری کول خوکله چی خبر شو چـی ویشنیاکوف په پوځی روغتون کی دیوی سختی ناروغی له‌امله مړ شوی ټول‌خوشحالـه شوو .

ورا پوښتنه وکړه :

گرانه پلاره نو داسی ښځه مولیدلی ده‌چی په‌رښتیا عاشقه وی؟

ـالبته ـچی لیدلی می‌ده ، ورا جان البته زه به په‌دی برخه کی څه درته ووایم : زه باور لرم‌چی‌تقریباهره‌ښځه حاضره‌ده دعشق په‌لارکی سترو قهرمانیوته لاس واچوی. په‌دی وپوهیږه چی ښځه مچ‌کوی ، په غیږکی یی نیسی ، تسلیمیږی او مور ده ، ښځه‌کله‌چی عاشقه وی. نوددی لپاره دژوند ټول مفهـوم عشق دی خو داچی عشق دخلکو په منځ کی دغه‌شان دپستی او ټیت همتی ښه‌غوره کـړی نوبیا یوه کوچنی تفریح بلل کیږی، ښځی هیـڅ گناه نه‌لری ، گناه دنارینه ودی چـی په‌شل کلنی کی‌یی‌سترگی مړاوی او بدن یی کمزوری شی اودو مره ویریږی چی دعشق په مقابل کی دکلك شوق ، قهرمانی ، ناز او پالنی قابلیت نه‌لری وایی چی پخوا داـ ټول وو

ښه، گرانی دو جدان له مخی ووایه ،چی هره ښځه دزړه له کومی ددغه شان عشق‌هیله نه‌لری ، هغه یوازینی‌عشق چی په عین‌سادگی کی اوتواضع کی دهر ډول قربانی لپاره تیاردی ؟

ـالبته چی‌لری‌یی ،گرانه پلاره ، البته...

ـخوکله چی دغه عشق‌نه‌وی ، ښځی انتقام اوغچ‌اخلی، نږدی دیرش کاله به‌نور تیر شی ... زه به یم که‌به‌نه‌یم ، خوښایی تـــه

(ورا جانی) به‌یی ووینی، ز مـــا خـبری په یاد لره له دیر شو کالو وروسته به‌ښځی بی ساری قدرت ترلاسه کړی . دهندی ښتانو په‌شان به‌کالی واغوندی اوموږ نارینه بـــه دغلامانو په‌شان تر فشار لاندی ونیسی‌د هغو احمقانه هوش‌ناز اوکرشمی به زړونوازارونکوپه

شان وی او ددغو ټولو بلا ووسبب دادی چی موږ پر له پسی خونسلونو ونه کول شول

عشق محترم وبولو او دهغه درنوی وکړو . دابه غیچ او انتقام وی ،په فزیکی قانون‌باندی پوهیږی دعمل طاقت دعکس‌العمل‌له طاقت سره برابردی.

جنرالانو شان ته غلی شو اونا څاپه‌یی پوښتنه وکړه .

ـورا جان ، ووایه ، البته که سخته‌درته نه وی .

دادتلگرافچی پیښه چی نن یی شاعزاده واسیلی بیان وکړ، څه‌ډول‌وه؟

په دی پیښه کی‌کوم ټکـــی رښتیادی او کوم ټکی‌یی په‌معموله توگه له ځانه جوړکړی دی .

ـمگر ستاسو لپاره په زړه پوری ده .

ـپخپله پوهیږی، ورا هر ډول دی چی زړه غواړی ، که تاسوته په کوم دلیل ناآرامه کوونکی ده ... ؟

نه، خیر اصلا ناآرامه کوونکی نه‌ده . په ډیری خوښی سره به یی درته ووایم . او دهغه لیونی سړی داستان یی چی ددی له واده څـخه دوه کاله دمخه په‌دی پسی‌و اود عشق اوعاشقی .خبری کولی له ټولو جزئیاتـو سره هغه ته بیان کړ :

دی یو ځل هم دغه سړی نه‌دی لیدلی اود کورنی نو م یی هم نه پیژنی دغه سړی دی ته یوازی لیك استاوه اودگـش ـ ژ لاسلیك یی کاوه ، یو ځل یی اشاره کړی وه چی په یوه دولتی‌اداره کی کار کوی خود تلگرافخانی په‌باره کی‌یی هیـڅ نه‌و لیکلی، خامخا یـــی پرله پسی‌تعقیبوله ، ځکه په لیکونوکی یی په دقیقه توگه لیکل چی په کوم مجلس کی اوله کومو کسانو سره وه او کومی جامی‌یی اغوستی وی ، لومړی‌یی‌لیکونه عامیانه ، تاوده عجیبه ،خو پوره بانزاکته اوله پاکی ډك وو په پای کی ، یوځل‌وراهغه‌سړی‌ته‌لیك ولیږه «په‌دی ترڅ‌کی وراله جنرال څخه هیله وکـړه چی دلیك په باب هیچانه څه‌ونه وایی ، ځکه دهغوی په کورنی کی‌له دغه لیك څخـه څوك نه دی خبر » او هیله یی‌تر ی‌وکړه چی نور خپل عاشقانه زړه دردسره دی ته‌تکلیف ورکړی .

بقیه صفحه ۳٤

طفل شامل صنف..•

شسته میشود وبعد از شستشو با آب گـــرم یامحلـول سر که وآب آنرا آبکش نمایید • اگر مو ها کو تاه باشد سر از قسمت‌پیشروی به طرف عقب شانه زده می شود و اگر مو ها دراز باشد بر عکس چندین بار از قسمت عقبی سر بطرف پیشرو شانه میشود شا نه را بسیار به پوست سر فشار دادن مجا ز نیست چو نکه در اثر آن ریزش مو پیدا میشود .

بهتر است مو ها را صبح و شام توسط شانه های پلاستیکی و یا استخوانی شا نه بزنید و شانه را هم هفته ای یکبار بشوئید.

لازم است خاطر نشان گـردد که شا نهٔ خود را به کس دیگر دادن و یا ناخن گیر خود را جهت استفاده دیگر عاریه کـردن درست نیست زیرا ممکن است طرف مقا بل و یا شخصی دیگری به امراض جلدی مصاب گردند•

مهارت های بسیط حفظ الصحه که‌با ید عادت اطفال قرار بگیرد میتواند صحت طفل را نگهداری نموده و طفل را از بسی امراض در امان داشته باشد . نمو نهٔ مثال بودن والدین در امور رعایت حفظ الصحه ارزش قابل ملا حظه ای دارد .

برای آنکه قابلیت کار کردن در طفل ایجاد شود واو بتواند با پشت کار به آرامی دروسش رادر مکتب ادامه دهد و به د قـت به معلم گوش داده از او امرش اطاعت کرده مقررات درسی را رعایت نماید قبلا بایـد زحمت کشی و تحمل را بوی آمو خت به تدریج و به شکل سیستما تیك بهتر است او را برای گر فتن دروس روز مره ، بـا رسا می ، خطا طی ، مجسمه سازی از موم وبه‌دقت گـوش دادن به‌درس آماده سا خـت باید متو جه طفل بود که بصورت متناوب به بازی های آرام و پر تحرك اشتغال ورزد .

در ختم بازی باید از طفل تان مطا لبه کنید که تمام بازیچه های خود را جمع کند و اگر این بازی شان با کتاب و کتا بچه و قلم باشد باز هم آنها را خود شان جمع نمایند . این عمل آنها را مر تب بار آورده و به آنها عادت مید هد که با اموال شخصی خود تو جه خوب داشته باشد .

از همان روز اول درس باید به طفل مکتب رو تان بیا مو زید که کتاب و کتابچهٔدرسی چگونه نگهداری میشود : پوش کردن منظم کتاب و کتا بچه با کاغذ سفید و پاك ،چتل نسا ختن و پاره نکردن آنها ، کتاب و کتا-بچه را قات کردن ولو له کردن آنها چقـــدر کار زشت و نا درست است .

طفل مکتبی مجبور است پس از ختم درس کتاب و کتا بچه اش را به جای معین وآنچه را برای فردا ضرورت دارد در بین بکس خود بگذارد .

اطفال مکتبی خورد سال خوش دارند هر چه بیشتر کتاب و کتا بچه به مکتب ببر ند ولو که‌تمام آنها ضرور هم‌نباشد• واین امـر سبب میشود که‌بکس او ازحـدزیاده سنگیـن شود• سعی کنید صرف آنچه راکه مر بـوط به تقسیم اوقات مکتب اوست با خود حمل نماید .

حمل و نقـل دایمی بکس یا دستکول‌سنگین به مکتب تا ثیرات منفی با لای قامت طفل وارد می نماید . واز همین سبب است کـه برای اطفال خورد سال مکتبی بکس پشتکی تو صیه میشود که نسبت به بکس دستی صحی تر بوده و جلو کج شدن مهره های ستون فقرات رامیگیرد•

علا قمندی طفل به‌لباس شخصی اش خیلی با اهمیت است لازم است که بطور حتمی طفل پس از آنکه از مکتب باز گشت لباس مکتب را از تن بیرون کند و لباس خانه پوشی خود را بتن نماید . بو تها یش باید همیشه پاك باشد وبه جای معین آن گذاشته شود .

هیچگاهی لازم نیست بالای طفل فریاد زد ویامتوسل بزور شد اگر کدام‌کارخلاف‌ویاغلطی از طفل تان می بینید با این کار خود بزر-گان در حقیقت بی حو صلگی خو یش را در امور تر بیه طفل مکتبی ابراز میکنند ودرعین زمان شاید تاثیر مثبتی را که از عمل خود انتظار دارد در امور تر بیهٔ طفل و جهازعصبی او به اثر منفی مبدل گردد . به طفل باید احترام گذاشت . هر نوع تو هین و تو بیخ برای آنها درد ناك است . مخصو صاء اگر در برابر بیگا نگان ، همسا لان و همصنفان آنها انجام شود . اگر از اطفال گناهی سر میزند بهتر است به ملا یمت آنها را بـه اشتباه شان ملتفت گردانید و به ایشان‌به فهمانید که عواقب و خیمی در قبال این عمل در کمین است .

دانستن مطا لبات بزر گان تو سط اطفال خیلی ها با ارزش است• والدین باید بـــا تامل وحوصله به‌آنها تو ضیح نماید کـــه بدچیست وخوب کدام است و کدام یـــك از آنها در صحت و سلا مت ودر حیات آیندهٔ آنها مفید و مثمر است . مقتضیاتی که در

برابر طفل قرار میگیرد باید برای هر یك از افراد خانواده به یك نحو تعبیر شود ویك حکم داشته باشد• شرط اساسی تربیهٔ نور-مال طفل مکتبی عبارت از ارتباط دایمی والدین بامکتب است، یعنی تماس نزدیك با نگران صنف و طبیب مدرسه ایکه طفل شما درآنجا تدریس میشود شرط عمده واساسی تر بیـــه طفل شما را تشکیل میدهد . مشا هـــدات مشترك والدین و مر بی طفل امکا نات آنرا میسر می گرداند که طرز پیش آمد انفرادی با شا گرد تثبیت شود و با خواص طفل‌آشنا شده علوم مو فقیت های شاگر د در امور محو له تدریسی جلو گیری شود .

باید همیشه از کار هائی که در مکتب انجام میدهد پرسان شود ، کتا بچه نمرات او مـلا حظه گردد وثمرات خرابی راکه اخذ نموده است باید مورد تو جه قرار داد، علل آن جستجو گردد و نمرات عا لی وخو بی که گرفته تشویق شده و تعریف و شاد باش‌داده شود .

بزر گسا لان از نقطهٔ نظر تجار ب زندگی شان اکثراء هیجا نات طفل مکتبی را درست ارزیابی نمی نما یند و به نا راحتی ها یش وقعی نمی گذارند .

قابلیت توافق کردن با علایق و زحمت‌کشی های طفل یکی از شرایط عمدهٔ دوستی بی شایبه بین طفل ووالدین اوست .

کار و زحمتکشی یکی از فکتور های عمده تربیهٔ طفل در محیط خانواده است . ازینرو در (رژیـم‌روز) طفل مکتبی باید زمان جهت کمك و همکاری در خانه گنجا نیده شود .

بقیه صفحه ۵۰

ماجرای زن وشوهر...

وحالا هم نمی گذارم‌که زنم‌راازمن جدا کنند من اینهارا خوب شناخته ام‌که‌می‌پالند تامانند من بی‌کس وکوی وپولدار را بیابند و د ختـر شانرا بهرقسمی که‌شده بگردنش بی‌انداز ند ووقتیکه اورا غارت کردند عذرش رامی خواهند ببیند روبرویم است او دو دختر دیگرش را سه‌بار شوهر دادوطلاق‌کرد تااینکه‌یك بلدنگ ودارایی هـــا ی خـو ب را از این مـــدرك پیدا کـرده و هـــردو را داد وتا کنـــو ن گپ جنگ طلاق عیان نیامده بدبختانه اینبار قرعه بنام من خورده من هر چه پول ودر آمد داشتم میاوردم بخانه اینهاچون‌من کسی دیگری نداشتم مصرفم ازدرآمد م خیلی زیاد شده بود تااینکه در شکست شدم وسماوار را ازدست دادم مفلسی نبود که اینهاهم‌بلای‌جان من شدند وعلی الحساب‌خواستند تادختر شانرا طـلاق بدهم مگر ایشان در خواب خرگوش هستند که‌من عوض‌ومحمود وسخیدادنیستم که فریب شانرا بخورم اینه آمده ام تابببنم قاضی‌صاحب چه میگوید • راستی زنم بسیار کم سن نیست شانزده‌هفده ساله است وبد دختر هم نیست مگر مادرش اورا اغوا می‌کند ••••

مرد درینجا باخود زمزمه کرده و میگوید: اگر خشویم را خدا گم کند ومرگ بدهد خیلی آرام و خوشبخت میشوم تااین جادو گر زنده است آب خوش از گلویم پائین نمی‌رود ، نگوئید که من چقدر بدزبان هستم او خپك‌است وهر جا نزد هرکس گردن راپت می‌کند مگـر من بیچاره رادر بدر وخاك برسر کـردە‌است•

از زن پرسیدم : چرا دختر تانرا درسن‌کم به شوهر دادید وبرای خود درد سر درست کردید ؟

زن گفت : پدرپیرش درآنروز هاخیلی‌مریض بودوفکر می‌کرد که‌اگر بمیرد سرنوشت د ختر کوچکش چطور خواهدشدهمین بود که خواست دین خودرا مقابل آخرین‌فرزند خودهم اداکند• گرفت‌واو را مفت ومجانی باین شاگرد سماوار چی داد بدون اینکه دختر خبر شود ویا بفهمد اگر می‌فهمیدهم چیزی گفته نمی‌توانست چون خیلی کوچك بود • مگر حالا که بزرگ شده همه‌چیز رامی فهمد وهر روز باعذر وزاری از من می‌خواهد که اورا از گیراین مرد نجات‌بدهم وخود شما بگوئید از ینکه هرروز جنگ و غالمغال شان ماوهمسایه هارا ناراحت‌بسازدو خون‌از سرورو‌ی دختر بریزد خوب نیست ••• از هم جدا شوند ، مخصوصا حالا که اولادهم ندارند

مثلیکه حرفهای اینها زیاد بود آنها رابحال خودشان گذاشته وآماده رفتن بدفتر شدیم‌در راه اتفاقا باتکسی رانی‌برخوردیم وقتیکه‌دانست که‌من راپورتر مجله هستم واز محکمه فامیلی می‌آیم بدون مقدمه گفت :

خشویم ، خشویم،بگیرید همشیره بنویسید سرگذشت مرا هم‌مگر بنام‌مخفف م• ش بگیرید وی شروع بحرف زدن کرد :

من وزنم وکودکم ظاهرا زندگی خوش وآرام وبی‌کم کاست داریم •

مگـــر میان خودما آ تشی بر پاست کـه موجب آن خشویم می‌باشد او زندگیم راتلخ وبسوی تباهی کشانیده بامداخلت های بـــی جاوبی معنی‌خود• مگر گله زیادم از زنـــــم است او تحصیلکرده‌است تاصنف چهارده درس خوانده وفعلا دریکی از مکاتب بحیث معلم‌ایفای وظیفه می‌کند مگر خیلی‌زیر تاثیر مادرش است اگر مادرش بگوید شیر سیاه است ، میگوید بلی سیاه است واگر هر چه من اصرار کنم وحتی قسم بخورم که‌سفید است نمی پذیرد حرفهای من نزدش هیچ ارزش ندارد •

همشیره جان چه عرض‌کنم باوجود دیکه‌تمام زندگیم بنام زنم‌است مثلاهمین تکسی تویوتایم که‌نو هم‌است ، گروی خانه ام و یك لك‌افغانی که‌به کوپراتیف تهیه مسکن مامورین تحویل نموده ام راستی من در یکی از دوایر دولتی مامور هستم واوقات فراغت خودرا تکسی‌رانی میکنم تاوسایل زندگی بهتر برای زن‌وکودکم فراهم سازم وامروز غیرحاضر شده بودم ناچار رفتم وتاکسی امرابرای غریبی بیـرون کشیدم•

بیایم سراصل موضوع: خشویم گاه بیگاه بخانه ما سرمی زند واز همه چیز انتقاد میکند رنگ وروی دختر ش را نشانم میدهد ومیگوید هرروز لاغرتر شده‌می‌رود•در حالیکه ازروزهای اول ازدواج تاکنون خیلی‌هم چاق وخوب شده، دخترش را وادار کرده که‌یك زن‌باید‌پول‌معاشش را در خانه مصرف نکرده راسا ببانك تحویل کند بدخترش میگوید:غم‌فردایت‌را بخور جوری وناجوری داری••••»درحالیکه زن وشوهر‌باید شریك زندگی هم باشند گاهی مفلسی بسراغ آدم می‌آمد چه فرق میکند که زن پولی هـم خرچ کند، زنم معتقد است که‌هرچه مادر ش میگوید راست است چونکه او بزرگتر است ودر زندگی تجربه دارد•

بنظرمن پول مهم نیست، مهم ایست که‌چرا بعضی از دختران جوان ما وقتیکه شوهر میکنند خودرا مستقل احساس نمی‌کنند وتا سرحد آخر زیر تاثیر حرفهای مادر خود میباشند •

وقتی خواستیم عکسی ازوی بگیریم خندید وگفت عکسم رابا چیز هائیکه در باره خشویم گفته ام اگر یکجا نشر کنید روز گار من روز گه‌لی خواهدشد بهتر است اونداند که مـن ازدست او شکایت‌کرده‌ام‌اگر درد دل مرا چاپ کنید حتما مجله را برایش نشان میدهم‌تاببیند که‌دخالت زندگی دو جوان را بسوی جـدایی می‌کشاند •

بقیه صفحه ۵

شصت ویکمین سالگرد...

هموطنان آزاده وشرافتمند!

بحیث یك خدمتگار بشما خطاب مینمایم . آزاد ومصئون زندگی کنید ، وبکار صلح آمیز بپردازید ، آدمکشان اجیرامریکایی و چینی ،مزدوران نظامیگران پاکستا نی بقا یای ساواکـــی ایــران، اسرا ئیلی و مصری وضد انقلاب راتار و مار کنید

دشمنان مردم ما آخرین نفس های تشنج آمیز مرگ خود را میکشند .

تمام خلقهای افغا نستان در یك جبهۀ وسیع پدر وطن درامر دفاع ازاستقلال وحاکمیت ملی، تمامیت ارضی وترقی کشور ، در دفاع از شرف وناموس وطن

با دولت خود ،دولت جمهوری دموکرا تیکا فغا نستان تحت رهبری حزب دموکرا تیك خلق افغا نستان به پیش میـرود !

زنده باد مردم آزاده وشرافتمند افغا نستان !

درود بـه روان پـاکشهدای قهرمان راه آزادی واستقلال!

در دفاع از استقلال تا پای جان می رزمیم !

زنده باد آزادی واستقلال افغا نستان قهرمان وانقلابی!

زنده باد انقلاب !

از اولین ومهم ترین وظیفه مـردم، حـزب ودولت می شمارد وبه همه نیرو های ملـی ودموکراتیك توصیه می نمایند تا دریك صف واحد وفشرده چون پولاد آبدیده بر علیـه ضد انقلاب مردانه پیکار نمایند .

درین نکته دیگـــر هیچ جای شك باقی نمانده است که دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان نماینده وخدمتگذار همه مـــردم رنجدیده وبلاکشیده مسلمان افغانستان است وضد انقلاب که خود (نظربه اعمال خلا ف انسانی وخلاف اسلامی خود) نقاب اسلام را بشکل مزورانه برخ کشیده است نمیتواند دیگر مردم مارا با اراجیف ودروغ فریـــب بدهد لذا نظربه شناختی که امروز مردم ما از نیرو های ضد انقلاب ونوکران زر خرید دشمنان اسلام (امپریالیزم، صهیونیزم)دارند مجادله علیه آنها بمثابه جهاد اکبر لا ز م وضرور است برای به نتیجه رسیدن ایـــن جهاد اکبر نیروی کافی که همانا نیــروی مردم می باشد ، کار موثر و از خود گذری فراوان لازم است تا بتوان این به اصطلاح تیکه داران اسلام راکه خدمت گذاردشمنان اسلام اند واعمال شان برخلاف نصوص و احکام صریح قرآنی وشریعت نبوی است ، قریه به قریه. ده به ده، کوی به کوی تحت ضربات کشنده ومحو کننده قرار داد وبازهم برای رسیدن به این هدف والا همانطوریکه در پلینوم سوم کمیتۀ مرکزی ح.د.خ.ا به نیکی وروشنی تذکـــر رفته است اتحاد و همبستگی همه نیرو های انقلابی ودموکراتیك ملی وبدیك سخن اتحاد آنانیکه با پیروزی انقلاب ظفرمند ثور وبخصوص مرحلۀ نوین وتکاملی آن زنجیر های اسارت وبردگی را ازهم دریده اند، لازم وضروری میباشد . وحدت همه نیرو های ترقیخواه وملی وطن ـ پرست از یکطرف، وحدت کامل مردم ودولت ازطرف دیگـــر وفشردگی و وحدت حـــزب دموکراتیك خلق افغانستان این طلایۀ نبرد نجات بخش مردم برعلیه تاریکی ها وظلم ها ازطرف دیگر می تواند ضامن استواری برای پیروزی نهایی برضدانقلاب باشد . درآیندۀ نه چندان دور ماشاهد قلع وقمع کـــامـــل نیرو های اهریمنی ضد انقلاب ووطن خـــود خواهیم بود. به پیش بسو ی محو کـــامل عناصر ضد انقلاب، ضد وطن وضد مـــردم . زنده باد مردم سر بلند افغانستان .

بقیه صفحه ۱۷

پیرامون پلینوم سوم

نفاق و تشتتی را که حفیظ الله امین جاسوس به امر باداران امپریا لیستخویش در حزب ایجاد نموده بود روز بروز محو می‌شود و وحدت و همبستگی سا زمانی رو به تحکیم هر چه بیشتر می باشد هم چنان توام با تحکیم وحدت خصـــایص پیکار جویانه اعضای حزب بسر عت رو به افزایش و باروری می باشد . **هکذا تمر کز و بسیج کلیه نیرو** های ملی ، دمو کراتیك ووطن پرست دریك جبهه وسیع ملی پدر وطن رو به تصبح و استحکام میباشد **تا این** همه نیرو ها دست بدست هم داده و جا معه ی را اعمار نمایند که در آن ظلم و ستم و فساد واستثمار انسان بو سیله ی انسان نشانی نباشد . این همه حقایق توسط **پلینوم** سوم کمیتۀمرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان همه‌جانبه و بشکل مبسوط ارزیابی گردید . هکـــذا پلینوم با تذکر بخشی از تزهای کمیتۀمرکز ی‌که به منا سبت دو مین سا لگرد انقـلاب ثور صادر شده بود ، **این نکته را که** عالی ترین هدف **حزب و دولت** عبارت از بالا بردن سطح زندگی مادی و معنوی مردم و تامین سعادت کا فۀ مردم افغا نستان می باشد ، یکبار دیگر این تعهد را تکرار نمود ، هم چنان پلینوم از سهم گر فتن هر چه وسیع تر مردم در راه اعمار **جامعۀ نوین** ، راه دموکراسی ، به نیکی و ارج فراوان یاد آوری نمود .

پلینوم سوم کمیتۀ مر کزی حزب دمو ـ کراتیك خلق افغا نستان از کمك های موثر و سازندۀ انتر نا سیو نا لیستی کشور های متر قی و صلحدوست جهان در راس اتحاد **جما هیر شوروی سو سیا لیستی با ارج ـ** گذاری فراوان تذکر بعمل آورد واین کمك هارا در عر صه دفاع از دست آورد ها ی **انقلاب شکو همند ثور و اعمار جا معۀ نوین** خیلی ارزشمند و موثر دانست ، پلینوم به صورت بسیار واقع بینانه و اندوی تجر به ثابت وانکار نا پذیر تاثیرات این موفقیت های مردم افغا نستان را **بر ارتجاع بین‌المللی** بخصو ص ارتجاع امپر یا لیستی امریکا یی امپر یا لیزم انگلیس و شر کا یش ، **شونیزم عظمت طلب چین و ارتجاع منطقه و ارتجاع عرب نا گوار ارزیابی کرده و نتایج ایـــن تا ثیرات نا گوار را که خلاف روحیه بشری و انسانی است هما نا تشدید مخالفت عملی و براه اندا ختن تو طئه و دسیسه از طرف آن محا فل ونیرو های ارتجاعی وعقب گرابرعلیه** انقلاب ما، کشورما ومردم ما که اینـــك اظهرمن الشمس است دانست وبعد از ابراز نفرین فراوان برارتجاع وامپریالیزم وعمال روسیاه آنها عمده ترین وظیفه مردم، حزب ودولت وقوت های مسلح افغانستان را در شرایط فعلی همانا مبارزه ومجادله علیه ضد انقلاب بهر شکل ورسمی‌که باشند دانست وپس از آنکه مبارزات وسربازی های مـردم وبخصوص نیروهای مسلح وقهرمان افغانستان راموثر وکشنده برعلیه ضد انقلاب ارزیابی نمود هنوز این مبارزات وپیکار هارا برعلیه ضد انقلاب بسنده وکافی نداشته و تشدید وتعمیم آنرا لازم وضرور شمرد. در پلینوم بصورت بسیار واقع بینانه اعمال ضدانقلابیون راکه برای اعاده حاکمیت مرتجعین بر باد رفته تلاش مذبوحانه براه انداخته اند تقبیح نموده ونفرین های بیشماری را بـــه آنها فرستاد .

نیرو های ضد انقلاب، ضد مردم و ضد کشور ماکه با اعمال خود قتل، جرح، ویرانی آتش سوزی ونا آرامی مردم را بوجود می آورند وهکذا با اعمال غیر انسانی خود علاوه از ایجاد نا آرامی ووحشت سد راه تطبیق پـلان های دولت بری اعمار جامعۀ نویـــن می شوند ومی خواهند کشور مارا عمداعقب نگهداشته شده نگهدارند روی همین ملحوظ پلینوم سوم کمیتۀ مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان تحت چنین شرایطی مبـارزه ظفرمند ومسلحانه را برعلیه نیـــرو هـای اهریمنی ضد انقلاب تا سرحد پیروزی نهایی

بقیه صفحه ۷

آزادی جز...

نوشت و فوراً بعد از ارسال این نامه بدون آنکه منتظر جواب بماند عملا سیاست مستقل و آزاد را در پیش گرفت . در خارج کشور اولین کشور یکه این نعرۀ بر حق و عا دلانه را تائید و پشتیبانی نمود کشور همسایـــه بزرگ شمالی مایعنی اتحاد شوروی‌بود زیرا در حدود دوسال قبل ازاستقلال افغا نستان‌در آن کشور انقلاب بزرگ کار گری رهبری حزب بلشویك ها به پیروزی رسیده بود و با وجود آنکه خود آن دولت جوان و انقلابی با مقاومت ضد انقلاب داخلی ومداخلۀ کشور های متعدد امپر یا لیستی موا جه‌بود فوراً استقلال افغا نستان را برسمیت شناخت ودروازۀ مذا کره و مذا همه و روابط دیپلوماتیك را بادولت آزاد یخواه افغا نستان باز نمود . امان الله غازی زعیم افغا نستان‌بتاریخ ۷ اپریل سال مذکور طی نامه ایکه بر هبر بزرگ انقلاب کبیر اکتوبر ارسال داشت ارادۀ مردم افغا نستان را مبنی بر بر قراری رابطه دیپلوماتیك میان دوکشور همسا یـه و آزاد ابراز نمود . البته رهبر انقلاب کبیر اکتوبر و دولت جوان وانقلابی شورا ها با دادن جواب مثبت و ابراز حسن نیت ایـــن خواست را بد رقه نمود وطی نامۀ تاریخی ۲۷ می ۱۹۱۹ بجواب نامۀ دوستانۀ دو لت افغا نستان پر داخته شد .

امپر یا لیزم انگلیس که خواست مردم افغانستان را درك کردقبلا برای دفع وسرکوبی این خواست عا دلانه تیاری گرفته بود وبا یك اردوی سه صدو چهل هزار نفری خویش در حالیکه با ۱۸۵۰۰۰ حیوان ، خطوط آهن، راه های مو تر رو وو سایل حمل و نقل و مخا برات منظم مجهز بود در طول سرحدات افغانستان بمقابله با مردم افغـانستان بر ـ خاست . دولت انگلیس که تازه‌ازجنگ‌جهانی اول فا تحانه بر گشته بود می خواست بزعم خود با شکست دادن مردم افغا نستان آ ن پیروزی را تکمیل نماید ولی غافل از ینکه اگر مردم افغا نستان اسلحۀ مدرن و قوا ی زیاد ندارد مجهز با ایمان ، ایمان به آزادی و ایمان به مام وطن هستند و می توانند پای مردانه علیه استعمار امپر یا لیستی انگریز (استعما ریکه دو بار قوت و ضرب شمشیر افغا نها را چشیده بود) .

آری شصت و یکسال قبل مردم ما یکبار دیگر از یك آزمون بزرگ تاریخی فاتحانه بیرون آمدند و با این عمل خود نه تنها استقلال فرو خته شدۀ خود را که توســـط سلا طین خا ئن معا مله شد ه بود بدست آوردند بلکه به عنوان او لین کشور در مشرق زمین بیرق آزادی و استقلال را بر افراشتند و می توان گفت که آزادی مردم افغا نستان طلیعۀ آزادی همه کشور های مشرق ز مین و تحت استعمار بود .

اینك سا لگرد استرداد استقلال کشـــور خویش را در حالی جشن میگیریم که مردم ما با خیزش ظفر مند ششم جدی ۵۸ وارد حیات نوین شده اند وانقلاب شکو همند ثور مر حلۀ دوم تکا ملی خو یش را می پیما ید و روز تا روز رنگ حیات مردم را تغییر و تحول می دهد .

ولی باید دانست اژدهای استعمار وامپریا لیزم که با ضربۀ اول مردم ما (۱۹۱۹) زخمی شده بود با پیروزی انقلاب ثور زخم کاری دیگری خورد و با پیروزی قیام ششم جدی ۵۸ زخم هو لناك و کشنده ای خورده است که التیام نا پذیر است واز اثر این ضربۀ کاری نیم جـان شده و آخرین نفس های عمر جهنمی و سیاه خود را می کشدلذا سخت به تقلا افتاده است تامگر بتواند مردم افغا نستان را از راهیکه یعنی راه انقلاب و بهروزی و بهزیستی که برگزیده اند بر ـ گرداند ولی همان طو ریکه مردم ما تا امروز در عمل ثابت سا خته اند یکبار دیگر در عمل ثابت می سازند که می توانند پایمردانه از وطن ، تمامیت ارضی وطن ، انقلاب ودست آورد های انقلاب دفاع نماید وبا وارد سا ختن ضربه های کشنده بر پیکر خو نین استعمار و امپر یا لیزم ودیگر یاران اش آنها را بگور نیستی بسپارند . زنده باد مردم ،زنده باد انقلاب ، زنده باد آزادی .





زن - آه عزیزم ... حالا مامیتوانیم رسما باهم ازدواج کنیم !!

از معلومات من استفاده کن !

پدر با پسر کوچك خود داخل شهربزرگی شد . پسر سوال کرد :

پدرجان ! این منار را برای چه آباد کرده اند ؟

- نمی دانم .

- این تعمیر بزرگ کدام موسسه است؟

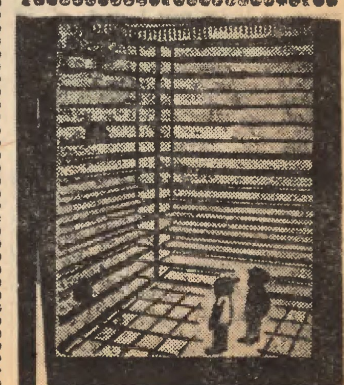
- نمی دانم .

- این ساختمان بزرگ درچه وقت آباد شده است ؟

- نمی دانم .

- پدرجان ! شما از سوالات مکرر من خسته نمی شوید !

- نی پسرجان ! هرقدر دلت میخواهدسوال کن زیرا درین صورت میتوانی از معلومات من استفاده کنی .



اینهم کتابخانه بنده ...

زن هوشیار

احمدتازه داماد به مادر خود گفت :

- ازوقتی که زن گرفتم تمام کار هایم خوب شده دیگر حتی در لباسم یك دکمه افتاده هم پیدا نمیشود .

مادر وی با خوشحالی گفت :

- نگفتم که زود زن بگیر تا سرو سامان پیدا کنی !

بلی ! مادر، زنم دوخت وخیاطی را برایم یاد داده است .

فرمایش هدیه

مرد وارد یك فروشگاه مخصوصی هد یه شد واز فروشنده پرسید :

- ببخشید آقا، میخواهم برای نامزدم هدیه بخر م ... شما چه چیزی را مناسب می دانید ؟

فروشنده پرسید :

- نامزد تان بسیار جوان است ؟

- نه چندان .

- مقبول است ؟

- نی، آنقدر هاهم مقبول نیست .

- دختر ثروتمندی است ؟

- نه چندان ... ولی‌چکار به اینهادارید... فقط بفرمایید چه چیزی را توصیه میکنید .

فروشنده باخونسردی جواب داد :

- من توصیه میکنم اورا فراموش کنید وبادختری دیگری ازدواج کنید .

پس این قبیله بلند قدهاکه میگفتند کجا هستند ؟!!

من قابل تعریف زیاد نیستم

در محکمه سارقی را محاکمه می‌کردند .

رئیس محکمه مشغول قرائت ادعانامه بود روبه هیات قضات محکمه‌کرد، بلی قربان ... این مرد درکمال زیرکی ومهارت وبا نهایت‌دقت وتردستی دست به چنین سرقتی زده . درین موقع متهم از جابلند شده تعظیـــمی‌کرد وگفت :

- اختیار دارین آقایان ...

اینقدر بنده را خجالت ندین آخرمن قابل‌تعریفهای شما نیستم !

گریز از پرحرفی خانم

چند نفر دوستان دور هم جمع شده بودندوصحبت ازدوازده ماه سال راداشتن یکی از مدعوین رو بدیگری کرد وگفت :

- شما چه ماهی رادر سال بیش از سایرماه ها دوست دارین ؟

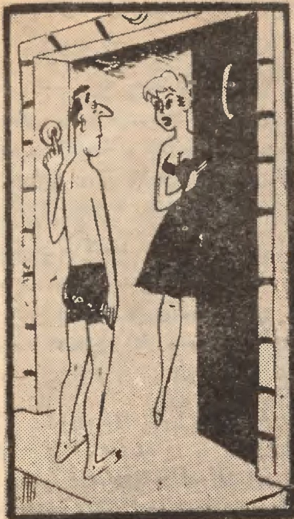
او بلافاصله جوابداد :

- ماه حوت را !

اولی با تعجب پرسید :

به نظر شما ماه حوت مزیتی به ماه های‌دیگری دارد ؟

- هیچ فقط چون ماه حوت بیست ونه روزاست ویك روزمن کمتر گرفتار پر حرفی زنم میشوم !



زن به مرد همسایه - وقتی گفتم در هر وضعی هستید بیائید هیچ فکر نمیکردم در اینحال باشید !

بالاخره موفق شدم

- بلی دوست شیرین وعزیزم: من بالاخره موفق شدم !

- به چه موفق شدی ؟

- گوش کنی ... حالامن آدمی هستم که هم عاشقم وهم معشوق .

... بلی بسیار خوب است .

- البته ... اما فقط یك مشکل دارد .

- چه مشکل ؟

- طرف یك نفریست .

- چطور ... نفهمیدم ؟

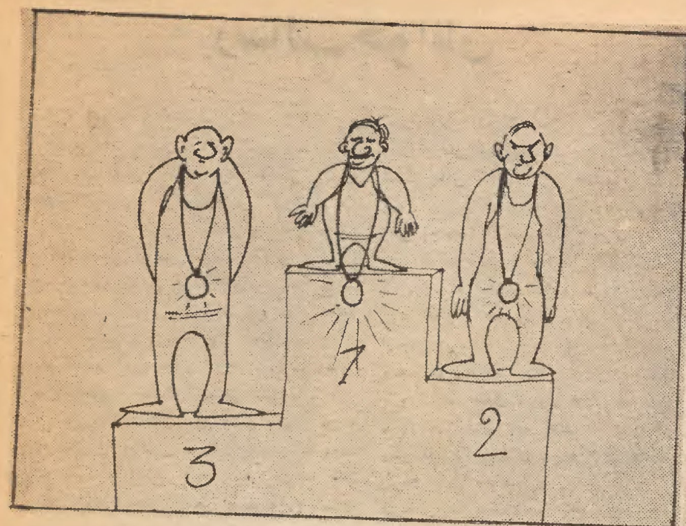
- من عاشق یك دختر قشنگ هستم، اما بیشخدمت بدبخت منزل ما عاشق نمی شد !

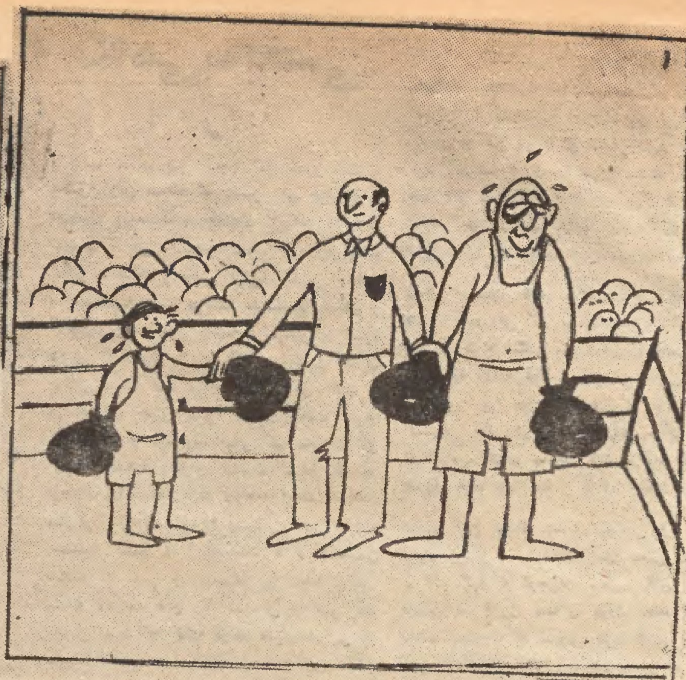


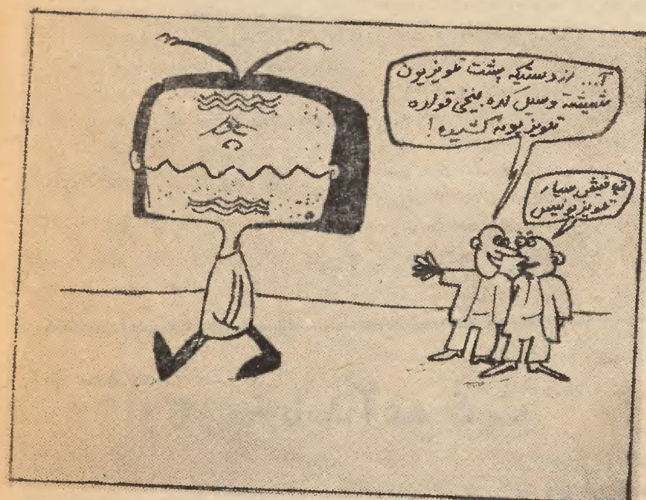
بدوح شرح

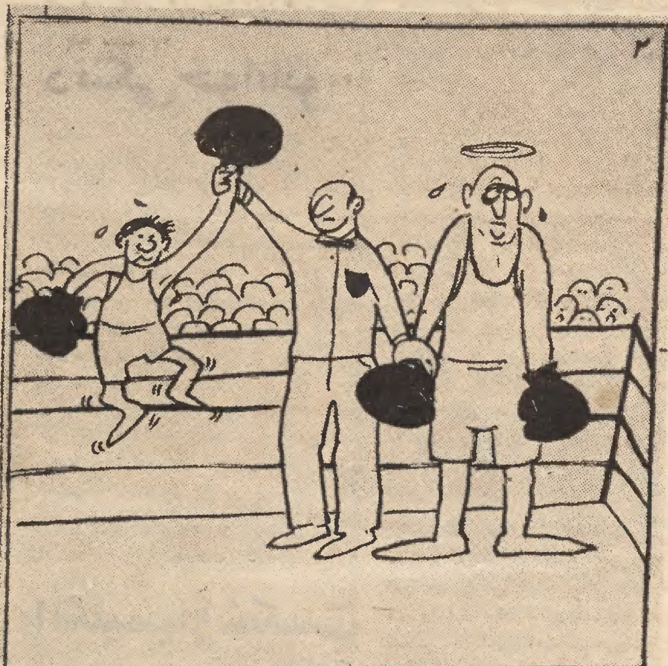
تمرین

نمایشنامه ای ما برای تلویزیون تمرین می کردند درام بسیار عاشقانه وپرسوز وگداز بود به قلم یکی از نویسندگان نیمه هنرمند نوشته شده بود در موقع تمرین، نویسنده خودش هم حضور داشت ووقتی کار تمام شد ازیکی از دوستانش کـه او هم حاضر بود پرسید : چطور بود ؟ والله بدنبود وی بنظر من بهتر بودکه آخرکاردختر به جای اینکه بازهر خودکشی کند با تفنگچه خود کشی می کرد . چه حرفی مزخرفی چه فرق میکند خیلی بهتر این است که صدای تفنگچه مردم را از خواب بیدار میکند ومی فهمند که نمایش تمام شده است .




۱


آ... از دستیکه پشت تلویزیون
شیشه وصل کرده یعنی قواره
تلویزیون کشیده!


۲




تبریک عرض میکنم!

بقیه صفحه ۲۷

رسالت جوانان

سایر هموطنان ماصفوف رزمنده وانقلا بی شان رابدور حزب دمو کراتیك خلق افغانستان (پیش آهنگ طبقهٔ کارگر کشور) روزتاروز فشرده تر ومحکمتر گردانیده با ادامه مبارزات علمی ، منطقی واصولی حویش توانستند بزودترین فرصت زمانی برنجها و عذاب های دیرین مردم خود خاتمه بخشند وانقلاب دورانساز ثور را به پیروزی برسانند ودولت جمهوری دموکراتیك افغانستان را منحیث ره آورد عظیم انقلاب شکوهمند ثور نصیب خلق زحمتکش خویش سازند .

اکنون که انقلاب ملی ودموکراتیك ما به زور بازوان توانایی مردمان عذاب دیده ومستضعف ما پیروز شده است وروزنه های سعادت وخوشبختی از هر جهت بررخ اسسان عذاب دیدهٔ جامعه ما که تازه از بند مظالم رسته است لبخند می زند رسالت کلی جوانان وسایر وطنپرستان بپایان نرسیده است ، زیرا امروز که ما سکوت دیرینه رابشکسته دوران آزادی وآبادی وطن راآغاز کرده ایم ارتجاع داخلی وخارجی وکلیه نیرو هایی که با منافع مردمان زحمتکش ما و جهان تضاد آشتی ناپذیردارند به سردمداری ایالات متحده امریکا این قوماندان فتنه گر جهان امپریالیزم بر ضدوطن مردم و انقلاب ما یك جنگ اعلام ناشده یی را براه انداخته روز تاروز به نیرنگ ها ودسایس خاینانه ورذیلانه خویش در برابر مردم آزادهٔ ما می افزایند .

در این مرحله حساس تاریخ کشور که بحق دوران تکامل انقلاب پیروزی حق بر باطل وزمان پاسداری از دست آورد های نجات بخش انقلاب مردم افغانستان در برابر اعمال سبوتاژکارانه وخاینانهٔ دشمنان میباشد، وطن وجامعه وظایف سنگین تری را بردوش قشر جوان وپیشتاز جامعه نهاده است .

امرز که ایالات متحده امریکا ، شئونیزم مرتد چین ، نظامیگران بی پرستیژ پاکستان ارتجاع بی آبروی عرب ومعامله گران مصری همه باهم ودریك اتحاد نامقدس دستهای تابه بازو آلوده بخون ملیون ها فرزند رنج وعذاب ملل تحت ستم قاره های آسیا ، افریقا وامریکای لاتین شان را به هدف تجاوز بخاك ومردم ما می خواهند دراز نمایند بر کلیه هموطنان عالی همت ما بخصوص جوانان نیرومند است تا صفوف رزمندهٔ خویش را بیش از پیش در بری دفع تجاوزات ودست درازی های خاینانهٔ ارتجاع و امپریالیزم

فشرده تر سازند وباوارد آوردن مشت‌فشرده، آهنین وکوبندهٔ خویش برفرق ارتجاع و امپریالیزم ومتحدین خاین آن ها از وطن مردم وانقلاب خویش مردانه واردفاع نمایند .

مسلما جوانان آگاه وانقلابی ماکه بزیور دانش مترقی وعلمی آراسته اند با احساس عمیق نیازمندی های مادی ومعنوی جامعهٔ خویش مساعی بیدریغ شان را در جهت عمران وآبادی وطن ودفع وطرد عناصر خاین بوطن وانقلاب تا سرحد پیروزی کامل دنبال می نمایند .

بقیه صفحه ۲۵

نگاهی به بخشی از...

و آنهم مکتب پیر گمون کار شده است ، باطرح این مساله که مو های مواج و کشانیده شده‌به‌عقب، چشمان بزرگ، ابروان کشیده و بین راست با شاب گردن و جسم بکلی با قیافه و چهره (ژنی) مکشو فهٔ هده و مجسمه های الهٔ شب نیکس و (دیوان) پیر گمون داشته و ستیل یا شیوه هنری آن خود را از مکاتب دیگری هنری یونانی مانند لسپ و پو لکلیت می کشد . در حالیکه چنین شیوهٔ را در مکتب هنری گنرا هارا و ماستورا خیلی کم مشاهده می کنیم . صحنهٔ دیگری عبارت از دو مجسمه فرونتال وایستاده بودا وراهبه است٠که‌راهبه مذکور درحالت احترام وسپاس یعنی (پوژ)٠ به بودا است در این صحنه اناتومی و تناسب این راهبه آنقدر مشابه مجسمه های پلا ستیزیلی و امپر یك یونانی است که کلیه قواعد هنری در ین دو مجسمه خیلی ها مراعات شده و این دیگر هنر مند یونانی قرن سوم ودوم هده بوده تا

چنین حر کات موزون و (اوستر انوپی) یونانی رامراعات نموده است٠ از نظر کر یو نو گرافی این صحنه از صحنه های نیراتیف یا انتقالی مو ضو عی به مو ضوعی است ، وراهبه مراد گیرندهٔ هندی را نشان میدهد تا بعداز عقد عرو سی اش برای (جیون) یا زندگی آینده خو شبخت باشد در حالیکه صحنه های بعدی نشاندهندهٔ این مراد گیرنده با

شوهر و طفلش ظاهر میشود ، در واقع‌موضوع هندی بوده ولی کار استاد هیکل ساز وپیکر ساز قدرت و انگیزهٔ مو ضوع را آنچنان بالا برده که کلیه قوانین اجتماعی سنن ،آداب و کلتور پیرا مون این هنر در توسعه و گسترش یکی از دود ما نهای حاکم شاید به اساس کشف مسکو کات مربوط کوشانی هارول عمده راداشت ٠ برای اینکه نتوانسته

باشیم این مسالهٔ هنری یونانی و تهذیب هندی بودائی را در یك زمان معین مشخص از نظر کرو نو لوجی‌با رسطوره های وسیعی بودائی در قرون متمادی مورد بحث قرار بدهیم مجبوراٌ به اساس طرح قبلی بقایا و ویا انحطاط این هنر و مذهب را از نظر دوره های تاریخی در ساحاتی دیگر جستجونمائیم.

بقیه صفحه ۲۷

د تنکی ځوانانو...

یی کړی دی بی ځایه او په هدر ځی او ځوانان په مختلفو عوا ملو کی مختلف شیان‌زده کوی اوپداسی حال کی بیانبه او په صحیح تو گه لاس په نورو نا مسا عد و کار و نو او عملو نو و هی ، که محیط نا مساعده او نا ساز گاره وی نو هرو مرو ځوانان په استفاده سره الکو لو او نورو مخدرا تو حپل اقتصادی وضع خرابوی هری خواته لاس او پښی وهی تر څو چی څه نا څه د خپلو دغو بدو او ناوړو عملو نو دپاره یو څه شی برابر کړی چی دخپل عمل دپاره په آخره کی پایه بند محکوم وی او یا د فقیرانو غوندی د یوی ډوډی دپاره داسمان ستوری حسابی ،چی پداسی وخت کی‌بیادتو لنی هیڅ یو غړی هم د دوی دغه خراب او ناوړو

عملو نو ته غاړه نه ږدی او په هر وخت کی یی غندی .

نو دځوا نا نو او تنکی ځوانا نودپاره ښایی چی دهرډول اعتماد او باور په گټلو او را جلبو لو کی ښه لار غوره کړی او نن ورځ تر هر څه د مخه د تو لنیز ژوند په متر قی گرځو لو کی د ځوانانو او خلکو یو والی او بیا په گډه سره داقتصادی اواجتماعی ستونزو دلیری کولو لپاره دپرمختللو تجر بو څخه په استفادی سره په کار او زیار لا س پوری کړی چی له‌نیکه مرغه دغو تکو ته په غوره تو گه اوس اوس زموږ گران ځوانان اوان تنکی ځوانان او خلك متو جه شوی دی او هیله لرو چی د گران هیواد افغا نستان به جوړو لو کی هر یو یخپله بر خه کی خپل رسالت او وظیفی په پاك او سپیڅلی زړه او ورین تندی سرته ورسوی او تر وسه وسه پوری د هغه د پر مختگ دپاره هڅه وکړی.

بقیه صفحه ۲٦

از تاریخ باید آموخت

عالم وفیلسوف و مورخ انگلیسی ۱۸۸۹ و شپنگلر فیلسوف ومورخ آلمانی ۱۸۸۰ - ۱۹۳٦ نیز درین ردیف نام برد. جوهر ومحور اصلی طرح وتحلیل‌علمای باستانی تاریخ و جامعه که در فوق از آنها ذکر کردیم وهکذا علمای قرون اخیر ومعاصر همه وهمه دست یابی به خوشبختی واقعی بشر بود وآنها می خواستند انسان برقله خوشبختی صعود نماید ولی باتاسف باید گفت که با وجود این خواست انسانی، آنها نتوانستند که نه تنها انسان را بر قله ایده‌آل بلند سازند بلکه راه ها ووسایل این صعود را نیز به صورت فورمولبندی شده وعلمی وعملی ارائه دارند

زمانی که اکثر اجزای جامعه بشری از یك فورماسیون (نظام) اجتماعی ، اقتصادی به یك فورماسیون دیگر جهش می کردند وتاریخ همان جوامع نقطه عطف خود را می گذارند (مثلا هنگام گذار از بردگی به فئودالیزم) مورخین از همان ردیف بالا درصدد آن می شدندکه به رنج ودردوآلام توده های

مردم خاتمه داده شود ولی طوریکه در عمل دیده شده است این کار ممکن نیست مگر زمانی که ریشه های اصلی دردها وآلام ورنج مردم از بیخ کشیده شود مثلا زمانی‌که در اروپا انتقال از فئودالیزم به کاپیتالیزم صورت گرفت جوهر تاریخ درین زمان توسط ز. ب ویکو بمشابه نقطهٔ چرخش تاریخ ارزیابی می شود واو می خواهد انسان را برای همیشه رستگار ببیند ولی چون نظام جدید (کاپیتالیزم) نیزبرپایه های استثمار انسان بوسیلهٔ انسان استوار بود آن آرزوی «ویکو» برآورده شده نتوانیست . درك «ویکو» ازتاریخ بطور کلی این بودکه او می گفت که تاریخ سیر ادواری دارد وهر دوره سه مرحله دارد دوران بربریت، عصر قهرمان و زمان رستگاری انسانیت . وی عصرانسانیت راقلهٔ هردوره می دانست وعقیده داشت که به تعقیب این عصر دوران افول یعنی دوره بربریت آغاز می شود ولی باید گفت که‌این تحلیل درست نیست وتاریخ چیز دیگری است .

ادامه دارد

بقیه‌صفحه ٤۷

انگلیسها و شکست

به بالا حصار رسید . در سال ۱۸۷۹ محمد جانخان با قوایش وارد کابل شد که مردم نواحی کابل ازوی پشتیبانی خوبی کردند اما ورود قوای تازه دم از هند باعث شکست او گردید در سال ۱۸۸۰ انگلیسها غزنی را که مر کز قیا مها بود اشغال کردند وهزاران هزار اهالی را که با تبر ها بار بار سیاه منظم انگلیس را تارو مار کرده بودند از تیغ کشیدند امیر یعقوب مجبور به ترك

سلطنت گردید ودر اواسط سال (۱۸۸۰) که امیر عبد الرحمن در آسیای میا نه بسر می برد به‌افغا نستان آمد وبه پاد شا هی نشست ، تلا شهای امیر در خصوصی گسترش تجارت‌که یك‌نوع تایید ریفورمهای امیرشیر علی بود باعث آن گردید که در سال ها ی بعد مناسبات نیمه سرمایه داری در جا معه افغانی رشد کند واین مساله دراوایل قرن بیستم انگیزه اصلی بوجود آمد که باعث جنبش افغانان‌گردید تااینکه درسال ۱۹۱۹ استقلال خود را بدست گر فتند . این بود تحلیل او ضاع در قرن نزد هم که بطور مختصر بیان گردید .

بقیه صفحه ۲٦

قیام مسلحانه...

امروز نیز وطن ما، انقلاب ما ومردم کشور طرف تجاوز امپریالیزم جهانی و گماشتگان وطنفروش شان قرار دارند ، نبرد انقلاب و آزادی ادامه دارد که جوانان غیور اردوی قهرمان کشورومردم شریف مامتحداگروههای مقاومت را تشکیل داده به نبرد عادلانه علیه

امپریالیزم استعمارگر و فرستادگان خرابکار شان تا سرحد پیروزی نهایی ادامه میدهند ومردم رزمنده افغان نه تنها اینکه اکنون دوستان ودشمنان شانرا نیك تشخیص نموده اند بلکه میدانند تا تجاوز دشمن ادامه‌دارد، نبرد عادلانه آنها برای تحقق اهداف انقلاب ثور نیز پایانی ندارد واین رسم مبارزه بی بی امان مردم ماست برای حصول آزادی کامل وتحقق اهداف والای انقلاب ثور .

درودبرروان پاك شهدای راه آزادی .

ژوندون

بقیه صفحه ۴۱

تازه‌ترین گزارشات

را که گفته میشود از نسل انسان های عصر یخ‌اند کــه در مناطـــق پوشیده ازیــخ چند تن آن هنوز هم زندگی دارند ، بهتر به انسان های امروزی معر فی بدارند .

بهمین تر تیب سیمینار تحقیق و بررسی تیورتیکی از طرف موزیم داروین دایر گردید کار این سیمینار را تجسس و کاوش روی

انسان های عصر یخ تشکیل میدهد . سهم گیر ند گان سیمینار در چند گروپ مقسم گردیدند . این سیمینار بیش از یکنیم هزار خبر و اطلا عات جدید در زمینه انسان قدیم

تهیه و گزارش کرده اند که برای کاوش های بیشتر بسوی تیز شان، بسوی کـــوه

های پا میر و شمال قفقاز راه افتا دند کــه بهتر است در ینجا در مورد دو خبر تازه گزارش بد هیم . خبر اولی اینکه : دو تن از توریست ها در کوه(بر مامیت) واقــع در پایگــاهی در کوه قفقاز ، پس از اقامت کو تاه بسفر ادامه داده (والیری کو لسوف) یکی از دو تن مذکور در راه باریکی گام نهــاد او رد پــا ی معما یــی گـــو نه را روی بر فها تشخیص داد . طول این پا ها (۵۰ سا نتی متر) ، عر ضش در حدود سی سانتی متر ، اما کمی آنسو تر پل پا هائیکه بیشتر شبیه پای اطفال بود ، دیده شــد امـــا ایـــن ر د پـا هــا تـا قسمـــت یك دیوار صخره یی دنبال و از آنجا قطع[۱] میشود وچنین بنظر میرسد کـــه گـــویـــی صا حب آن پل پا ها بدیوار بر آمده باشد اما چطور ممکنست که بدون وسایل بدان دیوار عظیم و لغزنده به تنها یی بالا شده باشد . خبر دومی از کشور تانزانیا بدین شرح گزارش یا فت : یك کشف تازه در مورد انسان های متعلق به یکنیم میلیون سال قبل صورتگرفته و بر رسی های جدید مد عی است آثار پل پای انسان های قدیم را روی خا کستر آتشفشان ها تشخیص داده اند و از میان همین خا کستر ها اسکلیت ها ی متعلق به انسان یخ پیدا شده که بیقین این بظاهر معمایی بیش نمیتواند با شد . اسکلیت انسان های عصر یخ مگر در میان بقایای خا کستر آتشفشان ها چه میکند آیا برای محققین این یك مانع نیست؟ یك گروپ سیمینار موزیم داروین که توسط یکی از الپنیست های قدیمی بنام (کیف ایگور) رهبری می گردد کار تحقیق شان بتازگی در یك گردنهٔ سلسله کوه قفقاز در تا جکستان ، جا ییکه پل پای انسان های عصر یخ زیاد باقیمانده، پایان بخشیدند . آنان بیش از (۱۰۰۰) کیلو متر را عقب گذارده و در چند محل از چاپ پا های بزرگ عکا سی کرده اند . اما مسئلهٔ

در خور تو جه اینست که (ایوان پترنیا) یك همکار این گروپ مدعی است یك انسان عصر یخ را با چشم سرش رو بروی خود دیده وآنهم درست حین دمیدن شفق صبحگاهی وی مدعی است که در ارتفاع (۴۰۰) متری موجـودی را که سرا پا از مـــو بوشیده شده بود ، دیده است :

بقیه صفحه ۴۳

طنین آزادی در...

اینجا ست که نیا کان ما جنگیده اند . با مغز شان وبا شمشیر شان و با بیل و کلنگ وداس شان .
- چه درروزهای تاریك وچه ایام روشن .
- وپرآفتاب
- چه در سعادت وچه در بدبختی
- قلب ملت ماتپیده
- تا ماصاحب آن چه امروز ازآن مست شده ایم .

در این قطعه نیز شاعر ستایش گرزادگاه خود است . ستاینده مردم وآزادی . چنانکه گفته آمد . مردم ، وطن، آزادی، طبیعـــت مفاهیم جدایی ناپذیر ازهم اند . نام وطن و آزادی همیشه برای انسان ارجمند بوده‌است. شاعر در این قطعه روح گذشتگان ونیاکان را ا ر ج مـی گـذ ا ر د . آ نهـــا یی که درشب تاریك . در روز گاران استبداد و سیطره جهانخواران با ایما نی خارا یین و راستین به پیشو از مرگ رفتند خون‌های خود را ریختند تا قلمرو خود را از تاراج و غارت نجات دهند . از ارزش ها ، سنن و افتخارات خود دفاع نما یند . باید همیشه پا یداری های گذشتگا ن را ستود . باری آزادی به آسانی به دست نمی آید آنهایی که درین راه رزمیده از جان های خـود گذشته سر های خود را در کف گر فته‌اند. پایداری ها و مردانگی های گذ شتگان را باید همیشه ارج نهاد . آنهایی که در روز و شب و سر ما و گرما آماده‌ی پیکار بودند مردانه رزمیدند . هراس وتردیدرا بـرای یك لحظه هم به خود راه ندادند . باری وطن را باید همیشه از دستبرد و تاراج وحشی‌ها، جنون زد گان و دشمنان آزادی واقعی انسان دور داشت ودرین راه همیشه پیکار کرد . و آماده‌ی هر گو نه ایثار ، قر بانی وار خود گذری بود . وطن و آزادی واژه های شکو- همند است .

«ضیا گو کا لب» نویسنده ی ترکی که یکی از آزادی خوا هان بود درین باره‌خطاب به دختر خود که «حریت» نام دارد از زندان می نویسد :

«.. دختر گرا می من حریت! برای کسانی که از آزادی محروم اند زندگی بسیار سخت است . مقصو دم از آزادی دو گا نه است . ومن از هردو محرو مم . تو یکی از آن دو هستی و اگر به تو دست بیا بیم آن دیگری نیز از آن من خواهد بود .نام تو به همان خودت است . روزی خواهد رسید که تمام مردم و تمام ملت ها آزاد خوا هند بود . فکر شان آزاد خواهد بود . و وجدان شان آزاد خواهد بود چیزی نمانده که نوع بشر این ایام تیره وتاررا به‌پایان برساند. حق بر زور چیره خواهد شد و چون آفتاب تان د رافق لاجوردی طالع خواهد گردید و حتی در آسمان ضمیر انسانی از آفتاب طا لـع در خشان تر خواهد بود . این هما نا آفتاب آزادی که پر توش حقیقت نام دارد‌و حرارتش را عشق و محبت می خوانند . ای دختر گرامی شاید از من بپرسی که وظیفه‌ی آن چـــه خواهد بود ؟. بدان وظیفه‌ی آن ، عدالـت است .»

با این نمونه ها و مثال که به گونـــه شتابزده فرا هم آمد چنین نتیجه می شود که همه‌ی ملت ها ، کشور و قلمرو ها با فرهنگ ها ، در یافت ها . سنن و آیین ها و نژاد های مختلف و متفاوت . آزادی را ستوده اند . کشور خود را دوست داشته ودرراه‌رهایی‌انسان پیکاری دامنه دار وپیگیر کرده اند . پس باید این ودیعه را که حقیقت است . و انسان به آن نیاز مبرمی دارد .آن گو نه که به هوا و آفتاب و باران ارج نهاد. پاسداری کرد . باری جدال در سطحـــی گسترده در جهان ادامه دارد . باید پر زا از دست نیا نداخت جنگ کهنه‌ونو به پایان نرسیده نیرو های ستمگر، غارتگرو استثمار گــر و نیرو هـــای امپر یا لیستی کـــه نیرو های ستمگر ، غارتگر و افزون طلب که همیشه به سودخودوزیان دیگران اندیشیده اند . توطئه می کنند به ملت های آزادی خواه و طر فدار صلح و ترقی اجتماعی که از معنویت انسان دفاع می نمایند مجال پرواز نمی دهند . آواز ها را می خواهندخفه نمایند باری باید بیداری را از دست نداد و همیشه در سنگر نبرد ایستاد و از حق و عدالت و آزادی با قا طعیت ، شهامت و شور انقلابی دفاع کرد .

د ۳۷ مخ پاتی

په تیاره کښې...

تودیدو سرعت هم لږوی، یعنی که نوی‌ږی غوږه سطحه هرڅومره زروچه او توده شی په هغه اندازه تصویرروښانه او ځلانـــده تشکیلیږی .

د (ای،وی،ای) فعالیت ترڅی حده زیاتږی چی ترځمکی لاندی فابریکی دهغه حرارت په اثرچی دوړانګوپه شکل یی دځمکی سطحی ته را استوی هم پټی نه شی پاته کیدای یا په‌بل عبارت ددی امکان شته‌چی د(ای،وی،ای) څخه دترځمکی لاندی فابریکو دتصویر ا و نقشو دپلاس راوړلو دپاره استفاده وکړو .

دننی ساینس پوهانو دپاره دحرارت‌پیمانه اواندازه نسبتا مشکل کاردی داځکه دحرارت دجګو درجو تاثیر پرفلزاتو باندی تراوسنی پیری پوری لاهم ښه نه دی معلوم شــوی، بیاهم د (ای، وی، ای) په ذریعه کولای شو دتودو شیانو په باب دحرارت په جګو اوټیټو درجو کی کافی معلومات حاصل کړو .

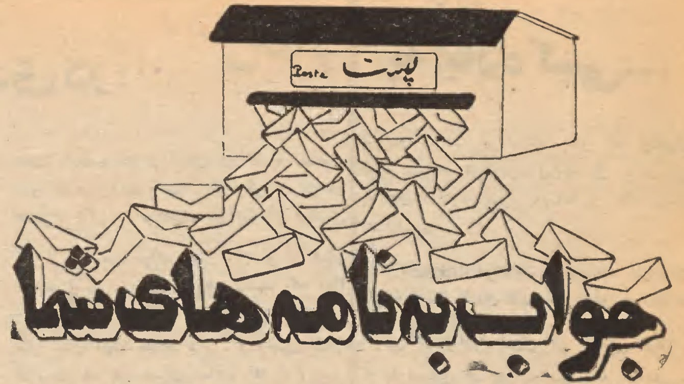
دکورونو ، دایرو او فابریکو جـوړونکــی داهڅه کوی چی مانی او نور ساختمانو نــه داسی ودان کړی چی‌دهغوی تودوخی بیځایه خارج او ضایع نه شی . تر ډیره وخته‌پوری هیڅوك پدی رمزنه پوهیده چـــی نوموړی تودوخی څرنګه اودکوم ځای څخه خارجیږی، خواوس د (ای، وی، ای) په ذریعه دا ممکن شوی چی په خوشیبو کښی داحقیقت څان ته په داګه کړوچی تودوخی تودانی دکوم ایځ نه‌خارج اودتودوخی دخارجیدو دمخنیوی دپاره دی کوم ځایونه باید ترمیم سی .

دطب ډاکتران هم په‌خپل وارد(ای،وی،ای) داستعمال په لټه کښی دی . د (ای، وی، ای) داستعمال څخه دډاکترانو هیله داده چــی شاید ددی‌داسی ناروغیو په کشف بریالی شـی چی تراوسه نه وی کشف شــوی . پوازی دطب ډاکتران نه بلکه نور دبیلوبیلو څانګو پوهان او محققین هم په خپلو مربوطورشتو کښی د (ای، وی، ای) څخه داستفادی پــه غرض بوخت دی څو د (ای، وی، ای) پــه استعمال دخپنو نورو ګټورو اختراعــاتو او ابتکاراتو په منځ ته راوړلو سره بریالی او دخپلو همنوعانو آرامـی او هوسـاینی بشپړه کی .

بقیه صفحه ۲۱

اگرعشق باشد گناهی

* تو کنسرت هم دایر میکنی ؟
* بلی ،-چرا نکنم ؟
* من نگفتم کنسرت دایر نکن اما حالا که علاقه گرفتی میگو یند عد یی مخا لف این مو ضوع اند که با هنر تجارت میشود ؟
* من که با هنر تجارت نمی کنم ؟
* پس تو مفت کنسرت میدهی ؟
* مفت کنسرت نمید هم ، اما تجارت هم نمی کنم ، فقط هنرم را در خدمت مردم خود قرار مید هم و برای آنها که احتیاج بـــه تفریح دارند چنین زمینه یی را مسا عد می گردانم .
** جنگ نکن ، عاید کنسرت هایت چه طور است ؟
* بد نیست .
** تا کنون شده است که در کنسرت ها یت با سا لون خالی و یا نیم خالی روبرو شوی ؟
* اگر بگویم نه ، باور میکنی ؟
* کوشش میکنم .
* پس در این صورت تا کنون استقبا ل از کنسرت هایم بد نبوده است و من واقعاً از مردمیکه به هنرم ارج میگذارند سپا س گذارم .



سلام علیکم دوستان وهمکاران عزیز !

به آرزوی سلامتی وصحتمندی شما می پردازیم به جواب نامه ها :

دوست عزیز پاینده محمدیارپور عضـو مدیریت ریسرچ پروژه بین المللی آبـدات تاریخی هرات !

داستان «لبخندبی تفاوت» را سـر تا پـا خواندیم . وباز هم با تاسف فراوان عـرض شود که داستان هنری غیر از یك مقالـه سیاسی است . در داستان تصویر جـا ی گفتگو های استدلال گو نه را پر میکنـد و نمی گذارد که شعا ر ها و جدل های عریان سر از قالب داستان بکشد . دیدگـاه و خیزگاهٔ فکری نویسنده بسیار مهم اسـت ونمیشود با شیر شتر خوردن وسوسمار ، عرب را بی فر هنگ بگوییم چنانکه درقسمت ازداستان شما خصلت انسانها را از نـوع غذا دریافته اید که نمیدانیم این فورمولـه جدید چگونه است وچطورخصلت آدمی را از غذا پیدا میکنید. ما نمیدانیم آنکه پلـو میخوردوآنکه چلو، ودیگری که پیاوه میخورد وآندیگری ماشاوه، چگونه بدانیم که اینان چگونه فکر مینمایند ؟ ما از شما دوست‌عزیز تقاضا داریم وتا آنجا که میدانیم «پاسخ پیشین شمابه پاسخگو» شخص انتقادپذیری استید وحقایق را صبورانه و مسوولانه قبول می کنید ودرست هم می فهمید که در ایـن موارد یعنی نشریك داستان ویایك پارچـه شعر آنچه لازمست باید توجه داشـت و نویسنده را نیز آگاه ساخت که این نوشته چنین معایبی را داراست ، نه اینکه ازرنجش خاطره نویسنده ترسید وگفتنی هارانگفت . در داستان نویسی استعداد لازم را دارید اما هنوز استعداد تا ن راپرورش نداد ه ایـدو پرورش استعداد فقط با مطالعه میسر است وکنجکاوانه نگـریستن . تقاضا اینسنکـه داستانهای چخوف باب طبع تان است و از اینرو کتابهای او را بگشـایید وبه دقـت بخوانید ومارا هم در تماس بگذارید که چند داستان او را خواندید وچه نتیجه گرفتید . به این انتظار خدا حافظ ، ولی خاطر شمارا جمع کنیم که نشر وچاپ این نوشته را در فکرنه پرورانید ، بلکه این توقع را بـرای داستانهای دیگر بگذارید . ببینیم بعد چه میشود ؟

دوست عزیز محمد یاسین محصل‌انجنیری!

سه پارچه شعر، سرودهٔ طبع شمابه دفتر مجله رسید. در کاغذ، بسیار اقتصاد نموده اید وورقه های کتابچه یادداشت خویش را ناقص ساخته اید . در مطبوعات برای‌آسانی وتسهیل کارهارسم چنین است که بیـك روی ور ق بنویسند و شما هم همین‌کارراکنید ودرهمکاری های آینده مدنظر گیریـد. اینك نمونه از شعر شما :

بسازآن تگرگ های آزادی را- ورروانه‌کن دراین دیاردورافتاده- که کند تگ تگی به بام‌فلك که بگسلدحلقهٔ زنجیرها- وده‌د سلام شادباش‌ها که دهم‌مژدهٔ به‌قلب‌خویش‌که بهارآمد- وده‌د آب‌آن گیاه تو... - چونمایان شوی بساز بهار ...

به‌کی میگویید برادر عزیز کـه بسازد تگرگ های آزادی را، آخر سرهمگان را سوراخ خواهدکرد. یابه‌گونه‌یی ملانصرالدین کنیم. خبرهستی دوست عزیز، که ملا دریك روزبارانی باشتاب وعجله می‌دوید که به‌گوشهٔ فرارود وازریزش باران برکنار بماند . دوستی به اوبرخورد وبه وی گفت : ملا از نعمت خداوند میگریزی ، ملاهوشیارانه گفـت : نه می خواهم نعمت خداوندی رازیرپانکنم .

وبندگان خدا چگونه کنند ؟ اگربه زیر نعمت آزادی روند سر وصورت آسیب می بیند واگربه زیرپا شود شرط انصاف نباشد که آزادی، این بهترین کلمه تکه‌تکه‌گردد... وبه آن قصه ملاواین استنباط از قصه میرسیم به این پرسش که برادر آنچه رابه این دیار دور افتاده میخواهید ، آزادیست یاراکت‌های قاره پیما !! به سر عزیز مبارك تان وروی ندیده تان قسم،که از شعر نفهمیدیم چیزی برادر ، وازاین گفته‌ی ماقهر نشوید برادر، بپذیرید عذرما را سراسر .

دوست عزیز احمدالله داغ عضو محاسبات سپین زر کند !

بعد از سلام چنین مینگارد : «... هرچند شما حقیقت راذکر نموده اید لیکن نه، زیرا حقیقت تلخ است وشما چطور خواسته ایـد در این ماه مبارك رمضان کام دوست تان را تلخ بسازید وشیشهٔ دلش را بشکنانید مگر نمی ترسید من هم میدانم که حقیقت چیست ودر کجاست لیکن تقاضای زمان و خواسته های قلبی چنین است ...» .

وشگفت اینکه، دوست عزیزما شکایتنامهٔ خودرا به رنگ سرخ تایپ نموده و در بالا وذیل آن ارتباطی را باهم گره میزند کـه جالب است، به اینگونه که در پیشانی صفحه «جواب نویس محترم نامه ها» رابـه رنـگ سیاه نگاشته وپایان آنرایعنی ختم‌شکایتنامه رابه نام احمدالله (داغ) مامور محـاسبهٔ سپین زرشرکت کندزبه رنگ سرخ، مگـر کلمه داغ راکه سیاه است، تحریر کـرده که معنای واضح آن رنگ سیاهٔ داغ ازکلمه جواب نویس برخاسته است وواضح ترازینکه این سیاهی راجواب نویس داغ زده است .

دوست مهربان، اگر این شوخی را دردل داشتید که ما تفسیر کردیم بی حد خوش افتید. ولی اینکه حقیقت تلخ است و ماهم جزحقیقت چیز دیگر نگفته ایم وکام شما را درماه مبارك رمضان تلخ کرده ایم، پوزش میخواهیم وشیرینی اش عید را میدهیم کـه خداکندنقل‌وچای بسیار تناول‌کرده باشید ... این چند سخن جدی راهم بگیرید، بکـار می آید گر چه باشد زهرمار . در شعر تان میگویید : بودبهتر به چشمم از بهاران - گلستان رخ آن دلستانم... شاعر را آنتن زمانه گفته اندنه آفتن معشوق ودلستان . از برای یکبار سربه‌گریبان مردم بیاندازید ودرد عشق رابگذارید ، بخصوص این درد موسمی وفصلی راکـه بادیدار قانونی بـه قتلگاهٔ عشق موسوم است . اینك قسمتی از شعر تان :

چومی رفت از بر من یار جانم
ببردی همره اش تـاب و توانم
ز هجر آن پریروی فـر یبـا
بغـم اندر بود روز و شبانـم

فراق او بسی آتش با فـز و د
بـدرد و نالـه و آه و فغـانم
بـود بهتـر بچشمم از بهـاران
گـلستان ر خ آن دلستـانم

مـرا با شد هر آن ساعت بهاری
که کام دل از آن دلبر ستانم

اگـر روزی نه بینم روی او را
بـریـزد خون دل از دیـدگانم

نمیخـواهم کسی دیگـر بر نجد
ز ر نـج و درد قلـب نا توانم

دوست عزیز سیداحمد شاه هجران مامور وزارت تعلیم وتربیه !

نامه شمابه اداره رسید، بخوانید :

« در شماره (۱۷) مجله ژونـدون مصاحبهٔ بامهوش بعمل آمده است که در مورد یکی دوموضوع بالای مهوش انتقاد دارم که ذیـلا تحریر می گردد :

در صفحه (۲۳) مجله در مورد ناشناس ازوی نظرخواسته شد که مهوش چنین‌ابراز نظر کرده است :

«درمورد ناشناس به صراحت میگویم که وی اصلا آن طوریکه دیگران در باره وی قضاوت می کنند آواز خوان تاب نمی باشد وحاضرم این نظرم را ثابت بسازم . د ر موسیقی سور، لـی ، وکیف بسیار مطـرح میباشد واین هارا ناشناس ندارد .»

از مهوش می پرسم که با کدام صلاحیت وعلمیت تان چنین اظهار نظر میکنید یـك هنرمند وقتی میتواند انتقاد کند که حداقل باموسیقی خصوصاباسر، لی، وکیف آشنایی کامل داشته باشد صرف جناب شماتوانستید که بدانید وبگویید که ناشناس هنرمنـد نیست ؟

آیاکدام آهنگ ناشناس بی سر، لی و کیف است ؟

چگونه مهوش بالای هنرمند یکـه تمام افغانستان، هند وپاکستان، ایران واتحـاد شوروی وبعضی ممالك دیگـر با آواز او آشنایی دارند چنین نظر میدهد آیا از این حقیقت انکار میکند که ناشناس پیر وسبك سیگل میباشد حتما میگوید که آوازسیگل هم سر، لی وکیف ندارد .

در مورد استادی شما مردم به درستـی باور ندارند که ازروی سور، لی وکیف به‌شما تعلق‌گرفته باشد واینرا چگونه پاسخ‌میدهید که واقعا استادید ؟نمی دانم‌به کدام دلیـل و برهان در موسیقی، بالای هنرمندیکه تقریبا سی وپنج سال قبل مردم به آوازش آشنایی وعلاقه پیدا کـردند ودارند چنین قضـاوت میکنید وشما که بیش ازچند سال نیست که پابه عرصه موسیقی گذاشته اید . چنیـن سخنانی در زمینه میگویید .

از فهمیده‌گی تان در باره موسیقی و هنر همه بینندگان تلویزیون در یکی ازپروگرام های قطی عطار مطلع گردیده اند .

آیا فراموش گردیده اید که خیال در مورد بعدی‌قطی عطارچه‌چیزهای گفت. من نمیدانـم چرا به میرمن پروین که آواز خوان خوبی فهم شما درموسیقی دریکی ازپروگرام های است ، استاد ی نداد ند که به شما دادند و شمایی‌که آهنگهای اورا کاپی کرده ایـد وباز خوانده اید .

خوانندگان محترم مجله ژوندون چـرا مهوش بالای ناشناس انتقاد کـرده است ؟ جواب آنرا ذیلا تحریر میدارم که از این موضوع شاید کسان‌دیگری هم اطلاع داشته باشند . تقریبا چند سال قبل مهو ش به ناشناس پیشنهاد کرد که باوی آهنگ دو گانه ثبت نماید اما ناشناس حاضر نشـد بازهم مهوش اصرار کرد اما ناشناس حاضر نشد روی این ملحوظ زمینه را مساعد دیده وبه ناشناس انتقاد میکند که خوب نمیخواند چرا وقتیکه ناشناس در کـابل بود چنین انتقاد نکرد ؟

مهوش دریك قسمت مصاحبه خود اظهـار کرده است که حـاضرم باتمام هنرمندان مسابقه بدهم .

حاجت به هنرمندان رادیو نیست بنده که هنرمند رادیو تلویزیون هم نیستم به مهوش اعلام میدارم که بنده حاضر است با مهوش مسابقه آواز خوانی بدهم .» والسلام

مدیر مسوول : راحله راسخ‌خرمی
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان‌زاده
آدرس : انصاری واټ ـ جـوار ریاست مطابع دولتی
تیلفون مدیر مسوول : ۲۶۸۴۹
تیلفون توزیع وشکایات : ۲۶۸۵۹

دولتی مطبعه



شنبه اول سنبله ۱۳۵۹
۲۳ آگست ۱۹۸۰

شمارهٔ (۲۱ - ۲۲)
سال سی و دوم

قیمت یکشماره ۱۳ افغانی